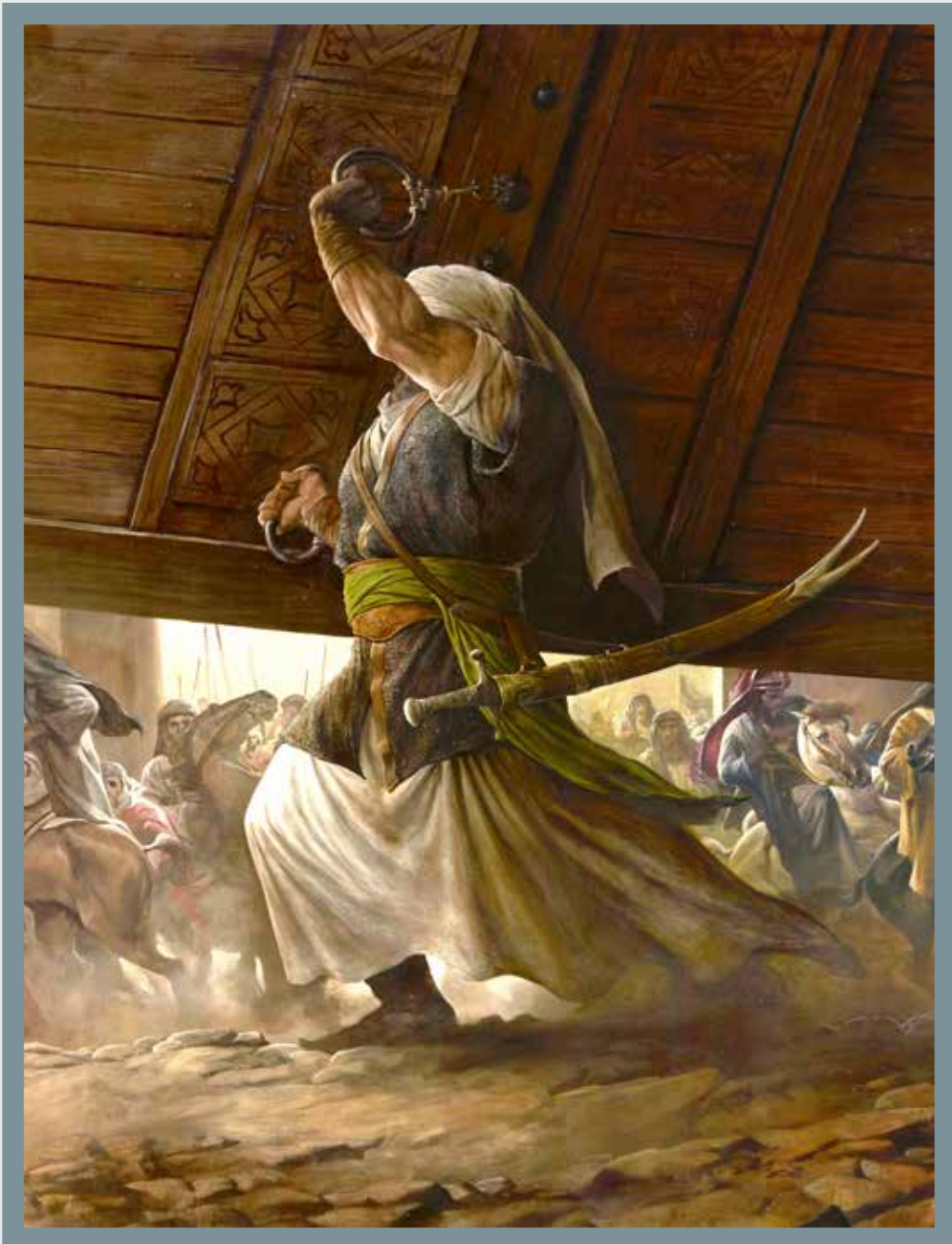




- کوه بلند
- جهاد سبز
- امتداد نور
- نقل گیتی
- مرتبه عالی ایمان

- ولایت، مبنای وحدت
- دوستی حق
- بذر هدایت در جان مسلمانان
- رستگاری در پناه تقوا
- چرا کتاب نمی خوانیم؟



تابلوی «فاتح خیبر»؛ اثر: حسن روح الامین  
رنگ و روغن روی بوم - ۱۸۰\*۲۸۰ سانتی متر



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ مِفْتَاحُ کُلِّ کِتَابٍ  
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ، کلید هر نوشته ای است.

مکتب الرسول ج ۱، ص ۵۶

## اخلاق علوی

تن به پستی نده! | ۴۲

مسخ ارزش ها در جامعه  
موجب ناامنی است | ۴۴

در برآوردن حاجت های مردم  
شکیبا باشید | ۴۸

ایستادگی روی مرزهای اخلاقی | ۵۰

رستگاری در پناه تقوا | ۵۲

پاسداشت کرامت انسانی اساس رفتار  
اخلاقی حضرت علی (ع) بود | ۵۴

کوه بلند | ۵۷

مسلمان واقعی  
مسلمان اخلاقی است | ۵۸

## فرهنگ و هنر

خائنی که قهرمان بود! | ۶۲

قاب جاودانگی قهرمانان | ۶۴

رفیق مردم | ۶۶

خاطرات دهه شصتی ها | ۶۷

روز برمی خیزد | ۶۷

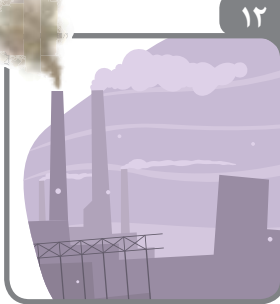
نقل گیتی | ۶۸

روایت دلخواه پسری شبیه سمیرا | ۷۰

۱۰



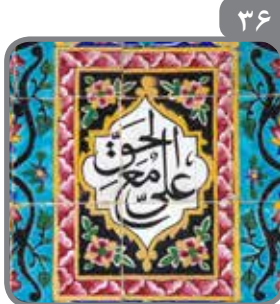
۱۲



۱۸



۳۶



## راهبرد

بحران محیط زیست، حاصل  
خودخواهی انسان است | ۶

جهاد سبز | ۱۰

تخریب محیط زیست معلول  
نابرابری های اجتماعی است | ۱۲

راه حل های بومی  
برای مسائل جهانی | ۱۴

هر ایرانی یک درخت بنشاند | ۱۷

طبیعت برای همه مردم | ۱۸

نگاه به مصلحت جامعه | ۲۰

برهم زدن شرایط زیست انسان  
حیوان و گیاه جایز نیست | ۲۲

## ولایت

ولایت، مبنای وحدت است | ۲۶

ولایت «الله» یا «طاغوت»؟ | ۲۹

چلچراغ وحدت | ۳۰

دوستی حق | ۳۳

بذر هدایت در جان مسلمانان | ۳۴

مرتبه عالی ایمان | ۳۶

امتداد نور | ۳۸

### همکاران:

مجید صالحی، محمد جواد کسمایی، شایان ضیایی  
محمد رضا بختیاری، فرناز رخشنده، حمید پورصمیمی  
محمد جهان شاهی، نازنین رشیدبیگی، محمود اورعی  
مهتاب هاشم زاده، فریده خان محمدی، علی پورمحسنی  
حمید جواد، بهرام جلال وند، بهاره فرج پور

### مدیرمسئول:

عبدالحمید معزی

### سردبیر:

یاسر احمدوند

### معاون سردبیر:

محمد مهدی بیگلری



جمعیت هلال احمر  
جمهوری اسلامی ایران

### صاحب امتیاز:

حوزه نمایندگی ولی فقیه

# مروارید هلال

ماهنامه فرهنگی، اجتماعی بارویکرد دینی

دوره جدید، شماره ۱۷، اسفند ۹۸، سال پنجم

شماره پیاپی ۵۳

جمادی الثانی - رجب ۱۴۴۱، فوریه - مارس ۲۰۱۹

۵۰



انقلاب اسلامی ایران  
ثمره تغییر نگرش ها بود | ۸۵  
مسابقه کتابخوانی و میهمانی لاله ها | ۸۵  
ایران در مسیر پیشرفت محکم تراز  
گذشته قدم خواهد برداشت | ۸۶

## هلال

مرنج و مرنجان! | ۸۸

رفتار منصفانه اولویت اصلی  
در مدیریت بحران است | ۹۰

برنامه ریزی برای قشر جوان  
محور برنامه های ما است | ۹۲

روحیه مقاومت در نسل جوان ما  
زنده و پویا است | ۹۳

همه باید امدادگر باشند | ۹۴

صبوری و ایثار از صفات بارز  
هلال احمری هاست | ۹۶

۵۲۰ طلبه عضو هلال احمر استان  
آذربایجان شرقی هستند | ۹۷

هدف کاروان های سلامت  
کاهش آلام دردمندان است | ۹۸

تجلیل از عملیات های امدادی | ۹۹

اردوی آموزشی و امدادی شاعران  
در کرج | ۱۰۰

۷۲



وقتی امام به کربلا رسید  
باران بارید | ۷۱

رمان چیست و نویسنده کیست؟ | ۷۲

چرا کتاب نمی خوانیم؟ | ۷۲

صد راه | ۷۴

محبت افراطی | ۷۵

عاشق چگونه با آتش برف  
می سوزد؟ | ۷۶

## هلال فجر

ایستادگی مردم ایران  
نعمت بی بدیل خداوند است | ۷۸

همراهی ۸۰ امدادگر هلال احمر  
استان تهران در مراسم دهه فجر | ۷۹

قدرت های جهان در مقابل اراده  
امام خمینی (ره) شکست خوردند | ۸۰

انقلاب اسلامی ایران یک جریان  
ماندگار در طول تاریخ است | ۸۱

تجلیل از جانبازان و خانواده های شهدای  
هلال احمر آذربایجان شرقی | ۸۲

غباروبی و عطرافشانی گلزار شهدا از  
سوی هلال احمر هرمزگان | ۸۳

مقاومت و ایستادگی  
رمز پیروزی ملت ایران است | ۸۴

۸۵



۹۳



● مدیر هنری:

روح اله یاقوتی

● صفحه آرای:

دفتر مشکاة هنر

● چاپ:

واژه پرداز اندیشه

● عکس هلال: رضا احمدوند

● مسئول پشتیبانی: فیروز شیخی

● باسپاس از همراهی:

حامد جبلی، فاطمه صادقی، فرزین صالحی

و مسئولان محترم دفتر نمایندگی ولی فقیه

در جمعیت هلال احمر استان ها

مهروماه از نوشته ها، پیشنهادها و انتقادهای شما استقبال می کند.

لطفاً مطالب خود را به نشانی [mehromah.helal@gmail.com](mailto:mehromah.helal@gmail.com) ارسال فرمائید.

نشانی: خیابان ولیعصر (ع.ع.)، بالاتر از میرداماد، نبش خیابان رشید یاسمی

شماره ۱۳۶۲ - ساختمان صلح | کد پستی: ۱۵۱۷۸۱۳۵۱۱

سامانه پیامکی: ۰۳۰۰۰۴۸۶۶۴۴ | تلفن: ۰۸۸۲۰۱۱۳۶

## جدال با بیماری و نادانی

گسترش دامنه ابتلا به بیماری کرونا مردم کشور را نگران کرده است. تعدادی از هم‌وطنان به این بیماری مبتلا شده‌اند، برخی نیز متأسفانه درگذشته‌اند. فضای عمومی جامعه ملتهب است و هر روز بلکه هر ساعت آمار مبتلایان و فوت‌شدگان اعلام و دنبال می‌شود. وزارت بهداشت، پزشکان و پرستاران و مدیران و کارکنان بخش بهداشت و درمان کشور در تلاشی شبانه‌روزی به کار مقابله با گسترش سریع این ویروس و کمک به بیماران مشغول هستند. جامعه برای حفظ ایمنی و سلامت در تکاپوست.

واقعا شاید بعد از دوران جنگ چنین حالی در میان مردم دیده نمی‌شد. نگرانی فراگیر همراه تلاشی گسترده برای مقابله با دشمن. دشمنی که بی‌رحم است. تهدیدهای پس از جنگ همه از جنس اقتصادی و معیشتی بود که از کمبودها و بحران‌های اقتصادی ناشی می‌شد. این ماجرا اما تن و روان مردم را هدف گرفته است. تنش‌ها را ویروس کرونا و روانشان را ترس و واکنش از گرفتار شدن به دام این بیماری فرسوده می‌کند. این دشمن لشکری دارد که در پشت آن پناه گرفته و جسم و جان مردم را نشانه گرفته است. با سپاهی که جسم مردم را هدف گرفته راحت‌تر می‌توان مقابله کرد تا دشمنی که روان مردم را آماج انواع خبرها و اطلاعات دروغ و انتشار آمار خلاف واقع و بزرگنمایی و شکست‌ناپذیری این بیماری قرار داده است. این ویروس خطرناکتر و دشمنی‌اش کارآتر و زخم‌ش عمیق‌تر است.

مردمی که اعتمادشان را به سازوکار امنیت جسم و جانشان از دست بدهند با هیچ دارویی بهبود نخواهند یافت. رعب لشکری‌گذار است که بزرگترین و آماده‌ترین ارتش‌های جهان و استوارترین تمدن‌ها را بلعیده است.

مهم‌ترین دژ امنیت روانی جامعه ما، باورهای دینی و اعتقاد به نظام پاداش و جزا و حاکمیت و قدرت اراده الله است. این حصن حصین اگر ترک بردارد صلابت و اقتدار روانی و آمادگی روحی جامعه فرو می‌ریزد. در روزهای گذشته این پناهگاه و پشتوانه هدف قرار گرفته است. دو گروه به باور مردم هجوم آورده‌اند:

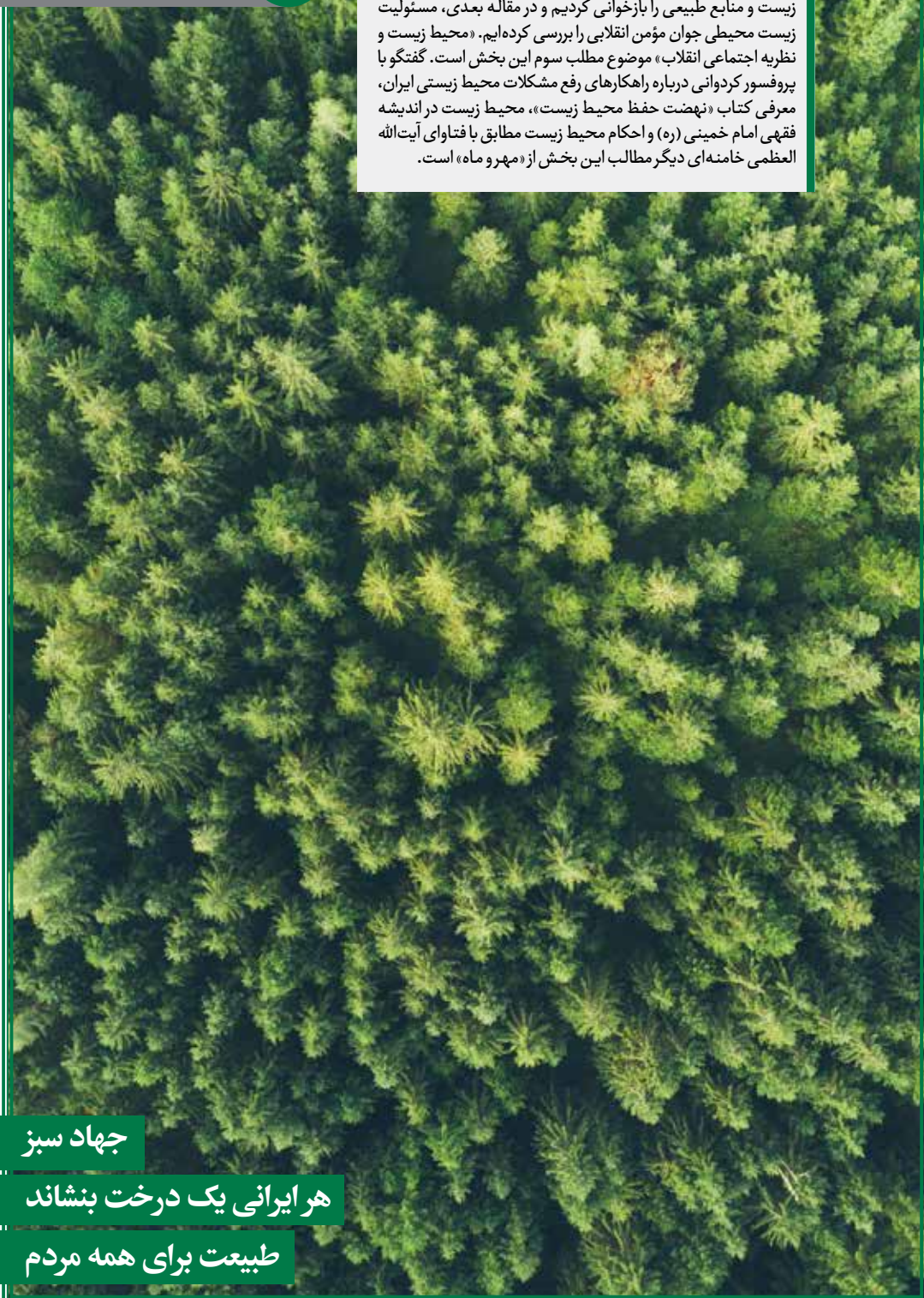
نخست زخم‌خوردگان از این قدرت معنوی که دشمنی‌شان سال‌هاست نقش بر آب و مایه آبروریزی‌شان شده است. این گروه اکنون پیاده نظام‌شان رسانه‌هایی‌اند که تیر تفرقه و نفاق شلیک می‌کنند. هر لحظه با انواع ترفندهای رسانه‌ای اوضاع کشور را بغرنج و تلاش گروه پزشکان و پرستاران را ناکافی و نادرست می‌دانند. تحقیر و خودکم‌بینی را القا می‌کنند. مدیران را دروغگو و رسانه‌های داخلی را پنهان‌کار می‌نامند. تأسف‌بار اما همراهی برخی با آن‌ها در داخل است. اینان نه تنها تلاش پزشکان را ناکافی جلوه می‌دهند بلکه به حصن معنوی و پایگاه‌های دینی و شخصیت‌های مورد اعتماد مردم هجوم می‌برند. سخنانشان را تحریف می‌کنند و افراد حاشیه‌ای را به عنوان نمایندگان و صاحب‌نظران دینی مطرح می‌کنند. بزرگان دینی بر رعایت قواعد و توصیه‌های بهداشتی تأکید دارند. در نگاه دین‌ضرر به خود و دیگران شرعا حرام است و اگر کسی عامدا باعث اضرار به خود شود گناه‌کار است و اگر سبب اضرار به دیگران شود ضامن خواهد بود. گروه دوم عده‌ای هستند که از سر نادانی یا غرض‌ورزی با ادبیات و چهره دین‌رفتاری ناپسند مرتکب می‌شوند اینان نسبتی با دین و عالمان خردورز دین ندارند. رهبر معظم انقلاب با پیام حکیمانه‌شان و حمایت از مجاهدت پزشکان و پرستاران و گروه امدادگران پزشکی راه صحیح در مواجهه با این بحران را که پیروی از دستورات و توصیه‌های پزشکی است نشان دادند. در کنار مراقبت‌های بهداشتی و درمانی اما لازم است با تقویت روحیه معنوی مردم جان و روان آنان را در این بحران نیرومند ساخت. ماه رجب فرصتی است برای جامعه ما تا با بهره‌مندی از برکات معنوی آن و جلای باطن روحیه‌ای مستحکم و عزمی خلل‌ناپذیر ساخت. اگر اراده جامعه محکم باشد و انسجام مردم مخدوش نشود غلبه بر هر مشکلی ممکن است.

اصرف عنا بمسئلتنا ایاک جمیع شرالدنیا و شر الآخرة



۱۵ تا ۲۲ اسفند ماه به عنوان «هفته منابع طبیعی» نامگذاری شده است و نخستین روز این هفته یعنی ۱۵ اسفند «روز درختکاری» است. هر سال رهبر معظم انقلاب به همین مناسبت علاوه بر مشارکت در این اقدام خیر همه مردم را دعوت به درختکاری می‌کنند. در اولین مطلب این بخش بیانات سال‌های گذشته رهبر معظم انقلاب درباره محیط زیست و منابع طبیعی را بازخوانی کردیم و در مقاله بعدی، مسئولیت زیست محیطی جوان مؤمن انقلابی را بررسی کرده‌ایم. «محیط زیست و نظریه اجتماعی انقلاب» موضوع مطلب سوم این بخش است. گفتگو با پروفیسور کردوانی درباره راهکارهای رفع مشکلات محیط زیستی ایران، معرفی کتاب «نهضت حفظ محیط زیست»، محیط زیست در اندیشه فقهی امام خمینی (ره) و احکام محیط زیست مطابق با فتاوی‌ای آیت‌الله العظمی خامنه‌ای دیگر مطالب این بخش از «مهر و ماه» است.

## « راهبرد



جهاد سبز

هر ایرانی یک درخت بنشانند

طبیعت برای همه مردم

حرکت جدی ای باید دنبال کار باشد. البته کارهای خوبی هم در این سال ها انجام گرفته که چشم به آنها هم نمی شود بست.

من چند مطلب را عرض می کنم؛ اولاً نظر اسلام نسبت به زمین و کره خاکی و این مجموعه ای که گاهواره زندگی انسان و محل ولادت و نشو و نما و سپس مرکز بازگشت انسان است؛ نظر اسلام نسبت به زمین و آنچه در زمین است. یکجا قرآن می فرماید: وَ الْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ؛ زمین را - یعنی این کره ارضی را - برای انسان ها ما آفریدیم؛ مال همه است. متعلق به بعضی نیست؛ بعضی حق بیشتری از بعض دیگری ندارند؛ متعلق به نسلی دون نسلی نیست؛ امروز متعلق به شما است؛ فردا متعلق به فرزندان شما، به نوه های شما و به دودمان شما تا آخر و در همه جای سطح کره زمین این چوری است. خلقت زمین مال انسان ها است؛ متعلق به آنها است.

در یک آیه دیگر می فرماید: خَلَقَ لَكُمْ مَافِي الْأَرْضِ جَمِيعًا؛ همه آنچه در زمین است و متعلق به زمین است، برای شما انسان ها آفریده شده؛ بنابراین چون مال خودتان است، به نفع شما است، متعلق به شما است، باید تخریبش نکنید. همه چیزش هم [بازرش] است؛ یک چیزهایی هست که به نظر انسان سطحی ممکن است با ارزش بیاید، چیزهایی هم به نظر او بی ارزش بیاید، اما همه آنها با ارزش است.

یک روزی هم در همین کشور ما کسانی بودند که می گفتند این ماده متعلق به چه درد ما می خورد؛ منظورشان نفت بود. عده ای ممکن است از سرسبزی منطقه شمال کشور لذت ببرند، از کویرها خوششان نیاید؛ اما پروید با آقای دکتر کردوانی بنشینید و ببینید ایشان راجع به کویر چه می گوید. همه آنها مثل هم است؛ همه آنها نعمت است، همه آنها موهبت است، همه آنها هم مال شما است؛ حق ندارید تخریب کنید؛ نه باغ و بوستان را، نه جنگل را، نه مرتع و دشت را، نه کویر را؛ همه آنها متعلق به انسان ها است؛ بایستی از اینها بهره ببرید.

در آیه دیگری می فرماید: وَ اسْتَغْمَرَكُمْ فِيهَا؛ خداوند متعال که خالق این زمین و خالق شما است، شما را موظف کرده است که این زمین را آباد کنید؛ یعنی ظرفیت های موجود در این مجموعه کره ارضی را به فعلیت برسانید. خیلی از ظرفیت ها هست که ناشناخته است، بعد شناخته می شود و بعد اهمیت آنها و ارزش آنها فهمیده می شود؛ این کار کار شما است؛ شما باید بکنید.

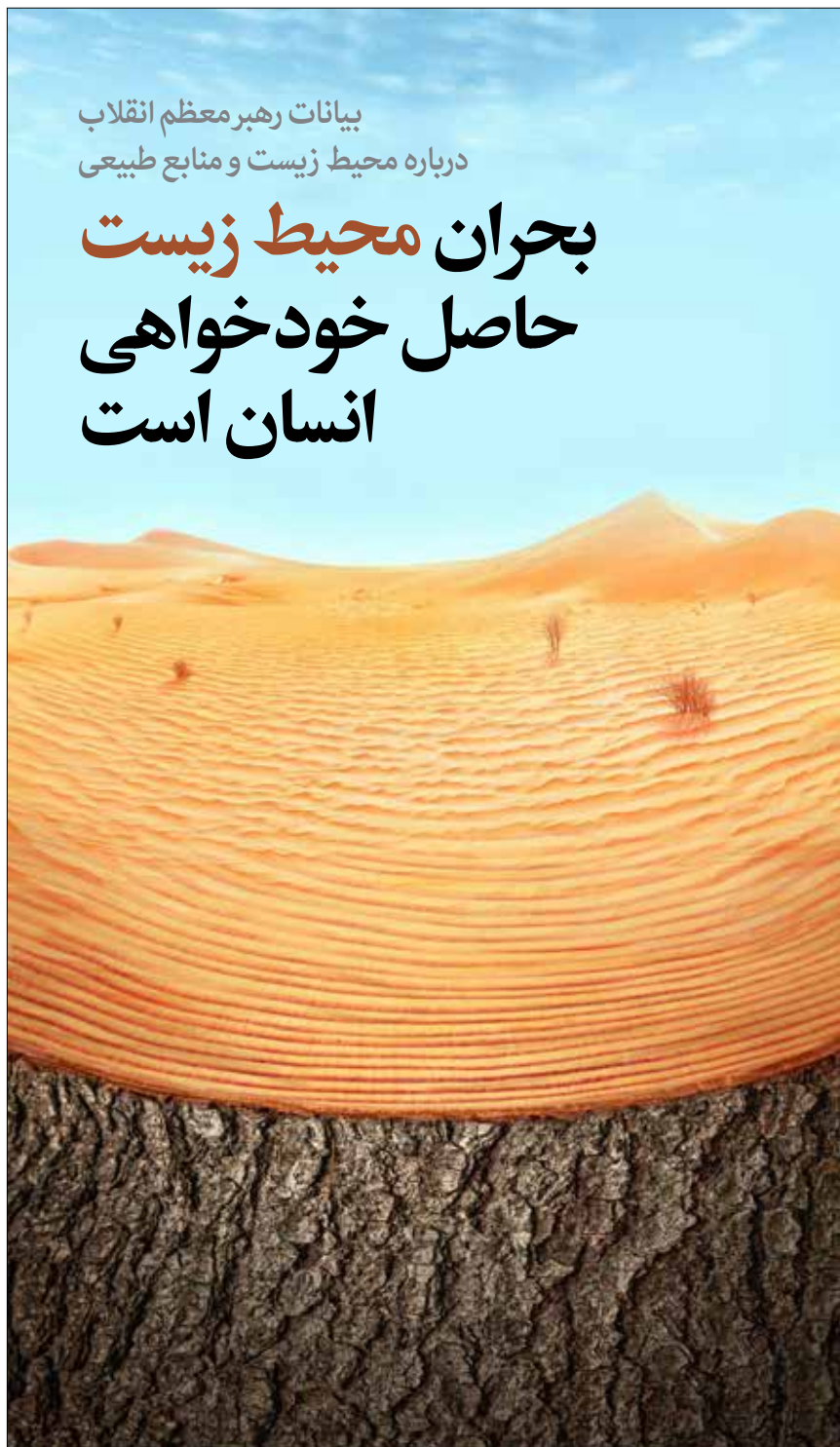
امروز هم که ما خیال می کنیم از همه ظرفیت های زمین داریم استفاده می کنیم، حقیقت مطلب این نیست؛ ممکن است میلیون ها برابر آنچه امروز شما از آب و از خاک و از هوا و از مواد زیرزمینی و از محصولات روی زمین استفاده می کنید، بشود به نحوی استفاده کرد که امروز ما از آن خبری نداریم. باید بشر به طور دائم ظرفیت های جدیدی را پیدا کند؛ از این ظرفیت ها به نفع زندگی بشر استفاده کند.

یک آیه دیگر درباره الدالخصام است؛ یعنی لجوج ترین، خبیث ترین، سرسخت ترین دشمنان که خصوصیاتش برایش ذکر می شود؛ یکی از خصوصیات این است: إِذَا تَوَلَّى

بیانات رهبر معظم انقلاب

درباره محیط زیست و منابع طبیعی

# بحران محیط زیست حاصل خودخواهی انسان است



ما هر سال در هفته نهال کاری و روزهای مربوط به محیط زیست و مانند اینها، به صورت نمادین یکی دو درخت بر زمین می نشانیم؛ احساس وظیفه ای بود که مردم توجه پیدا کنند به مسئله درخت کاری؛ بی تأثیر هم نبوده. خیلی حرف ها گفته شده، توصیه ها شده، لکن توصیه به تنهایی علاج و درمان مشکلات بزرگ نیست. یک تحرک و





مسائل محیط زیست این است که آثار تخریب با آسانی و به زودی ظاهر نمی‌شود؛ وقتی ظاهر شد، علاج آن آسیب‌ها و مشکل‌ها هم بعضاً بلندمدت و بعضاً ناممکن است. فرض بفرمایید که آب شدن یخ‌های قطبی - که منتهی بشود به بالا آمدن سطح آب دریاها و مسائل گوناگون زیستی فراوان دیگری که برایش پیش می‌آید - دیگر چیزی نیست که قابل علاج باشد برای بشر؛ اینها دیگر چیزهایی نیست که بشود در ظرف ده سال و بیست سال و صد سال جبران کرد؛ آثار ماندگاری برای بشریت دارد. یعنی وقتی انسان‌هایی پیدا شدند که احساس مسئولیت نکردند، ثروت‌های عمومی عالم را خواستند تبدیل کنند به ثروت شخصی، از هر امکانی برای فریب کردن وجود خودشان استفاده کنند، نتیجه می‌شود این. قلدری بشر، خطشکنی‌های قلدرمآبانه و گردن‌کلفتی‌های قدرت‌های بشری، قدرت‌های زرو زوردر دنیا و در سطح جهان یک چنین نتایج و آثاری دارد.

اینها در ابعاد جهانی این جور است؛ در ابعاد کشوری هم همین است؛ در ابعاد کشوری هم که ما حالا درباره مسائل کشور خودمان فعلاً داریم بحث می‌کنیم، قضیه این است؛ یعنی آنجا هم آسیب‌ها آسیب‌هایی نیست که به آسانی بشود برطرف کرد. فرض بفرمایید فرسایش خاک در کشور بر اثر سهل‌انگاری‌ها و بدعمل کردن‌ها و ندانم‌کاری‌ها؛ فرسایش خاک چیزی نیست که بعد بشود به آسانی جبران‌ش کرد. قضیه خاک از قضیه آب مهم‌تر است؛ ما مشکل آب هم داریم، مشکل بزرگی هم هست، لکن برای تهیه آب راه‌های فراوانی وجود دارد؛ برای تهیه خاک حاصلخیز این راه‌ها دیگر وجود ندارد. یعنی بی‌توجهی به مبانی حفظ محیط زیست، گاهی اوقات یک چنین مشکلاتی را به وجود می‌آورد؛ آسیبی که وارد می‌شود، آسیبی نیست که بشود [جبران کرد]. می‌شود پیشگیری کرد، می‌شود علاج کرد؛ هم پیشگیری می‌شود کرد بسیاری از این چیزها را - که عمدتاً هم پیشگیری است - هم بعضی‌ها قابل علاج است و بایستی اینها را علاج کرد.

#### آلودگی هوا

حالا فرض بفرمایید مسئله آلودگی هوا. جزو مسائل مهم زیست محیطی امروز ما در کشور، مسئله آلودگی هوا در



اسلام و ادیان الهی خواسته‌اند تعادل میان انسان و طبیعت را حفظ کنند؛ این، آن هدف اساسی و اصلی است. عدم حفظ این تعادل ناشی از عواملی است که عمده‌اش خودخواهی‌های انسان است؛ قدرت‌طلبی است؛ قلدری و گردن‌کلفتی بعضی از ما انسان‌ها است

سعی فی الأرض لِنَفْسِیْذَ فِیْهَا وَ یُهْلِكُ الْخَرْتَّ وَ النَّسْلَ؛ حرث و نسل را از بین می‌برد، فاسد می‌کند؛ کشت را - یعنی تولید گیاهی را و تولید انسانی را - نابود می‌کند و از بین می‌برد. امروز اگر شما نگاه کنید در سیاست‌های دنیا می‌توانید پیدا کنید کسانی را که همین کار را بالفعل با همه ملت‌ها و یا با بسیاری از ملت‌ها دارند انجام می‌دهند؛ اهلاک حرث و اهلاک نسل؛ این را خدای متعال فساد می‌داند، بعد هم می‌فرماید: وَ اللَّهُ لَا یُحِبُّ الْفَسَادَ.

حالا این چند آیه بود که من خواندم؛ ده‌ها روایت با مضامین عالی در اسلام، در متون دینی ما درباره زمین، درباره محیط زیست ما هست. خلاصه اهمیت این قضیه عبارت است از مسئولیت انسان در قبال طبیعت؛ باید احساس مسئولیت کند. همچنان که در قبال انسان‌ها احساس مسئولیت می‌کنیم، در قبال طبیعت هم باید احساس مسئولیت کنیم. اسلام و ادیان الهی خواسته‌اند تعادل میان انسان و طبیعت را حفظ کنند؛ این، آن هدف اساسی و اصلی است. عدم حفظ این تعادل ناشی از عواملی است که عمده‌اش خودخواهی‌های انسان است؛ قدرت‌طلبی است؛ قلدری و گردن‌کلفتی بعضی از ما انسان‌ها است. وقتی این اتفاق نیفتاد - یعنی این تعادل حفظ نشد - آن وقت بحران محیط زیست پیش می‌آید؛ بحران محیط زیست به همه بشر و به همه نسل‌ها آن وقت ضرر می‌زند.

#### چالش جهانی

امروز این بحران مخصوص ما نیست - حالا اگر تعبیر «بحران» صحیح باشد؛ لاقلاً «چالش بزرگ» - این چالش بزرگ، امروز مخصوص ما نیست؛ امروز در همه دنیا این چالش وجود دارد و ناشی از همان عدم احساس مسئولیت است. شما دیدید در قضیه «پیمان کیوتو» آمریکا به عنوان یک دولت قلدر ایستاد - چند سال قبل از این من در نماز جمعه هم مطرح کردم و همین را گفتم - یعنی یک برخورد قلدرمآبانه با یک پیمانی که این پیمان مربوط به یک کشور و دو کشور و این گوشه دنیا و آن گوشه دنیا نیست؛ مربوط به همه جهان است. مسئله گازهای گلخانه‌ای چیزی نیست که به یک کشور و به یک عده از مردم صدمه بزند؛ نه، مال همه بشریت است. منتها مشکل اساسی در باب



جلوگیری از قطع درختان

شهرهای بزرگ کشور است؛ در تهران و کلان شهرهای کشور؛ خب، مسئله مهمی است، این را می شود پیشگیری کرد، می شود هم علاج کرد. اگر ما حقیقتاً با هم همدل، هم زبان، هم نیت نیروهایمان را روی هم بگذاریم - همه کسانی که اطراف این قضیه هستند - این کار را می شود حل کرد. فلان کشور یک پنجم خاک ما وسعت دارد، دو برابر ما جمعیت دارد، مشکل آلودگی هوا را حل کرده؛ پس می شود [حل] کرد. بنابراین این کار ممکن است؛ ما هم می توانیم حل کنیم. مسئله غبار را - به قول معروف این ریزگردها را - مثلاً می شود حل کرد؛ اینها قابل حل است، البته صبر، حوصله، تدبیر، دنبال گیری و این چیزها لازم است. مسئله محیط زیست، مسئله این دولت و آن دولت نیست؛ مسئله طولانی مدت است؛ مسئله زید و عمرو نیست؛ مسئله این جریان و آن جریان نیست؛ مسئله همه کشور است؛ همه باید دست به دست هم بدهند و این مشکل را حل کنند.

سه عنصر اساسی در محیط زیست هست که اینها را بایستی مورد توجه قرار داد: هوا، آب، خاک. همه همت را باید [روی اینها] گذاشت. [طبق] این آماري که به من دادند، در تهران هفتاد درصد مشکل آلودگی هوا، مربوط به حمل و نقل است، سی درصد مربوط به صنایع [آلاینده است - حالا این آماري است که به من دادند؛ ممکن است اندکی کمتر یا زیادتر باشد]؛ در بین شماها متخصصین هستند، اطلاعاتشان ممکن است دقیق تر باشد - خیلی خب، پس [عامل] معلوم شد؛ عامل را وقتی شناختیم، یک قدم به حل مشکل نزدیک شدیم؛ باید با جدیت سراغ این مسئله رفت. این چیزها چیزهای تبلیغاتی نیست؛ اینها از آن اموری نیست که اول تابلویش را باید زد؛ [بلکه] اول باید کار را انجام داد. وقتی کار انجام گرفت، همه مردم بدون تابلو [هم] احساس می کنند.

#### آب

یک مسئله مسئله آب و مصرف آب [است]. من دوسه سال پیش به نظرم در صحبت اول فروردین اشاره کردم که نود درصد آب کشور صرف کشاورزی می شود. همه مصارف دیگر - مصارف شرب و شهر و صنعت و غیره - ده درصد است. ما اگر چنانچه بتوانیم با تدابیری در آن نود درصد که صرف کشاورزی می شود، ده درصد صرفه جویی بکنیم، معنایش این است که به همان اندازه ای که امروز آب برای شرب و شهر و روستاها و صنعت و غیره مصرف می کنیم، به همین اندازه آب در اختیار کشور قرار می گیرد. این چیز کوچکی است؟ این چیز با این عظمت، ارزش این را ندارد که همه مسئولین، دست اندر کار بشوند و بروند دنبال این قضیه؟ با آبیاری قطره ای، با شبکه سازی های درست و خوب [صرفه جویی کنند]. آب پشت سدها را ما اگر چنانچه جمع کنیم، [اما] شبکه سازی درست نکنیم - کمالینکه متأسفانه در موارد زیادی قضیه از این قرار است - خب این آب را در واقع هدر می دهیم. تبخیر می شود می رود؛ علاوه بر اینکه حالا مشکلاتی هم پشت سدها به وجود می آید. کارهای فراوانی است که باید انجام بگیرد؛

اینها جزو چیزهای بسیار مهم است.

#### خاک

مسئله خاک. عرض کردیم فرسایش خاک، در بلندمدت خطر بزرگ تری از کمبود آب است. چند سال قبل از این بحثهای آبخیزداری و آبخوان داری و مانند اینها مطرح شد، کارهایی هم انجام گرفت؛ باید اینها با جدیت و قوت دنبال بشود؛ این کارها متوقف نماند.

یکی از مشکلات عمده ما در کشور - که این را بر حسب تجربه من عرض می کنم به شما برادران و خواهران عزیز - پیگیری نکردن است؛ کار را خوب شروع می کنیم [اما] پیگیری لازم همیشه وجود ندارد؛ در بعضی از موارد چرا؛ هر جا خوب پیگیری کردیم، به نتایج خیلی خوب رسیدیم، در بسیاری از جاها هم کار، وسط کار متوقف می شود، پیگیری نمی شود؛ این یکی از مشکلات اساسی است. هر کدام از شماها در بخش های مختلف، مدیریتی دارید؛ مدیران کشور باید به این مسئله توجه کنند که پیگیری بسیار مهم است.

#### جنگل

یک مسئله مسئله جنگل ها و مراتع است؛ این جنگل های ما و مراتع ما، هم ریه های تنفسی شهرها و محیط های زندگی اند، هم نگهبان خاکند و خاک را که این همه دربار اهتمتیش گفتیم، حفظ می کنند؛ این جنگل ها را باید حفظ کرد. متأسفانه در بخش های مختلف کشور، این جنگل های مترکیم و انبوه شمال کشور بعضاً مورد چپاول و غارت، و بعضاً آخر مورد بی توجهی و بی اهتمتی قرار می گیرد. من تأکید می کنم اجازه ندهید به این جنگل ها دست درازی بشود؛ بخش های مختلف کشور که مسئولیتی در این زمینه دارند، از منابع طبیعی گرفته تا محیط زیست تا بقیه دستگاه های که ارتباطی با این قضایا دارند، اجازه ندهند با بهانه های مختلف - از شهر بازی درست کردن و جذب گردشگر و هتل داری و مانند اینها بگیرد تا مدرسه علمیه و حوزه علمیه؛ همه اینها بهانه هایی می شوند و شده تاکنون - که جنگل های ما دست بخورند، به آنها تعرض بشود؛ به جنگل ها تعدی بشود و تاکنون به جنگل تعدی شده؛ جلوییش را با استحکام کامل بگیرد.

#### زمین خواری

یک مسئله پدیده زمین خواری است. البته پدیده زمین خواری پدیده جدیدی نیست؛ قدیمی است؛ ما از دوره نوجوانی و جوانی مکرر می شنفتیم زمین خواران، زمین خواران! خب، توقع این بوده است که در نظام اسلامی و جمهوری اسلامی این پدیده متوقف بشود؛ اجازه ندهیم کسانی بیایند با دست اندازی به زمین های گوناگون اطراف شهر و حومه های شهر و مناطق خوب، ثروت عمومی را به نوبه خود تبدیل کنند به ثروت شخصی. این بوستان عظیمی که فرض کنید در فلان نقطه شهر واقع است، یک



من تأکید می کنم  
اجازه ندهید به  
این جنگل ها  
دست درازی  
بشود؛ بخش های  
مختلف کشور  
که مسئولیتی در  
این زمینه دارند،  
از منابع طبیعی  
گرفته تا محیط  
زیست تا بقیه  
دستگاه هایی که  
ارتباطی با این  
قضایا دارند،  
اجازه ندهند با  
بهانه های مختلف  
- از شهر بازی  
درست کردن و  
جذب گردشگر و  
هتل داری و مانند  
اینها بگیرد تا  
مدرسه علمیه و  
حوزه علمیه؛ همه  
اینها بهانه هایی  
می شوند و شده  
تاکنون - که  
جنگل های ما  
دست بخورند

شهرداری، هم محیط زیست، هم دستگاه‌های نظارتی - همه اینها - بایستی با این وضع آسف بارمقابله کنند. بالاخره حفظ محیط زیست و رعایت محیط زیست، یک وظیفه حاکمیتی است؛ البته مردم هم نقش دارند؛ مردم می‌توانند نقش‌های خوبی ایفا کنند، همکاری کنند؛ شرطش این است که دستگاه‌های حاکمیتی به‌طور جدی دنبال قضیه باشند. اگر جدیت به خرج بدهند، مردم هم به اینها کمک خواهند کرد.

[پس] اولاً تهیه سند ملی برای مسائل محیط زیست؛ [و بعد] همکاری دستگاه‌ها که اول اشاره کردم که همه دستگاه‌ها باید به جد با همدیگر همکاری کنند؛ [و بعد] پیوست محیط زیستی برای همه برنامه‌های سازندگی.

همه برنامه‌های سازندگی از شهری و صحرایی و صنعتی و بقیه طرحها، حتماً یک پیوست محیط زیستی باید داشته باشد؛ جاژه می‌خواهید بکشید، مشخص باشد که تأثیرش در محیط زیست چیست؛ کارخانه می‌خواهد نصب بشود، باید معلوم باشد که تأثیرش در محیط زیست چیست؛ بعضی از مسائل تجاری، بعضی از نقل و انتقال‌ها و کارهای بازرگانی؛ اینها بایستی پیوست محیط زیست داشته باشد.

دستگاه قضائی و دستگاه‌های ضابط، و پیش از آنها قوانین مجلس، باید روی جرم‌انگاری تخریب محیط زیست تکیه بکنند. البته قوانینی داریم و الان قوانین خوبی هست، منتها بازنگری لازم است؛ بایستی تخریب محیط زیست جرم محسوب بشود؛ به‌عنوان جرم بایستی تعقیب بشود. پالایش و بازنگری قوانین موجود، تقویت نظارت‌های بی‌اغماض - نظارت انجام بگیرد، هیچ‌گونه اغماضی هم در این نظارت‌ها صورت نگیرد و رؤسای دستگاه‌ها شخصاً نظارت کنند - و شاید از جهتی از همه مهم‌تر، فرهنگ‌سازی است؛ فرهنگ‌سازی؛ مردم بدانند که اهمیت حفظ محیط زیست چقدر است. این را از دبستان باید شروع کنیم، در کتاب‌های درسی؛ باید بچه‌های ما اهمیت مرتع و جنگل و هوا و آب و خاک و دریا و مانند اینها را از کودکی بفهمند و روی آن حساس باشند. حفظ حریم محیط زیست باید جزئی از فرهنگ عمومی بشود. البته نقش رسانه ملی را هم نباید نادیده گرفت، بایستی حتماً رسانه ملی نقش ایفا کند اما مردم هم می‌توانند کار کنند. □



از همه مهم‌تر،

فرهنگ‌سازی

است؛

فرهنگ‌سازی؛

مردم بدانند که

اهمیت حفظ

محیط زیست

چقدر است. این

را از دبستان باید

شروع کنیم، در

کتاب‌های درسی؛

باید بچه‌های ما

اهمیت مرتع و

جنگل و هوا و آب

و خاک و دریا و

مانند اینها را از

کودکی بفهمند و

روی آن حساس

باشند

ثروت عمومی است؛ [اینکه] کسانی بیایند با زرنگی، با دست‌کاری کردن قانون، با احیاناً خریدن یکی دو نفر آدم سست عنصر در فلان دستگاه، این ثروت عمومی را تبدیل کنند به ثروت شخصی خودشان، خیلی رنج‌آور است!

حالا بحث زمین‌خواری، یواش‌یواش شده کوه‌خواری! بنده گاهی که می‌روم ارتفاعات شمال تهران و نگاه می‌کنم، انسان واقعاً خیلی متأسف می‌شود. بارها من در دیدار با مسئولین شهری و مسئولین دولتی و مانند اینها این مسائل را در میان گذاشته‌ام. خب تلاش هم کرده‌اند لکن قاطع باید برخورد کنند. مسئولین باید در مقابل این سوءاستفاده‌کننده قاطعیت به خرج بدهند؛ عرضه باید به خرج بدهند؛ نگذارند فلان آدم سوءاستفاده‌چی با شیوه‌های مشخص [سوءاستفاده کند]. انسان از آن بالا که نگاه می‌کند، می‌فهمد و می‌بیند که چه کار دارند می‌کنند. اول می‌روند اجازه می‌گیرند، یک تأسیساتی در انتهای یک زمین درست می‌کنند؛ بعد که انتهای زمین مال آنها شد، همه سطح زمین به‌طور طبیعی قابل نقل و انتقال خواهد شد؛ از این کارها می‌کنند. این شمال تهران و غرب تهران، در واقع مجاری تنفسی شهر تهران است؛ ارتفاعات شمال تهران را یک جور، طرف زمین‌های غرب تهران را یک جور. در مشهد - شهر ما - من رفتم دیدم طرف ارتفاعات جنوب شهر که در واقع مرکز تنفس شهر است، دارند افرادی آن بالا خانه می‌سازند، هتل می‌سازند، ساختمان‌های چند طبقه می‌سازند؛ اینها بد است، اینها غلط است؛ جرم بدانید اینها را. یکی از کارهای اساسی «جرم‌انگاری» در قانون است؛ اینها را باید جرم دانست در قانون و این کسانی که این کارها را می‌کنند تعقیب قضائی کرد. صرف اینکه بروند قلع بنا بکنند، کافی نیست؛ که آن را هم متأسفانه در مواردی نمی‌کنند، کوتاهی می‌کنند.

نباید اجازه داد که منبع شرب تهران مورد تعرض قرار بگیرد؛ منبع هوا و تنفس تهران مورد تعرض قرار بگیرد؛ منابع زندگی در تهران - پایتخت کشور و مرکز دولت اسلامی - مورد تعرض یک عده‌ای قرار بگیرد؛ با اینها باید برخورد کنید. اگر خدای نکرده در داخل دستگاه‌ها کسانی هستند که کوتاهی می‌کنند، با آنها شدیدتر برخورد کنید؛ اینها جزو کارهای لازم و اساسی است. هم منابع طبیعی، هم



برخورد قضایی با زمین‌خواری، کوه‌خواری و ساخت‌وساز در ارتفاعات

## مسئولیت زیست محیطی جوان مؤمن انقلابی چیست؟



# جهاد سبز

ایاسر خانی

امروزی شود و هم بتوان منابع را به گونه ای برای نسل آینده به عنوان میراثی ماندگار حفظ کرد. دریکی از تعاریف توسعه پایدار آمده است که توسعه پایدار، دستیابی به اهداف اقتصادی و اجتماعی است؛ به گونه ای که در بلندمدت منابع نگهداری شوند، محیط زیست محافظت شود و تندرستی و رفاه انسان ها تضمین گردد.

همان گونه که بیان شد، برای آنکه جامعه به صورت پیوسته پیشرفت و ارتقا پیدا کند، ناگزیر به بهره گیری از طبیعت است، اما بهره گیری از طبیعت همواره باید با این نگاه صورت گیرد که منافع نسل آینده نیز در نظر گرفته و تضمین شود. به عبارت دیگر، در بهره گیری از محیط زیست و منابع طبیعی، باید توجه داشت که منافع شخصی و کوتاه مدت اقتصادی، تنها ملاک عمل نباشد و منافع طولانی مدت نسل ها هم مورد توجه قرار گیرد.

اهمیت حفظ منابع طبیعی و محیط زیست تا بدان جاست که در قانون اساسی به صراحت به این موضوع اشاره شده و آمده است: فعالیت های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیر قابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است.

### تجملاتی نیست

یکی از مسائلی که در زمینه محیط زیست باید مورد توجه قرار گیرد، این است که حفظ محیط زیست یک امر حیاتی است و امری تجملاتی نیست، حفاظت از جنگل ها و پوشش گیاهی، مصرف بهینه آب و حفاظت از خاک و دیگر موجودات زنده، همگی برای بقای انسان و زندگی مطلوب مادی و معنوی او درجه بالایی از اهمیت را داراست.

متأسفانه آلودگی هوا در شهرهای بزرگ و صنعتی، در چند سال اخیر بسیار چشمگیر شده است. علاوه بر آلودگی های ناشی از فعالیت های زندگی ماشینی و صنعتی، اخیراً بحث ریزگردها نیز باعث شده است زندگی بخشی از مناطق جنوبی و غربی کشورمان با مشکلاتی مواجه شود. دانستن این موضوع که ریزگردها بر روی مسائل اقتصادی و کشاورزی هم اثرات سوئی ایجاد می کند، نگرانی ها را دوچندان می سازد. در برخی مناطق کشور نیز شرایط زمین های کشاورزی، به دلیل بهره برداری بیش از حد و نادرست و بدون توجه به ظرفیت زمین، باعث شده است که حاصلخیزی سابق را نداشته باشند. استفاده از کودهای شیمیایی نیز باعث آلودگی بخش هایی از آب های زیرزمینی شده است. موارد اشاره شده، برخی از دلایل اهمیت پرداختن به مسائل زیست محیطی است که به دلیل عدم توجه در گذشته، باعث کاهش کیفیت زندگی در بخشی از مناطق کشور شده و در صورت نپرداختن جدی به آن، می تواند مشکلات بیشتری برای نسل بعدی به وجود آورد.

### مردمی سازی

برای برون رفت از بحران های زیست محیطی، یقیناً دولت ها می بایست تمهیدات لازم را به عمل آورند. مسأله محیط زیست برای دولت ها می بایست از یک موضوع

هر ساله، در هفته منابع طبیعی، رسانه ها و البته مردم منتظرند تا تصویر کاشت نهال از سوی رهبرانقلاب را مشاهده کنند. سنتی که در طول سال های اخیر همواره مورد تأکید ایشان بوده و برانجام آن اهتمام ورزیده اند. ایشان دریکی از همین مناسبت ها درباره اهمیت درخت کاری چنین گفتند: «کار ما که درخت می کاریم، یک کار نمادین است. ما یک درخت می کاریم، معنایش این است که جوان ها که چندین برابر نیروی یک آدم یا به سن گذاشته ای مثل ما دارند و نشاط بیشتری دارند، تعداد بیشتری درخت بکارند و مردم عزیز کشورمان عادت کنند به سنت ایجاد این وسیله حیات.»

البته اهتمام به کاشت درخت را می توان یکی از مصادیق توجه رهبرانقلاب به موضوع مهم تری به نام «محیط زیست» دانست. آلودگی هوای تهران شاید مهم ترین معضل زیست محیطی بود که تا چند سال پیش مطرح می شد، اما امروزه در مورد شهرهای مختلف به کرات این خبر به گوش می رسد و مردم بسیاری از نقاط کشور از آن رنج می برند. آلودگی هوا که بخشی از آن ناشی از فعالیت کارخانه ها و صنعتی شدن است، تنها یکی از معضلات زیست محیطی این روزهای کشور ماست.

خشک شدن دریاچه هایی نظیر دریاچه ارومیه و هامون در اثر خشکسالی و اجرای پروژه های عمرانی بدون در نظر گرفتن شرایط زیست محیطی نیز امروزه از مشکلات دیگر به وجود آمده است. از بین رفتن جنگل ها و پوشش گیاهی نواحی شمالی کشور و مشکلات و تهدید جنگل های زاگرس در اثر نفوذ گردوغبار و آزان بدتر، دفن زباله های شهری در مناطق جنگلی، باعث از بین رفتن بیش از شش هزار هکتار از جنگل های کشورمان در سال می شود. همه این موضوعات، جزو مسائلی بودند که در طول این سال ها جزو مطالبات و دغدغه های رهبرانقلاب محسوب شده و می شود.

وضعیت فعلی محیط زیست در کشور و بحران های حاصل از آن در شرایطی است که ایران مبتنی بر سند چشم انداز ۲۰ ساله می بایست به کشور اول منطقه در حوزه های مختلف و مخصوصاً اقتصادی تبدیل شود و نیک می دانیم که امروزه، موضوعی به نام «توسعه پایدار» در نسبت تام با مسأله محیط زیست است.

### توسعه پایدار

از توسعه پایدار تعاریف گسترده ای شده است، ولی آنچه در تمامی تعاریف مشترک است، استفاده از منابع طبیعی و خدادادی به گونه ای است که هم باعث رشد و بهره مندی جامعه



بهبود شرایط فعلی جز با حرکت جهادگونه مردم و علی‌الخصوص «جوانان مؤمن انقلابی» امکان‌پذیر نیست. جوان مؤمن انقلابی می‌بایست دغدغه حفظ محیط زیست و رفع معضلات و مشکلات آن را در تمام روزها و هفته‌ها و سال‌ها را به عنوان یکی از دغدغه‌های همیشگی خود مد نظر داشته باشد

الگویی برای بسیاری از دولت‌های برخاسته از اراده مردم تبدیل شده است و عملکرد ایران برای مردم و این حکومت‌های جدید، مانند الگویی برای مسیر پیشرفت، رصد می‌شود. از این رو، ایران باید الگویی جامع در مورد نحوه حفاظت از محیط زیست به منظور بهره‌مندی داخلی و بومی ارائه کند تا موضوع محیط زیست، که در تمدن‌سازی نقش حائز اهمیت دارد، مطلوبیت داشته باشد. وضعیت مطلوب در محیط زیست ایران بر مبنای الگوی ایرانی-اسلامی پیشرفت، به صورت زیر ترسیم شده است:

- بهره‌مند از آب، هوا، خاک سالم و پاک و تنوع زیستی مطلوب، ایمن و پایدار در تراز جهانی
- دارای نظام‌های سیاست‌گذاری و اجرایی، شهروندان و جامعه آگاه، علاقه‌مند و عامل به دانش، اخلاق، اصول و هنجارهای محیط زیستی
- معیار پیشرفت و پیش‌تاز در عرصه کاربست و گسترش کارآفرینی با فناوری‌های نوین محیط زیستی در سطح کشورهای منطقه و جهان اسلام
- برخوردار از منظر روح بخش، جذاب و منتخب برای گردشگران همچنین بر اساس سند ملی محیط زیست، ایران باید جایگاه اول در منطقه را از جهت کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای، استفاده از انرژی‌های پاک و تجدیدپذیر، تولید و بهره‌برداری از علم و فناوری محیط زیستی، سهم کارآفرینی محیط زیستی از تولید ناخالص داخلی، سهم مشارکت شهروندان و تشکل‌های مردمی داشته باشد.
- به نظری رسد که برای تحقق اهداف سند ملی محیط زیست، بیش از هر عاملی، مشارکت جوانان می‌تواند مؤثر واقع شود و ضروری است جوانان مؤمن انقلابی، با عزم جهادی خود، به مشارکت و تلاش علمی و عملی برای ارتقای حفاظت از محیط زیست و آبادانی ایران اسلامی بپردازند تا کم‌کاری‌های گذشته جبران شود و مردم کشورمان در افاق ۱۴۰۴، از زندگی با کیفیت‌تر و سالم بهره‌مند شوند و ایران به عنوان الگویی منطقه‌ای در حفاظت از منابع طبیعی و محیط زیست سالم، مطرح شود. از این روی، به نظر می‌رسد بهبود شرایط فعلی جز با حرکت جهادگونه مردم و علی‌الخصوص «جوانان مؤمن انقلابی» امکان‌پذیر نیست. جوان مؤمن انقلابی می‌بایست دغدغه حفظ محیط زیست و رفع معضلات و مشکلات آن را در تمام روزها و هفته‌ها و سال‌ها را به عنوان یکی از دغدغه‌های همیشگی خود مد نظر داشته باشد. □

تشریفات یا درجه‌دو خارج شده و به عنوان موضوعی که مؤثر بر زندگی و سلامت و پیشرفت مردم و جامعه است تبدیل شود. به همین علت رهبر خطاب به مسئولین امر می‌فرماید: «من خواهش می‌کنم مسئولینی که در بخش‌های مختلف هستند، به این نکته توجه کنند که نگاه به مسئله آب و هوا، نگاه به مسئله غبار، نگاه به مسئله دود، نگاه به مسئله هوای سالم، نگاه به مسئله آب سالم، نگاه به محیط زیست سالم، نگاه به مسئله جنگل‌ها، نگاه‌های اصلی است. اینها را در متن برنامه‌ها، در مجاری همه برنامه‌های زندگی بگنجانند.»

اما از سویی دیگر، با توجه به اینکه فعالیت‌های حفاظت از محیط زیست بسیار وسیع است، در همه کشورها، دولت‌ها به تنهایی از عهده تمامی امور زیست محیطی بر نمی‌آیند و نیاز به مشارکت همگانی در حفاظت از محیط زیست دارند. بنابراین مسئولین باید در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های خود، شرایط را برای حضور آحاد «مردم» فراهم نمایند تا در این زمینه، از مشارکت آن‌ها حداکثر استفاده به عمل آید.

رهبر انقلاب هم با توجه به تجربه کمک گرفتن از مردم در مدیریت کشور می‌فرماید: «از اول انقلاب تا امروز هر وقتی هر کاری را محول به مردم کردیم، آن کار پیش رفته است، هر کاری را انحصاری در اختیار مسئولان و رؤسا و مانند اینها قرار دادیم، کار متوقف مانده است.»

بر مبنای قانون اساسی نیز در جمهوری اسلامی، حفاظت از محیط زیست، که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌شود. ملت ما و خصوصاً جوانان مؤمن و انقلابی، که همواره در تمامی مقاطع انقلاب نقش سازنده‌ای داشته‌اند، هم‌اکنون نیز باید به فعالیت‌های خود در زمینه محیط زیست و مشارکت در این عرصه، رونق بیشتری دهند و خلأهای موجود در این عرصه را با نقش‌آفرینی خود پر کنند.

#### □ الگویی برای ساخت تمدن نوین اسلامی

بنا بر گفته رهبر انقلاب، هدف کلان انقلاب اسلامی، ساخت «تمدن نوین اسلامی» است. از سویی دیگر، ایران با تغییرات ژئوپلیتیکی منطقه و پیش‌تازی انقلاب خود، به



◦ مرور برخی از توصیه‌های رهبر انقلاب اسلامی درباره توجه به محیط زیست که طی سالیان گذشته بیان شده است

محیط زیست و نظریه اجتماعی انقلاب

# تخریب محیط زیست معلول نابرابری های اجتماعی است

مجتبی نامخواه

انقلاب اسلامی ایران براساس نگره‌ای مشخص به جامعه و تحولات آن شکل گرفته و به پیروزی رسیده است. هرچند این نگاه تا حدودی غیرمدون است، اما با تمام تنوع و تکثری که دارد، در شرح‌های مختلف متفکرین انقلاب بازتاب یافته و از وحدتی انگاره‌ای برخوردار است. این اندیشه که می‌توان از آن به «نظریه اجتماعی

انقلاب اسلامی» یاد کرد، کم‌وبیش مهم‌ترین مسائل حیات اجتماعی را مورد بررسی قرار داده است. یکی از مهم‌ترین مسائلی که از منظر این تفکر و متفکرینش تبیین و تشریح خاصی یافته، مسئله «محیط زیست» و چالش‌های این حوزه است. انقلاب اسلامی فرزند زمانه مدرن نیست و اساساً آمده تا زاینده زمانه دیگری باشد. با این همه، خود در زمانه‌ای متولد شده که محیط زیست یکی از بحران‌های اساسی آن است. پیوند محیط زیست و زیست اجتماعی انسان‌ها، زمینه‌ها و پیامدهای چالش‌های محیط زیست را به مسئله‌ای اجتماعی تبدیل کرده است. نظریه اجتماعی‌ای که انقلاب اسلامی پیش می‌کشد، در این باره حرف‌هایی جدی، اما همچنان ناشنیده دارد. این یادداشت می‌کوشد در حد توان، این حرف‌ها را پژواک دهد. علاوه بر قانون اساسی جمهوری اسلامی که در اصل پنج‌گام خود حفاظت از محیط زیست را یک وظیفه عمومی قلمداد می‌کند، این مسئله در اندیشه امام خمینی رحمه‌الله علیه و متفکران انقلاب اسلامی نیز بازتاب داشته و به نوعی دغدغه آنها بوده است. در این میان، آیت‌الله خامنه‌ای در طی مدت رهبری‌شان، دیدگاه منسجمی را درباره محیط زیست می‌پروراند که در استدلال‌هایی قابل توجه، به برخی از بنیادی‌ترین پرسش‌های اجتماعی مطرح در زمینه محیط زیست پاسخ می‌دهد. در ادامه می‌کوشیم به جمع‌بندی این دیدگاه بپردازیم.

خاستگاه بحران‌های زیست محیطی

مهم‌ترین داده یک نگرش اجتماعی پیرامون محیط زیست و چالش‌های آن در زمینه تحلیل خاستگاه چالش‌های زیست محیطی است. تصویری که یک دیدگاه از زمینه‌های شکل‌گیری بحران و رفع آن به دست می‌دهد، پایه تفسیری است که از چگونگی رفع بحران دست خواهد داد. رهبر انقلاب در این زمینه مشخصاً بر دو سطح تحلیل دست می‌گذارند. سطح اول تحلیلی انسان‌شناختی و سطح دوم تحلیلی اجتماعی از مسئله است.

تحلیل انسان‌شناختی

هرچند در اندیشه اجتماعی متفکرین مسلمان از «انسان» و «جامعه» سخن به میان می‌آید، اما یادآورانه فرد-جامعه تفاوت دارد. «انسان» در این سنت فکری، همان «فرد» نیست. جامعه در برابر فرد مطرح می‌شود، اما در امتداد انسان است. از سوی دیگر، در این تفکر، عبودیت انسان در برابر خدا سرچشمه همه ارزش‌های انسانی است: «سرچشمه همه فضایل انسانی و کارهای خیری که انسان ممکن است انجام بدهد (چه در حوزه شخصی، چه در حوزه اجتماعی و عمومی)، همین احساس عبودیت در مقابل خداست.» در برابر این عبودیت و خداپرستی، منیت و خودپرستی قرار دارد که «منشأ همه آفات اخلاقی و عوارض و نتایج عملی آنهاست.» این خودپرستی و خودبینی در سه سطح قابل تمییز است: «خودبینی و خودخواهی در مقابل خداوند متعال» که از آن به «طاغوت» تعبیر می‌شود: «خودبینی در مقابل انسان‌های دیگر» که «نتیجه‌اش می‌شود نادیده گرفتن حقوق دیگران» و «خودبینی در مقابل طبیعت». آیت‌الله خامنه‌ای این چنین استدلال می‌کنند که «تضییع محیط طبیعی» و «نادیده گرفتن محیط طبیعی زیست» نتیجه این سطح از خودبینی است. بر این اساس، بحران محیط زیست تابعی است از طغیان و خودخواهی انسان. جامعه در تداوم انسان است و پیدایی این چنین انسانی سطحی دیگر از تحلیل را شکل می‌دهد که عبارت است از برهم خوردن روابط توحیدی در جامعه.

تحلیل اجتماعی

سطح دیگر تحلیل پیدایش بحران محیط زیست، تحلیل اجتماعی است. این سطح از تحلیل، پاسخ روشنی می‌دهد به اینکه بروز چالش‌های زیست محیطی نشانه و معلول چه روابط و وضعیتی در جامعه است و عامل اصلی تخریب محیط زیست چه کسانی هستند؟ در دیدگاهی که رهبر انقلاب می‌پروراند، این پرسش‌ها به خوبی تشریح می‌شود. ایشان استدلال می‌کنند که چالش‌های زیست محیطی امتداد «نابرابری‌های اجتماعی» است که در محیط طبیعی بروز و ظهور یافته و عامل اساسی در این چالش‌ها عبارت است از «اقلیتی مرفه و ثروتمند». «تخریب محیط زیست معلول نابرابری‌های اجتماعی و استفاده غلط از طبیعت و یکی از عوامل تضییع حقوق انسان‌هاست. متأسفانه در جهان امروز، اقلیتی مرفه و ثروتمند از همه امکانات و مواهب طبیعی و سالم بهره‌برداری می‌کنند، ولی اکثریت ملت‌ها محکوم به زندگی در شرایط محیطی آلوده و غیربهداشتی و تن دادن به عوارض سوء و انواع بیماری‌ها و پذیرفتن بلا و مصیبت و مرگ می‌برند.» این تحلیل علاوه بر آنکه چالش‌های زیست محیطی در سطحی جهانی را تبیین می‌کند، ماهیت چالش محیط زیست در درون کشور را نیز بیان می‌کند و بر «شیوه‌های ناصحیح و غیرعادلانه در تعامل با طبیعت و آلوده ساختن محیط زیست در کشورمان» انگشت می‌گذارد و راه حل را در «جامعه‌ای سالم و به‌دور از فاصله طبقاتی» می‌داند.

#### مسئله حیاتی

مسئله قابل بررسی دیگر این است که از منظر این تفکر، «اهمیت» مسئله محیط زیست چگونه و به چه میزان قائل است، اما تفاوت در اهمیت و اولویتی است که برای این مسئله قائل اند. از منظر انقلاب اسلامی، محیط زیست یک مسئله اصلی به حساب می آید: «برای ما مسئله محیط زیست یا حفظ منابع طبیعی، مسئله ای تجمعاتی و درجه دو نیست؛ یک مسئله حیاتی است.»

کافی است به عرصه اجتماعی کشور نگاه کوتاه بیندازیم. با وجود چالش های فراوان زیست محیطی و منهای ابعاد تبلیغاتی اخیر، از فعالان فرهنگی گرفته تا فعالان سیاسی و اقتصادی، برای کمتر کسی محیط زیست مسئله ای اصلی است. چرا؟ ریشه این وضعیت را می توان در دو سنخ تفکر پیگیری نمود. دو تفکری که در برابر اصل انقلاب اسلامی قرار داشتند، «غیر» های اصلی هستند که از بسط نظریه اجتماعی انقلاب درباره محیط زیست نیز جلوگیری می کنند و آرام اما بی صدا، محیط زیست را به مثابه مسئله ای درجه دو و کم اهمیت طرح می کنند. یکی تفکری تاجرمانانه که اساساً هیچ ارتباطی با مسائل جامعه کنونی ندارد و دیگر تفکری تجددمآبانه است که در سطحی روبرویی، محیط زیست را به مثابه امری تقلیدی و نمادین بازتولید می کند، اما در سطح بنیادین تر آری به تفوق اقتصاد و تکنولوژی بر محیط زیست می دهد.

شاید نیاز و فرصت طرح و تأکید بر این نکته نباشد که این دو تفکر و تقابل شان با تفکر انقلاب اسلامی در کلیت خود و همچنین در خصوص مسئله محیط زیست، بنیادین است و ریشه در نوع نگرش هستی شناختی این نگره ها به دین، دنیا و آخرت دارد. همان گونه که حضرت آیت الله خامنه ای تشریح نموده اند، تفکر انقلاب اسلامی بر پایه نگرش توأمان به این دو ساحت حیات انسانی بنیان نهاده شده است؛ تفکری که ایشان از آن به «اسلام دنیا و آخرت» تعبیر می کنند. در برابر این تفکر، دو مسیر متمایز قرار دارد: یکی تفکر تاجرمانانه که بر آخرت منهای دنیا تأکید دارد و دیگری تفکر تجددگرایانه که بر دنیای منهای آخرت تأکید می کند. برخی از موضوع این دو تفکر به تفسیر اسلام

دو تفکری که در برابر اصل انقلاب اسلامی قرار داشتند، «غیر» های اصلی هستند که از بسط نظریه اجتماعی انقلاب درباره محیط زیست نیز جلوگیری می کنند و آرام اما بی صدا، محیط زیست را به مثابه مسئله ای درجه دو طرح می کنند

پرداخته اند. رهبر انقلاب، اسلام حاصل از فعالیت فکری - تفسیر این دو جریان را در چارچوب «اسلام دنیاپرستی» و «اسلام رهبانیت» مفهوم سازی می کنند. ایشان استدلال می کنند که پیش از انقلاب این دو اسلام اخیر، وضعیت غالب در جامعه بودند و انقلاب اسلامی در یک تعبیر عبارت است از جایگزینی «اسلام دنیا و آخرت» با «اسلام دنیاپرستی یا رهبانیت».

حضور و حیات این دو اسلام پس از انقلاب، طبیعی است که کم رنگ تر شده باشد، اما این به آن معنا نیست که کمتر شده، بلکه صراحتش کمتر شده است. در اثر سرایت آرام و پنهان لایه هایی از این دو تفکر است که اهمیت محیط زیست رنگ می بازد و به مثابه امری درجه دوم مطرح می شود. در اثر رگه های از التقاط تاجرگرایانه است که صورتی بسیط از «کار فرهنگی» به عنوان صورت غالب فعالیت اجتماعی نیروهای انقلاب ترویج می شود که منهای اولویت مسئله محیط زیست (و به طور کلی عدالت) است و اغلب ناظر به اخلاق، احکام و عقاید فردی قرار دارد. در سوی دیگر، رگه هایی از تجددمآبی صورتی از توسعه تک ساحتی را غالب می کند که در آن، اقتصاد و صنعت بر محیط زیست و کشاورزی تفوق می یابد. شاید به نوعی بتوان گفت استدلال استعارگی که رهبر انقلاب مطرح کردند، ناظر به همین دو وجه است: «هتل» و «حوزه علمیه» آن گاه که در بستر نگرش توأمان به دنیا و آخرت نباشند، می توانند نماد «دنیای منهای آخرت» و «آخرت منهای دنیا» باشند.

لایه هایی از تفکر دنیاگرایی منهای آخرت از سوی ماتریالیست های نظری (مارکسیسم) و عملی (کاپیتالیسم) و تجددمآبان و آخرت گرایی منهای دنیا از سوی متحجران مقدس مآب با سیاست زدگی اصحاب قدرت ترکیب می شود و ملغمه ای محافظه کارانه و عمل گرایانه به وجود می آورد که همه تفکر انقلاب اسلامی و از جمله دیدگاه آن در باب محیط زیست را در دو سطح اجتماعی و حاکمیتی زمین گیر می کند. یکی «امکان» جنبش زیست محیطی را از میان برمی دارد و دیگری «دستگاه ها» را به چنان توسعه ای مشغول می سازد که از مسئولیت حاکمیتی حفظ محیط زیست بازمی ماند.

#### چه باید کرد؟

از منظر رهبر انقلاب اسلامی، در زمینه محیط زیست ما با یک دوگانه حق - تکلیف مواجهیم. «حق محیط زیست» که در آن مردم صاحبان اصلی هستند و حفظ محیط زیست که یک «وظیفه حاکمیتی» است و در آن، حکومت واجد مسئولیت اصلی است. حل چالش های زیست محیطی منوط به حرکت توأمان و متقابل این حق و تکلیف است. □



مرور برخی از توصیه های رهبر انقلاب اسلامی درباره توجه به محیط زیست که طی سالیان گذشته بیان شده است

گفتگو با پروفسور کردوانی  
درباره راهکارهای رفع مشکلات محیط زیستی ایران

## راه حل های بومی برای مسائل جهانی

علیرضا خورشید

متأسفانه بعضی مواقع شاهد تخریب محیط زیست و از دست دادن چنین ظرفیت هایی هستیم. این در حالی است که رهبرانقلاب با استناد به آیه شریفه «خلق لکم مافی الارض جمیعاً» همه پدیده های محیط زیست را از نعمات الهی و تخریب آنها را حرام می دانند.

مشکلات زیست محیطی در ایران دو دلیل عمده دارد. یکی فرهنگ غلط استفاده از آن و یکی هم سیاست های اشتباه در سطح کشور که شاید این موضوع پررنگ تر باشد. در دهه های گذشته، تصمیمات کلانی به اشتباه گرفته ایم که می توانست آسیب هایی به مراتب بیشتر به محیط زیست کشورمان وارد کند. جالب اینکه این موضوع در همه دولت ها، علی رغم تفاوت هایی که به لحاظ رویکردی باهم داشته اند، اتفاق افتاده است.

**در حالی که بسیاری از کشورهای پرجمعیت تر و کم مساحت تر از ایران، مشکل آلودگی هوا را حل کرده اند، این مسئله سال ها است در شهرهای صنعتی ایران ادامه دارد. دلیل این امر چیست و دیگر کشورها برای حل آن چه کرده اند؟**

باید مدیریت و سیاست گذاری در چگونگی مواجهه با محیط زیست را تغییر بدهیم، وگرنه با این روند فعلی، به هیچ عنوان وضعیت آلودگی هوا بهبود پیدا نمی کند. کشورهایی هستند که جمعیت شان بسیار بیشتر از ماست و بالطبع چند برابر ما وسایل نقلیه موتوری دارند، اما از هوای سالمی برخوردارند. دلیل این امر، رعایت چند نکته است. اول اینکه وسایل نقلیه ما به روز نیستند؛ یعنی هم بیش از حد سوخت مصرف می کنند و هم احتراق کامل ندارند که همین باعث تولید گاز مضر منواکسیدکربن می شود.

حفظ و نگهداری محیط زیست طبیعی کشورمان از جمله مسائلی است که بارها در بیانات رهبرانقلاب مورد تأکید قرار گرفته است. ایشان در دیدار مسئولان و فعالان محیط زیست بر شناخت ویژگی و ظرفیت های طبیعی ایران تصریح و با نام بردن از پرفسور کردوانی و به نقل از او به نعمت بی بدیل کویر برای ایران اشاره کردند. پرفسور پرویز کردوانی، استاد تمام دانشگاه تهران و پدر علم کویرشناسی ایران است. از نظر او مشکلات زیست محیطی در ایران دو دلیل عمده دارد: یکی فرهنگ غلط استفاده از آن و یکی هم سیاست های اشتباه دولت ها در حوزه محیط زیست.

**با توجه به پراکندگی و تنوع محیطی - اقلیمی در کشورمان، چگونه می توان از این پراکندگی استفاده بهینه کرد؟**

کشور ما یک کشور استثنایی در جهان است. جالب است بدانید که ایران هم باید مثل بعضی از کشورهای همسایه، سراسر بیابان می شد، اما خوشبختانه به دلیل چین خوردگی و وجود کوهستان در کشورمان، آب و هوای متنوع پدید آمده است.

از نظر تنوع محیطی، ایران و آمریکا در جهان با بقیه کشورها متفاوت اند؛ یعنی در زمانی که قله البرز پوشیده از برف و یخ است، در چابهار به راحتی می توانید در آب گرم دریا شنا کنید. هر محصولی که در دنیا کاشته می شود، در ایران هم به عمل می آید. من جایی گفتم در ایران فقط قهوه نداریم. چند وقت بعد، یکی از دانشجویان قهوه آورد و گفت این قهوه محصول شهر میناب است. تنوع محصولات قابل کشت در کشور ما این گونه است. از سویی دیگر، شما در صنعت توریسم ببینید که ایران چه تنوع توریستی می تواند جذب کند.

شاید برای همه جالب باشد بدانند همین کویری که خیلی ها آن را بی فایده می دانند، برای کشورمان سرشار از نعمت است. کویر یک نعمت الهی و بسیار قابل استفاده است. حتی یک وجب از این کویر بدون استفاده نیست. ماده های شوینده، شیشه سازی، کاغذسازی، جداسازی آهن از سنگ آهن به وسیله سولفات سدیم و... همه از کویر به دست می آید. همچنین می توان با استفاده از پنل های خورشیدی، برق تمام ایران را از بیابان ها به دست آورد. یعنی در کشورمان چنین پتانسیلی داریم.

رهبری هم در دیدار با مسئولان و فعالان محیط زیست به همین موضوع اشاره کردند که پروید از آقای کردوانی پیرسید که همین کویر دارای چه ظرفیت هایی است.





.....

**( نکته دوم** عمر زیاد و وسایل نقلیه در ایران است؛ یعنی خودرویی که به طور استاندارد احتراق ندارد، وقتی قدیمی بشود، بدتر عمل می کند. باید چاره‌ای بیابیم تا ماشین‌ها و موتورهای فرسوده را جمع‌آوری کنیم و نگذاریم عمر این وسایل طولانی شود، چون به ضرر خودمان و محیط زیستمان است.

**( نکته سوم** کیفیت پایین سوخت عرضه شده در کشور است که نقش مستقیمی در آلودگی هوا دارد. هم بنزینمان بی کیفیت است و هم در گازوئیل‌مان گوگرد وجود دارد.

**( نکته چهارم** فرهنگ غلط استفاده از خودروی شخصی و موتور است که اکثر آتک‌سرنشین هستند.

**( نکته پنجم**، به ویژه درباره تهران و اصفهان، جانمایی اشتباه صنایع است؛ یعنی اکثر کارخانه‌ها و صنایع و حتی فرودگاه مهرآباد، در بخش غربی تهران واقع شده است و اتفاقاً جریان وزش باد هم از سمت غرب به شرق است؛ یعنی باد تمام آلودگی این صنایع را به داخل شهر تهران می آورد. همین مشکل در اصفهان هم وجود دارد. تمام صنایع در سمت نائین است و باد هم از همان جهت می وزد.

**( نکته ششم** اینکه باید کارخانه‌ها و صنایع خودمان را به دستگاه تصفیه مجهز کنیم. این یک امر لازم، ضروری و واجب است. ما در کشورمان نیاز به توسعه پایدار داریم. سند صیانت از محیط زیست وجود دارد، اما همه دستگاه‌ها و قوا باید ملزم به رعایت تمام و کمال آن بشوند. توسعه پایدار یعنی اینکه هم جنگل حفظ شود، هم دریاچه ورود و تالاب و درعین حال کشاورزی و صنعت هم زنده و پررونق باشد، نه اینکه فقط به توسعه شهر فکر کنیم و لاغیر.

**یکی دیگر از مشکلات محیط‌زیستی کشور در سال‌های اخیر، که هموطنان ساکن جنوب و غرب کشورمان با آن درگیر هستند، پدیده ریزگردها است. علت به وجود آمدن این پدیده چیست؟**

ریزگردها ذراتی هستند که قطر آن‌ها از ۰.۲ تا ۰.۰۲ میلی متر کمتر است. این ریزگردها دو دسته اند. یک دسته از آن‌ها منشأ آلی دارند، مثل نفت که خیلی خطرناک‌اند. نوع دیگر آن‌ها منبع کانی دارند؛ یعنی از سنگ و خاک هستند. این نوع هم باز دو قسمت می شود. یک سری از خاک رس هستند و

نوع دیگر از سنگ‌های سیلیکاتی که خیلی خطرناک است و اگر وارد شش انسان شود، ریه را سوراخ می کند. تصور کنید ماده‌ای از جنس شیشه، به عنوان ریزگرد وارد ریه آدم شود. در این صورت چه اتفاقی می افتد؟ این ذرات قادرند هزارها متر بالا بروند و هزارها کیلومتر هم افقی پرواز کنند. در سال ۱۳۴۹ که سوئد بودم، این ریزگردها از صحرای آفریقا تا آنجا آمده بودند. ما در ایران ریزگرد را نمی شناختیم و تازه ده سال است که با آن مواجه شده ایم. علت به وجود آمدن آن هم از بین رفتن پوشش گیاهی در کشورهای همسایه، خشک شدن باتلاق‌های منشعب از دجله و فرات به دلیل ساخت سدهایی روی این دورود است. در ابتدا ما با ریزگردهایی مواجه شدیم که برون مرزی بودند و منشأ آن‌ها غرب شهر بغداد بود. بعد از آن، شرق اردن، عربستان، صحرای آفریقا و در سال‌های اخیر هم تدمر در صحرای شام جزء مناطقی هستند که منشأ ریزگردهای برون مرزی ما به شمار می روند. با ادامه این ریزگردها و تغییراتی که در نتیجه حفر بی رویه چاه‌ها و خشک شدن تالاب‌ها و باتلاق‌ها در محیط جغرافیایی ایران به وجود آمده است، در حال حاضر شاهد ریزگردهایی با منشأ داخلی هستیم که در استان خوزستان و سمنان، اصفهان و قم به وجود می آیند.

رهبر معظم انقلاب بر حل این مشکل تأکید کرده اند، از جمله در دیدار فعالان محیط زیست فرمودند: «مسئله و مشکل پدیده غبار باید علاج بشود. مشکل پدیده غبار فقط تنفس مردم نیست؛ به بنده گزارش دادند که جنگل‌های غرب کشور - جنگل‌های بلوط - به خاطر این پدیده غبار در خطر نابودی است.» **راه حل شما برای مقابله با ریزگردها چیست؟**

برای حل بحران ریزگردها، نیاز به یک پاسخ دائمی و عقلانی داریم. پاسخی که در طبیعت نیز وجود دارد. پاسخ این مسئله استفاده از ریگ است. ریگ به اندازه یک بند انگشت است. باید از desertpavement یا همان پوشش سنگی بیابانی استفاده کنیم. شما به مسیر اردکان - جندق نگاه کنید. هر دو سمت جاده، ریگزار است. همچنین در مسیر یزد به سمت بافق، دشت‌های منطقه پوشیده از ریگ است. به همین دلیل، شدیدترین بادهای در این دو

ما در کشورمان

نیاز به توسعه

پایدار داریم.

سند صیانت از

محیط زیست

وجود دارد، اما

همه دستگاه‌ها

و قوا باید ملزم

به رعایت تمام

و کمال آن بشوند.

توسعه پایدار

یعنی اینکه هم

جنگل حفظ

شود، هم دریاچه

و رود و تالاب

و درعین حال

کشاورزی و

صنعت هم زنده

و پررونق باشد،

نه اینکه فقط به

توسعه شهر فکر

کنیم و لاغیر



( مرور برخی از توصیه‌های رهبر انقلاب اسلامی درباره توجه به محیط زیست که طی سالیان گذشته بیان شده است

ناحیه تأثیری ندارند و تولید ریزگرد نمی‌کنند. برای کنترل ریزگرد، تنها کافی است روی بیابان‌ها، پوشش ریگ درست کنیم. قطر این پوشش نیز چند سانتی متر باشد کافی است. همین‌که یک غلتک از روی ریگ‌ها عبور دهیم تا آن‌ها را محکم کند، دیگر هیچ ریزگردی از این منطقه تولید نمی‌شود. علاوه بر این، برخلاف مالچ نفتی که امکان عبور و مرور از روی مناطق رازبین می‌برد، پوشش ریگزار قابلیت عبور و مرور دارد و دائمی است. تصور کنید صدها هکتار از بیابان‌های کشور تحت این پوشش قرار بگیرند. علاوه بر مقابله با ریزگرد، این مناطق را می‌توان به پارک‌های تفریحی و علمی تبدیل کرد که برای عموم مردم قابل استفاده باشد. این طرح علاوه بر اینکه بومی است، دقیقاً بر مبنای استانداردهای سازمان ملل است. یک بار برای همیشه باید این طرح را اجرا کنیم و ثمرات آن را ببینیم.

### به عنوان سؤال آخر بفرمایید آیا تا به حال دیداری با رهبر انقلاب هم داشته‌اید؟

چند بار توفیق داشتم که در دیدارهای عمومی رهبری حضور داشته باشم و یک بار هم در حضور ایشان صحبت کنم. سال ۱۳۸۵ که رهبری به استان مایه‌ی سمنان سفر کردند، به بنده هم زمانی داده شد تا در مقابل ایشان صحبت کنم. قبل از روز دیدار، با کسانی که قرار بود در محضر ایشان صحبت کنند، هماهنگ کرده بودند برای اینکه به همه وقت برسند، صحبت‌ها خلاصه باشد و هر کسی حدود پنج دقیقه صحبت کند.

وقتی نوبت به بنده رسید خیلی ساده پشت میکروفون رفتم و رو به رهبر گفتم: صحبت کردن در مقابل شما خیلی سخت است. رهبر گفتند: چرا؟ گفتم: چون با علاقه زیادی که شما به این کشور دارید و اطلاعات جامعی که دارید، کسی نمی‌تواند در مقابل شما ادعای دروغ یا واهی داشته باشد. با علم به این قضیه، بنده می‌خواهم در مقابل شما بگویم که ایران یک کشور استثنائی از حیث جغرافیایی و منابع طبیعی است. این کویرهایی که تا الان فکر می‌کردیم باعث بدبختی ما هستند، با تحقیقاتی که انجام داده‌ام، نه تنها عامل بدبختی نیستند بلکه برای ممانعت‌اند. همین‌طور که گرم صحبت درباره استعدادهای طبیعی



از دیدار قبلی من  
با رهبری هشت  
سال می‌گذشت  
و تصور می‌کردم  
که ایشان از آن  
دیدار چیزی در  
ذهن‌شان نیست.  
اما ایشان زمانی  
که بنده را دیدند  
به گرمی از من  
استقبال کردند و  
گفتند: «من آن  
شب سخنرانی  
شما در سمنان را  
فراموش نمی‌کنم،  
حالتان چطور  
است؟ راستی  
حال همسرتان  
چطور است؟»

ایران بودم، دیدم کاغذی برای من آوردند که روی آن نوشته شده بود وقت شما تمام شده است. به رهبر گفتم: رهبر! به من کاغذ داده‌اند که وقت تمام شده، اما هنوز حرفم تمام نشده است. ایشان لبخندی زدند و گفتند: «ادامه بدهید». شروع کردم به ادامه حرفم درباره وضعیت جغرافیایی ایران و تنوع آب و هوایی بی‌نظیر آن، که باز کاغذ دادند که وقت شما به اتمام رسیده است. مجدداً از رهبری اجازه گرفتم تا ادامه دهم. ایشان هم باز لبخندی زدند و اجازه دادند. این رفتار چند بار تکرار شد تا اینکه ده دقیقه وقت من تبدیل شد به بیش از نیم ساعت.

وقتی حرف‌هایم تمام شد، رهبر با اینکه مدت زیادی نشستند بودند و خسته شده بودند، رو به جمعیت گفتند: «ببینید آقای دکتر کردوانی چقدر زیبا و دلنشین صحبت می‌کنند.» وقتی مراسم تمام شد، نزد ایشان رفتم و تمبر بزرگداشت چهره ماندگارم را به ایشان تقدیم کردم. پس از چند دقیقه که با ایشان خداحافظی کردم، شخصی آمد و گفت: رهبری خواسته‌اند که با ایشان شام را میل کنید. بنده هم از خدا خواسته، رفتم خدمت ایشان برای شام. همان‌جا به ایشان گفتم همسر هم برای شما سلام رساند و بعد هم سوابق و تألیفات همسرم را به ایشان معرفی کردم. پس از صرف شام وقتی که رهبری می‌خواستند تشریف ببرند، ایشان گفتند آقای پروفیسور کردوانی هم با من بیایند. ایشان دست من را گرفتند و تا محل خوردن دست در دست ایشان با هم رفتیم و صحبت کردیم. مواقع خداحافظی هم ایشان گفتند: «دفعه بعد کتاب خودتان و همسرتان را هم برای من بیاورید.»

برای دیدار با فعالان محیط زیست نیز از من دعوت شد تا در دیدار حضور داشته باشم. از دیدار قبلی من با رهبری هشت سال می‌گذشت و تصور می‌کردم که ایشان از آن دیدار چیزی در ذهن‌شان نیست. اما ایشان زمانی که بنده را دیدند به گرمی از من استقبال کردند و گفتند: «من آن شب سخنرانی شما در سمنان را فراموش نمی‌کنم، حالتان چطور است؟ راستی حال همسرتان چطور است؟» من که کاملاً تعجب کرده بودم، از ایشان تشکر کردم. چند قدمی که رهبر به سمت حسینییه حرکت کردند، دوباره برگشتند و رو کردند به من و گفتند: «حتماً سلام بنده را به همسرتان برسانید.» □

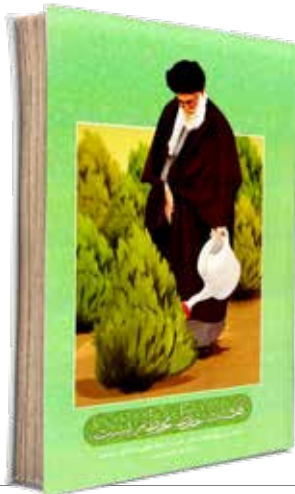
**آلاینده‌ها**

مقایسه با تعداد زیاد از زیست محیطی  
خطر برای انسان، گاو و غیره و نیز بر برگ‌ها، خشکسالی و عوامل مرگ‌دهنده و میکروبیولوژی

پایش مستمر و کنترل منابع و عوامل آلاینده  
عوامل آلاینده‌ها در حال حاضر در کشور ما از منابع و عوامل مغرب و غیرتوانسته‌اند

لازم برای ایجاد و تقویت  
نهادهای منطقه‌ای  
برای مقابله با گرد و غبار  
و آلودگی‌های آبی

پیشگیری و ممانعت از انتشار  
انواع آلودگی‌های غیرمجاز



• نویسنده: آیت الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای

• تعداد صفحات: ۱۳۲ صفحه - رقعی

• قیمت: ۹،۰۰۰ تومان

مرتبط با محیط زیست با توجه به فتاوی رهبر معظم انقلاب آورده شده است.

به راستی؛ «چرا ما اینجا را به بهشتی تبدیل نکنیم که مردمی [که] در آن زندگی می‌کنند، از برکات طبیعت و از فضای سبز استفاده کنند و کسانی که می‌آیند، از آن یاد بگیرند؟» (۱۵/اسفند/۶۷) و آیا جز این است که؛ «برای ما مایه شرمندگی است که با وجود این کشور غنی، محصولات گیاهی و حتی مواد غذایی لازم را از دیگران بگیریم. درست مثل کشوری که زمین و امکانات و این تاریخ عظیم کشاورزی را ندارد» (۱۴/اسفند/۷۷).

کاش با انجام وظایف همگانی آحاد مردم و مسئولان شعار «هر ایرانی یک درخت» تحقق پیدا کرده و مردم ایران به راستی عادت به درخت‌کاری و حفظ محیط زیست - البته در همه ابعاد و جنبه‌های مختلف آن - پیدا کنند و همگی به این توصیه آیت الله خامنه‌ای عمل کنیم که؛ «من از همه ملت عزیز ایران، درخواست می‌کنم خودشان را موظف بدانند که بر فضای سبز بیفزایند و از آن چیزی کم نکنند.» (۱۵/اسفند/۶۷) □

معرفی کتاب «نهیض حفظ محیط زیست»

## هر ایرانی یک درخت بنشانند

شاید در تصور بسیاری از افراد یا مسئولین، مباحث زیست محیطی در درجه چندم از اهمیت نسبت به مسائل سیاسی و اقتصادی قرار داشته باشد و شاید به همین دلیل نیز در موضوع به این اهمیت برخی از فعالیت‌ها بسیار کند انجام می‌شود، آیت الله خامنه‌ای اما مسائل زیست محیطی را در اولویت و صدر مسائل کشور می‌بیند؛ «درست است که در شمارش مسائل اساسی کشور، چشم‌ها و نگاه‌ها به سمت اقتصاد، به سمت فرهنگ، به سمت مسائل پولی، به سمت مسائل سیاسی کشانده می‌شود - معمولاً این جور است - لیکن اگر با دقت نگاه کنیم، مسایلی که مربوط به زیست انسانی است، بیشتر از آنها اهمیت دارد. سیاست برای چیست؟ اقتصاد برای چیست؟ خدمات گوناگون شهری و کشوری برای چیست؟ اصلاً پیشرفت کشور برای چیست؟ پیشرفت برای این است که انسان‌ها زندگی مطلوبی داشته باشند. اگر محیط زیست تخریب شد، همه اینها باطل خواهد شد. اهمیت محیط زیست اینجاست» (۱۷/اسفند/۸۹).

رهبر معظم انقلاب تا آنجا در بحث از اهمیت منابع طبیعی و محیط زیست پیش می‌روند که آن را پشتوانه اصلی خودکفایی و استقلال کشور و عاملی برای مقاومت در برابر دشمنان ملت ایران می‌دانند؛ «این منابع پشتوانه اصلی تضمین و بقای ذخایر طبیعی آب و خاک کشور و بالتیجه خودکفایی عمومی و استقلال اقتصادی محسوب می‌گردند، یعنی همان چیزی که چشم طمع دشمنان ما و استکبار جهانی بدان دوخته شده است» (۱۵/اسفند/۶۶).

کتاب «نهیض حفظ محیط زیست» که در آن گزیده‌ای از بیانات حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای درباره محیط زیست از سال ۱۳۶۳ تا کنون گردآوری شده، مجموعه ارزشمندی است که می‌تواند دریکی نگاه کلی خوانندگان را با مهم‌ترین محورهای بیانات معظم‌له درباره محیط زیست و دغدغه‌ها و توصیه‌های ایشان به مسئولان و مردم درباره راهکارهای فرهنگ‌سازی برای حفظ محیط زیست آشنا کند. هدف از گردآوری این کتاب در واقع همان انتقال دغدغه‌ها و نگرانی‌های ایشان به مسئولان و آحاد ملت ایران است.

کتاب در ۶ فصل تنظیم شده است؛ فصل اول؛ در بیان اهمیت محیط زیست رهبر معظم انقلاب با استفاده از آیات قرآن کریم و روایات معصومین (ع) و با تکیه بر قانون اساسی به بیان اهمیت حفاظت از محیط زیست و فوائد آن پرداخته‌اند. فصل دوم؛ به بیاناتی از معظم‌له اختصاص یافته که ایشان به طور خاص بر معضلات زیست محیطی در ایران و جهان پرداخته و سیاست قدرت‌های استکباری را در عرصه تخریب محیط زیست به چالش کشیده‌اند و در فصل سوم، مجموعه‌ای از ابلاغیه‌های صادر شده از سوی رهبر معظم انقلاب درباره مسائل زیست محیطی آورده شده است. در فصل چهارم و پنجم می‌توان مطالبات ایشان از مسئولان دستگاه‌های مختلف و مردم در زمینه حفاظت از محیط زیست را مطالعه کرد و در نهایت در فصل ششم این اثر ارزشمند برخی از استفتائات شرعی در زمینه مسائل

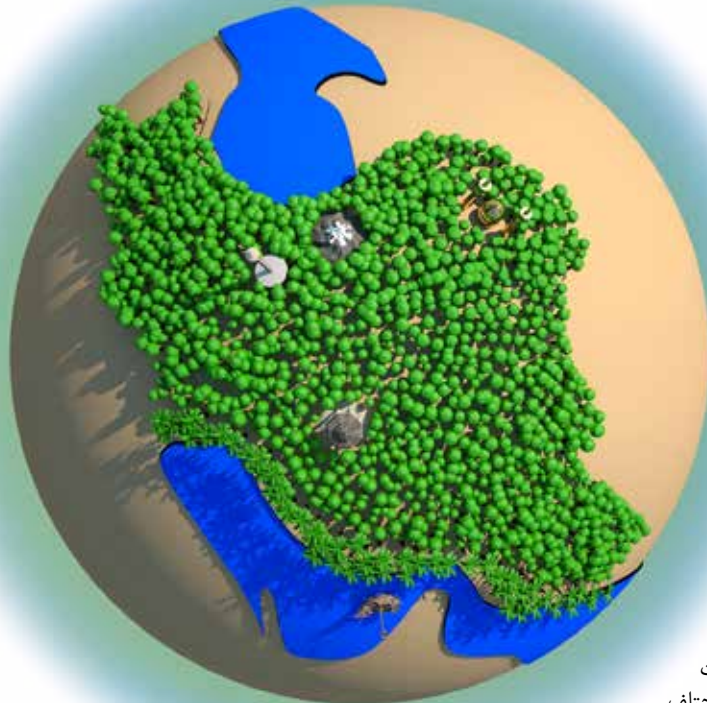
تقویت نظارت‌های بی‌اغماض و مقابله با سودجویان و قانون‌شکنان

تهیه پیوست محیط زیستی برای طرح‌های عمرانی، صنعتی و تجاری

مرور برخی از توصیه‌های رهبر انقلاب اسلامی درباره توجه به محیط زیست که طی سالیان گذشته بیان شده است

مروری بر بیانات رهبر انقلاب  
در باره عدالت  
در بهره‌برداری از طبیعت

# طبیعت برای همه مردم



مسئله محیط زیست یکی از مسائلی است که حضرت آیت‌الله خامنه‌ای از دوران ریاست جمهوری درباره آن دغدغه داشته‌اند و در دیدارهای مختلف در این خصوص توصیه‌هایی کرده‌اند. در این متن دغدغه رهبر انقلاب درباره عدالت اجتماعی در بهره‌برداری از منابع طبیعی مورد بررسی قرار گرفته است. از جمله تفاوت‌های تفکر انقلاب اسلامی و مکاتب دیگر در زمینه

محیط زیست، توجه به «عدالت اجتماعی در بهره‌برداری از منابع طبیعی» است. رفع محرومیت‌ها در این زمینه و بهره‌مندی عموم مردم به خصوص اقشار کمتر برخوردار از این مواهب خدادادی یکی از دغدغه‌های اصلی و تذکرات پربسامد رهبر انقلاب در سال‌های گذشته بوده و از انگیزه‌های اصلی مقابله با زمین‌خواری‌ها و «کوه‌خواری‌ها» راهمین حق برخورداری و استفاده عمومی مردم از کوه و جنگل و دشت تشکیل می‌داده است.

## انسان دلش می‌لرزد

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای ضمن هشدار درباره تملک منابع طبیعی توسط اشخاص حقیقی و حقوقی، به عنوان یک نمونه از منطقه «کوچک» در شمال شرق تهران در انتهای بزرگراه شهید بابایی نام بردند و نسبت به تملک و نابودی این منطقه هشدار دادند و فرمودند: «اینجا مال مردم است؛ اینجا باید به صورت یک گردشگاه عمومی مردمی دربیاید.» همین تذکر، مسئولین را بر آن داشت تا با رفع تملک و آماده‌سازی این منطقه زیبای کوهستانی، امکانات لازم برای استفاده مردم از آنجا فراهم آورند: «یک جاهایی هم هست در اطراف تهران - حالا این را من اینجا بگویم - طرف شرق تهران، یک بوستان بزرگی است، یک منطقه خیلی وسیعی است بین بزرگراه بابایی تا ارتفاعات کوچک؛ یک زمینی است متعلق به ارتش. بنده گاهی اوقات در این مسیرهای صبحگاهی در بعضی از روزها از آنجا می‌رویم و ارتفاعات را حرکت می‌کنیم، راه می‌رویم؛ من هر وقت آنجا می‌روم، دلم می‌لرزد! چون می‌دانم ده‌ها چشم طمع‌کار متوجه اینجا است. کارهایی هم شروع کردند، ما جلوییش را گرفتیم، یک تشری زدیم، دعوایی کردیم؛ می‌دانم موقتاً دست برداشتند، اما منتظرند یک غفلتی صورت بگیرد؛ یا این حقیر نباشم، یا غفلتی پیش بیاید، بالاخره بروند اینجا را تصرف کنند؛ واقعاً انسان دلش می‌لرزد؛ یک بوستان بزرگ شاید چند صد هکتاری - نمی‌دانم چقدر است - که اسلش هم ظاهراً متعلق به ارتش بوده لکن الان مورد استفاده ارتش نیست و مورد اختلاف بین ارتش و وزارت اطلاعات و اینها است.

البته این اولین بار نبود که رهبر انقلاب، مسئولین را به تسهیل استفاده مردم از طبیعت سفارش می‌کردند. ایشان سال‌ها پیش در دیدار با مردم چالوس و نوشهر به مسئولین در مورد حفاظت از دریا و جنگل در این منطقه تذکر دادند و به آنها یادآوری کردند که دریا و جنگل متعلق به همه ملت است: «در مورد مازندران دو ثروت عظیم و دو فرصت بزرگ برای این استان عبارت است از دریا و جنگل؛ دو تا منبع ثروت عظیم، هم برای مردم این استان و هم برای کل کشور. از این دو ثروت عظیم، از این دو فرصت بزرگ باید هم به درستی حفاظت بشود، هم به درستی بهره‌برداری بشود. این سفارش من به مسئولان کشور است؛ این جنگل متعلق به ملت است، این دریا متعلق به ملت است و مسئولان دولتی متولیان ساماندهی کار ملت و کار کشورند؛ مراقب باشند؛ مراقب باشند. بهره‌برداری بهینه و اقتصادی و صحیح و جلوگیری از سوءاستفاده‌های گوناگون از جنگل یا به شکلی از دریا - که بیشتر از جنگل سوءاستفاده می‌شود - وظیفه مسئولان کشور است. اینی که دست‌های طمع‌کار و طالبان

به نظر من اینجا مال مردم است؛ اینجا باید به صورت یک گردشگاه عمومی مردمی دربیاید. مگر هم من این را پیغام دادم به مسئولین گوناگون، شهرداری باید برود اینجا را تصرف کند، در اختیار مردم بگذارد. جای بسیار وسیع، خوب، خوش آب و هوا در شرق تهران، پُردرخت. حتی من یک وقتی آنجا دیدم یک گله آهویا بز کوهی بود که از دور دیده می‌شد؛ یک جای این جور. [این] در اختیار مردم قرار بگیرد، مردم بروند استفاده بکنند.

## نعمت‌های خدایی

از کوهستان‌های اطراف تهران می‌روم بالا و می‌بینم هیچ‌کس نیست! غصه می‌خورم! در کوهستان، جاهایی هست که ساختمان‌ها در زیر پای پیداست؛ این همه آدم در اتاق‌ها خوابیده‌اند که در بین آنها جوان هست، در بین آنها کسانی هستند که ظاهر جسم‌شان اقلاده برابر ما توان و قدرت دارد؛ اما از این اتاق‌ها بیرون نمی‌آیند، ولی ما از این گوشه شهر با سنی نزدیک به هفتاد سال، می‌رویم آنجا. دل انسان خیلی غصه‌دار می‌شود که چرا آنها در آنجا چهار قدم بالا نمی‌آیند و از این امکان استفاده نمی‌کنند.

شما امکانات و اتوبوس بگذارید که اگر کسی خواست از پایین شهر و از راه‌های دور به این ارتفاعات بیاید، بتواند. ارتفاعات بعضی از شهرها یک خرده با شهر فاصله دارد؛ بنابراین، وسایلی فراهم کنید که اگر کسی خواست، بتواند بیاید - حالا اگر کسی همت نکرد و اراده نکرد؛ آن، بحث دیگری است - و تشویق بشوند؛ نگویند وسیله نداشتیم و نیامدیم.»

#### استفاده عمومی

یکی از مصادیق دیگر استفاده عمومی مردم از طبیعت، استفاده از فضای سبز شهری و بوستان‌های داخل شهرها است. رهبری در مقاطع مختلف در مورد توسعه فضای سبز شهری و لزوم برخورداری مردم از این امکانات - به خصوص مناطق کمتر برخوردار شهرها - تذکر داده‌اند و از توصیه‌های پرتکرار ایشان در روز درختکاری همین موضوع بوده است. مردم تهران حضور ایشان در مراسم افتتاح بوستان ولایت در جنوب شهر تهران را هنوز به خوبی به یاد دارند: «به خصوص آن چیزی که بنده را تشویق کرد که امروز در این جلسه با حضور شما دوستان شرکت کنم، این بود که اینجا متعلق به بخش کم‌برخوردارتر از شهر تهران است؛ بخش محروم تهران. وجود یک چنین بوستانی، یک چنین امکانی در این بخش از تهران، به نظر فرصت بسیار خوب و مغتنمی است. خرسندیم که بحمدالله در نهایت بین مسئولین امر - یعنی کسانی که این مجموعه متعلق به آنها بود، و کسانی که امروز از آن بهره‌برداری می‌کنند؛ یعنی شهرداری و نیروهای مسلح - توافق برقرار شد و اینجاست ان شاءالله سرانجام خوبی خواهد یافت.» □



یکی از مصادیق

استفاده عمومی

مردم از طبیعت،

استفاده از فضای

سبز شهری و

بوستان‌های

داخل شهرها

است. رهبری در

مقاطع مختلف

در مورد توسعه

فضای سبز

شهری و لزوم

برخورداری مردم

از این امکانات

- به خصوص

مناطق کمتر

برخوردار شهرها-

تذکر داده‌اند و

از توصیه‌های

پرتکرار ایشان در

روز درختکاری

همین موضوع

بوده است

منافع شخصی به عنوانی گوناگون این ثروت ملی را به سمت جیب‌های خودشان بکشند، قابل قبول نیست. این منطقه عموماً و این شهر که در کنار جاده چالوس و تهران قرار گرفته است، و این مناطق زیبا و خوش آب و هوا در اطراف این منطقه، این‌ها همه نعمت‌های خدائی‌اند؛ از این نعمت‌ها باید استفاده کرد، ولی درست؛ باید استفاده کرد، ولی با رعایت حریم‌های الهی؛ باید استفاده کرد، ولی با احترام به ارزش‌ها و دین و اخلاق این مردم؛ ارزش‌هایی که آنها را در طول سالیان دراز در میدان‌های سخت نگه داشته.»

یک مصداق دیگر در این زمینه توصیه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به جوانان - به خصوص جوانان تهرانی - برای استفاده از نعمت خدادادی کوه و اتمام به ورزش کوهنوردی است. توصیه‌ای که مخاطب آن هم جوانان هستند که باید همت کنند و از این نعمت خدادادی استفاده کنند و هم مسئولین که باید امکانات و شرایط لازم را برای استفاده عموم مردم فراهم کنند: «شما امکانات و اتوبوس بگذارید که اگر کسی خواست از پایین شهر و از راه‌های دور به این ارتفاعات بیاید، بتواند. ارتفاعات بعضی از شهرها یک خرده با شهر فاصله دارد؛ بنابراین، وسایلی فراهم کنید که اگر کسی خواست، بتواند بیاید - حالا اگر کسی همت نکرد و اراده نکرد؛ آن، بحث دیگری است - و تشویق بشوند؛ نگویند وسیله نداشتیم و نیامدیم.»

«من هر وقت چشمم به ارتفاعات شمال تهران می‌افتد و می‌بینم که در این منطقه ضلع شمالی تهران - یعنی از منتهای شرق تا منتهای غرب - شاید حدود ۱۰۰ مبر وجود دارد که مردم را به این سلسله کوه‌های با عظمت و بسیار مصفا متصل می‌کند؛ اما مردم استفاده نمی‌کنند، تأسف می‌خورم. هر وقت به کوه می‌آیم، وقتی می‌بینم خلوت است، تأسف می‌خورم که چرا جوان‌ها و حتی غیر جوان‌ها از این نعمت الهی و این فرصت کمیاب استفاده نمی‌کنند... توصیه من این است که جوان‌ها به من نگاه کنند. من وقتی به کوه می‌آیم و گاهی می‌بینم حتی از من مسن‌تر هم کسانی می‌آیند که با استحکام و استقرار جسمانی و قرص و محکم این راه را طی می‌کنند، واقعاً لذت می‌برم.»

«بنده گاهی اوقات که بر همان تنبلی مورد بحث و بر ضعف‌های مربوط به سن و پیری فائق می‌آیم، چند قدمی



محیط زیست در اندیشه فقهی امام خمینی (ره)

# نگاه به مصلحت جامعه

حجت الاسلام سید مهدی طباطبائی



در اندیشه امام خمینی (ره) است ملاحظه می‌کنیم که ایشان، در دو جهت، فقاقت پویای منطبق با نیازهای اجتماعی را توسعه بخشیده‌اند.

اول: در مقام فتوا و حکم شرعی، که در پاسخ به سؤال‌های مختلف دولت و مردم ارائه فرموده‌اند و بسیاری از بن‌بست‌های فقهی را حل کرده‌اند؛ مانند: تخریب جنگل‌ها، انفال، مصرف بی‌رویه آب، جاده‌سازی، حفر چاه‌های غیرمجاز، و... که در هیچ یک از این موارد، بر اساس میانی فقه سنتی فتوا نداده‌اند.

دوم: ترسیم میانی فقه پویای اجتماعی و حکومتی در حوزه مسائل محیط زیست.

آیت الله العظمی خمینی به جز فتوا، کوشیدند در شرایط مختلف و بر حسب موقعیت‌های خاص اجتماعی، به بیان «میانی فقه اجتماعی» و «حکومتی» بپردازند و فقه را در مسیری قرار دهند که بتواند نیازهای عصر را برطرف سازد. شایان ذکر است متأسفانه در حال حاضر بازگشت متحجرانه‌ای را از جانب برخی از اندیشمندان شاهد هستیم و رویکردی که در پاره‌ای از معضلات مشاهده می‌شود، هیچ گاه با این میانی و آرمان‌های فقهی ایشان، سازگار نخواهد بود. این واپس‌گرایی را می‌توانیم در مسائل مختلف اجتماعی اعم از محیط زیست و غیر آن مشاهده کنیم، مانند صید، مهریه، دیه زنان، گردشگری، حقوق معلولین، حیوان‌آزاری، بانکداری و... مشاهده کنیم که بررسی هر یک، نیازمند مجالی مستقل است.

## توجه به مقتضیات زمان و مکان

با توجه به اینکه احکام اسلامی، جهان شمول و مورد استفاده همه جوامع می‌باشد، فقهای هر عصر باید طبق شرایط جوامع، احکام را از منابع آن استفاده نموده و احکام حوادث و وقایع را بیان کنند. به فرموده شهید مطهری: «شرایط و محیط‌های گوناگون در افکار فقیه تأثیر دارد» (کتاب ده گفتار، صفحه ۱۰۰).

در اندیشه امام خمینی (ره)، توجه به نیازهای زمان و مکان، در اجتهاد و فقاقت، به عنوان یکی از کلیدی‌ترین ابزار پاسخگویی به سؤالات بشر در عصر کنونی و خروج از سلفی‌گری و ورود به کارگشایی فقه برای ایجاد جامعه‌ای سالم و زندگی توأم با آرامش برای اجتماع مسلمانان می‌باشد. ایشان در یکی از فرمایشات می‌فرماید: «زمان و مکان دو عنصر تعیین‌کننده در اجتهاد هستند، مسئله‌ای که در قدیم دارای حکمی بوده است به ظاهر همان مسئله در روابط حاکم بر سیاست، فرهنگ، اجتماع و اقتصاد یک نظام، ممکن است حکم جدیدی پیدا کند، بدان معنا که با شناخت دقیق روابط اقتصادی و سیاسی، همان موضوع اول که از نظر ظاهر با قدیم فرقی نکرده است، واقعاً موضوع جدیدی شده باشد، حکم جدیدی را می‌طلبد. مجتهد باید به مسائل زمان خود احاطه داشته باشد».

(صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۸۸-۲۹۰)

ملاحظه می‌کنیم که بسیاری از معضلات و مسائل زیست محیطی را می‌توان با این مبنا حل کرد و به درستی سبک

با پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل حکومت، سؤال‌های بسیار زیادی پیش روی فقه اسلام قرار گرفت که دامنه آن بسیاری از مسائل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی را در بر می‌گرفت. اجتهاد و فقاقت پویای امام خمینی (ره) این نکته بسیار مهم را مورد ملاحظه داشت، که فقه سنتی با رویکرد و میانی خاصی که دارد، هیچگاه پاسخگویی چنین مسائلی نیست و منطبق با مقتضیات این زمان نیست.

این نگاه خاص امام به فقه، رفته رفته در اقتصاد، موسیقی، هنر، ورزش و حتی موضوعاتی چون شطرنج خود را نمایان ساخت و مسائلی اجتماعی چون حضور زنان در عرصه تصمیم‌گیری و اداره جامعه، که در دهه چهل، مورد اعتراض بسیاری از فقیهان بود، نه تنها جایز که مورد تأکید قرار گرفت.

امام (ره) به خوبی این واقعیت را درک کرده بود و به حوزه‌ها اعلام می‌کرد که فقه سنتی هیچگاه نمی‌تواند حکومت را اداره کند و برای نظم، توسعه و نیازهای اجتماع، نسخه‌ای قابل قبول را ارائه دهد. به عنوان نمونه، ایشان در مورد، میانی فقهی انفال در فقه سنتی و موانعی که در راستای زندگی اجتماعی امروز ایجاد می‌کند، این طور می‌فرماید: «... این که انفال بر شیعیان تحلیل شده است، (منجر به این می‌شود که بگوییم) امروز هم شیعیان می‌توانند بدون هیچ مانعی با ماشین‌های کذایی جنگل‌ها را از بین ببرند و آنچه را که باعث حفظ و سلامت محیط زیست است را نابود کنند و جان میلیون‌ها انسان را به خطر بیاندازند و هیچ کس هم حق نداشته باشد مانع آنها باشد».

سپس به نمونه‌هایی دیگر از معضلات اجتماعی اشاره می‌کند که میانی فقهی گذشته، کارآمدی لازم در حل آنها را ندارد، و اینطور نتیجه می‌گیرد: «و بالجمله آنگونه که جنابعالی از اخبار و روایت برداشت دارید تمدن جدید به کلی باید از بین برود و مردم کوخ نشین بوده و با برای همیشه در صحراها زندگی نمایند». (صحیفه امام جلد ۲۱ صفحه ۱۴۹)

ملاحظه می‌کنیم که امام خمینی، فقه را در خدمت زندگی جدید و اجتماع، با نیازها و مقتضیات خاصی که دارد، می‌داند، تافقه، این نیازها را برای حل کردن مشکلات مردم برطرف کند و همانطوری که می‌فرماید اگر بخواهیم برداشت متحجرانه از روایات داشته باشیم، مجبور هستیم بگوییم مردم زندگی اجتماعی خودشان را رها کنند و به صحرا بروند و همان زندگی سنتی قدیمی را داشته باشند. در موضوع این یادداشت که محیط زیست

آن قوانین مطابقت با فقه سنتی ما نداشته است، حضرت امام توصیه می‌کنند به رعایت مصالح اجتماعی و همین امر بود که منجر به تأسیس مجمع تشخیص مصلحت نظام به فرمان ایشان شد. براساس این مبنا در مسائل مختلف زیست محیطی که در شرایط عادی چه بسا فقه سنتی ساکت است و حکم خاصی در رابطه با آن ندارد، می‌توانیم به مقتضای مصلحت نظام و جامعه و اجتماع، احکام ویژه فقهی در رابطه با آنها صادر کنیم.

به عنوان نمونه در بحران قتل عام پزندگان مهاجر که از مناطق مختلف دنیا به تالاب‌های شمال و جنوب و جای جای کشور ما می‌آیند و مدتی را به استراحت یا تولید مثل سپری می‌کنند، ملاحظه می‌کنیم که فقه سنتی هیچگاه مانع از صید این پزندگان نخواهد بود. فقه سنتی و فردگرا می‌گوید اینها پزندگانی هستند حلال گوشت و شکار آنها برای امرار معاش یا تغذیه اشکالی ندارد. اما اگر با یک بینش عمیق به این موضوع نگاه کنیم، ملاحظه می‌شود که این نوع قتل عام منجر شده است که ما در دنیا به عنوان اولین کشور در کشتار پزندگان مهاجر تلقی بشویم و اسلام، جمهوری اسلامی و تشیع مورد سرزنش، ملامت و وهن قرار بگیرند و دیگر جوامع ما را متهم به پاس نداشتن حقوق دیگران بر منابع حیوانی دنیا کنند. از این رو، براساس این مبنا فقیه حکم به حرمت صید بی رویه این پزندگان می‌کند.

در پایان این یادداشت لازم است اشاره کنم به بسیاری از معضلات و مسائل مهم زیست محیطی که متأسفانه هم اکنون تنها در قالب قانون برای مردم بیان می‌شود، نه فتوای فقهی. گرچه هرگونه قانونی که در جمهوری اسلامی تصویب شود، ما از جهت شرعی نیز ملزم به رعایت آن هستیم، اما آنگاه که در کنار بُعد حقوقی، از جهت فقهی نیز این قوانین تبیین و تشریح گردد، برای جامعه‌ای که پای بند شریعت است، موجب نهادینه شدن اخلاق زیست محیطی بر مبنای دین خواهد شد و به شکل گیری تمدن و فرهنگ زیست محیطی منجر خواهد شد.

ما معتقدیم آنگاه می‌توان از فقه تمدن ساز سخن گفت، که ملاک رفتار مردم جامعه، قانون نباشد، بلکه فتوا و فقه، و اخلاق دینی باشد. □



.....

حضرت امام  
توصیه می‌کنند به  
رعایت مصالح  
اجتماعی و  
همین امر بود که  
منجر به تأسیس  
مجمع تشخیص  
مصلحت نظام  
به فرمان ایشان  
شد. براساس این  
مبنا در مسائل  
مختلف زیست  
محیطی که در  
شرایط عادی چه  
بسا فقه سنتی  
ساکت است و  
حکم خاصی  
در رابطه با آن  
ندارد، می‌توانیم  
به مقتضای  
مصلحت نظام و  
جامعه و اجتماع،  
احکام ویژه فقهی  
در رابطه با آنها  
صادر کنیم

زندگی مردم را براساس نیازهای روز به سمت احترام به محیط زیست، آسایش و راحتی آنها و همچنین حفاظت از میراث آیندگان نسبت به محیط زیست سوق داد.

به عنوان مثال اگر در گذشته حفر چاه مجاز بوده است و برداشت آب بدان وسیله برای کشاورزی و هرگونه فعالیتی اشکالی نداشته است، مقتضیات این زمان حکم می‌کند که با توجه به محدود بودن منابع آبی زیرزمینی و ازدیاد جمعیت و تغییرات اقلیمی، حفر چاه طی یک فرآیند مشخص قانونی باشد و با کسانی که بدون مجوز چاه حفر می‌کنند یا به مقدار خارج از ضابطه آب برداشت می‌کنند، برخورد مقتضی صورت گیرد.

اکنون شما ملاحظه می‌کنید با تسامح و سهل انگاری در اجرای این قانون، چه بلایی بر سر سفره‌های آبی زیرزمینی و منابع استراتژیک آبی کشور وارد آمده است. اگر در گذشته هرگونه کشت برای افراد مجاز بوده و شرع و فقه هم منعی برای آن نداشته است، امروز با توجه به محدودیت‌های منابع آبی، فقیه می‌تواند از جهت فقهی در مناطقی که نباید زراعت‌های آب‌بر انجام داد، کشت‌هایی خاص را منع کند و آن را حرام اعلام نماید، چون این امر همان طوری که حضرت امام به ظرافت بدان اشاره کرده است، از باب اتحاد موضوع نیست، بلکه در گذشته موضوع مسئله حفر چاه بوده بدون آسیب رساندن به محیط زیست و منابع آبی، اما امروز، موضوع مسئله حفر چاه به گونه‌ای است که موجب تخریب محیط زیست و منابع آبی می‌شود. از این رو براساس نظریه زمان و مکان، فقیه باید موضوع شناس باشد و مسائل فقهی را در قالب موضوعات جدید و شرایط خاصی که همراه آن موضوعات است، مورد بررسی قرار بدهد.

#### □ مصلحت

از دیدگاه امام راحل، چه مصلحت جامعه، مصلحت افراد و مصلحت اسلام، هریک به نوعی تأثیرگذار در جهت گیری اجتهاد و صدور فتواست و توجه به این مبنای سترگ فقهی، می‌تواند مسائل لاینحل فقهی را به خوبی تبیین و حل نماید. در بسیاری از موارد اختلافی میان شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی بر سر برخی از قوانین اجتماعی که



آلوده شده و ضرر قابل توجهی به مردم برسد، این کار حرام است. به طور کلی اگر ضرورتی برای استفاده از وسیله نقلیه شخصی وجود ندارد و آلودگی به حدی است که به سلامت مردم ضرر می زند، این کار جایز نیست.

### آیا سیگار کشیدن در حالتی که موجب آلوده شدن فضای تنفس دیگران شود اشکال شرعی دارد؟

اگر کسی تشخیصش این باشد که استعمال دخانیات مثل سیگار و قلیان برایش ضرر قابل توجه دارد، استعمال آنها حرام است. اما اگر می داند در این حد ضرر ندارد یا به هر حال به یقین نرسیده است، در این وضعیت ترک استعمال آنها بهتر است. حالا اگر فردی سیگار بکشد و دود سیگار او موجب آزار و اذیت دیگران شود یا اینکه ضرر قابل توجهی برای دیگران داشته باشد، این کار حرام است. اما اگر موجب مزاحمت دیگران نباشد یا ضرر قابل توجه برای آنان نداشته باشد، حرام نیست، اما ترکش بهتر است.

### با توجه به اینکه آلودگی صوتی ضررش گاهی کمتر از آلودگی های دیگر نیست، بوق زدن، صدای آگزوز وسایل نقلیه که گاهی آزار دهنده است و گاهی موجب آزار بیماران می شود چه حکمی دارد؟

وسایل نقلیه که صدای آزار دهنده ای داشته باشند و همچنین هر چیزی که صدای آزار دهنده ای تولید کند حتی حیوانات خانگی اگر صدای آنها موجب سلب آسایش دیگران شود و آرامش آنها را به خطر بیندازد، این کار جایز نیست. اما اگر صدا در حد معمولی است و آزار دهنده نیست اشکالی ندارد.

### ریختن زباله و پسماندهای مواد شیمیایی و نفتی به دریا اشکال دارد؟

اگر کاری انجام بدهیم که آرامش محیط زیست دیگران برهم بخورد یا حتی شرایط زیستی حیوانات و گیاهان بی جهت دچار مسئله بشود و آنها آزار ببینند، این کار جایز نیست. مخصوصاً این مسئله درباره دریاها که محیط زندگی بسیاری از موجودات و مخلوقات الهی است صدق می کند. آبزیان امروزه یکی از منابع مهم تأمین مواد غذایی انسان ها هستند و بنابراین اگر به دریاها لطمه ای وارد شود که همچنین به آبزیان هم لطمه بزند، این کار حرام است. منظور ما در اینجا از دریا اعم است و شامل دریاچه ها و خلیج ها و اقیانوس ها و ... هم می شود. علاوه بر این حکم شرعی، اگر هم این کار از نظر قانونی ممنوع باشد که تخلف از قانون جایز نیست و اگر جریمه ای بابت این کار تعلق بگیرد، افراد باید بپزدازند.

### بسیاری از کشاورزان در اثر کم آبی از فاضلاب برای آبیاری استفاده می کنند؛ آیا این کار خلاف شرع است؟

خیر؛ اگر منع قانونی نداشته باشد خلاف شرع نیست. اینکه محصولات کاشته شده با فاضلاب آبیاری شود یا کود نجس پای آنها ریخته شود موجب نجس شدن محصولات

احکام محیط زیست مطابق با فتاوی آیت الله العظمی خامنه ای

## برهم زدن شرایط زیست انسان، حیوان و گیاه جایز نیست



### آیا استفاده از خودروهایی که آلایندهی بیش از حد مجاز دارند اشکال دارد؟

بله؛ به طور کلی آلوده کردن این هوای صافی که خداوند برای تنفس افراد، گیاهان و حیوانات قرار داده است، کار شایسته ای نیست. اما از نظر شرعی اگر واقعاً آلایندهی یک خودرو بیش از حد مجاز است که قانوناً ممنوع است استفاده از آن اشکال دارد. البته حتی اگر قانون هم منع نکرده باشد ولی صاحب خودرو تشخیص می دهد که آلایندهی این خودرو ضرر زیادی به دیگران می زند و واقعاً برای سلامت دیگران مضر است، باز هم استفاده از این خودرو جایز نیست.

### رفت و آمد با وسایل نقلیه شخصی و عدم استفاده از وسایل نقلیه عمومی در زمان هایی که هوای شهر آلوده است چه حکمی دارد؟

اگر وضعیت یک وضعیت استثنایی و هوای شهر آلوده باشد به گونه ای که هر چه این وسایل به تعدادشان اضافه شود به آن آلودگی اضافه می شود و تنفس این هوا برای مردم به ویژه افرادی که دچار بیماری های قلبی و تنفسی هستند ضرر قابل توجه داشته باشد، در این صورت اگر کسی سبب افزایش این آلودگی شود و ضرر معتنا به به مردم برساند، کار حرام مرتکب شده است. لذا اگر مسئولان اعلام کردند که مردم وسایل نقلیه شخصی را بیرون نیاورند باید مراعات شود.

### آیا استفاده از وسایل نقلیه به صورت تک سرنشین به جای استفاده از وسایل نقلیه عمومی اشکال دارد؟

اصل بر این است که ما به دیگران ضرر نزنیم؛ اگر وسیله نقلیه شخصی باعث شود هوا



درختان باغ‌ها قرار گرفته در داخل شهر را ممنوع کرده باشد، حتی اگر درختان این باغ درختان میوه هم نباشند، باید قانون مراعات شود و نباید تخلف کرد.

### قطع کردن درختان در شهرهای بزرگ برای ساختن برج و ویلا چه حکمی دارد؟

اگر منع قانونی وجود داشته باشد، قطع درختان جایز نیست.

### شکستن شاخه درختان چه حکمی دارد؟

بی جهت نباید شاخه درختان را شکست. اگر این درخت متعلق به مردم یا مثلاً اموال بیت المال است، این کار حرام است. اگر هم باغ شخصی ما است، گاهی اوقات شکستن یک شاخه درخت، اسراف یا از بین بردن بی جهت اموال است. اما یک وقت است که شما درخت را هرس می‌کنید که آن هم کار اهل فن است برای اینکه درخت میوه بیشتری دهد، این اشکال ندارد.

### آیا کندن شاخه‌ای کوچک از درخت یا گیاهی که در پارک یا فضای عمومی وجود دارد برای کاشتن در منزل یا جای دیگر اشکال شرعی دارد؟

بله؛ اگر منع قانونی دارد اشکال دارد؛ اگر هم نمی‌دانید که منع قانونی دارد یا خیر، باز هم نمی‌توانید ببرید و در جای دیگری قلمه بزنید. اما اگر منع قانونی نداشته باشد اشکالی ندارد. البته معمولاً این کارها اجازه می‌خواهد.

### من چندین سال پیش با جسم تیزی بر روی درختی نوشته‌ای را حک کرده‌ام؛ الان باید چکار کنم؟

اگر آن درخت ملک شخصی فردی بوده و به هر حال شما تصرفی در ملک او کرده‌اید که ضرر به آن وارد شده، باید صاحب آن را راضی کنید. اگر آن درخت جزو اموال عمومی و بیت المال بوده و خسارت دیده است، به مقدار خسارتش باید به بیت المال برگردانید. اما اگر نه، خسارتی وارد نشده است و می‌دانید هم که صاحبش راضی بوده است، خب این ضمان ندارد. اما اگر خسارتی وارد نشده، در عین حال تصرف شده است در درخت متعلق به دیگری و صاحب



بی جهت نباید

شاخه درختان را

شکست. اگر این

درخت متعلق به

مردم یا مثلاً اموال

بیت المال است،

این کار حرام

است

کاشته شده نمی‌شود؛ به خاطر آنکه استحاله صورت می‌گیرد و این آب تغییر وضعیت می‌دهد. بنابراین میوه یا دیگر محصولات پاک است و مشکلی ندارد.

### استفاده از آب‌های جاری و به ویژه جوی‌های آبی که برای آبیاری و باغبانی در کوچه باغ‌ها جریان دارد برای کارهایی مانند وضو، آشامیدن یا شستن خودرو چه حکمی دارد؟

تصرفات جزئی و متعارف در این‌گونه آب‌ها مانند آب برداشتن به مقدار مثلاً یک ظرف یا وضو گرفتن یا آب خوردن اشکالی ندارد حتی اگر ما ندانیم صاحبان این آب راضی هستند یا خیر اما شستن خودرو دیگر تصرف جزئی نیست؛ چرا که مقدار زیادی آب لازم دارد. حالا ممکن است کسی یک سطل آب بردارد و با آن شیشه ماشین را تمیز کند که متعارف هم باشد؛ اما اینکه ماشین را در کنار جوی آبی که صاحب شخصی دارد متوقف کند و ماشینش را بشوید، این کار غیر متعارف است و باید ببیند که صاحب آب راضی هست یا خیر. البته ممکن است عرف محل یک جوی این‌گونه باشد که افراد بروند و ماشین‌هایشان را آنجا بشویند و منعی هم نباشد؛ اینجا این کار متعارف است و اشکالی ندارد؛ اما اگر غیر متعارف باشد، بدون اجازه صاحب آب اشکال دارد.

### ما در شمال کشور باغی داریم که در آن درختانی را می‌کاریم و پس از مدتی آنها را قطع کرده و چوب آنها را می‌فروشیم؛ آیا این کار جایز است؟

اولاً در روایات داریم که اگر درختی را قطع کردید، به جای آن درخت دیگری بکارید. از منظر دین بنا بر این است که فضا و طبیعت باید با طراوت و سرسبز باشد. ثانیاً قطع کردن درختانی که صرفاً از چوب آنها استفاده می‌شود اگر درختان ملک شخصی خودمان باشد یا اگر متعلق به دیگران است، با اجازه مالک باشد و همچنین منع قانونی هم برای این کار نباشد اشکال ندارد. اما یک وقتی ممکن است باغی متعلق به یک شخص هم باشد، اما قانون به طور کلی قطع درختان را ممنوع بکند؛ چرا که وجود آن درختان باعث سلامت هوای شهر می‌شود. بنابراین اگر قانونی هست که بریدن



درخت راضی نبوده که روی درخت او با چاقو یادگاری بنویسند، باید رضایت صاحب درخت جلب شود.

**راه رفتن بر روی چمن‌های خیابان‌ها و ادارات که برای آنها هزینه می‌شود با توجه به اینکه پس از مدتی که بر روی آنها راه رفته شود از بین می‌روند و فضای سبز چهره زشتی پیدامی‌کند چه حکمی دارد؟**

به طور کلی آسیب زدن و از بین بردن زمین کاشته شده، حالا چه محصولات گیاهی خوردنی در آن باشد، چه گیاهان زینتی، چه آن گیاهان کم باشد یا زیاد، چه در ملک شخصی دیگران باشد یا متعلق به املاک عمومی باشد مثل فضای سبز وسط خیابان‌ها یا بوستان‌ها حرام است. حالا ممکن است برخی بگویند چرا حفاظی برای این فضا نگذاشته‌اند؟ خوب نگذاشته باشند؛ برای آنها که واجب نیست حفاظ بگذارند. ما باید بدانیم که ضرر رساندن به اموال دیگران جایز نیست.

**اگر کسی را از ریختن زباله در فضای عمومی و لطمه زدن به محیط زیست نهی کنیم مصداق نهی از منکر پیدا می‌کند؟**

اگر ما معنای منکر را بدانیم، می‌فهمیم که آیا این کار نهی از منکر هست یا خیر؛ منکر از نظر فقهی هر کار ناپسندی است؛ حالا ممکن است مکروه باشد یا حرام. نهی دیگران از حرام واجب است و نهی از کار مکروه مستحب است. بنابراین اگر نگوئیم که ریختن زباله در این مکان‌ها حرام است - که در بعضی از موارد واقعاً ریختن زباله و لطمه زدن به محیط زیست حرام است نهی کردن دیگران از این کار هم مصداق نهی از منکر مستحب یا واجب است. ما باید جلوگیری کنیم از لطمه زدن به محیط زیست.

**آیا ریختن پوست میوه و زباله‌های تجزیه شدنی در کوه و دشت و طبیعت اشکال شرعی دارد؟**

اگر این کار لطمه به اراضی، به طبیعت، به محیط زیست یا به سلامت مردم برزند حرام است. امروز گاهی یک کار اشتباه ضررش به کل جامعه اسلامی وارد می‌شود. بعضی از رفتارهای ما دیگر عمل شخصی محسوب نمی‌شود؛ ما می‌خواهیم یک کشوری را به گونه‌ای بسازیم که برای دیگران الگو باشد، بنابراین یک سری رفتارهای ما لطمه‌های عمومی مهمی دارد. حالا ممکن است زباله کوچکی باشد که از نظر حکم شرعی هم نمی‌توانیم بگوئیم

که حرام است؛ اما همان‌ها هم باز مراعاتش خوب است و پرهیز از این کارها پسندیده است.

**آیا می‌توان خمس و زکات را صرف بیابان زدایی کرد؟**

مصرف زکات در این امور گاهی اشکال ندارد؛ چون یکی از مصارف زکات، «فی سبیل الله» هست یعنی کارهای عام‌المنفعه‌ای که لازم و ضروری هست انجام بشود. یک وقت هست که گسترش بیابان‌ها سبب پدیده ریزگرد می‌شود که بر اثر آن هوا آلوده می‌شود، باد آذیت می‌کند و به هر حال لازم است که بیابان زدایی کنند و درخت بکارند اما خمس مصارفش مشخص است و اگر کسی خواست که مثلاً بخشی از خمس را برای این امور صرف کند، حتماً باید اجازه بگیرد و بدون داشتن اجازه این کار جایز نیست.

**ریختن زباله در خیابان‌ها، کنار جاده‌ها و ساحل رودخانه‌ها یکی از معضلات زیست‌محیطی شده است؛ از نظر شرعی این کارها چه حکمی دارد؟**

این کارها محیط زیست را خراب و چهره یک کشور اسلامی را مخدوش می‌کند. دیگران وقتی می‌آیند و این وضعیت را می‌بینند می‌گویند که این فرهنگ مسلمانان است در حالی که فرهنگ اسلام، فرهنگ تمیزی، پاکیزگی و نظافت است. ثانیاً در برخی موارد این کار ما فارغ از اینکه چهره کشور ما را زشت می‌کند، به محیط زیست ضربه می‌زند؛ افراد باید از این کارها که در بسیاری از موارد حرام هم هست پرهیز کنند. ثالثاً این کارها هزینه بسیار زیادی را به کشور تحمیل می‌کند. جمع‌آوری این زباله‌ها بار مالی زیادی برای بیت‌المال دارد.

نکته دیگری که باید مورد توجه باشد این است که به جای آوردن شکر نعمت‌های الهی به استفاده درست از آنها است. استفاده نادرست کردن از نعمات، کفران آنها و خراب کردن آن‌ها محسوب می‌شود. خداوند یک طبیعت زیبا، سواحلی لذت بخش و هوایی مطبوع به ما بخشیده است. چرا باید برخی این نعمات را با آلودگی‌های گوناگون کفران کنند؟ نکته بعدی هم آن است که بسیاری از این زباله‌ها قابل استفاده مجدد است و این‌گونه دور انداختن آنها خودش یک نحوه دیگر کفران نعمت است. به هر حال این مواد را می‌شود بازیافت نمود. خوب است که افراد این زباله‌ها را به صورت جداگانه کنار بگذارند تا بازیافت شود.

**آیا در قبایل جدا کردن زباله‌های خشک از زباله‌های تر و وظیفه‌ای بر عهده ما هست؟**

اگر قانون شهرداری این است که گفته‌اند اینها را از هم جدا کنید، بله باید جدا کنید. اگر این را نگفتند و قانون نیست، از جهت تخلف نکردن از قانون اشکالی ندارد؛ اما از جهتی دیگر واقعاً اسراف است که ما زباله‌های خشک و قابل بازیافت را با زباله‌های تر به صورت یک جا و بدون تفکیک دور می‌اندازیم. این ممکن است اسراف محسوب شود که اگر اسراف باشد، حرام است. اما اگر این‌گونه نیست، اشکالی ندارد. □



به جای آوردن شکر نعمت‌های الهی به استفاده درست از آنها است. استفاده نادرست کردن از نعمات، کفران آنها و خراب کردن آن‌ها محسوب می‌شود. خداوند یک طبیعت زیبا، سواحلی لذت بخش و هوایی مطبوع به ما بخشیده است. چرا باید برخی این نعمات را با آلودگی‌های گوناگون کفران کنند؟





در این بخش از مهر و ماه به مناسبت ولادت امیرالمومنین علی (ع) به موضوع ولایت و ولایتمداری پرداخته‌ایم. در نخستین مطلب به دیدگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی درباره ارتباط ولایتمداری و اتحاد در جامعه اسلامی و سپس در مطلب بعدی، به مفهوم ولایت الله و ولایت طاغوت اشاره شده است. دیدگاه‌های شهید مطهری درباره پرهیز از تفرقه در بین مسلمین، تفسیر ولایت در اندیشه و آثار امام خمینی (ره) و اهمیت ولایتمداری در قرآن و حدیث دیگر مطالب این بخش را تشکیل می‌دهند.

## « ولایت



ولایت، مبنای وحدت است

کاشتن بذر هدایت در جان مسلمانان

مرتبۀ عالی ایمان



نگاهی به دیدگاه رهبر معظم انقلاب  
درباره ارتباط ولایت‌مداری و اتحاد در جامعه اسلامی

## ولایت، مبنای وحدت است

حسین نفیسی

واقعه عظیم تاریخی را یکی از عوامل وحدت می‌دانند و می‌فرمایند: «مسئله غدیر هم می‌تواند مایه وحدت باشد؛ همچنان که مرحوم شهید مطهری مقاله‌ای با عنوان الغدیر و وحدت اسلامی دارد. او کتاب الغدیر را که درباره مسائل مربوط به غدیر است یکی از محورهای وحدت اسلامی می‌داند که درست هم هست. ممکن است به نظر عجیب بیاید، اما واقعیت مطلب همین است. خود مسئله غدیر، غیر از جنبه‌ای که شیعه آن را به عنوان اعتقاد قبول دارد، یعنی حکومت منصوب امیرالمؤمنین (ع) از طرف پیامبر که در حدیث غدیر آشکار است؛ اصل مسئله ولایت هم مطرح شده و این دیگر شیعه و سنی ندارد. اگر امروز مسلمانان جهان و ملت‌های کشورهای اسلامی، شعار ولایت اسلامی سر دهند، بسیاری از راه‌های نرفته و گره‌های ناگشوده امت اسلامی باز خواهد شد و مشکلات کشورهای اسلامی به حل نزدیک خواهد گشت.»

همچنین ایشان درباره عید غدیر می‌فرمایند: «روز عید غدیر که به نام عید ولایت نامیده می‌شود، روزی است که مفهوم ولایت اسلامی، به وسیله پیامبر اکرم یک مصداق روشن و عینی پیدا کرد. برای کسانی که می‌خواهند از اسلام نمونه‌ای ذکر کنند، بهترین نمونه، همان کسی است که نبی مکرم اسلام ((ص)) او را به الهام الهی و به دستور پروردگار عالم، برای منصب عظیم ولایت آن روز معین فرمود. ولایت که عنوان حکومت در اسلام و شاخصه نظام اجتماعی و سیاسی برای اسلام است، یک معنای دقیق و ظریفی دارد که معنای اصل ولایت هم همان است و آن عبارت است از پیوستگی، پیوند، در هم پیچیدن و در هم تنیدگی؛ این معنای ولایت است.»

آیت‌الله خامنه‌ای با تأکید بر اهمیت عید غدیر متذکر می‌شوند که عید غدیر، عید بسیار بزرگ و خاطره عظیم تاریخی است. «در کار غدیر باید هدف را مشخص کرد. بنشینید و واقعاً روی مسائل فکر کنید. برای این کار وقت بگذارید. در کار فرهنگی غدیر، باید مانند علامه امینی و مرحوم سید شرف‌الدین کارکرد که الغدیر و المراجعات را تحویل دادند. کسانی به درد کار غدیر می‌خورند که اهل این کار باشند؛ کار در مورد غدیر باید عمیق و گسترده باشد. کار در مورد غدیر، کاری بزرگ و پر جاذبه است. کار در موضوع غدیر باید پیوسته و دائم باشد و در مورد غدیر باید متخصص تربیت کرد. عید غدیر، عید ولایت است، عید سیاست است، عید دخالت مردم در امر حکومت است، عید احاد ملت و امت اسلامی است و حقیقتاً روز بزرگ و عید تعیین کننده و عظیم قدری است.»

### انصاف

رهبر معظم انقلاب همچنین در مورد عید غدیر می‌فرمایند: «غدیر در آثار اسلامی ما به عید الله‌الاکبر، یوم العهد المعهود و یوم الميثاق المأخوذ تعبیر شده است. این تعبیرات که نشان دهنده تأکید و اهتمامی خاص به این روز شریف است، خصوصیتش در مسئله ولایت است. آن عاملی که در اسلام ضامن اجرای احکام است، حکومت اسلامی و

بحث وحدت و توجه به ولایت‌مداری در میان مسلمانان و جامعه اسلامی امری مهم و برجسته است که باید مورد توجه ویژه همگان قرار گیرد. موضوعی که این روزها به دلیل اهمیت بالا ابزار دست دشمنان اسلام شده و از آن در جهت ایجاد اختلاف و تفرقه افکنی میان مسلمانان استفاده می‌کنند. مخالفان و تفرقه افکنان دین مبین اسلام همواره از اختلاف نظر میان شیعه و سنی سوء استفاده کرده و از آن برای ضربه زدن به اسلام و ایجاد اختلاف میان کشورهای اسلامی بهره برده‌اند. یکی از موضوعات بنیادینی که در اندیشه‌های آیت‌الله خامنه‌ای به وضوح مورد توجه قرار دارد بحث وحدت اسلامی است. ایشان وحدت اسلامی را مساله‌ای کلیدی و استراتژیک می‌دانند و همواره بزرگان و شخصیت‌های برجسته مذهبی و سیاسی را به توجه به این امر مهم دعوت می‌نمایند. رهبر انقلاب در اندیشه‌های خود، با تأکید بر اتحاد میان برادران شیعه و برادران اهل سنت، پرهیز هر دو گروه از ایجاد اختلاف و تفرقه را یکی از مسائل قرآنی برمی‌شمرند و در این خصوص می‌فرمایند: «اعتصام به حبل الله برای هر مسلمان یک وظیفه است؛ اما قرآن به این اکتفا نمی‌کند که ما را به اعتصام به حبل الله امر کند، بلکه به ما می‌گوید که اعتصام به حبل الله را در هیات اجتماع انجام دهید؛ جمیعاً همه با هم اعتصام کنید و این اجتماع و اتحاد، یک واجب دیگر است. بنابراین، علاوه بر اینکه مسلمان باید معتصم به حبل الله باشد، باید این اعتصام را به همراه دیگر مسلمان‌ها و همدست با ایشان انجام دهد.»

### خاطره عظیم تاریخی

آیت‌الله خامنه‌ای با توجه به بصیرت بی‌نظیر خویش نسبت به مسئله غدیر خم؛ این



.....

آنچه از نظر  
اسلام در  
باب مدیریت  
جامعه اهمیت  
دارد، صفات  
و ویژگی‌های  
بی‌مثال

امیرالمؤمنین

است. کسانی که

امیرالمؤمنین را به

جاننشینی بلافضل

هم قبول ندارند،

در علم، زهد،

تقوا و شجاعت

آن بزرگوار و در

فداکاری او برای

حق و عدل،

تردید ندارند؛ این

مورد اتفاق همه

مسلمانان و همه

کسانی است که

امیرالمؤمنین (ع) را

می‌شناسند.

مقام معظم رهبری در ادامه می‌فرماید: «تعیین امیرالمؤمنین هم که مظهر تقوا، علم، شجاعت، فداکاری و عدل در میان صحابه پیغمبر است، ابعاد این مدیریت را روشن می‌کند. معلوم می‌شود آنچه از نظر اسلام در باب مدیریت جامعه اهمیت دارد، صفات و ویژگی‌های بی‌مثال امیرالمؤمنین است. کسانی که امیرالمؤمنین را به جاننشینی بلافضل هم قبول ندارند، در علم، زهد، تقوا و شجاعت آن بزرگوار و در فداکاری او برای حق و عدل، تردید ندارند؛ این مورد اتفاق همه مسلمانان و همه کسانی است که امیرالمؤمنین (ع) را می‌شناسند. این نشان می‌دهد که جامعه اسلامی از نظر اسلام و پیغمبر، چه نوع مدیریت و زمامداری و حکومتی را باید به عنوان هدف مطلوب دنبال کند.»

#### سنت ملی ما

رهبر معظم انقلاب همچنین می‌فرماید: «عید غدیر سنت ملی ما است؛ چون ملت ما دارای این عقیده، محتوا و هویت در ذهن خودش هست. یکی از کارهای دشمنان این است که ملت‌ها را از هویت خالی کنند. البته این قضیه، داستان مفصلی دارد و با دو کلمه، نه می‌شود ابعادش را نشان داد و نه خطرش را آن چنان که هست، گوشزد کرد. شما در محیط دانشجویی با این سیاست کلی که شناخته و ناشناخته و پیدا و پنهان وجود دارد، باید مبارزه کنید و مبانی ارزشی را، مبانی‌ای که حقیقتاً تشکیل دهنده هویت ملت ایران است و می‌تواند این ملت را به سوی پیشرفت و ترقی ببرد و صاحب همه چیز کند حفظ کنید.»

#### نماد عادل‌ترین فرد

آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به خصوصیات منحصر به فرد حضرت علی (ع) متذکر می‌شوند: «نبی اکرم در بیان صفات امیرالمؤمنین می‌فرماید: اعدلکم فی الرعیه، او عادل‌ترین شما در بین مردم است. هم عدالت درونی و معنوی و فردی امیرالمؤمنین مراد است و هم عدالت رفتاری و عدالت اجتماعی ایشان و اینها چیزهایی است که در زبان به آسانی می‌شود بیان کرد، اما در تحقق و تبلور و در عمل است که انسان به عظمت این حقیقت و کسانی که تجسم این حقیقت بوده‌اند، پی می‌برد. عدالت به معنای واقعی کلمه در وجود امیرالمؤمنین، در رفتار، تقوا و توجه او حضور دارد؛ تا جایی که در رفتار بیرونی او عدالت تجسم پیدا می‌کند. امروز بعد از گذشت قرن‌ها، اگر بخواهیم عدالت را تعریف کنیم و آن را در ضمن مثال و نمونه بیان کنیم، هیچ مثالی رساتر و گویاتر از رفتار امیرالمؤمنین (ع) نمی‌توانیم بیابیم. این است که نبی اکرم او را به امر پروردگار و با نصب الهی به مردم معرفی و به مقام ولایت منصوب می‌کند. این یک حقیقت اسلامی است. این کجا و این که کسی معتقد باشد که هر ظالمی با هر شیوه و رفتار بازیگرانه‌ای توانست زمام قدرت را در دست گیرد، مردم باید از او اطاعت کنند، کجا این اسلام است یا آن.»

ایشان در ادامه می‌افزایند: «لذا مسئله غدیر با این مضمون

حاکمیت احکام قرآن است، والا اگر آحاد مردم، ایمان، عقیده و عمل شخصی داشته باشند، لیکن حاکمیت؛ چه در مرحله قانونگذاری و چه در مرحله اجرا در دست دیگران باشد، تحقق اسلام در آن جامعه، به انصاف آن دیگران بستگی دارد. اگر آن‌ها افرادی انصافی بودند، مسلمانان همان وضعی را پیدا می‌کنند که دیروز در بوسنی و هرزگوین، دیروز و امروز در فلسطین و در جاهای دیگر شاهدش بوده‌اید و هستید. ما هم در ایران مسلمان عریق و عمیق خودمان، سال‌های متمادی همین را مشاهده می‌کردیم؛ اما چنانچه حکام، قدری با انصاف باشند، اجازه خواهند داد که این مسلمانان به قدر دایره خانه خودشان یا حداکثر ارتباطات محله‌ای چیزهایی از اسلام را رعایت کنند؛ ولی اسلام نخواهد بود.»

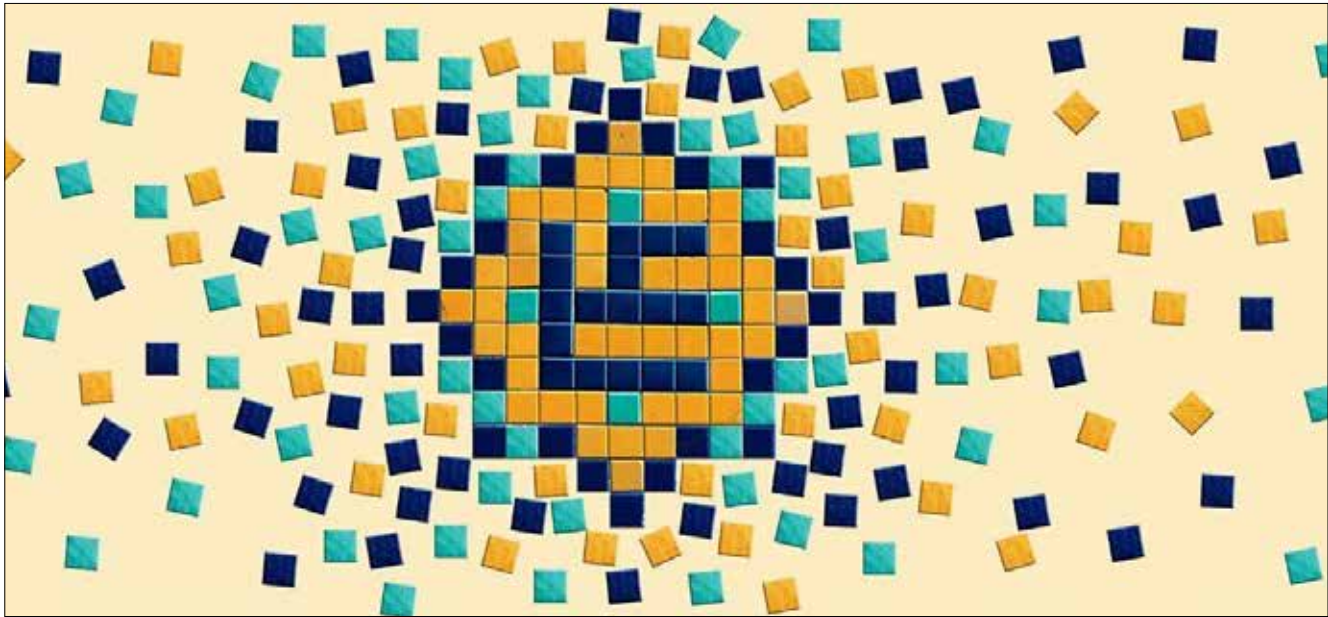
#### جدایی و نفاق

آیت‌الله خامنه‌ای در ادامه با اشاره به آثار ادبی با موضوع واقعه غدیر می‌فرماید: «مرحوم آقای مطهری (رضوان‌الله‌علیه) مقاله‌ای به نام الغدیر و وحدت اسلامی دارد؛ ایشان در آن مقاله، این مسئله را تبیین می‌کند که، طرح مسئله غدیر، چطور می‌تواند وسیله‌ای باشد برای نزدیک کردن دل‌های مسلمان‌ها به همدیگر؛ مرحوم علامه امینی هم عقیده شیعه را در الغدیر اثبات کرده؛ اما کتاب، بیان، لحن، سلیقه و شیوه برخورد او با مسئله، طوری است که همه مسلمین را جذب می‌کند.

شما تقریظ‌هایی را که مسلمانان مصر، شام و دیگر نقاط دنیا بر کتاب ایشان نوشته‌اند، ببینید، ما باید توجه داشته باشیم که نوع طرح مسئله، به گونه‌ای نباشد که به جدایی مسلمان‌ها بینجامد؛ این خیلی مهم است. الان جمعیت انبوهی از مسلمانان دنیا به مکتب و مذهب ما معتقدند و در دنیا هم آبرومندند. هم جمهوری اسلامی در ایران و هم شیعیان در هر نقطه‌ای که هستند، مردم آبرومندی هستند و در عراق، لبنان و جاهای دیگر، مسلمان‌ها به وجود اینها افتخار می‌کنند. بنابراین باید مراقب باشیم که مسئله را به شکلی طرح کنیم که هم عقیده‌های خودمان ناراحت نشوند. البته باید عقیده خودمان را بیان و آن را تثبیت کنیم؛ اما اشتباهات و خطاها را هم برطرف کنیم.»

#### نبی مکرم اسلام (ص) و مدیریت جامعه

ایشان در خصوص بحث مدیریت جامعه اسلامی و تأکید پیامبر اسلام بر اهمیت آن متذکر می‌شوند: «مسئله غدیر و تعیین امیرالمؤمنین (ع) به عنوان ولی امر امت اسلامی از سوی پیامبر مکرم اسلام (ص) یک حادثه بسیار بزرگ و پر معنا و در حقیقت دخالت نبی مکرم در امر مدیریت جامعه است. معنای این حرکت که در روز هجدهم ذی‌الحجه سال دهم هجرت اتفاق افتاد، این است که اسلام به مسئله مدیریت جامعه به چشم اهمیت نگاه می‌کند. این طور نیست که به امر مدیریت در نظام اسلامی و جامعه اسلامی، رها و بی‌اعتنا باشد. علت هم این است که مدیریت یک جامعه، جزو اثرگذارترین مسائل جامعه است.»



تحکیم وحدت اسلامی متذکر می‌شوند: «امیرمومنان (ع) در مقابله با خطرهای آن چنان شجاعانه عمل می‌کند که می‌گوید کسی نمی‌توانست با فتنه‌ای که من چشم آن را درآوردم (فتنه خوارج) یا فتنه ناکثین (اصحاب عایشه) درافتد. معنویت، دین، اخلاق و فضیلت آن بزرگوار از یک سو و بینش عمیق، شجاعت، فداکاری و عواطف رقیق انسانی در کنار صلابت و استحکام معنوی و روحی از سوی دیگر؛ همه ناشی از عصمت ایشان بود؛ زیرا خداوند متعال او را به مقام عصمت برگزید و گناه و اشتباه در کار او وجود نداشت. اگر چنین کسی در رأس جامعه باشد، اوج مطلوب همه رسالت‌ها و معنای دیگری از غدیر است.»

### سرچشمه امامت

امامت، یعنی همان اوج معنای مطلوب اداره جامعه که در مقابل انواع و اقسام مدیریت ناقص جامعه که از ضعف‌ها، شهوات، نخوت و فزون‌طلبی انسانی سرچشمه می‌گیرد قرار دارد. رهبر معظم انقلاب در خصوص امامت می‌فرماید: «اسلام، شیوه و نسخه امامت را به بشریت ارائه می‌کند؛ یعنی این‌که یک انسان، دلش از فیض هدایت الهی سرشار و لبریز باشد، معارف دین را بشناسد و بفهمد و راه را درست تشخیص دهد و دارای قدرت عملکرد باشد؛ «یا یحیی خذ الكتاب بقوه». انسان والا کسی است که جان، خواسته، نیاز و زندگی شخصی برایش حائز اهمیت نباشد؛ اما جان، زندگی و سعادت دیگر انسان‌ها برایش همه چیز باشد؛ که امیرالمؤمنین در کمتر از پنج سال حکومت خود، این رادر عمل نشان داد. شما می‌بینید که مدت کوتاه کمتر از پنج سال حکومت امیرالمؤمنین، به عنوان یک نمونه، الگو و راهکار که بشریت آن را هرگز فراموش نخواهد کرد، در طول قرن‌ها همچنان می‌درخشد و باقی مانده است. این نتیجه درس، معنا و تفسیر واقعه غدیر است.»



انسان والا کسی است که جان، خواسته، نیاز و زندگی شخصی برایش حائز اهمیت نباشد؛ اما جان، زندگی و سعادت دیگر انسان‌ها برایش همه چیز باشد؛ که امیرالمؤمنین در کمتر از پنج سال حکومت خود، این را در عمل نشان داد.

والا متعلق به همه مسلمانان است، زیرا به معنای حاکمیت عدل، حاکمیت فضیلت و حاکمیت ولایت‌الله است. اگر ما هم بخواهیم حقیقتاً از متمسکین به ولایت امیرالمؤمنین باشیم، باید خودمان و محیط زندگیمان را به عدل نزدیک کنیم. بزرگ‌ترین نمونه این است که هرچه می‌توانیم، استقرار عدل کنیم. چون دامنه عدالت نامحدود است و هرچه بتوانیم عدل را در جامعه بیشتر مستقر کنیم، شباهت ما به امیرالمؤمنین و تمسک ما به ولایت آن بزرگوار بیشتر خواهد شد.»

### انقلاب اسلامی ایران

ایشان همچنین می‌فرمایند: «شاید اکثر آن کسانی که در ماجرای بیعت امیرمومنان (ع) گرد آن بزرگوار را گرفتند و با او بیعت کردند و پای فشردند و فداکاری نمودند، واقعه غدیر و به طریقی اولی ظهور اسلام و جنگ‌های ایشان را ندیده بودند. اما اسلام و هدایت و نور آن فقط برای کسانی نیست که در آن وقت حضور داشتند، بلکه برای همه و برای همیشه است. پس و آخرین منمهم لما یلحقوا بهم. انقلاب اسلامی شروع یک راه پرافتخار و سعادت بخش بود و همه کسانی که از بی‌عدالتی رنج برده‌اند و تشنه عدالت بوده‌اند، این پدیده را با جان و دل دوست دارند و برای آن تلاش می‌کنند. همه کسانی که سنگینی و فشار نظام دیکتاتوری، اختناق، زورگویی و قدرت فردی را احساس کرده یا درباره آن فکر کرده‌اند، از انقلاب اسلامی، از حرکت ملت مسلمان و از مبارزه فراگیر این ملت استقبال کرده و می‌کنند و این استقبال مخصوص امروز نیست، در آینده هم همین‌طور خواهد بود.»

### اوج مطلوب همه رسالت‌ها

رهبر انقلاب با تاکید بر نقش و جایگاه حضرت علی در



## ولایت «الله»

### یا «طاغوت»؟

را بردی طرف شیطان و طاغوت، که ریسمان ولایتش را بر گردن تو بیندازد، دیگر از دست او خلاصی پیدا نخواهی کرد. هر چه در وجود تو، از نیرو و از ابتکار و از فعالیت های سازنده و از جلوه های درخشنده وجود دارد، تحت قبضه طاغوت و شیطان در خواهد آمد.

وقتی که تو تمام وجودت در قبضه او درآمد، آن وقت او به آسانی می تواند تو را در همان راهی که خودش می خواهد به همان جایی که خودش می خواهد، با همان وسیله ای که خودش می خواهد، بکشاند و ببرد؛ و پیداست که شیطان و طاغوت انسان را به نور و معرفت و آسایش و رفاه و معنویت رهنمون نمی شود. او برایش این چیزها هدف نیست برای شیطان و طاغوت، مصالح شخصی خودش هدف اولی ست، و می خواهد آن ها را تأمین کند؛ پس تو را در راه مصالح شخصی خود به کار می اندازد.

اگر دقت کنید، این سلسله ای که عرض کردم، این کلمات و این جملات را، که حساب شده است، تحت هر جمله ای معنایی هست، خواهید دید که چقدر با واقعیت های تاریخی، از آغازی که ما از تاریخ خبری داریم تا امروز تطبیق می کند. اگر تن به ولایت طاغوت دادی، تمام نیروها و انرژی ها و ابتکارها و استعدادها ی تو در قبضه طاغوت واقع می شود و وقتی که در قبضه طاغوت واقع شد، به سود تو به کار نمی افتد، چون سود تو برای طاغوت و شیطان مطرح نیست. برای شیطان خود او مطرح است، مصالح او مطرح است، راه او مطرح است. اگر چنانچه در آن راه و با آن مصالح، تو قربانی شدی، شدی؛ تو گمراه شدی، شدی. اگر برای تأمین آن مصالح، لازم شد تو قربانی بشوی، باید بشوی؛ لازم شد و گمراه بشوی، باید بشوی، شیطان است دیگر، قدرت در اختیار اوست و تو هم که خودت را دادی به دست او، می کشد هر جا که خاطر خواه اوست. ■

حضرت آیت الله خامنه ای چندی پیش در خطاب به حکام برخی کشورهای اسلامی گفتند: «نصیحت ما به حکام کشورهای اسلامی هم این است که به ولایت اسلام برگردند؛ تحت ولایت الله قرار بگیرند؛ ولایت آمریکا و ولایت طاغوت به کار آن ها نخواهد آمد.» معنای این دو ولایت که در تقابل با یکدیگر قرار دارند توسط رهبرانقلاب در مباحث طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن در سال ۱۳۵۳ تفسیر شده است که به گزیده ای از آن اشاره می کنیم. ■

#### □ حق امر و نهی

آن کسی که ولج واقعی جامعه اسلامی است، او خداست، حاکم در جامعه اسلامی، جز خدای متعال، کس دیگری نیست. آن کسی که در جامعه اسلامی، حق امر و نهی و فرمان و حق اجرای او امر و حق فرمان دادن و معین کردن خط مشی جامعه و خلاصه، حق تحکم در همه خصوصیات زندگی انسان ها دارد، خداست، «وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ». بنده آیاتی که تعبیر ولی و اولیا داشت، در قرآن تتبع کردم و همه را تقریباً یک مطالعه اجمالی کردم، دیدم این تعبیر که خدا ولی جامعه اسلامی ست، مؤمنین جز خدا ولی و یاوری ندارند، خدا حاکم همه امور بشر باید باشد، این یک مسئله ای ست که در قرآن جزو مسلمات است. البته توجه دارند برادرها، لکن در عین حال خوب است که توجه بدهم من برای بعضی که ممکن است در ذهنشان مطلب مخلوط بشود؛ صحبت سرسلطه تکوینی پروردگار نیست؛ آن به جای خود محفوظ، معلوم است که خدای متعال گردش زمین و آسمان را به اراده قاهره خویش تنظیم می کند. صحبت سراین است که قوانین زندگی انسان ها و روابط فردی و اجتماعی جامعه بشر هم باید از خدا الهام بگیرد.

#### □ سود انسان

هر ولایت غیر خدایی، ولایت شیطانی و طاغوتی ست. آن کسی که در تحت فرمان ولی حقیقی زندگی نمی کند، باید بداند که تحت فرمان طاغوت و شیطان زندگی می کند. ممکن است بپرسید آقا، تحت فرمان شیطان و طاغوت زندگی کردن و تن به فرمان او دادن، چه مفسده ای مگر دارد؟

جواب اول این است که اگر تن به ولایت شیطان دادی، شیطان بر تمام انرژی های سازنده خلاق آفریننده ثمر بخش وجود تو مسلط خواهد شد. اولش این است، اگر چنانچه گردنت



درآمده است. این مجموعه، پس از ترجمه به زبان های گوناگون موج عظیمی در جهان اسلام پدید آورد، تا جایی که علما و اندیشمندان بسیاری، آن را از ابعاد و زوایای مختلف مورد بررسی قرار دادند. استاد شهید مصطفی مطهری کتاب «الغدیر» را از منظر اجتماعی مورد بررسی قرار داده و مقاله ای با ارزشی در خصوص موضوع وحدت اسلامی و ولایت‌مداری جامعه اسلامی با تکیه بر آن به رشته تحریر درآورده است. در ادامه بخشی از نظرات و دیدگاه‌های شهید مطهری درباره وحدت اسلامی را که در مقاله مربوط به مجموعه کتاب الغدیر آمده است، می‌خوانیم.

علامه امینی در کتاب الغدیر ضمن اشاره به ویژگی‌های واقعه تاریخی غدیر خم، تمرکز و تاکید پیروان و پیشوایان فرق مختلف دین مبین اسلام بر اشتراکات و پرهیز از مجادله و دعوا در نقاط اختلافی در تقریب مذاهب اسلامی را در ایجاد وحدت اسلامی مهم برمی‌شمرد و متذکر می‌شود که از همان ابتدا، وجود قبله، نبی و کتاب واحد و انجام اعمال مشخص و یکسان در مراسم حج، وحدت و یکپارچگی را در میان مسلمانان جاری می‌کرد، اکنون نیز آنچه می‌تواند وحدت جهان اسلام را مستحکم‌تر کند تکیه بر همین پارامترهاست که در عین لزوم تداوم آن، توجه به نحوه طرح مسائل اختلافی را نیز در کنار خود می‌طلبد تا از هرگونه تفرقه افکنی میان مسلمانان جلوگیری شود.

استاد شهید مرتضی مطهری در مقاله مربوط به کتاب الغدیر و وحدت اسلامی؛ پس از طرح ضرورت حفظ وحدت در میان مسلمانان با تاکید بر اشتراکات در عین حفظ اصول اعتقادی و عملی مذهبی می‌آورد: «آنچه ما انتظار و آرزو داریم این است که محیط حسن تفاهم به وجود آید تا ما که از خود اصول و فروعی داریم، فقه، حدیث، کلام، فلسفه، تفسیر و ادبیات داریم، بتوانیم کالای خود را به عنوان بهترین کالا عرضه بداریم تا شیعه بیش از این در حال انزوا به سر نبرد و بازارهای مهم جهان اسلامی به روی کالای نفیس معارف اسلامی شیعی بسته نباشد.»

## بررسی دیدگاه‌های شهید مطهری درباره پرهیز از تفرقه در میان مسلمانان

# چلچراغ وحدت

**الف | صف واحد در برابر دشمن**  
شهید مطهری وحدت به معنای حزب واحد شدن را در تقریب مذاهب اسلامی نفی نموده و می‌گوید: «اخذ مشترکات اسلامی و طرد مختصات هر فرقه‌ای نوعی خرق اجماع مرکب است و محصول آن چیزی است که قطعاً غیر از اسلام واقعی است، زیرا بالاخره مختصات یکی از فرق جزء متن اسلام است و اسلام مجرد از همه این مشخصات و ممیزات و مختصات وجود ندارد.»

سپس درباره معنی وحدت جبهه می‌افزاید: «اما معنی وحدت جبهه این است که احزاب و دسته‌جات مختلف در عین اختلاف در مسلک، ایدئولوژی، راه و روش، به واسطه مشترکاتی که میان آن‌ها هست در مقابل دشمن مشترک در یک صف جبهه بندی کنند و بدیهی است که صف واحد در برابر دشمن تشکیل دادن با اصرار در دفاع از مسلک خود و انتقاد از مسلک‌های برادر و دعوت سایر برادران هم جبهه به مسلک خود به هیچ وجه منافات ندارد. آنچه مخصوصاً

شرایط کنونی دنیای اسلام و کوشش دشمنان در جهت تفرقه افکنی میان مسلمانان در جهت استثمار ایشان، این پرسش را در ذهن متبلور می‌کند که جوامع اسلامی برای دستیابی به اتحاد و وحدت باید چگونه عمل کنند تا مسلمانان در یک صف واحد حرکت کنند و تحت تأثیر تبلیغات سوء دشمنان اسلام قرار نگیرند؟



رجوع و استناد به واقعه تاریخی و پراهمیت غدیر خم که اختلافی در آن نیست، خود به تنهایی یکی از بهترین راهکارها در جهت اتحاد فرهنگی در پاسخ به این پرسش است. «الغدیر» عنوان مجموعه کتابی به قلم علامه امینی است که با اشاره به واقعه غدیر خم در خصوص ولایت بلافضل امیرالمؤمنین؛ علی بن ابی طالب (ع) پس از پیامبر اسلام، به رشته تحریر





.....

مرحوم آیت الله العظمی بروجردی بدان می اندیشید این بود که زمینه را برای پخش و انتشار معارف اهل البیت در میان برادران اهل سنت فراهم کند و معتقد بود که این کار جز با ایجاد حسن تفاهم امکان پذیر نیست. توفیقی که آن مرحوم در طبع برخی کتب فقهی شیعه در مصر به دست خود مصریان در اثر حسن تفاهمی که به وجود آورده بود کسب کرد از مهمترین موفقیت های علماء شیعه است.»

#### ۴ بهترین بستر برای تبیین حقایق

از منظر استاد شهید مطهری شیعیان نباید به آنچه که سبب تحریک احساسات، تعصبات و کینه های دیگران می شود دامن بزنند، بلکه با ایجاد بستری از حسن تفاهم و دوستی به اظهار عقاید خود در مورد آنچه که مورد اختلاف در تاریخ، فقه و سیاست است بپردازند. از این حیث نیز با تکیه بر سخنان امام صادق (ع) درباره عید غدیر به عنوان بزرگترین عید مسلمین اشاره می کند که این امام بزرگوار فرموده: «وَالْجُمُعَةُ لِلنُّظَيْفِ وَالتَّطَيِّبِ وَهُوَ عِيدٌ لِلْمُسْلِمِينَ وَهُوَ أَفْضَلُ مِنَ الْفِطْرِ وَالْأَضْحَى وَ يَوْمٌ غَدِيرٌ خَيْرٌ مِنْ أَفْضَلِ الْأَعْيَادِ.» که خود این عید هم می تواند سبب حسن تفاهم شود و هم تلاشی برای به دست آوردن اتحاد باشد و هم به بهانه این روز کنکاشی برای معلوم شدن حقایق تاریخ اسلام صورت پذیرد.

#### ۴ سیره معصومین

استاد مطهری سیره فراموش شده امیرالمؤمنین (ع) را بهترین دلیل بر این مدعا می داند و می گوید: «علی (ع) از اظهار و مطالبه حق خود و شکایت از ربایندگان آن خودداری نکرد، با کمال صراحت ابراز داشت و علاقه به اتحاد اسلامی را مانع آن قرار نداد. خطبه های فراوانی در نهج البلاغه شاهد این مدعا است. در عین حال این تعظمتها موجب نشد که از صف جماعت مسلمین در مقابل بیگانگان خارج شود. در جمعه و جماعت شرکت می کرد، سهم خویش را از غنائم جنگی آن زمان دریافت می کرد، از ارشاد خلفا دریغ نمی نمود، طرف شور و مشورت قرار می گرفت و ناصحانه نظر می داد. در جنگ مسلمانان با ایرانیان که خلیفه وقت مایل بود خودش شخصاً شرکت نماید علی پاسخ می دهد: خیر شرکت نکن، زیرا تا تو در مدینه هستی دشمن فکر می کند فرضاً سپاه میدان جنگ را از بین ببرد از مرکز مدد می رسد، ولی اگر شخصاً به میدان نبرد بروی خواهند گفت هذا اصل العرب؛ ریشه و بن عرب این است. پس نیروهای خود را متمرکز می کنند تا تو را از بین ببرند و اگر تو را از بین ببرند با روحیه قویتر به نبرد مسلمانان

خواهند پرداخت.

علی در عمل نیز همین روش را دارد. از طرفی شخصاً هیچ پستی را از هیچ یک از خلفا نمی پذیرد، نه فرماندهی جنگ، نه حکومت بر یک استان، نه اماره الحاح و نه یک چیز دیگر از این قبیل را؛ زیرا قبول یکی از این پست ها به معنی صرف نظر کردن از حق مسلم خویش است و به عبارت دیگر کاری بیش از همکاری، همگامی و حفظ وحدت اسلامی است. اما در عین حال که خود پستی نمی پذیرفت، مانع نزدیکیان، خویشاوندان و یارانش در قبول آن پست ها نمی گشت، زیرا قبول آن ها صرفاً همکاری و همگامی است و به هیچ وجه امضای خلافت تلقی نمی شود.

#### ۴ وفاق

شهید مطهری در ادامه ضمن اشاره به شرایط کنونی دنیای اسلام می افزاید: مصلحان و دانشمندان روشنفکر اسلامی عصر ما، اتحاد و همبستگی ملل و فرق اسلامی را، خصوصاً در اوضاع و احوال کنونی که دشمن از همه جوانب بدان ها هجوم آورده و پیوسته با وسایلی مختلف در پی توسعه خلافت کهن و اختراع خلافت نوین است، از ضروریترین نیازهای اسلامی می دانند. اساساً چنانکه می دانیم وحدت اسلامی و اخوت اسلامی، سخت مورد عنایت و اهتمام شارع مقدس اسلام بوده و از اهم مقاصد اسلام است. اما مفهوم دقیق و درست وحدت اسلامی چیست؟

آیا مقصود این است که از میان مذاهب اسلامی یکی انتخاب شود و سایر مذاهب کنار گذاشته شود. یا مقصود این است که مشترکات همه مذاهب گرفته شود و مفترقات همه آن ها کنار گذاشته شود و مذهب جدیدی بدین نحو اختراع شود، که عین هیچ یک از مذاهب موجود نباشد؛ یا اینکه وحدت اسلامی، به هیچ وجه ربطی به وحدت مذاهب ندارد و مقصود از اتحاد مسلمانان، اتحاد پیروان مذاهب مختلف، در عین اختلافات مذهبی، در برابر بیگانگان است. مخالفین اتحاد مسلمین، برای اینکه از وحدت اسلامی، مفهومی غیرمنطقی و غیرعملی بسازند، آن را با نام وحدت مذهبی توجیه می کنند تا در گام نخست، با شکست مواجه گردد. بدیهی است که منظور علمای روشنفکر اسلامی از وحدت اسلامی، حصر مذاهب به یک مذهب و یا اخذ مشترکات مذاهب و طرف مفترقات آن ها که نه معقول و منطقی است و نه مطلوب و عملی، نیست. منظور این دانشمندان، متشکل شدن مسلمین در یک صف در برابر دشمنان مشترکشان است. این دانشمندان

بدیهی است  
که منظور  
علمای روشنفکر  
اسلامی از وحدت  
اسلامی، حصر  
مذاهب به یک  
مذهب و یا  
اخذ مشترکات  
مذاهب و طرف  
مفترقات آن ها  
که نه معقول و  
منطقی است و نه  
مطلوب و عملی،  
نیست. منظور  
این دانشمندان،  
متشکل شدن  
مسلمین در  
یک صف در  
برابر دشمنان  
مشترکشان است





و ششم نمایند، به یکدیگر تهمت نزنند و دروغ نینند، منطق یکدیگر را مسخره نکنند و بالاخره، عواطف یکدیگر را مجروح نسازند و از حدود منطق و استدلال خارج نشوند. در حقیقت اقل حدودی را که اسلام در دعوت غیرمسلمان به اسلام، لازم دانسته، درباره خودشان رعایت کنند. «ادع الی سبیل ربک بالحکمه و الموعظه الحسنه و جادلهم بالتی هی احسن.»

### شبیه عدم امکان وحدت

وی در ادامه مقاله خود تصریح می‌کند: برای برخی این تصور پیش آمده که مذاهبی که تنها در فروع با یکدیگر اختلاف دارند، مانند شافعی و حنفی، می‌توانند با هم برادر باشند و با یکدیگر در یک صف قرار گیرند، اما مذاهبی که در اصول با یکدیگر اختلاف نظر دارند به هیچ وجه نمی‌توانند با یکدیگر برادر باشند. از نظر این دسته، اصول مذهبی مجموعه‌ای به هم پیوسته است و به اصطلاح اصولیون از نوع «اقل و اکثر تباطی» است، آسیب دیدن یکی عین آسیب دیدن همه است.

در اینجا سیره و روش شخص امیرالمؤمنین (علی (ع)، برای ما بهترین و آموزنده‌ترین درس است. علی (ع)، راه و روشی بسیار منطقی و معقول که شایسته بزرگواری مانند او بود اتخاذ کرد. او برای احقاق حق خود، از هیچ کوششی خودداری نکرد، همه امکانات خود را به کار برد که اصل امامت را احیا کند، اما هرگز از اشعار «یا همه یا هیچ» پیروی نکرد. برعکس، اصل مالایدرک کله لایترک کله را مبنای کار خویش قرار داد. علی در برابر ریاپسندگان حقش قیام نکرد و قیام نکردنش اضطراری نبود، بلکه کاری حساب شده و انتخاب شده بود. او از مرگ بیم نداشت، چرا قیام نکرد، حداکثر این بود که کشته شود، کشته شدن در راه خدا منتهای آرزوی او بود. علی در حساب صحیحش بدین نکته رسیده بود که مصلحت اسلام در آن شرایط ترک قیام و بلکه همکاری و همکاری است. □



مسلمانان همه از یک نوع جهان بینی برخوردارند، یک فرهنگ

مشترک دارند و در

یک تمدن عظیم

و با شکوه و سابقه

دار شرکت دارند.

وحدت در جهان

بینی، فرهنگ،

سابقه تمدن،

بینش و منش،

معتقدات مذهبی،

پرستش‌ها و

نیایش‌ها، آداب

و سنن اجتماعی

خوب، می‌تواند

از آن‌ها ملت

واحدی بسازد

معتقدند که مسلمانان مایه وفاق‌های بسیاری دارند که می‌تواند مبنای یک اتحاد محکم گردد، مسلمین همه خدای یگانه را می‌پرستند و همه به نبوت رسول اکرم ایمان و اذعان دارند، کتاب همه قرآن و قبله همه کعبه است، با هم و مانند هم حج می‌کنند، مانند هم نماز می‌خوانند، روزه می‌گیرند، تشکیل خانواده می‌دهند، داد و ستد می‌نمایند، کودکان خود را تربیت می‌کنند و اموات خود را دفن می‌نمایند و جز در امور جزئی، در این کارها با هم تفاوتی ندارند.

مسلمانان همه از یک نوع جهان بینی برخوردارند، یک فرهنگ مشترک دارند و در یک تمدن عظیم و با شکوه و سابقه دار شرکت دارند. وحدت در جهان بینی، فرهنگ، سابقه تمدن، بینش و منش، معتقدات مذهبی، پرستش‌ها و نیایش‌ها، آداب و سنن اجتماعی خوب، می‌تواند از آن‌ها ملت واحدی بسازد و قدرتی عظیم و هایل به وجود آورد که قدرت‌های عظیم جهان ناچار در برابر آن‌ها خضوع نمایند، خصوصاً این که در متن اسلام برای این اصل تأکید شده است.

### برادری

استاد شهید مطهری در ادامه می‌گوید: مسلمانان به نص صریح قرآن برادر یکدیگرند و حقوق و تکالیف خاصی آن‌ها را به یکدیگر مربوط می‌کند. با این وضع چرا مسلمین از این همه امکانات وسیع که از برکت اسلام نصیبشان گشته استفاده نکنند. از نظر این گروه از علمای اسلامی، هیچ ضرورتی ایجاب نمی‌کند که مسلمان به خاطر اتحاد اسلامی، صلح و مصالحه و گذشتی در مورد اصول یا فروع مذهبی خود نمایند. همچنان که ایجاب نمی‌کند که مسلمین درباره اصول و فروع اختلافی فی مابین، بحث و استدلال نکنند و کتاب نویسند. تنها چیزی که وحدت اسلامی، از این نظر، ایجاب می‌کند، آن است که مسلمانان برای این که احساسات کینه‌توزی در میان‌شان ایجاد نشود یا شعله‌ور نگردد متانت را حفظ کنند، یکدیگر را سب

تفسیر ولایت در اندیشه و آثار امام خمینی (ره)

## دوستی حق

| حسین شیدائیان

تجلی فیض الهی در خلقت و هدایت بشریت، همچنین منشأ عروج و تکامل انسان‌ها ولایت است. بنای رفیع نظام هستی و دین حیات بخش اسلام، بر این بنیان استوار گردیده و ولایت‌مداری تنها راه سعادت و نجات انسان‌ها از ضلالت و گمراهی است. ولایت را می‌توان بیت الغزل عرفان نظری در محفل انس اهل معرفت و اوج قله تکامل انسان در قرب الهی و فصل ممیز حقیقت انسانی دانست. شعاع درخشان ولایت رواق موضوعات مختلفی را نورافشانی می‌نماید؛ از منظر هستی‌شناسی و نظام آفرینش؛ در بحث انسان کامل، فضای عرفان نظری را عطر افشان می‌کند و جلوه آن در مساله امامت و خلافت، در حوزه باورهای دینی زینت بخش بارگاه کلام است. نازل‌ترین مرتبه ولایت، در استقرار و تثبیت حکومت دینی، سیاست و حاکمیت را از ظلمت و تیرگی جدایی از آموزه‌های دینی رها نموده است. اندیشه و آثار عمیق و لطیف عرفانی امام خمینی (ره)؛ گستره وسیع مفهومی ولایت، از قله عرفان تا دامنه سیاست را دربر می‌گیرد. در ادامه به اختصار به مفهوم تعبیرات، مراتب و حقیقت ولایت از نگاه امام خمینی (ره) می‌پردازیم. ■

در اندیشه و آثار امام خمینی (ره) مفهوم ولایت آمیزه‌ای از معنی لغوی و آموزه‌های دینی است. ایشان در متون عرفانی خویش ولایت را به معنی قرب، محبوبیت، تصرف، ربوبیت و نیابت آورده و در بیانات خود با اشاره به حدیث غدیر خم، ولایت را به حکومت کردن معنا می‌کند. تعبیر مختلفی در آثار و بیانات امام (ره) به تناسب مناسبت‌ها و موضوعات عرفانی، سیاسی و اخلاقی از برخی انواع، اقسام و مراتب ولایت بیان شده است. ولایت کامل و کلی الهی: خداوند به عنوان پروردگار عالم هستی دارای ولایت کلی بر تمام جهان است. ولایت و خلافت الهی که والاترین مقام و شان الهی و باب ابواب ظهور و کلید کلیدهای غیب و شهود است و ریشه و سرآغاز و اصل خلقت بر آن بنا نهاده شده است. این ولایت در نظام هستی در ولایت انبیاء، پیامبر و ائمه معصومین ظهور می‌کند. ولایت تامه: ولایت تامه عبارت است از فانی کردن رسوم عبودیت، پس این ولایت همان ربوبیتی است که اصل، گوهر، حقیقت، نهایت و پایان بندگی است. یعنی به مقام فنا رسیدن و از خود چیزی ندیدن است.

**ولایت ظاهری و باطنی:** ولایت باطنی از نهایت قرب به حق حاصل می‌شود و ولایت ظاهری اداره حکومت و جامعه است که هر دو مخصوص پیامبر و ائمه معصومین است. ولایت ظاهری پس از ائمه معصومین به ولی فقیه اختصاص دارد و دستیابی به مراتب نازله ولایت باطنی، با سیر و سلوک، تهذیب نفس و قرب فرایض و نوافل برای فقیهان مهذب و پارسا دور از دسترس نیست.

**ولایت تکوینی و اعتباری:** ولایت تکوینی از مقامات معنوی ائمه اطهار است که به موجب آن جمیع ذرات عالم در برابر ولی امر خاضع و مطیع اند اما ولایت اعتباری آن است که عقل یا شرح آن را وضع کرده باشد. مانند ولایت فقیه که از امور اعتبار عقلایی به شمار می‌آید و اعتبار شرعی آن به استمرار ولایت رسول الله (ص) و جعل الهی است.

**ولایت الهی و ولایت شیطانی یا طاغوتی:** تعبیر امام (ره) در اینجا؛ الهام گرفته از فرهنگ قرآن است که مومنان را تحت ولایت خداوند و غیر مومنان را تحت سرپرستی شیطان معرفی می‌کند، «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الظَّالِمُونَ...» (بقره: ۲۵۷) و ولایت الهی همان ولایت خاصه و ولایت شیطانی یک امر عدمی است.

از دیدگاه امام خمینی (ره) جامعه اسلامی که تحت ولایت الهی باشد شاخصه‌های برجسته‌ای دارد که از آن جمله می‌توان به تقویت اراده ایمانی بر محور توحید و غلبه بر امیال و هواهای نفسانی در حوزه اخلاق؛ عدالت‌گرایی، الفت و صمیمیت در حوزه اجتماعی؛ برائت از مشرکان و استکبار و حفظ روحیه تعهد دینی و معنوی در عرصه سیاسی نظام اسلامی اشاره کرد.

از سوی دیگر ایشان شاخصه‌های شیطانی را بت پرستی، مدرن، تعصب‌های جاهلی و قبیله‌ای، نفسانیت، دنیا طلبی و خود محوری برمی‌شمرد. از نگاه این بزرگوار کشورهای اسلامی یا دیگر رژیم‌هایی که تحت سلطه استکبار و بیگانگان قرار دارند تحت ولایت شیطان هستند.

در فرهنگ اهل معرفت؛ ولایت به معنی قیام عبد است به حق؛ چون فانی شود و آن با دوستی حق نسبت به او حاصل می‌شود تا اینکه او را به مقام قرب و تمکین می‌رساند. یعنی از راه دوستی حق، بنده فانی در خدا و به او باقی بماند. نکته دیگر اینکه ولایت کلی الهی، ولایت تامه و ولایت باطنی که امام (ره) در آثار خویش به تناسب مباحث و موضوعات مطروحه از آن‌ها سخن به میان آورده در اصل حقیقتی هستند که با الفاظ گوناگون از آن‌ها نام برده است.

ولایت تکوینی معصومین نیز از آثار ولایت تامه یا مطلقه آنان است. البته پایین‌ترین مرتبه ولایت، سیرالی الله سالک و فنا شدن او در حق و عالی‌ترین مرتبه ولایت که فیض الهی است مقام و مرتبه وجودی پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) است. ■

موجب شد تا واقعه غدیر حادث شود. غدیر برای حضرت علی (ع) ارزشی ندارد. از دید امیر مومنان (ع) وجود ارزشمند حضرت محمد (ص) است که به این واقعه غدیر ارزش و اعتبار می‌دهد. خداوند تبارک و تعالی که ملاحظه فرموده پس از رسول الله در میان مسلمانان کسی جز علی (ع) نیست که توانایی رهبری و هدایت مسلمانان را انجام دهد، رسول الله را مأمور می‌کند تا علی (ع) را که تنها فرد قدرتمندی است که توان ایجاد عدالت را به تمام معنا دارد و می‌تواند حکومت الهی را به درستی اداره و رهبری کند، به ولایت منصوب کند.

### الگوی حکومت اسلامی

امام خمینی (ره) در جایی دیگری فرماید: همه حکومت‌ها به الگو و نمونه نیاز دارند تا بر اساس آن، رابطه میان حاکم و مردم مشخص شود و حکومت، وظایف خود را به درستی انجام دهد. واقعه غدیر و انتخاب حضرت علی (ع) به عنوان جانشین پیامبر اکرم (ص) الگوی حکومت اسلامی را معین کرد. روزی که پیغمبر اکرم (ص) تکلیف حکومت را مشخص نمود و امیرالمؤمنین را به عنوان بهترین فرد و الگوی ولایت تعیین کرد در کنار انتخاب جانشین خویش این پیام را به مسلمانان داد که ولی و رهبر مسلمین باید چگونه باشد و باید از امیر مومنان (ع) الگو برداری کند؛ کسی که در همه جهات مهذب و معجزه بود.

### مقام معنوی

حضرت امام خمینی (ره) همچنین ضمن اشاره به تفرقه افکنی دشمنان اسلام و تبلیغات سوء مخالفان وحدت اسلامی متذکر می‌شود: گروهی، خام اندیشانه می‌پندارند که مسئله غدیر، مربوط به مسائل معنوی امام علی (ع) است و ربطی به خلافت و حکومت ایشان بعد از پیامبر اسلام (ص) ندارد. این در حالی است که نصب حضرت امیر به خلافت، این طور نیست که از مقامات معنوی حضرت باشد؛ مقامات معنوی حضرت و مقامات جامع او دلیل و علت حادث شدن واقعه غدیر است و به همین دلیل هم در روایات بسیاری از واقعه غدیر به عنوان عیدی بزرگ تجلیل شده است. حکومت از منظر امیر مومنان (ع) متاع ناچیز و بی‌ارزشی بود، ایشان درباره ارزش خلافت و حکومت به ابن عباس می‌فرماید: خلافت و حکومت برای من از این کفش بی‌قیمت نیز بی‌ارزش تر است، آنچه برای من دارای اهمیت و ارزش است اقامه عدل در میان مسلمانان و جامعه اسلامی است. همانکه اگر به حضرت امیر (ع) و اولاد او فرصت می‌دادند، اقامه عدل را آنگونه که خداوند تبارک و تعالی رضا داشت، در جامعه اسلامی زمان خویش جاری و ساری می‌کردند، لکن با وجود جور و ظلم ستمگران هرگز این فرصت در اختیارشان قرار نگرفت.

### ولایت کلی

امام خمینی (ره) با تاکید بر مقام ولایت کلی امامان معصوم (علیهم السلام)؛ نوع ولایت ایشان را متفاوت با مسئله

## ولایت در کلام حضرت امام خمینی (ره) با تکیه بر مفاهیم عید الاکبر

# کاشتن بذر هدایت در جان مسلمانان

عید غدیر خم که در روایات اسلامی به عید الاکبر یا بزرگترین عید تعبیر شده را می‌توان به جرأت بزرگ‌ترین عید تمامی ادیان الهی دانست. واقعه غدیر خم در حقیقت نماد به ثمر رسیدن زحمات تمامی فرستادگان الهی است. زمانی که حضرت نوح (ع) دین خود را به مردم معرفی کرد؛ فرمود: «ای مردم؛ خداوند شما را به این دین فرا خوانده، آگاه باشد که بعد از من پیامبری خواهد آمد که آیین او کاملتر است، پس به او بگروید و بدانید که کاملترین دین، نزد آخرین فرستاده خدا است.» پس از حضرت نوح نیز دیگر پیامبران؛ ابراهیم، موسی و عیسی (علیهم السلام) به تدریج، دین خدا را کامل کردند و به پیروان خویش وعده ظهور دینی کاملتر، از سوی آخرین رسول الهی، محمد مصطفی (ص) را دادند.

سپس اسلام به رسول اکرم (ص) و از طریق او بر مردم نازل می‌شود و دین به آخرین مرحله کمال می‌رسد و حاصل تلاش تمامی پیامبران الهی در اسلام متجلی می‌شود. پیامبر اکرم (ص) طی ۲۳ سال با زحمت و تلاش فراوان، این کاملترین دین الهی را به ثمر می‌رساند و با ایجاد برادری و برابری میان مسلمانان جامعه‌ای اسلامی را به اوج عظمت خود می‌رساند و رهسپار زیارت خانه معبود می‌شود. در راه بازگشت پیامبر اکرم (ص) در محل غدیر می‌ایستد و خطبه‌ای را برای همسفران ایراد می‌کند و علی بن ابی طالب (ع) را به عنوان جانشین و وصی خود به مسلمانان معرفی می‌کند تا رسالتی که خداوند به او سپرده به پایان برساند.

شاید برخی گمان کنند که عید غدیر خم تنها مختص شیعیان است و پیامبر اکرم (ص) در سخنان خویش اشاره‌ای بر لزوم بزرگداشت این واقعه نداشته؛ اما احادیث و روایات به وضوح بیانگر آن است که عید غدیر نیز همچون دیگر اعیاد بزرگ و مهمی چون عید فطر و عید قربان از اعیاد اسلامی و شاید بزرگترین عید مسلمانان است، زیرا در روایات آمده نخستین کسی که این روز را به عنوان عیدی اسلامی معرفی کرد، پیامبر اکرم (ص) بود که بعد ایراد خطبه خود فرمود: به من تبریک بگویید؛ زیرا خداوند مرا به نبوت و اهل بیتم را برای امامت و ولایت بر مسلمین انتخاب کرده است. حضرت امام خمینی (ره) نیز در بیانات خود، واقعه غدیر خم را به عید کاشتن بذر ولایت در جان همه مسلمانان تعبیر می‌کند و این عید بزرگ را مختص گروه خاصی نمی‌داند.

ایشان درباره عید غدیر می‌فرماید: امروز که روز عید غدیر است، از بزرگ‌ترین اعیاد مذهبی است. این عید؛ عید مستضعفان، محرومان و مظلومان جهان است، عیدی که خداوند تبارک و تعالی به وسیله رسول اکرم (ص) برای اجرای مقاصد الهی و ادامه راه انبیاء و تبلیغ اسلام ناب حضرت امیر (ع) را منصوب فرمودند.

### توان ایجاد عدالت

حضرت امام خمینی (ره) عظمت عید غدیر، را از وجود با برکت علی (ع) دانسته و می‌فرماید: مسئله غدیر، مسئله‌ای نیست که به نفسه برای امیرالمؤمنین با اهمیت باشد بلکه وجود ایشان خود دلیل واقعه غدیر هست و وجود شریفی که منبع همه جهات بود،



این کجروی‌ها و کناره‌گیری بسیاری از مسلمانان از وظایف خویش، این فرصت را برای ظالمان فراهم کرد تا دیگر نگذارند مسلمین به مسائل حکومت خویش آگاه باشند و نه در امور خود دخالت کنند. تأثیرات آن غفلت و کناره‌گیری اسباب گرفتاری و مشکلات امروزه دنیای اسلام را فراهم کرد و اکنون در سرتاسر کشورهای اسلامی این مشکلات قابل مشاهده است.

#### تبعیت

حضرت امام خمینی (ره) در مورد درست زنده نگه داشتن عید سعید غدیر خم می‌فرماید: شادمانی کردن و مجلس گرفتن در اعیاد اسلامی، عملی نیکوست؛ ولی نیکوتر آنکه، به اهمیت و بزرگی آن عید بیندیشیم. در حقیقت زنده نگه داشتن این عید، نه فقط با هدف چراغانی کردن کوچه و خیابان‌ها، قصیده خوانی و مداحی است؛ البته اینها خوب است؛ اما هدف و مقصود اصلی این نیست. هدف و مقصود اصلی آن است که مسلمانان بیاموزند چطور باید تبعیت کنند، که غدیر منحصر به زمان خاصی نیست؛ غدیر در همه اعصار باید باشد و باید مورد توجه جامعه اسلامی قرار گیرد. روشی که امیر مومنان؛ علی (ع) درباره این واقعه و اتفاقات پس از آن در پیش گرفت، باید الگو و روش ملت‌ها و دست‌اندرکاران حکومت و جوامع اسلامی باشد. قضیه غدیر، قضیه جعل حکومت است. این است که قابل نصب است؛ والا، مقامات معنوی قابل نصب نیست. □



هدف و مقصود اصلی آن است که مسلمانان بیاموزند چطور باید تبعیت کنند، که غدیر منحصر به زمان خاصی نیست؛ غدیر در همه اعصار باید باشد و باید مورد توجه جامعه اسلامی قرار گیرد

خلافت و حکومت که در عید غدیر خم مطرح شد می‌داند و در این خصوص می‌فرماید: ولایت کلی امامان معصوم (علیهم السلام)، همان امامتی است که جزء اصول و پایه‌های مذهب تشیع است که اگر مسلمانی به آن معتقد نباشد، تمام اعمال نیک خود را باطل کرده است. آن چیزی که برای ائمه ماصرفه نظر از واقعه غدیر خم مطرح بوده مقام ولایت کلی یا همان امامت است و اگر کسی این بعد از ولایت را قبول نداشته باشد، اگر تمام نمازها را مطابق با قواعد اسلامی شیعه هم بجا بیاورد، نمازش باطل است و این چیزی جدا از ماجرای غدیر و حکومت، خلافت و جانشینی امیر المومنین (ع) پس از نبی مکرم اسلام (ص) است و از اصول و پایه‌های اصلی مذهب است.

#### راه انحرافی

امام خمینی با اشاره به مشکلات کنونی دنیای اسلام می‌فرماید: پس از واقعه مهم غدیر خم و برگزیدن امام علی (ع) به جانشینی رسول خدا (ص) عده‌ای به فاصله‌ای اندک، این مسئله را نپذیرفتند و علی (ع) را از خلافت کنار گذاشتند. این کنار گذاشتن معصوم و برگزیدن غیر او، اندک اندک موجب پدید آمدن راه انحرافی شد؛ به طوری که بعدها معاویه‌ها و یزیدها، خلافت و حکومت را به دست گرفتند و آن را تبدیل به سلطنتی عظیم با تاج تخت کردند. اما این انحرافات در همان مقطع زمانی تمام نشد و سرچشمه گرفتاری‌ها و مشکلات کنونی دنیای اسلام شد. انحرافات پس از واقعه غدیر خم و غفلت و نادیده گرفتن

### ۱ ایمان و اعتقاد

ایمان و باور قلبی به خداوند یگانه، پیامبر(ص)، جانشینان ایشان(ع) و قرآن کریم ریشه‌های اصلی ولایت‌مداری هستند. ایمان و اعتقاد بر پایه معارف و آموزه‌های وحیانی تلاش و حرکت انسان را سامان داده و با اعتقاد به معاد و آخرت ماندگار می‌شود؛ از این رو می‌توان گفت که ولایت‌مداری حرکت سعادت بخش و پایداری است که پرچمداران مقام رسالت و امامت در همه اعصار است. در قرآن کریم آمده: ای کسانی که ایمان آورده‌اید به خدا و پیامبر و کتابی که بر او نازل کرده، به کتب آسمانی که پیش از این فرستاده است ایمان حقیقی بیاورید.

دعوت و فراخواندن مومنان به ایمان به خداوند، پیامبر و کتاب آسمانی نشانه مراتب ایمان است و ایمان به ولایت اهل بیت(ع) تجلی ایمان به خداوند و پیامبر(ص) و از مراتب عالی ایمان است. در زیارت جامعه ائمه‌المومنین در این باره آمده: گواه می‌گیرم خدای آفریننده‌ام را و گواه می‌گیرم فرشتگان و پیامبران او را و گواه می‌گیرم شما را، ای اولیای من؛ به ولایت شما ایمان دارم و به امامت شما معتقدم و به خلافت و جانشینی شما اقرار می‌کنم، منزلت شما را شناخته و به مقام عصمت شما یقین دارم، در برابر ولایت شما فروتن هستم یا دوست داشتن شما و بیزاری از دشمنان شما به خداوند تقرب می‌جویم.

### ۱ حب و دوستی

حب به خداوند به عنوان ولی و محبوب یگانه و نیز دوست داشتن اولیای الهی به عنوان مظاهر ولایت الهی بعد روانشناختی ولایت‌مداری است. از نظر روان‌شناسی احساسات و عواطف جزء رفتار و فعالیت نهان و نامحسوس انسان است و محبت یکی از انواع عواطف است که انسان را به فعالیت‌هایی با شیوه‌های خاص برمی‌انگیزاند. در مناجات‌های مجیبین در این خصوص آمده: ای نهایت آرزوی دوستداران، از تو می‌خواهم دوستی تو و دوستی هر که دوستت دارد و دوستی هر کاری که مرا به قرب تو رساند و تو را پیش من محبوب‌تر از غیر تو سازد. همچنین از طریق ولایت محبت کمالات الهی و اولیای خداوند محبوب انسان شده و انگیزه تلاش و حرکت افزایش می‌یابد. به فرموده قرآن کریم: آنان که ایمان دارند عشقشان به خدا شدیدتر است.

نشانه حب خداوند پیروی از پیامبر اکرم(ص) و پاداش آن، خود از مراتب کمال آدمی است. مودت به اهل بیت(ع) نیز تجلی حب خداوند از سوی مومنان ولایت‌مدار است و خداوند تعالی در این خصوص به پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید: بگو من هیچ پاداشی از شما به رسالتم درخواست نمی‌کنم جز دوست داشتن نزدیکانم (اهل بیت) و نیز می‌فرماید: بگو هر اجر و پاداشی از شما خواسته‌ام برای خود شماست اجر من تنها بر خداست. من برای ابلاغ آیین خدا هیچ‌گونه پاداشی از شما نمی‌خواهم مگر کسی که بخواهد



اهمیت ولایت‌مداری در قرآن و احادیث

## مرتب‌ه عالی ایمان

محمد مهدی مهندی

« انسان آفریده‌ای است که به سوی خدای سبحان در حرکت است. کمال آدمی؛ ولایت‌مداری از اعتقاد تا عمل است تا بتواند به بارگاه قدس الهی و قرب به خداوند نائل آید و پرتو این کمال از نظام ولایی پاسداری کند. این نوشتار به بایسته‌های ولایت‌مداری به عنوان رسالت پاسداری از ارزش‌های الهی و نظام اسلامی می‌پردازد. بر پایه آموزه‌های وحیانی، خدای یگانه تنها ولی حقیقی است؛ خدایی که همواره رحمت خویش را بر هستی می‌گستراند و ولی و شایسته ستودن است. هستی تحت ولایت مطلق خداوند است و ولایت الهی در همه شئون هستی جاری است. این حقیقت هم‌اکنون وجود دارد و در قیامت که زمان ظهور حقایق است آشکار خواهد شد.

پایه‌های اصلی ولایت‌مداری، اندیشه و معرفتی است که بر آموزه‌های وحیانی قرآن کریم و ولایی‌خاندان ولایت و نیز خردورزی روشمند استوار است و رهاورد آن باور قلبی و رفتاری شایسته است که همواره بر مدار ولایت حق تعالی و پیروی از اولیا و برگزیدگان الهی قرار دارد، فرآیند ولایت‌مداری که بر حسن فاعلی یا همان ایمان و خلوص نیت و حسن فعلی یا همان رفتار شایسته بر مدار شریعت استوار است انسان را در حرکت به سوی کمال و قرب به خداوند رهنمون می‌سازد تا تحت ولایت خاص خداوند قرار گیرد.

پیشه کنید و به رسولش ایمان بیاورید تا دو سهم از رحمتش به شما بیخشد و برای شما نوری قرار دهد که با آن در میان مردم و در مسیر زندگی خود راه بروید. پس مومنان با رعایت تقوای الهی و به جان شنیدن فرامین الهی و اطاعت کردن به سعادت و رستگاری نائل می‌آیند و خداوند مومنان را به تقوای الهی و ایمان به مقام رسالت، فرا می‌خواند تا از رحمت خاص خود بهره‌مند فرماید و آنان در مسیر کمال با نور الهی حرکت کنند.

#### ۴ ادا کردن حقوق رهبری

میان رهبر و مردم حقوق متقابلی وجود دارد و ادا کردن حقوق رهبر از سوی مومنان نشانه ولایت‌مداری ایشان است؛ صیانت و پاسداری از نظام اسلامی و ولایتی اقتضا می‌کند که مومنان وظایف ولایت‌مداری خود را در عرصه سیاسی اجتماعی انجام دهند. حضرت محمد (ص) درباره احترام به زمامدار عادل می‌فرماید: زمامداران را احترام و اکرام کنید، زیرا آنان عزت دین خداوند و تجلی قدرت الهی روی زمین هستند در صورتی که عادل باشند.

همچنین حضرت علی (ع) درباره حقوق خویش بر مردم می‌فرماید: اما حق من بر شما این است که به بیعت با من وفادار باشید و در آشکار و نهان برایم خیرخواهی کنید هرگاه شما را فرا خواندم اجابت نمایید و فرمان دادم اطاعت کنید. ایشان درباره اطاعت از منصوبان رهبری نیز می‌فرماید: سخنش را بشنوید و فرمانش را در آنجا که مطابق حق است اطاعت کنید.

از این رو، باید از دستورات کارگزاران نظام اسلامی که بر اساس موازین دینی صادر می‌شود، پیروی کرد چرا که ایشان، کارگزار نظام ولایتی محسوب می‌شوند.

امیرالمومنین (ع) در وصف یاران خاص خود که الگوی ولایت‌مداری اند می‌فرماید: دروغا از برادرانم که قرآن را خواندند و بر اساس آن قضاوت کردند، در واجبات الهی اندیشه کرده و آن‌ها را بر پا داشتند، سنت‌های الهی را زنده و بدعت‌ها را نابود کردند، دعوت‌ها را پذیرفته و به رهبر خود اطمینان داشته و از او پیروی کردند. همچنین پس از جنگ جمل یاران خویش را اینگونه می‌ستاید: شما یاران حق و برادران دینی‌ام هستید. در روز جنگ چون سپر محافظ دور کننده ضربت‌ها و در خلوت‌ها محرم اسرار من هستید، با کمک شما پشت‌کنندگان به حق را می‌کوبیم و به راه می‌آوریم و فرمانبرداری استقبال‌کنندگان را امیدوارم.

آن حضرت در ادامه از یارانش می‌خواهد: پس مرا با خیرخواهی خالصانه و سالم از هرگونه شک و تردید یاری کنید. به خدا سوگند من به مردم از خودشان سزاوارترم. با توجه به این سخنان اینگونه می‌توان نتیجه گرفت که مومنان ولایت‌مدار کسانی هستند که در اخلاق و رفتار التزام عملی به آموزه‌های وحیانی و ولایتی دارند به گونه‌ای که ولی امر، ایشان را به خوبی می‌ستاید. □



در میان حقوق

الهی، بزرگ‌ترین

حق، حق رهبر بر

مردم و حق مردم

بر رهبر است،

حق واجب‌ی که

خدای سبحان

بر هر دو گروه لازم

شمرده و آن را

عامل پایداری

پیوند ملت و رهبر

و عزت دین قرار

داده است؛ پس

رعیت اصلاح

نمی‌شود جز آنکه

زمامداران اصلاح

گردند و زمامداران

اصلاح نمی‌شوند

جز با درستکاری

رعیت و آنگاه که

مردم حق رهبری

را ادا کنند و

زمامدار حق مردم

را بپردازد

راهی به سوی پروردگارش برگزیند. بنابراین مودت به اهل بیت از الزامات ولایت‌مداری است که با تولی و دوستی با دوستان خدا و تبری و دشمنی با دشمنان خدا نمود می‌یابد.

#### ۴ اطاعت و فرمانبرداری

تجلی ایمان انجام رفتار شایسته است که با اطاعت از خداوند، پیامبر اکرم (ص) و جانشینان ایشان (ع) تحقق می‌یابد. قرآن کریم می‌فرماید: ای کسانی که ایمان آورده‌اید اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولوالامر را. همچنین در مناجات‌المطیعین آمده: خدایا جهاد و تلاش ما را در راهت و همتان را در اطاعتت قرار ده و نیت‌های ما را در انجام اطاعتت خالص گردان زیرا ما به فیض و وجود تو هستیم و برای توایم، ما را به درگاهت وسیله‌ای نیست جز خودت و در دعای شب میبخت نیز آمده: سپاس خدای را که ما را به شناخت پیامبر اکرم راهنمایی کرد و ما را به ولایت ایشان مخصوص گردانید و به اطاعت ایشان توفیق داد. درباره اطاعت از اهل بیت (ع) هم در صلوات شعبانیه آمده: خداوند درود فرست بر پیامبر و خاندان پاک و نیکش؛ آنان که ادای حقوقشان را واجب کردی و اطاعت از ایشان و ولایت آنان را واجب نمودی.

در میان حقوق الهی، بزرگ‌ترین حق، حق رهبر بر مردم و حق مردم بر رهبر است، حق واجب‌ی که خدای سبحان بر هر دو گروه لازم شمرده و آن را عامل پایداری پیوند ملت و رهبر و عزت دین قرار داده است؛ پس رعیت اصلاح نمی‌شود جز آنکه زمامداران اصلاح گردند و زمامداران اصلاح نمی‌شوند جز با درستکاری رعیت و آنگاه که مردم حق رهبری را ادا کنند و زمامدار حق مردم را بپردازد. بنابراین می‌توان گفت که از الزامات ولایت‌مداری اطاعت از خداوند است که این مهم با پیروی از برگزیدگان الهی پیامبر (ص) و امامان معصوم (ع) تحقق می‌یابد و در عصر غیبت اطاعت از مقام ولی فقیه به عنوان جانشین عام امام عصر (عجل‌الله) ادامه اطاعت از دستورات الهی است و در همه زمان‌ها جاری است.

امیرمومنان علی (ع) درباره جایگاه ولایت و ضرورت اطاعت از رهبری ولایتی می‌فرماید: همانا من در میان شما چنان چراغ درخشنده در تاریکی هستم که هر کس به آن روی آورد از نورش بهره‌مند گردد. ای مردم سخنان مرا بشنوید و به خوبی حفظ کنید، گوش دل خویش را باز کنید تا گفته‌های مرا بفهمید. همچنین در زیارت اربعین که جلوه‌ای از ولایت‌مداری است اینگونه آمده: گواهی می‌دهم که به شما ایمان دارم و به بازگشت شما، قوانین دین و سرانجام اعمال خویش یقین دارم. با شما همدل و در رفتار پیرو شما می‌باشم و یاریم برای شما آماده است تا خداوند اجازه دهد، پس همراه شما هستم همراه شما می‌باشم نه همراه دشمنان شما.

در قرآن کریم نیز درباره اطاعت از دستورات الهی بر پایه تقوا آمده: پس تا می‌توانید تقوای الهی پیشه کنید و گوش دهید و اطاعت نمایید. ای کسانی که ایمان آورده‌اید تقوای الهی

« اندیشه و تفکر تفکیک و جداسازی دین از سیاست با هدف کنارگذاشتن دین از امور دنیوی و جلوگیری از نظم بخشیدن به جوامع اسلامی با تکیه بر دین، از منظر امام خمینی (ره) حاصل تلاش استعمارگران و حکومت‌های خارجی حاکم بر کشورهای اسلامی است. ایشان با اشاره به باور غلط جدایی دین از سیاست، آن را مساله‌ای مشترک میان تمام مسلمانان با هر نوع گرایش مذهبی می‌داند که با برخورد مخالف و مشترک مسلمانان خط بطلانی بر آن کشیده شده و منجر به ایجاد وحدت اسلامی در میان خواهد شد. نوشتار پیش رو، بازخوانی و تحلیل یکی از سخنرانی‌های ارزشمند و روشنگرانه امام خمینی (ره) در روز عید غدیر (دوم شهریورماه ۱۳۶۵ برابر با هجدهم ذی الحجة ۱۴۰۶) است که در آن تاکید عمیقی بر راه‌های مبارزه و جلوگیری از شیوع اندیشه تفکیک دین از سیاست دارد. ایشان با اشاره به واقعه غدیر خم، توجه به ابعاد دینی و سیاسی این واقعه مهم تاریخی را یکی از بهترین راهکارهای دستیابی به بهترین روش‌های مبارزه با این تفکر غلط و گمراه کننده می‌داند.

#### سیاست و عید غدیر

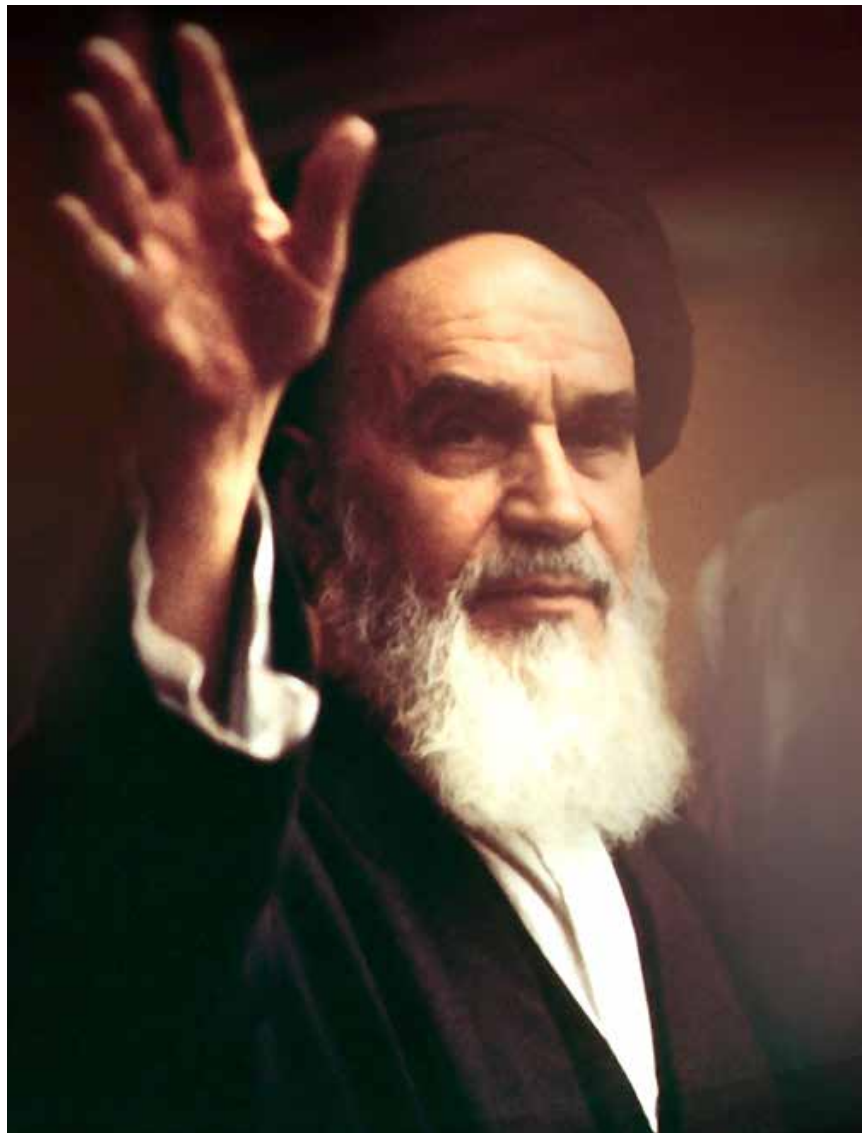
امام خمینی (ره) در سال ۱۳۴۲، نهضت دینی‌ای را به راه انداخت که اوج آن، وقوع انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ بود. ثمره این انقلاب، تأسیس نظام سیاسی اسلامی در دنیای عرفی شده (غیر دینی و دنیوی) اتفاق افتاد و رهبری این نظام نوپای اسلامی بر دوش ایشان بود. شرایط رهبری نظام سیاسی در زمان تأسیس، بسیار دشوار و حساس بود و هرگونه تصمیمات و مواضع سیاسی از سوی رهبری و کارگزاران این نظام نوپا می‌توانست تنش‌زای آرامش بخش باشد؛ به ویژه که این انقلاب، دشمنان داخلی و خارجی بسیاری داشت؛ دشمنانی که مترصد فرصتی برای ضربه زدن و براندازی نظام اسلامی بودند. در این میان، اختلافات و مسائل قومی و مذهبی از جمله دستاویزهای مهم مخالفان ضدانقلاب داخلی و خارجی برای ضربه زدن بود. بنابراین، طبیعی بود که رهبر و کارگزاران نظام انقلابی، دغدغه جلوگیری از برافروختن فتنه اختلافات قومی مذهبی را در سر داشتند. این دغدغه، ریشه در یک دل‌نگرانی عظیم؛ یعنی «عادی‌سازی انقلاب» داشت و عادی‌سازی انقلاب، فرآیند گذار جامعه و نظام سیاسی از وضع انقلابی به شرایط عادی و غیرانقلابی بود.

اختلافات قومی مذهبی موجود در جامعه اگر، مربوط به ساحت عملی نظام سیاسی باشد، مساله «اصالت» هم مربوط به ساحت نظری حکومت می‌شود. نظام نوین سیاسی که پیامد انقلاب مردمی بود، در این برهه از زمان، به دلیل مسبوق به سابقه نبودنش با پرسش نظری «اصالت» مواجه شد؛ پرسشی که از رهبران چنین نظام نوینی، مطالبه توجیه عقلانی برای اصالت و حجیت آن را داشت؛ چنانکه امام خمینی (ره) برای تأسیس نظام سیاسی مبتنی بر اصل ولایت مطلقه فقیه با چنین پرسشی درگیر بود؛ زیرا در دوره‌ای حکومت اسلامی را برپا کرد که ذهنیت‌ها از

ولایت سیاسی در اندیشه امام خمینی (ره)

## امتداد نور

داود مهدوی زادگان







.....

برای آن دلیل آوردند که لباس جندی، لباس شهرت است، برای عدالت مضراست. اهل علم حوزه را چه کار با امور سیاسی و نظامی مملکتی؛ باید هر کس مشغول درس خود باشد؛ فقیه به فقه، فیلسوف به فلسفه و عارف به عرفان.

#### ❑ اشاعه انحراف جدایی دین از سیاست

تأثیر اندیشه جدایی دین از سیاست، منحصر به شیعیان نیست. اما شیعیان به دلیل آنکه از همان آغاز با حکومت‌ها فاصله داشتند و تنها در پاره‌ای از مقاطع تاریخی به حکومت نزدیک بودند تا حدودی زمینه فکریشان برای باور درستی جدایی دین از سیاست آماده شده بود. اما چنین زمینه‌ای برای نهادینه شدن این باور در میان اهل سنت موجود نبود زیرا غالب حکومت‌ها، سنی بودند و هیچگاه فاصله‌ای میان خلفا و اهل سنت پدید نیامده تا زمینه فکری برای جزم به جدایی دین از سیاست در اذهان ایشان شکل گیرد. امام خمینی (ره) با اشاره به نظریه سیاسی رایج میان اهل سنت، مهمترین دلیل سلطه این انحراف در میان اهل سنت را سيطرة نظریه سیاسی «غلبه» می‌داند و می‌فرماید: آن کس که جدایی دین از سیاست را باور ندارد، هرگز نمی‌تواند نظریه «الحکم لمن غلب» را بپذیرد. دستوراتی که در اسلام درباره سیاست و شرایط حاکم آمده؛ به معنای این نیست که هر کس با هر ویژگی حق حاکمیت بر جامعه اسلامی را دارد، از این رو مساله جدایی دین از سیاست؛ مساله مشترک جوامع اسلامی است. الان در سرتاسر کشورهای اسلامی این مسائل اشاعه یافته و باور علمای اهل سنت به اطاعت از ابرقدرت‌ها تا جایی پیش رفته که اختیار کشور خویش را بدون کم و کاست به آن‌ها داده‌اند.

#### ❑ انسان کامل

امام خمینی (ره) در تبیین حقیقت غدیر خم به موضوع منزلت فرد توجه دارد و منزلت و سیادت فرد را به دو گونه تکوینی و تشریحی تقسیم کرده و انسان کامل را مثال اعلای خداوند، آیت کبرا، کتاب مبین، بنای عظیم و کلید باب معرفت الله می‌خواند. ایشان مصداق تام انسان کامل که شرافت تام وجودی بر عالمیان دارد، را در وجود مقدس حضرت ختمی مرتبت؛ محمد (ص)، امیر مومنان؛ علی (ع) و امامان معصوم (ع) می‌داند و می‌فرماید: رسول خدا (ص) انسان کاملی است که در اسرار مخروط این عالم واقع است. ذات مقدس حق تعالی که از نظرها غایب و در عین حال، ظاهر است و مستجمع همه کمال به طور غیرمتناهی است، در رسول اکرم به تمام اسماء و صفات متجلی است. پس انسان کامل؛ یعنی وجود مبارک علوی علیه الصلوه و السلام؛ که همان نقطه سر توحید است و در عالم، آیه‌ای بزرگتر از آن وجود مبارک نیست.

#### ❑ احقاق حق

ایشان در خصوص این نوع از ولایت می‌فرماید: اما نوع دیگر از سیادت و شرافت، تشریحی است و به آن «ولایت

امام خمینی (ره)

با اشاره به نظریه

سیاسی رایج

میان اهل سنت،

مهمترین دلیل

سلطه این انحراف

در میان اهل

سنت را سيطرة

نظریه سیاسی

«غلبه» می‌داند

و می‌فرماید: آن

کس که جدایی

دین از سیاست

را باور ندارد، هرگز

نمی‌تواند نظریه

«الحکم لمن

غلب» را بپذیرد

تفکر جدایی دین از سیاست و اصالت حکومت غیردینی پر بود. جوی که در آن دوران براندیشه و باور مردم حاکم بود با توجیه عقلانی حکومت اسلامی و عدم جدایی دین از سیاست، آنچنان بیگانه بود که حتی در اذهان عالمان مسلمان نیز برای خود جا باز کرده بود. بنابراین، امام خمینی باید توجیه و حجیت دینی نظام سیاسی نوینی را تبیین می‌کرد که از متن فقه سیاسی تشیع برمی‌آمد و در بعد عملی با مساله اختلافات مذهبی و در بعد نظری با مساله اصالت حکومت دینی درگیر بود.

اکنون، باید دید که امام خمینی (ره) به عنوان بنیانگذار نظام سیاسی نوین و حاکم اسلامی، چگونه منادی وحدت اسلامی و اصالت حکومت دینی شد. در پاسخ به این ابهام می‌توان به سخنرانی ایشان در دوم شهریور ۱۳۶۵، مصادف با هجدهم ذی الحجه ۱۴۰۶ هجری قمری؛ روز عید غدیر اشاره کرد؛ که در آن با طرح واقعه غدیر؛ آن را به ظاهر اختلاف برانگیز، در قامت منادی وحدت اسلامی، اصالت بخش حکومت اسلامی و حجیت اصل عدم جدایی دین از سیاست برمی‌شمرد و متذکر می‌شود که بزرگداشت عید غدیر فقط به آذین بندی، قصیده خوانی و مداحی خلاصه نمی‌شود بلکه شیعیان جهان اهداف بسیار مهمتری برای زنده نگاه داشتن یاد این واقعه تاریخی مهم دارند. تصریح به این مطلب بیانگر آن است که بنا نیست نسبت به واقعه غدیر همچون حاکمان بی‌دغدغه، تشریفاتی رفتار شود، زیرا غدیر برای حاکم اسلامی واقعه‌ای مهم و جدی است که هرگز نباید آن را تا حد بزرگداشتی تشریفاتی فرو کاست. غدیر، فلسفه حکومت اسلامی است که ارزش آن از طریق توجه به انحراف مشترک اساسی میان مسلمانان، معلوم می‌گردد. انحراف بزرگی که برای ملت‌های مسلمان، خصوصا شیعیان اتفاق افتاده و آن اندیشه جدایی دین از سیاست است. گرچه امروزه چنین باوری به مسلک رسمی برخی دولت‌ها و کارگزاران حکومتی تبدیل شده، اما در تاریخ سیاسی جهان اسلام، سابقه دیرینه‌اش به دوره سلطه اموی و عباسی بازمی‌گردد. به گفته امام خمینی (ره)؛ اعوجاج بسیاری در خصوص القاء این اندیشه در دوره‌های مختلف ایجاد شده اما پر قدرترینش آن از دوره خلفای اموی و عباسی نشأت گرفته که در آن دین را، علی‌حده از مسائل دنیوی و سیاست، علی‌حده از حکومت معرفی کرده است.

امام خمینی (ره) ریشه بسیاری از انحرافات جهان اسلام؛ اعم از تشیع و تسنن را در اندیشه جدایی دین از سیاست دانسته و باور غلط جدایی دین از سیاست را مانع اقدامی بیش از بزرگداشت تشریفاتی یا همان بزرگداشت محتوایی می‌داند. چنین باوری، دین را صرفا امری تعبدی معرفی می‌کند و قلمرو آن به رابطه شخصی فرد با خدا محدود می‌شود. ایشان در این خصوص فرموده: بازیگران دنیا که دیدند باید دین را یک چیز تعبدی قرار داد، طور رفتار کردند که ما هم باورمان شد که دین چه‌کار به سیاست دارد؛ سیاست مال امپراتورها است. در این دوران به اهل علم حوزه نیز چنین القاء شد که «لباس جندی» را حرام بدانند و

تشریحی «یا» خلافت ظاهره» گویند. این نوع از ولایت از پس وجود قانون و شریعت، شکل می‌گیرد. حیات حیوانات و نباتات تسخیری است و لذا بر پایه قانون تکوین و طبیعت زیست می‌کنند. اما انسان این شرافت را پیدا کرده که علاوه بر حیات طبیعی از حیات تشریحی نیز برخوردار باشد. قانون تکوین، انتخابی نیست. انسان چه نخواهد و چه نخواهد، قانون تکوین بر جسم و پیکر مادی او حاکم است. او قادر نیست قانون تکوین را تغییر دهد، به خلاف حیات تشریحی که انسان از میان شرایع حقه یا باطله یکی را انتخاب می‌کند. او از حیات حیوانی و نباتی فراتر رفته وارد حیات قانونی و تشریحی شده؛ یعنی زیست فردی و اجتماعی انسان بر مبنای قانون و شریعت تنظیم می‌شود. چنین حیاتی، انتخابی است. انسان برای حیات تشریحی، نیازمند به قانون و شریعت است؛ پس خدایی که تاملین‌کننده تمام نیازهای بشر است، معقول نیست که قانون و شریعتی برای انسان‌ها ابلاغ نکند. از این رو، انبیا مامور به ابلاغ شریعت الهی بر بندگان خدا هستند. از سوی دیگر هدف از بعثت انبیا، تنها ابلاغ احکام و شریعت الهی بر بندگان نیست، بلکه مقصد نهایی، تولیت در اجرای آن است.

ایشان در ادامه متذکر می‌شود: حفظ نظام سیاسی نیز از واجبات موكده و اختلال در امور مسلمین از امور نهي شده است. پس آن امر واجب به سرانجام نمی‌رسد، مگر با تاسیس حکومت توسط والی و حاکم واجد شرایط و آن کس که صاحب چنین منصبی باشد، واجد ولایت تشریحی شده است. پس دارنده تولیت شریعت الهی، ولی الله است. خداوند سبحان با بندگان در جمیع شئون زندگی شان بر مبنای وجود اولیاء خویش، سیره، اعمال و گفته‌های ایشان احتجاج می‌کند و بندگان خدا نیز در امور شرعی و احکام الهیه که شامل تدبیر امور مسلمین، تمشیت، اداره سیاست و هر چه که متعلق به حکومت، اگر به غیر اولیاء الله رجوع کنند با وجود آن‌ها هیچ عذر و بهانه‌ای ندارند. اما ولایت تشریحی و خلافت ظاهری، انتصابی است. فرد از ناحیه قانونگذار برای انجام تولیت امور منصوب می‌شود؛ ولی الله پس از تحقق حیات تشریحی، منصوب به خلافت ظاهری می‌شود؛ پس وقتی رسول خدا(ص) فردی را برای انجام امری انتصاب کند؛ انتصاب به ولایت تشریحی است، نه ولایت تکوینی؛ زیرا ولایت تکوینی اولیاء الله با موجود شدن نشان ایجاد می‌شود. پس تمام انتصاب‌ها مربوط به ولایت تشریحی است.

امام خمینی(ره) همچنین دیدگاه و نظر امامان معصوم را نسبت به موضوع پذیرش و ارزش حاکمیت و حکومت اینگونه بیان می‌کند: از منظر ائمه اطهار(ع) حاکمیت و ریاست ظاهری و صوری جز برای احقاق و اجرای حق، مورد عنایت نبوده و علی بن ابی طالب(ع) همین بی‌اعتنایی به حکومت را با اشاره به کفش مندرس و بی‌ارزش خود و گفتن این جمله که: به خدا سوگند این کفش بی‌ارزش نزد من محبوبتر از امارت بر شما است؛ نشان داده است.



از منظر ائمه

اطهار(ع)

حاکمیت و

ریاست ظاهری و

صوری جز برای

احقاق و اجرای

حق، مورد عنایت

نبوده و علی(ع)

همین بی‌اعتنایی

به حکومت

را با اشاره به

کفش مندرس و

بی‌ارزش خود و

گفتن این جمله

که: به خدا

سوگند این کفش

بی‌ارزش نزد من

محبوبتر از امارت

بر شما است؛

نشان داده است

## ولایت سیاسی

امام خمینی(ره) در ادامه به ارزش حقیقت واقعه غدیر اشاره کرده و می‌فرماید: آنچه که در غدیر خم اتفاق افتاد، انتصاب علی(ع) به مقام ولایت سیاسی یا همان ولایت تشریحی بود. آن حضرت در غدیر منصوب به ولایت معنوی و تکوینی نشدند؛ زیرا ولایت معنوی برای امام علی(ع) با تولد ایشان ایجاد شده بود و هیچ لزومی نداشت تا رسول الله(ص) ولایت معنوی علی(ع) را بر مسلمانان ابلاغ کند؛ پس آنچه لازم بود بر مسلمانان ابلاغ شود، جانشینی و استمرار حکومت اسلامی توسط کسی که از سوی خداوند سبحان تعیین شده بود. اما ماجرای غدیر، با رفتار تعدادی مخالف تبدیل به جعل حکومت شد که مساله‌ای سیاسی است. حکومت، عدل سیاست و معنای تام سیاست است. خدای تبارک و تعالی این حکومت و سیاست را امر کرد که پیغمبر به حضرت امیر و اگزار کند، چنانچه خود رسول خدا سیاست داشت و حکومت بدون سیاست ممکن نیست. این سیاست و این حکومتی که عجین با سیاست است، در روز غدیر برای حضرت امیر ثابت شد. پس نمی‌توان دین را از سیاست جدا دانست و کسی که می‌گوید دین از سیاست جداست، تکذیب خدا، رسول خدا و ائمه هدی را کرده است؛ زیرا غدیر خم صراحت دارد که رسول خدا(ع) مامور به ابلاغ انتصاب الهی علی(ع) به عنوان جانشین و سرپرست حکومت اسلامی است. بنابراین، غدیر، قاعده، حقیقت و تایید کلی عدم جدایی دین از سیاست است. در واقع، غدیر حامل دو حقیقت و دو پیام اصلی است: نخست آنکه دین از سیاست جدا نیست؛ دیانت عین سیاست و سیاست عین دیانت است و دوم آنکه امام علی(ع) از سوی خداوند سبحان منصوب به ولایت سیاسی شده است.

ایشان همچنین متذکر می‌شود: ممکن است پاره‌ای از گرایش‌های مذهبی به هر دلیلی حقیقت دوم را انکار کنند، لکن انکار حقیقت دوم موجب نمی‌شود که حقیقت اول (عدم جدایی دین از سیاست) را نیز انکار نمایند. از سوی دیگر اختلافات عقیدتی نباید موجب اختلاف در سیاست شود و عقاید مختلف اسباب اختلافات خارجی شده و امری که در میان همه مسلمین مشترک است نباید باعث نفاق و جدایی میانشان باشد.

بدین ترتیب، از منظر امام خمینی(ره) واقعه غدیر، نه تنها ابطالی بر باور غلط جدایی دین از سیاست است، بلکه پیام آور وحدت میان مسلمین نیز هست. بر این اساس، هر مسلمانی؛ اعم از شیعه و سنی که دل‌نگران رواج سکولاریسم سیاسی و اندیشه جدایی دین از سیاست در جهان اسلام را دارد، باید به حقیقت پیام غدیر تمسک کند و بر مبنای آن می‌تواند با مسلمانان معتقد به سکولاریسم سیاسی احتجاج کند. عالم شیعی نباید حقیقت غدیر را به ولایت تکوینی تاویل برد و عالم سنی نیز نباید به دلیل اختلافات عقیدتی، غدیر را از اساس انکار کند. همه مسلمانان معتقد به ضرورت ولایت سیاسی در اسلام، برای احتجاج‌های سیاسی، محتاج استناد به غدیر هستند. □



به مناسبت میلاد حضرت علی (ع) بخشی از «مهر و ماه» را به اخلاق علوی اختصاص داده‌ایم. جلوه‌هایی از اخلاق حضرت علی (ع)، اخلاق اجتماعی از دیدگاه نهج البلاغه، اخلاق اداری از دیدگاه امام علی (ع)، آشنایی با نکات اخلاقی نهج البلاغه، اصلاحات اخلاقی امیرالمومنین (ع)، گفتگو با دکتر حمیدزاده درباره منش اخلاقی امیرالمومنین و نگاهی به پنج عرصه اخلاق در کلام حضرت علی (ع) مطالب این بخش هستند.

## « اخلاق علوی



ایستادگی روی مرزهای اخلاقی

رستگاری در پناه تقوا

مسلمان واقعی، مسلمان اخلاقی است



نخواهد. مردی به امیرالمؤمنین اعتراض کرد که آن شخص که از تو چیزی نخواست و عرض حاجتی نکرده و به علاوه یک پنجم این خرما برای او کافی است، تو چرا اصلاً برای او که از تو چیزی نخواست می فرستی و چرا اینقدر زیاد می فرستی؟ سخنی که امیرالمؤمنین علی (ع) در جواب این مرد معترض گفت این بود: خدا امثال تو را در میان مسلمانان زیاد نکند. تو چقدر آدم پست و دونی هستی. من می بخشم و تو بخل می ورزی؟ و به علاوه اگر بنا شود من فقط به کسانی ببخشم که از من تمنا و تقاضا کرده اند من بخششی نکرده ام، در عوض بذل آبروی کسی چیزی به او بخشیده ام.

### 📌 زهد علی (ع)

علی زاهد باهدف است. او مخصوصاً وظیفه پیشوایان امت می داند که با دیگران حداقل همدردی کنند؛ یعنی اگر نمی توانند به آنها کمک مادی کنند، کمک روحی بکنند؛ چون چشم ضعیفان به پیشوایان امت است. علی (ع) می گفت: من نمی خورم تا همین مقدار بتوانم به روح ضعفا امت خودم کمک کنم و بگویم اگر شما ندارید بخورید، من هم که دارم نمی خورم تا مثل شما باشم.

عده ای آمده بودند به امام صادق (ع) اعتراض کردند. فلسفه زهد را نفهمیده بودند. شنیده بودند علی بن ابی طالب (ع) در زمان خودش زاهد بوده و خیال می کردند که علی (ع) طرفدار این بود که انسان باید در همه شرایط با لباس مندرس زندگی کند و نان جو بخورد. اما این نان جو خوردن فلسفه اش چیست را نفهمیده بودند. امام صادق (ع) بود که برای اینها تشریح می کرد تا فلسفه اش را بفهمند علی (ع) چرا زاهد بود؟ برای اینکه می خواست انسان باشد. علی (ع) زاهدی نبود که یک گوشه افتاده باشد و اسم انزوا را زهد بگذارد.

### 📌 سرزنش بی مورد دنیا

شخصی در حضور امیرالمؤمنین شروع کرد به مذمت کردن دنیا. شنیده بود که علی (ع) دنیا را مذمت می کند، ولی نمی فهمید که او (از چه جنبه ای) دنیا را مذمت می کند. او خیال می کرد که وقتی علی (ع) دنیا را مذمت می کند، مثلاً طبیعت را مذمت می کند. نمی دانست که او دنیاپرستی را مذمت می کند. او تو را از نظر پرستش دنیا. که ضد حق پرستی و حقیقت پرستی است و مساوی بانفی همه ارزش های انسانی است. مذمت می کند. وقتی آن مرد دنیا را مذمت کرد علی (ع) که ضد دنیاپرستی است و آن را مذمت می کند به سختی برآشف و فرمود: ای آقای مذمتگر دنیا! ای کسی که فریب دنیا را خورده ای! دنیا تو را فریب نداد؛ تو فریب خوردی. خیلی تعبیر عجیبی است. دنیا کسی را فریب نمی دهد؛ انسان خودش فریب می خورد.

### 📌 ریشه اخلاق ناپسند

به طور کلی امیرالمؤمنین تمام اخلاق دنیه را روی حساب پستی نفس می گذارد؛ یعنی ریشه همه اخلاق رذیله را

## جلوه هایی از اخلاق حضرت علی (ع)

# تن به پستی نده!

### ■ آیت الله مرتضی مطهری

### 📌 برابری همگان در برابر قانون

علی (ع) چه قدر حساسیت نشان می دهد که قانون تعطیل بردار نیست؛ ولو در مورد فرزند خودم. می شنود که عبدالله بن عباس، پسرعموی عزیز و مورد احترامش (که واقعاً هم از جهاتی مرد بزرگی بوده، ولی خوب معصوم نبوده، اشتباهی کرد)، مرتکب خطایی شده. به علی خبر دادند که ابن عباس پسرعموی بزرگ تو، دانشمند و عالم تو، سیاست مدار و مورد اعتماد تو از بیت المال تصرفی کرده است؛ از آن تصرفاتی که امروز اصلاً کسی آنها را به حساب نمی آورد. علی (ع) نامه ای نوشته که این نامه در نهج البلاغه هست: پسر عباس! من از تو دیگر انتظار نداشتم. به خدا قسم، اگر چنین و چنان بشود و اگر چنین بکنی، با آن شمشیری که به هرکس زدم یکسره به جهنم رفت و حساب و کتابی ندارد، تو را آدم خواهیم کرد. بعد می گوید: پسر عباس! به خدای عالم قسم، اگر حسن و حسین هم چنین کاری بکنند با همین شمشیری ز منشان.



### 📌 رد تبعیض نژادی

وقتی که میان یک زن عرب و یک زن ایرانی اختلاف واقع می شود و کار به آنجا می کشد که به حضور علی (ع) شرف یاب می شوند و علی میان آن دو هیچ گونه تفاوتی قائل نمی شود و مورد اعتراض زن عرب واقع می شود، علی دست می برد و دو مشت خاک از زمین برمی دارد و به آن خاک ها نظری افکند و آنگاه می گوید: من هرچه تأمل می کنم میان این دو مشت خاک فرقی نمی بینم. علی (ع) با این تمثیل عملی لطیف، به جمله معروف رسول اکرم (ص) اشاره می کند که فرمود: همه از آدم و آدم از خاک است. عرب بر عجم و عجم بر عرب فضیلت ندارد. فضیلت به تقوا است، نه به نژاد و نَسَب و قومیت و ملیت. وقتی که همه نسب به آدم می برند و آدم خاکی نژاد است، چه جای ادعای فضیلت تقدّم نژادی است؟

### 📌 بخشش کریمانه

امیرالمؤمنین (ع) در یک وقت که مقداری خرما از مال شخصی خود در میان فقرا تقسیم می کرد، مقدار نسبتاً زیادی برای یک نفری فرستاد که آن شخص هیچ گونه عرض حاجت و اظهار احتیاجی نکرده بود و اساساً اخلاق شخصی آن مرد این بود که از احدی چیزی

چشم باز کنند و فریب منافقان را نخورند؛ تیزبین باشند و ظاهر بینی را رها نمایند که جامعه تشیع در حال حاضر سخت به این دوردرد مبتلاست.

#### ❑ حقیقت توبه

مردی می آید خدمت امیرالمؤمنین استغفار می کند، توبه می کند؛ یعنی صیغه استغفار را جاری می کند. او مثل بسیاری از ما خیال می کرد که توبه کردن یعنی گفتن «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ». امیرالمؤمنین با یک شدتی به او فرمود: مادرت به عزایت بنشیند. اصلاً تو می دانی استغفار یعنی چه که می گویی «استغفرالله ربی واتوبُ إِلَیْهِ»؟ حقیقت استغفار را می دانی چیست؟ استغفار، درجه مردمان بلندمرتبه است. اصلاً خود توبه، محکوم کردن خود است. بعد حضرت فرمود: استغفار چند اصل دارد. دو تارکن دارد، دو تا شرط قبول، و دو شرط کمال، و مجموعاً شش تا. فرمود: اولین رکن استغفار این است که انسان واقعاً از گذشته تیره و سیاه خودش پشیمان باشد؛ دوم تصمیم بگیرد که در آینده آن گناه گذشته را مرتکب نشود؛ سوم اینکه اگر حقوق مردم را برعهده و ذمه دارد ادا بکند؛ چهارم اینکه اگر فرائض الهی را ترک کرده است، جبران بکند، قضا کند. پنجم اینکه گوشت هایی که از معصیت روییده با غصه و اندوه و توبه آنها را آب بکند. ششم اینکه مدتی باید رنج طاعت را به تن بچشانی.

#### ❑ توصیه به کرامت

علی (ع) به فرزندش امام مجتبی (ع) می فرماید: پسر جانم! روح خودت را گرامی بدار؛ بزرگوار بدار؛ برتر بدار از هر کارپستی. در مقابل هر پستی فکر کن که روح من بالاتر از این است که به این پستی آلوده بشود. درست مثل آدمی که یک تابلوی نقاشی خیلی عالی دارد که وقتی لکه سیاهی در آن پیدا می شود. گردی، غباری روی آن می بیند، خودبه خود فوراً دستمال برمی دارد آن را تمیز می کند. اگر به او بگویی چرا این کار را می کنی، می گوید حیف چنین تابلوی نقاشی ای نیست که چنین لکه سیاهی در آن باشد؟ حس می کند که این تابلوی نقاشی آن قدر زیبا و عالی است که حیف است یک لکه سیاه در آن باشد. علی (ع) می گوید: در روح خودت این گونه احساس زیبایی کن، احساس عظمت کن، احساس شخصیت کن که قطع نظر از هر مطمعی، قطع نظر از هر خیالی، قطع نظر از هر حاجت مادی ای، اصلاً خودت را بزرگ تر از این بدانی که تن به پستی بدهی.

#### ❑ بی نیازی از مردم

شخصی در حضور حضرت امیر به این تعبیر دعا کرد: خدایا، مرا محتاج خلق خودت نگردان. حضرت فرمود: دیگر این طور نگو. عرض کرد: پس چه بگویم؟ فرمود: بگو خدایا، مرا محتاج بدان خلق خودت قرار نده و منظور این است که جمله اول نشدنی است؛ زیرا نحوه خلقت انسان، این طور است که همواره در پیشبرد زندگی دنیایی خودش به دیگران نیازمند است. □



.....

علی (ع) دو طبقه

را سخت دفع کرده

است: ۱. منافقان

زیرک؛ ۲. زاهدان

احمق.

همین دو درس

برای مدعیان

تشیع او کافی

است که چشم

باز کنند و فریب

منافقان را

نخورند؛ تیزبین

باشند و ظاهری

را رها نمایند که

جامعه تشیع

در حال حاضر

سخت به این دو

درد مبتلاست

دنائت می داند؛ مثلاً در باب غیبت می گوید: بیچاره ها، ناتوان ها، ضعیف همت ها، [و] پست ها غیبت می کنند. یک مرد، یک شجاع، یک آدمی که احساس کرامت و شرافت در روح خودش می کند. اگر از کسی انتقادی دارد جلوی رویش می گوید؛ یا حداقل سکوت می کند. حالا اینکه بعضی مداحی و تملق می کنند مطلب دیگری است. پشت سر که می شود، شروع می کند به بدگویی و غیبت کردن. می گوید این منتهای همت عجزان است، اراده ناتوانان است، از پستی است، از دنائت است. آدمی که احساس شرافت می کند غیبت نمی کند.

#### ❑ توصیه به مدارا با دشمن

شگفتی های علی (ع) و معجزه های انسانی او در اینجا ظهور می کند. جزء و صایایش می گوید: با اسیرتان مدارا کنید، و بعد می فرماید: ای اولاد عبدالمطلب، نکنند وقتی که من از دنیا رفتم بین مردم بیفتید و بگویند امیرالمؤمنین شهید شد، فلان کس محرک بود، فلان کس دخالت داشت، و این و آن را مژمهم کنید. نمی خواهم دنبال این حرف ها بروید. قاتل من یک نفر است. به امام حسن (ع) فرمود: فرزندم حسن! بعد از من اختیار او با توست. می خواهی آزادش کنی، آزاد کن و اگر می خواهی قصاص کنی توجه داشته باش که او به پدر تو فقط یک ضربه زده است. به او یک ضربه بزن. اگر کشته شد، شد و اگر کشته نشد، نشد. باز هم سراغ اسیرش را می گیری: آیا به اسیرتان غذا داده اید؟ آیا به او آب داده اید؟ کاسه ای شیر برای مولا می آورند. مقداری می نوشند. می گوید: باقی را به این مرد بدهید.

#### ❑ اندرز

شخصی آمد خدمت مولای متقیان علی (ع) و گفت: یا امیرالمؤمنین، مرا نصیحت کن. علی (ع) نصایح زیادی کرد. دو جمله اولش را عرض می کنم. فرمود: نصیحت من به تو این است که از آن کسان مباش که امید به آخرت دارد، اما می خواهد به آخرت بدون عمل برسد. مثل همه ما، ما می گوئیم حب علی بن ابی طالب کافی است. تازه حب ما حب حقیقی نیست. اگر حب حقیقی بود عمل هم پشت سرش بود. می گوئیم همین وابستگی ظاهری کافی است. اگر حب علی بن ابی طالب تو را به عمل کشاند بدان حب تو صادق و راستین است.

#### ❑ دشمنان علی (ع)

سراسر وجود علی، تاریخ و سیرت علی، خلق و خوی علی، رنگ و بوی علی، سخن و گفتگوی علی درس است و سرمشق است و تعلیم است و رهبری است. هم چنان که جذب های علی برای ما آموزنده و درس است، دفع های او نیز چنین است. ما معمولاً در زیارت های علی و سایر اظهاریت ادب ها مدعی می شویم ما با دوست دوست تو و دشمن دشمن تو هستیم. علی (ع) دو طبقه را سخت دفع کرده است: ۱. منافقان زیرک؛ ۲. زاهدان احمق.

همین دو درس برای مدعیان تشیع او کافی است که



اخلاق اجتماعی از دیدگاه نهج البلاغه

# مسخ ارزش‌ها در جامعه موجب ناامنی است

■ حسین علی مدقیان

اخلاق اجتماعی از مهم‌ترین موضوعاتی است که ارتباط آدمیان را با خود، با جامعه و تاریخ مطرح می‌سازد؛ زیرا جامعه می‌تواند یک تمدن را بسازد نه یک فرد، و اجتماع انسانی پیوسته تاریخ را ساخته و به جلو برده است. از آنجایی که در میان ادیان الهی، اسلام یک دین اجتماعی است و در آن آرمان‌ها و ایده‌های جمع‌گرا فراوان دیده می‌شود، در جای جای نهج البلاغه، که از یکی از مهم‌ترین منابع این دین است؛ به این مهم بسیار پرداخته شده و گاه و بیگاه جامعه و اجتماع مورد عتاب و خطاب واقع گردیده است. سقوط یک جامعه در نگاه امام علی (ع) به خاطر سقوط هنجارهای اخلاقی و پیشرفت آن به خاطر همین هنجارهاست؛ چنان که نهج البلاغه، هنگامی که علت سقوط جامعه روزگار علی (ع) را تحلیل می‌نماید به مؤلفه‌های اخلاقی اشاره می‌کند. بنابراین نویسنده در این مقاله کوشیده است تا بسترهای ترسیم شده از دیدگاه امام علی (ع) را در زمینه اخلاق اجتماعی به اختصار بیان نماید. ■

شما در خویشاوندان خود خلل و کمبودی مشاهده کنید مبادا از رفح آن سرباز زنی، چون اگر نبخشید مالش افزون نمی‌شود. آن کس که دست دهنده خود را از بستگانش باز دارد، تنها یک دست را از آنها گرفته، اما دست‌های فراوانی را از خویش دور کرده است، و کسی که پروبال محبت خویش را بگستراند، دوستی خویشاوندانش تداوم خواهد یافت.

بر اساس این خطبه، انسان در حیات اجتماعی، که صحنه سود و زیان است، نیازمند یاری دیگران است و این «نیاز» او را به سوی دیگران می‌کشاند و هراسانی به خاطر ناملایمات و سختی‌ها نیازمند دوستی و مودت با خویشان است. در خطبه ۱۲۷ می‌فرماید: «از پراکندگی و جدایی حذر کنید که انسان تنها بهره‌بردار شیطان است، آن گونه که گوسفند تنها، طعمه گرگ است.» این عبارات، چهره اجتماع بشری را نشان می‌دهد که آدمیان برای گریز از شرور شیطانی و برای به دست آوردن منافعی که تنها در پرتو اجتماعی بودن به دست می‌آید ناگزیر باید انزوا و گوشه‌گیری را ترک کرد، به اجتماع روی آورند.

### اصالت فرد یا جامعه

اکنون که مشخص شد اجتماع یک صحنه‌گرین‌ناپذیر برای انسان‌ها بوده و آدمیان به شدت نیازمند آن هستند، باید مشخص کنیم که در یک جامعه، اصالت با فرد است یا اجتماع یا هر دو؛ و اصولاً رابطه فرد با جامعه چه نوع رابطه‌ای است و ترکیب اجتماع چگونه ترکیبی است. در پاسخ به این سؤالات باید گفت که در این باره چهار نظریه قابل طرح است:

الف) نظریه اصالت فرد محض: بر اساس این نظریه، جامعه وجود حقیقی ندارد، بلکه وجودش اعتباری است و در اجتماع، یک ترکیب واقعی صورت نگرفته است.

پیش از هر سخنی برای ریشه‌یابی اندیشه‌های علوی پیرامون اخلاق اجتماعی، ناگزیریم بسترهایی را که اندیشه‌های آن حضرت در آنها جریان یافته است، بازشناسی کنیم. از این روی، باید نخست مشخص کنیم که از دیدگاه نهج البلاغه زندگی اجتماعی بشری و مدنیت او آیا علتی بیرونی و خارجی داشته یا عاملی درونی و داخلی؟ و آیا اصالت با فرد است یا اجتماع؟ در اینجا به عنوان مقدمه به پاسخ این دو سؤال از دیدگاه امام علی (ع) می‌پردازیم تا موضوعاتی را که درباره جامعه انسانی و انسان اجتماعی در نهج البلاغه مطرح شده‌اند بهتر دریابیم.

### انسان و اجتماع

بحث انسان و اجتماع و اینکه آدمیان چه نسبتی با اجتماع دارند، از دیرباز مورد بحث اندیشمندان و به ویژه فلاسفه بوده است. برخی انسان را مدنی بالطبع دانسته، ولی برخی دیگر معتقدند که آدمی تنها از روی اضطراب و ناچاری به مدنیت و اجتماع روی می‌آورد. گروهی دیگر گفته‌اند انسان نسبت به مدنیت اقتضایی ندارد و انسان‌ها به خاطر عقل حسابگر خود به آن روی می‌آورند و گروهی دیگر آدمیان را متمایل به اجتماع و مدنیت دانسته‌اند.

کهن‌ترین نظریه در این باره، مربوط به افلاطون و پس از او ارسطو است. از دیدگاه افلاطون، هراسانی به خاطر نیازمندی‌ها و منافع خود، ناچار است که اجتماعی باشد. ارسطو که انسان را حیوانی اجتماعی می‌دانست بر روی این نکته تأکید می‌ورزید که نیازمندی‌های آدمی، او را ناگزیر از اجتماعی بودن می‌نماید. علمای بزرگ اسلامی چون فارابی، ابوعلی سینا، ابن خلدون و اندیشمندان هم‌روزگار ما، علامه طباطبایی، نیز همین نیازمندی را دلیل بر اجتماعی بودن انسان‌ها دانسته‌اند.

از دیدگاه نهج البلاغه نیز، انسان‌ها چون زندگی اجتماعی را امری متناسب با طبیعت عقلانی خویشتن می‌دانند، آن را بر می‌گزینند و این گزینش، به خاطر جبر یا از روی درماندگی نیست، بلکه از سر شعور و درک است. از این روی، در خطبه ۲۳ نهج البلاغه آمده است: اگر کسی از



کسی است که داخل آن قوم و همراه آنان باشد.»  
 براساس این روایت، افراد یک اجتماع کسانی هستند که اندیشه واحدی دارند، خواه کنار هم باشند یا یکدیگر جدا زندگی کنند و خواه زنده باشند یا مرده. به خاطر همین است که قرآن کریم گاهی کاریک نسل را به نسل‌های بعدی نسبت می‌دهد و می‌گوید اینها به خاطر آنکه پیامبران را به ناحق کشتند استحقاق ذلت و خواری دارند، زیرا اینها همان ادامه نسل گذشته‌اند و این همان معنای سخن آگوست کنت است که می‌گوید: «بشریت از مردگان بیشتر تشکیل شده تا زندگان.»  
 از آنچه گفته شد می‌توان دریافت که چرا در نهج البلاغه، اخلاق اجتماعی تا آنقدر اهمیت یافته که از دیدگان امام متقیان علی (ع) به دور نمانده و آن حضرت در کنار اخلاق فردی، در بسیاری موارد اخلاق اجتماعی را نیز بیان کرده‌اند. اکنون با توجه به آنچه بیان گردید جای آن است که در اینجا به برخی از مؤلفه‌هایی که در نهج البلاغه به عنوان بستر اخلاق اجتماعی بیان شده است، اشاره کنیم.

#### □ قوانین و سنن

یکی از بسترهای اخلاق اجتماعی قوانین و سنن یک جامعه است. از آن جایی که جامعه به عنوان یک کل، از تک تک افراد تشکیل شده، می‌تواند به صورت کلی بر روی افراد خود تأثیر فراوانی داشته باشد. آداب و رسوم هر جامعه‌ای همانند قالبی است که رفتارها را شکل می‌دهد. آدمیان هنگامی که ملزم به رعایت هنجارهای اجتماعی (که در قالب قوانین و سنن جلوه می‌کنند) باشند، در پرتو این آداب و رسوم، ساخته و ویرایش شده و مسیر سعادت خویش را بهتری می‌پیمایند، چنان که ناهنجاری‌های جامعه اگر به صورت سنت‌های ناپسند درآیند، اجتماع را از هم پاشیده و



امام علی (ع) به مالک اشتر توصیه می‌کنند که: هرگز سنت‌های پسندیده‌ای را که پیشوایان این امت به آن عمل کردند و الفت و انس به سبب آن بین مردم پدید آمده و امور رعیت به واسطه آن اصلاح گردیده است، نقض مکن

**(ب) اصالت فرد صناعی:** این نظریه، ترکیب جامعه را «صناعی» می‌داند، نه اعتباری. در مرکب صناعی اجزای یک کل در یکدیگر حل نمی‌شوند، بلکه استقلال اثر خود را از دست می‌دهند. در یک جامعه نیز افراد هویت خود را از دست نمی‌دهند، اما همه اجزای اجتماع به یکدیگر وابسته‌اند.

**(ج) اصالت اجتماع:** این دیدگاه معتقد است که کلیه تمایلات، گرایش‌ها، عواطف و خلاصه آنچه به انسانیت مربوط می‌شود در پرتو روح جمعی پیدا می‌شود بنابراین، جامعه شناسی فرد، مقدم بر روان شناسی اوست.

**(د) اصالت فرد و جمع:** این نظریه، هم فرد را اصیل می‌داند و هم جمع را. به عبارت دیگر، جامعه یک مرکب حقیقی است. افراد در یکدیگر حل نمی‌شوند، بلکه در عین استقلال خود، یک هویت جمعی پیدا می‌کنند. اجساد و اندام‌ها با یکدیگر ترکیب نمی‌شوند، بلکه در اثر ترکیب روح‌ها، اندیشه‌ها و عاطفه‌ها روح جمعی پیدا کرده و سرنوشت و هویت جمعی می‌یابند.

اکنون ببینیم کدام یک از این نظرات در نهج البلاغه تأیید شده است. امام علی (ع) در خطبه ۱۹۲ می‌فرماید: ای مردم، همانا رضایت و خشم، مردم را مجتمع می‌سازد. شتر صالح را یک نفر پی کرد، اما خداوند تمامی آنها را عذاب کرد، چون آنها به این کار راضی بودند. خدا نیز فرمود: «فَعَرَوْهَا فَاصْبَحُوا نَادِمِينَ»

در این خطبه، اندیشه جمعی، مورد تأکید قرار گرفته است. براساس این کلام، رضایت و خشم که گویای فرهنگ جمعی هر جامعه‌ای است، سرنوشت جوامع را مشخص می‌کند. بنابراین، از دیدگاه امام (ع) در هر جامعه، آدمیان در عین استقلال، هویت و روح جمعی دارند و اصالت، هم با فرد است و هم جمع. چنان که در حکمت ۱۴۶ نهج البلاغه می‌فرماید: «آن کس که به عمل قومی راضی باشد، مثل

آن را به ورطه هلاکت می افکنند.

از این روی، امام علی (ع) به مالک اشتر توصیه می کنند که: هرگز سنت های پسندیده ای را که پیشوایان این امت به آن عمل کردند و الفت و انس به سبب آن بین مردم پدید آمده و امور رعیت به واسطه آن اصلاح گردیده است، نقض نکن. بنابراین، این سفارش امام (ع) به خاطر آن است که سنت های ریشه دار جامعه نقش مهمی در سود و زیان جامعه دارند، در حقیقت، قطار جامعه بر روی ریل این قوانین و سنت ها نهاده می شود و مسیر جامعه را مشخص می نماید.

### ۱ روابط سیاسی

از دیگر بسترهای مهم اخلاق اجتماعی، چگونگی روابط سیاسی طبقه حاکمان با مردم است. مستولان هر جامعه ای، در نهادینه کردن گزینه های اخلاقی، تأثیرات شگرفی دارند؛ همچنان که می توانند سرچشمه پدید آمدن بیماری های اخلاقی فراوانی در جامعه باشند. به خاطر همین، حضرت علی (ع) در خطبه ۱۰۷ نهج البلاغه می فرماید: رعیت هیچ گاه اصلاح نمی شود، مگر با اصلاح والیان. و حاکمان هرگز اصلاح نمی شوند، مگر با اصلاح رعیت. اگر رعیت حق حکومت را ادا کند و حکومت نیز حقوق آنان را مراعات نماید، حق در میانشان قوی و نیرومند خواهد شد... و اگر رعیت بر والی خود چیره شود یا رئیس حکومت بر رعایا ستم روا دارد، نظام برهم می خورد و نشانه های ستم و جور آشکار می شود، دستبرد در احکام دین، بسیار شده و جاده های وسیع آداب و سنن، متروک خواهد ماند. از این روی، بر اساس هوی و هوس عمل می شود، احکام الهی تعطیل و بیماری های اخلاقی فراوان می گردد. البته حاکمان پیش از مردم، و قبل از مدیریت، وظایف مهمتری نسبت به مردم دارند. حاکمان نه تنها باید خود الگوی مردم باشند، بلکه می بایست مبلغ خوبی ها و درستی ها باشند، زیرا «بر امام و طیفه ای نیست مگر او امری که از ناحیه خداوند بردوش او گذارده شده است (این او امر عبارت است از) رساندن فرامین از راه موعظه و کوشش در نصیحت و خیرخواهی مردم.»

همچنین عدالت و رزق حاکمان نقش پیشگیرانه ای در ناهنجاری های اجتماع دارد؛ زیرا «عدالت، باعث استواری مردم است» و باعث می شود که تمامی طبقات لیاقت محوری، ارزش محوری و در یک کلام ارزش ها را به جای قدرت و دارایی و وابستگی های حزبی و خویشاوندی بپذیرند و هر کس در به دست آوردن هنجارهای اجتماعی تلاش کند.

### ۱ امر به معروف و نهی از منکر

رفتارهای نادرست هر انسانی می تواند فراگیر باشد و باعث متلاشی شدن اجتماع گردد. از این روی، نظارت مردم بر یکدیگر از موضوعاتی است که می تواند پیوسته بیماری های روحی، فکری و اعتقادات نادرست را از پیشانی جامعه بزدايد. در خطبه ۱۷۷ نهج البلاغه آمده است: اگر مردم، آنگاه که بلاها نازل می شود و نعمت ها را از آنها زایل



### از دیدگاه حضرت

علی (ع) جامعه

نادان و بی

بهره از آگاهی،

جامعه ای است

که زندگان آن

مردگان بدبختند؛

زیرا انسان نادان

از ارزش های

انسانی تهی

است. نادانی،

مرکز فساد و ظلم

بوده و بدترین

دردها و سرچشمه

شرارت ها و

فسادگر است

می سازد، با نیت درست، در پیشگاه خدا تضرع کنند و با دل های پرمحبت نسبت به پروردگار، از او درخواست عفو نمایند، مسلماً آنچه از دستشان رفته است باز خواهد گشت و هر مفسده ای را برای آنها اصلاح خواهد نمود.

در این خطبه، علت انحرافات و مفسدات اجتماعی را نوع رفتار و اعمال افراد دانسته و چون اعمال آدمیان، از انگیزه ها و نیت هایشان سرچشمه می گیرد، باید با تغییر این انگیزه ها به اصلاح جامعه پرداخت. هنگامی که کسانی از روی جهل اقدام به ترک خیر و انجام منکر می نمایند، اگر آگاهان آنان را نهی نکنند، آنان نیز مورد لعن و نفرین الهی واقع خواهند شد. خداوند گذشتگان را مورد لعن قرار نداد، مگر به خاطر آن که آنها امر به معروف و نهی از منکر را ترک کردند. پس نا آگاهان را به خاطر ارتکاب گناه و تحمل کنندگان گناهان را به خاطر ترک بازداشتن آنها مورد لعن قرار داده است.

### ۱ آگاهی

از دیدگاه حضرت علی (ع) جامعه نادان و بی بهره از آگاهی، جامعه ای است که زندگان آن مردگان بدبختند؛ زیرا انسان نادان از ارزش های انسانی تهی است. نادانی، مرکز فساد و ظلم بوده و بدترین دردها و سرچشمه شرارت ها و فسادگر است. آگاهی اجتماعی از دیدگاه نهج البلاغه ابعاد مختلفی دارد که یکی از آنها آگاهی از حقوق فردی و اجتماعی است. هنگامی که شهروندان یک جامعه به حقوق فردی و اجتماعی خود آشنایی داشته باشند و نتایج و عواقب آن را بدانند بهتر می توانند حقوق خود را استیفا نموده و حقوق دیگران را نیز رعایت نمایند. از این روی، امام علی (ع) در سخنان خود برخی از این حقوق را به مردم می شناساند و در خطبه هایی نظیر خطبه ۲۱۶ و خطبه ۳۴ و... آنها را بازگو می نماید. از دیگر ابعاد آگاهی، شناساندن خطر ها و تهدیدها است. امام علی (ع) می فرماید: هر کس ضرر شر را نشناسد، بر باز ایستادن از آن، توانا نیست. بنابر این، شناخت آفات و آسیب ها، روشی برای جلوگیری از ناهنجاری های اجتماعی است و بستری است که اخلاق اجتماعی در آن رشد می کند و به بار می نشیند.

### ۱ گسترش معنویت

همان طور که معنویت و دین داری نقش بسزایی در گسترش اخلاق اجتماعی دارد، بی دینی و فاصله گرفتن از فضیلت های دینی، باعث مشکلات و معضلات اجتماعی می شود. از این روی، امام علی (ع) در حکمت ۱۰۳ نهج البلاغه می فرماید: مردم چیزی از امور دینشان را برای اصلاح دنیایشان ترک نمی کنند مگر آنکه خداوند آنان را گرفتار امری زیانبارتر از آن خواهد کرد.

دین، نفس سرکش انسان را مهار می کند و برکات و حسنااتش را در همه حوزه های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و... به اجتماع ارزانی می دارد. نقش دین در جوامع گذشته بسیار قابل تأمل و گویای این واقعیت است که هر جا ادیان راستین حضور داشته اند، مساوات و عدالت اجتماعی نیز وجود داشته و این جوامع، از جهل و خرافات که زاینده





.....

بسیاری از نابسامانی‌های اخلاقی است و نیز از تبعیض و تفرقه به دور مانده‌اند، و امروز نقش دین در پیشگیری از ناهنجاری‌های اجتماعی برای بسیاری از جامعه‌شناسان به اثبات رسیده است.

امام علی (ع) در خطبه ۲۳۴ نهج البلاغه دو جامعه دین مدارو بی دین را این گونه با یکدیگر مقایسه می‌کند:

پس، از حال فرزندان اسماعیل و اسحاق و اسراییل (ع) عبرت گیرید که چقدر متناسب است حالت‌ها و چقدر متشابه است نزدیکی مثال‌ها. در کارشان تأمل کنید در وقتی که متفرق و پراکنده بودند و کسری‌ها و قیصرها بر آنها ارباب بودند. آنان را از سرزمین‌های آباد و کرانه‌های دجله و فرات و دشت‌های سرسبز ربودند و به بیابان‌های کم‌آب و علف و محل وزیدن بادهای سخت و تنگی معیشت روانه ساختند. پس آنان را علیل و مسکین و چراننده شتران زخم پشت و اگذازدند. پست‌ترین جاها خانه‌شان و خشک‌ترین بیابان‌ها کاشانه‌شان بود.

نه به سوی دعوت حقی روی می‌آوردند تا بدان تمسک بجویند و از گمراهی برهند و نه در سایه الفتی می‌آرمیند تا از عزت آن بهره‌مند گردند. حالت‌هایشان مضطرب و دست‌هایشان به خلاف هم در کار و جمعیت‌هایشان در بلایی سخت و جهالتی استوار پراکنده بود. در زنده به گور کردن دختران و پرستیدن بتان و قطع پیوند ارحام و غارت یکدیگر دست و پایی زدند. پس بنگرید که نعمت‌های خداوند چگونه بر آنان فرو ریخت هنگامی که پیامبری برایشان برانگیخت؛ پس آنان را به اطاعت خداوند درآورد و با خواندن به سوی خدا آنان را مؤتلف ساخت.

چه سان بال‌های نعمت و کرامتش را بر سر آنان گسترانید و جو بیارهای آسایش و فراوانی برایشان جاری شد و ملت اسلام با برکت‌های خود آنان را الفت بخشید. پس صبح کردند، در حالی که در نعمت‌ها غرق و در لذت زندگی فراخ شادمان بودند، آموزش در سایه دولت مقتدرشان به سامان آمد و حالشان را در سایه عزت پیروزی آرمید و کارهایشان استوار و رو به راه گردید و سلطنتشان تثبیت شد. پس حاکم جهانیان و سلطان اطراف و اکناف عالم شدند، کارهای کسانی را به دست راندند که تحت فرمان آنان بودند. نه تیرشان به سنگ می‌خورد و نه سنگشان سبک می‌شود. حضرت علی (ع) در این خطبه تفرقه، خواری، بدبختی، نادانی و انجام کارهای ناشایست را رهاورد جامعه بی‌دین و اتحاد، برکت، عزت، استواری، قدرت و... را نتیجه دین‌مداری می‌داند.

#### ❑ مسخ شدن ارزش‌ها

فراموش کردن ارزش‌ها یکی از بسترهایی است که جامعه را به انحطاط می‌کشاند، چنان که جامعه روزگار حکومت امام علی (ع) نیز به همین گرفتاری مبتلا شد. امام (ع) در خطبه ۲۲ این موضوع را این گونه توضیح می‌دهد: ای مردم، در روزگاری کینه‌توز و پراز ناسپاسی و کفران نعمت‌ها، صبح کردیم که نیکوکار، بدکار به شمار می‌آید و ستمگر بر تجاوز و سرکشی خود می‌افزاید.

هنگامی که در یک جامعه ارزش‌ها مسخ شود، هر چه و مرج به وجود می‌آید، صالحان اجتماع به انزوا رانده شده و ناامنی در تمامی ابعادش فراگیری می‌شود. از دیدگاه نهج البلاغه، جامعه‌ای که ارزش‌های آن وارونه شود، افراد آن، خود، قربانی رفتارهای ضد ارزشی خویش خواهند شد. از این روی، امام علی (ع) در نامه ۳۱ نهج البلاغه، به فرزند خود توصیه می‌کند: پسر من! خودت را معیار و مقیاس قضاوت بین خود و دیگران قرار ده. پس آنچه که برای خود دوست داری برای دیگران دوست بدار، و آنچه برای خود نمی‌پسندی برای دیگران میسند.

ستم مکن، همان گونه که دوست نداری به تو ستم شود، و احسان کن، همان طور که دوست داری به تو احسان شود. برای خویش زشت بدان همان را که برای دیگران قبیح می‌دانی و به همان چیز برای مردم راضی باش که برای خود رضای می‌دهی.

#### ❑ ایجاد بسترهای اقتصادی

فقر و تهیدستی در هر جامعه‌ای زاینده بسیاری از معضلات اجتماعی بوده و جامعه را به بیراهه می‌کشد. امام علی (ع) می‌فرماید: تهیدستی، عامل وحشت عقل است. تنگدستی اخلاق را زشت می‌کند. ناداری کلید نکبت است. فقر دشمنی و ستیز را در اجتماع پدید می‌آورد.

در جامعه‌ای که اقتصاد آن بیمار است، بزهکاری، فساد اخلاق و رذیلت‌های گوناگونی پدید می‌آید و چنین جامعه‌ای، به ورطه کارهای زشت و زننده می‌افتد.

#### ❑ همبستگی ملی

همبستگی اقوام، نژادها و ملیت‌های مختلف یک جامعه، بستر گسترش اخلاق اجتماعی است، ولی قوم‌گرایی و قبیله‌گرایی باعث پراکندگی و سرچشمه اختلافات بسیار است و باعث می‌شود که شهروندان به جای پیمودن راه‌های سعادت و کمال، به نزاع و کشمکش بپردازند.

امام علی (ع) در فراسی از خطبه ۷۲ که پس از دریافت خبر هجوم لشکریان معاویه به شهر انبار و غارت اموال مردم ایراد فرمودند یادآوری می‌شوند: به خدا سوگند، هرگز با قومی در میان خانه‌اش جنگ نشده است، مگر آنکه ذلیل و مغلوب گشته‌اند. پس شما وظیفه خود را به یکدیگر حواله دادید و همدیگر را سست گردانیدید تا اینکه اموال شما از هر طرف به غارت رفت و سرزمین‌های شما از تصرفتان خارج گردید.

پرستش نژاد، قومیت و تاریخ و یا حمایت از رسوم نیاکان، از صفات ناپسند مردم جاهلی بوده که نمی‌گذاشته آنان رشد کرده، به افق‌های دوردست بنگرند. از سوی دیگر، افراد متعصب، پیوسته بازیچه استعمارگران واقع می‌شوند؛ چنان که امام علی (ع) در خطبه ۴۳۲ به این نکته اشاره می‌فرماید: به تحقیق نگریم و هیچ یک از جهانیان را نیافتیم که نسبت به چیزی تعصب ورزد، مگر به خاطر علتی که نادانان را بفریبید و یا به دلیلی که در عقل‌های سفیهان زیبا جلوه کند؛ در حالی که شما تعصب می‌ورزید برای چیزی که نه سبب شناخته شده‌ای دارد و نه علت دانسته‌ای. ❑

هنگامی که در یک جامعه ارزش‌ها مسخ شود، هر چه و مرج به وجود می‌آید، صالحان اجتماع به انزوا رانده شده و ناامنی در تمامی ابعادش فراگیری می‌شود. از دیدگاه نهج البلاغه، جامعه‌ای که ارزش‌های آن وارونه شود، افراد آن، خود، قربانی رفتارهای ضد ارزشی خویش خواهند شد.

نخسین شرط اتصاف به اخلاق اداری، امانتداری است. در سخنان گرانقدر امیرمؤمنان علی (ع) چنین آمده است: «رأس امانتداری، مسلمانی است.»

### ❏ خدمتگزاری

فلسفه وجودی نظام اداری، خدمتگزاری به مردم است و همه کارگزاران و کارکنان در تمام مراتب، خادمان مردمند. این امر به عنوان یک اصل در نظام اداری مطرح است و مادام که چنین احساسی وجود داشته باشد، کارگزاران و کارکنان نظام اداری با مردم رفتار مالکانه و فرمانفرمایانه نخواهند داشت، بلکه جایگاه و موقعیت خود را نعمتی می دانند که وسیله خدمت به مردم است. امام علی (ع) در حکمتی خطاب به جابر بن عبدالله انصاری چنین فرموده است: «ای جابر، آنکه نعمت خدا بر او بسیار بود، نیاز مردم به او بسیار باشد. پس هر که در آن نعمت ها برای خدا کار کند خدا آن را برای وی پایدار کند و آن که آن را چنان که واجب است به مصرف نرساند نعمت او را ببرد و نیست گرداند.»

هر چه در انجام دادن امور، روحیه خدمتگزاری کامل تر باشد، ارزش کار و کارگزار بیشتر است و امیرمؤمنان (ع) سفارش می کند که باید در این جهت حرکت کرد. آن حضرت فرموده است: «روا ساختن حاجت جز با سه چیز راست نباید: خرد شمردن آن تا بزرگ نماید، پوشیدن آن تا آشکار گردد و شتاب کردن در آن تا گوارا شود.»

### ❏ مسئولیت پذیری

مسئولیت در اخلاق اداری، اصلی مبنایی است به گونه ای که هر نوع بی مسئولیتی به مفهوم بیرون شدن از مسیر و گلم نهادن در کجی ها و ناراستی هاست. به بیان امیرالمؤمنان علی (ع): «دشمن ترین مردم در نزد خدا، بنده ای است که خدا او را به خود واگذارد، و او پای از راه درست بیرون نهد و بی راهنما گام بردارد، اگر به کار دنیایی اش خوانند، به کار پردازد، و اگر به کار آخرتی اش خوانند، سستی و کاهلی نماید، گویی آنچه برای آن کار کند بر او بایسته است، و آنچه در آن سستی و کاهلی ورزد، از او نا خواسته.» کمال آدمی، به کمال مسئولیت پذیری اوست. هر چه کسی در مسئولیت پذیری سستی ورزد، تباهی کارش بیشتر خواهد بود، و هر چه کسی مسئولیت پذیری بیشتری داشته باشد، به کمال بیشتری از نظر اخلاق فردی و اخلاق دست می باید. امام علی (ع) حیطه مسئولیت پذیری را بسیار گسترده تعیین نموده و از کارگزاران و کارکنان خود خواسته است که نسبت به کلیه کارها و اقدامات، و نیز روابط و مناسبات خود مسئولیت پذیر باشند. «از خدا بترسید در حق بندگانش و شهرهایش، زیرا شما مسئولید حتی در برابر سرزمین ها و چارپایان.»

اصل مسئولیت پذیری می آموزد که هر کس در هر مرتبه ای که باشد، نسبت به تمام امور و کارهای خود مسئول و پاسخگوست. هیچ کارگزاری نمی تواند هرگونه که خواست با مردم رفتار نماید و خود را نیز پاسخگو نداند. بر این مبنا



فلسفه تشکیل دولت از سوی مردم، سامان دادن به امور، اجرای قوانین الهی و نظارت بر اجرای درست عدالت در جامعه است. بنابراین کارگزاران نظام اسلامی برای اینکه بتوانند وظایف خود را به خوبی انجام دهند باید ارزش های اسلامی و نیز اصول مدیریت را رعایت نمایند تا از این رهگذر موفق شوند به بهترین شیوه به اداره کشور بپردازند. در مقاله زیر به مصادیق اخلاق اداری از دیدگاه امیرالمؤمنین اشاره شده است. ■

### ❏ امانتداری

تلقی امانتداری از کار و مسئولیت و انجام دادن امور با رویکرد امانتداری، اصلی اساسی در اخلاق است. اگر انسان کار و مسئولیت را امانت بداند، بی گمان حرمت آن را پاس می دارد و تلاش می کند که به خوبی آن را پیش ببرد و بالنده سازد. امام علی (ع) از کارگزاران و کارکنان نظام اداری خود می خواست که کار و مسئولیت را امانت بدانند و در مناسبات و روابط خود امانتداری نمایند، چنانکه خطاب به اشعث بن قیس، استاندار آذربایجان، نوشت: «همانا کاری که به عهده توست، بلکه امانتی است بر گردنت.» بر این مبنا هر کس در هر مرتبه اداری امانتدار مردم است و باید از اموال و امکانات و حقوق و حدود و حیثیت و شرافت آنان پاسداری کند. در منظر امیرمؤمنان علی (ع) بزرگ ترین خیانت، خیانت به امت و تعدی به امانت است. در آموزش های امام علی (ع) امانت والاترین چیز است. از این رو



.....

و مردم را افرادی منضبط و قانونی تربیت کند و لولاینکه عدالت و مساوات را رعایت کند. علاقه است که مردم را به پیروی و اطاعت می‌کشاند. قرآن به پیغمبر خطاب می‌کند که ای پیغمبر، نیروی بزرگی را برای نفوذ در مردم و اداره اجتماع در دست داری: «به موجب لطف و رحمت الهی، بر ایشان نرم دل شدی که اگر تندخوی سخت دل بودی از پیرامونت پراکنده می‌گشتند. پس از آنان درگذر و برایشان آموزش بخواه و در کار با آنان مشورت کن.»

در اینجا علت گرایش مردم به پیامبر اکرم (ص) را علاقه و مهری دانسته که نبی اکرم (ص) نسبت به مردم مبذول می‌داشت. باز دستوری می‌دهد که بیخشان و برایشان استغفار کن و با آنان مشورت کن. اینها همه از آثار محبت و دوستی است، هم چنان که رفیق و حلم و تحمل همه از شئون محبت و احسانند.

### ۱۴ بردباری

هر کس که در هر مرتبه‌ای از مراتب نظام اداری قرار می‌گیرد باید با بردباری تمام امور را پیش ببرد و در برابر خواست مردم و احتیاجات آنان کم‌حوصلگی نداشته باشد و با تحمل فراوان خدمتگزاری نماید. امام علی (ع) در دستورالعمل‌های حکومتی و اداری خود، کارگزاران و کارکنان را به چنین بردباری‌ای فراخوانده است: «در برآوردن حاجت‌های مردم شکیبایی ورزید.»

امیر مومنان بردباری را در رأس ارزش‌ها معرفی کرده است، چنانکه وقتی او را از خیر پرسیدند، فرمود: «خیر آن نیست که مال و فرزندت بسیار شود، بلکه خیر آن است که دانشت فراوان گردد و بردباری‌ات بزرگ مقدار شود.» بنابراین یک نظام اداری ارزشمند، نظامی است که بر اعمال و رفتار کارگزاران و کارکنانش بردباری حاکم باشد.

### ۱۵ دادورزی

رعایت عدل و انصاف در روابط و مناسبات اداری از خدمتگزاری مردم، اصلی است که بدون آن، نظام اداری از صورت لسانی بیرون می‌رود و هر فساد و تباهی گریبانگیر آن می‌شود. حاکمیت عدالت در نظام اداری و پاس داشتن داد و حفظ حقوق دیگران همانند حقوق خود، و در مقام داوری حقوق طرفین را یکسان و برابر رعایت کردن و برای دیگران حقوقی برابر خود قائل شدن مهمترین قاعده‌ای است که حافظ سلامت و قوت نظم اداری و مایه پیوند دل‌هاست. اگر همین قاعده در نظام اداری رعایت شود، رابطه کارگزاران و کارکنان با مردم درست سامان می‌یابد و عدل و احسان جلوه پیدا می‌کند. امیر مومنان (ع) درباره فرموده خدای متعال «همانا خداوند به انصاف و نیکوکاری فرمان می‌دهد.» گفته است: «عدل، انصاف و احسان، نیکویی کردن است.» خداوند به نیکویی کردن و انصاف فرمان داده است و این فرمان شمول دارد و نظام اداری، نظامی اخلاقی است که تمام روابط و مناسبات آن بر اساس دادورزی باشد، بر این مبناست که امام علی (ع) کارگزاران دستگاه اداری خود را پیوسته به دادورزی فراخوانده است. □

کسی حق کمترین اهانت و بی‌احترامی به مردم را ندارد. افراد حتی نسبت به نوع نگاه و بیان و رفتار خود مسئولند. امام علی (ع) یادآور شده است: «چیزی را که نمی‌دانی نگو، حتی بسیاری از چیزهایی را که می‌دانی بر زبان نیاور زیرا خدا بر اعضای تو احکامی واجب کرده است که در روز رستاخیز بدان اعضا بر تو حجت خواهد آورد.»

### ۱۶ انضباط کاری

انضباط کاری یعنی سامان‌پذیری، آراستگی، نظم و ترتیب و پرهیز از هر گونه سستی و بی‌سامانی در کار. این امور از عمده‌ترین آداب اخلاق اداری و هیچ سازمان و نظامی بدون رعایت این امور راه به جایی نخواهد برد. بهترین سازمان‌ها و نظام‌ها با زیرپا گذاشته شدن اصل انضباط کاری توفیقی کسب نخواهد کرد و جز اتلاف نیرو بهره‌ای نمی‌برد. امام علی (ع) فرموده است: «کار هر روز را در همان روز انجام ده، زیرا هر روز کاری مخصوص به خود دارد.»

### ۱۷ پیگیری

امور اداری و پیشبرد اهداف سازمانی جز با پیگیری جدی کارها تحقق نمی‌یابد و هر کاری نیازمند پیگیری جدی و تلاش اساسی است تا به نتیجه مطلوب برسد و بدون وجود روحیه پیگیری در کارها هیچ کاری به درستی صورت نمی‌پذیرد. امیر المومنان علی (ع) در فرمان‌ها و دستورالعمل‌های حکومتی و اداری خود، کارگزاران و کارکنانش را به پیگیری امور سفارش نموده و از آنان خواسته است که در خدمتگزاری مردمان پیگیرانه عمل کنند. آن حضرت در دستورالعملی چنین فرموده است: «کسی را در خواسته‌اش به خشم نیاورید و حاجت کسی را روا ناکرده نگذارید و کسی را از آنچه مطلوب اوست باز ندارید.»

نظام اداری نباید به گونه‌ای باشد که مردم سردرگم شوند و کارشان معطل گردد و به سرگردانی گرفتار آیند. حبس کردن امور و متوقف ساختن کارها از بزرگترین آفات اداری است که جز با روحیه پیگیری جدی رفع نمی‌گردد.

### ۱۸ مهرورزی

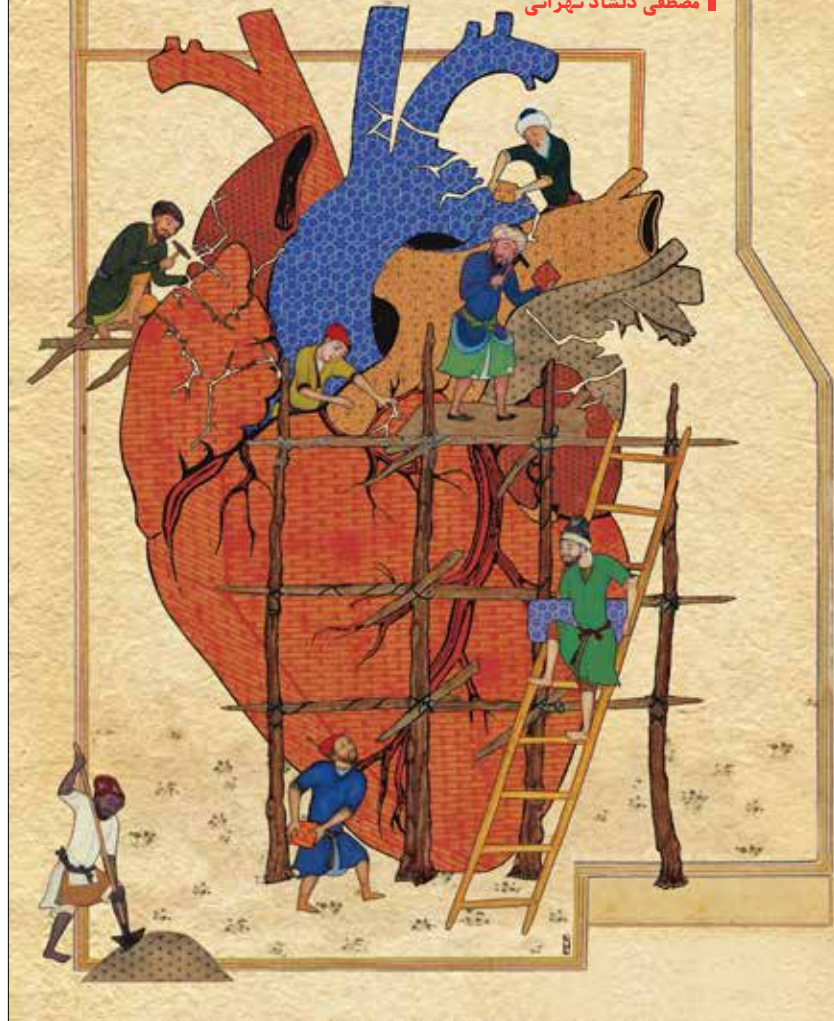
انجام دادن کارها و خدمتگزاری از سر مهرورزی والاترین هنر در اخلاق اداری است. چنانچه اگر انجام دادن امور با مهرورزی توأم شود، صورتی زیبا و کاملاً انسانی می‌یابد و موجب پیوند جان‌ها و الفت قلب‌ها می‌گردد و در رفتار و مناسبات اداری، انقلابی معنوی به وجود می‌آورد. امیر مومنان علی (ع) در حکمتی والا فرموده است: «دل‌های آدمیان رمنده است، پس هر که با آن الفت برقرار سازد، روی بدونهد.»

نیروی محبت از نظر اجتماعی، نیروی عظیم و موثری است و بهترین اجتماع آن اجتماعی است که با نیروی محبت اداره شود. محبت زعیم و زمامدار به مردم و محبت و ارادت مردم به زعیم و زمامدار، عامل بزرگی برای ثبات و ادامه حیات حکومت است. تا عامل محبت نباشد، رهبر نمی‌تواند یا بسیار دشوار است که اجتماعی راهبری کند

آشنایی با نکات اخلاقی نهج البلاغه

# ایستادگی روی مرزهای اخلاقی

مصطفی دلشاد تهرانی



در تعریف دوم که در عصر جدید ارائه شده، اخلاق همان رفتاری است که انسان باید آنها را داشته باشد. اما در نهج البلاغه تعریف اخلاق فراتر از این است؛ در نهج البلاغه اخلاق شامل شش بخش است: بینش‌ها، ارزش‌ها، گرایش‌ها، روش‌ها، کنش‌ها و گویش‌ها. از نگاه نهج البلاغه در یک زیست اخلاقی، انسان باید همه موارد فوق را اصلاح کند.

## جایگاه اخلاق

در خطبه ۱۹۲ نهج البلاغه، امام علی (ع) می‌فرماید اگر قرار باشد مادر زندگی به چیزی تعصب بورزیم و ایستادگی کنیم و از آن عبور نکنیم، آن اخلاق است: «فَإِنْ كَانَ لَا يُدُّ مِنَ الْعَصِيْبَةِ.. فَلْيَكُنْ تَعْصِبُكُمْ لِمَكَارِمِ الْخِصَالِ وَمَحَامِدِ الْأَفْعَالِ وَمَحَاسِنِ الْأُمُورِ».

نکته زیبا اینجاست که امیرمؤمنان (ع) اخلاق را فقط خصلت نمی‌داند. فقط رفتار هم نمی‌داند. خصلت هست، رفتار هست، فراتر از این هم هست. همان‌طور که در ادامه خواهیم دید که ایشان میدان اخلاق را خیلی وسیع و در تمام امور زندگی می‌بیند.

«الَّتِي تَفَاضَلَتْ فِيهَا الْمُجْدَاءُ وَالْتَّجْدَاءُ مِنَ يُبُوتَاتِ الْعَرَبِ وَبِعَاسِيَةِ الْقَبَائِلِ». این سه چیز مواردی است که انسان‌های بزرگوار و شایسته در آن از هم سبقت می‌گیرند؛ یعنی اگر قرار باشد ما با هم مسابقه‌ای بدهیم در اخلاق است. جامعه‌ای سالم است که با ارزش‌ترین مسابقه‌اش در اخلاق باشد. بهترین مسابقه انسانی در «بالاخلاق الرُّغِيْبِيَّة» است؛ یعنی اخلاق پسندیده. «وَالْأَحْلَامُ الْعَظِيْمَةُ..» خرده‌های بزرگ. «وَالْأَخْطَارُ الْجَلِيْلَةُ..» مقام‌های والا. «وَالْآثَارُ الْمَحْمُودَةُ..» نشانه‌های نیکو. مشاهده می‌شود که نوع نگاه امام (ع) به اخلاق نگاه وسیعی است.

## الگوی زیست اخلاقی

بعد ایشان می‌فرمایند: «فَتَعَصَّبُوا لِجَلَالِ الْحَمْدِ مِنْ...» در خصلت‌های نیکو تعصب بورزید. خصلت‌های نیکو مانند چه؟ چند مثال ایشان می‌زنند. در این مثال‌ها هم نگاه امیرمؤمنان (ع) به اخلاق روشن می‌شود، هم جایگاه اخلاق، هم اهمیت آن و هم مفهوم‌شناسی اخلاق. می‌فرمایند بروید در اینها تعصب بورزید، در اینها مسابقه دهید و رشد کنید:

«مِنَ الْحِفْظِ لِلْجَوَارِ» از جمله موارد اخلاقی‌ای که باید کسب کنید، پاس داشتن حق همسایگان، شهروندان و امثال آن است. زیبایی مطلب در این است که اخلاق با پاسداشت حقوق باید شکل بگیرد. شاید مهم‌ترین مسأله اخلاق هم همین پاسداشت حقوق باشد. «وَالْوَفَاءُ بِالْأَمَامِ» و به پیمان‌ها وفا کردن. «وَالظَّاعَةِ.. لِلرَّيِّ» و نیکی را فرمان بردن، یعنی زیر بار غیرنیکی نرفتن، یعنی هر چه به ما فشار بیاورند و دستور دهند، به غیرنیکی تن ندهیم. مهم نیست چه کسی فرمان می‌دهد یا از کجا انسان در تنگنا مانده است، به جرم و تعدی تن ندهد.

«وَالْمَعْصِيَةِ.. لِلْكَبِيرِ» نافرمانی نسبت به تکبر و خودکامگی

زیست اخلاقی، یکی از نیازهای جدی انسان امروزی است که هر جامعه به تناسب فرهنگ حاکم بر آن تلاش کرده تا الگوی مناسبی برای آن ارائه کند. در جوامع اسلامی دو منبع قرآن و عترت، بهتر از هر دستور العمل دیگری می‌تواند الگوی مناسب این نوع زیستن را ارائه کند. ویژگی‌های اخلاقی یک انسان مسلمان را می‌توان در جای‌جای نهج البلاغه مشاهده کرد. در این بحث که توسط دکتر دلشاد در کلاس‌های اخلاق علوی کانون فرهنگ و اندیشه بیان شده، قواعد مدل زیست اخلاقی با مروری بر نهج البلاغه استخراج شده است. این قواعد بر حوزه‌های مختلف زندگی فردی، اجتماعی و سیاسی حاکم است.

دو نوع مفهوم‌شناسی معروف درباره مفهوم اخلاق وجود دارد: اول، تعریفی که قدم‌ارائه داده‌اند و بر اساس آن، اخلاق، ویژگی و خصلت‌های درونی‌ای است که انسان آنها را به راحتی و بدون تکلف انجام می‌دهد. و شامل دو جزء است: فضایل و ردائیل. با این تعریف، اخلاق یعنی پاک شدن از ردائیل و متصف شدن به فضایل.

### معیار ارزش عمل

حال ببینیم ارزش هر عمل به چیست. از نگاه امیرمؤمنان (ع) ارزش یک عمل به اخلاقی بودنش است نه زیادی آن. در حکمت ۹۵ می‌بینیم «لَا يَقْبَلُ عَمَلٌ مَعَ التَّقْوَى» هیچ عملی با پروا داری کم محسوب نمی‌شود. «و كَيْفَ يَقْبَلُ مَا يَتَقَبَّلُ؟» و چگونه کم به حساب آید چیزی که نزد خدا پذیرفته می‌شود؟ عمل اخلاقی در عالم خواهد ماند؛ چرا که طبق قوانین عالم است. اما عمل غیر اخلاقی مخالف قوانین عالم است. رشد نمی‌کند. بالنده نیست. قرآن می‌گوید: «وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرِجُ نَبَاتَهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ»

### الگوهای برای اخلاق

ما باید یک الگوی اخلاقی را پیش روی خود قرار دهیم و رفتار و قواعد زندگی را از آن استخراج کنیم. امیرمؤمنان (ع) در بحث الگوی زیست اخلاقی، پیامبر اکرم (ص) را معرفی می‌کند و در امتداد پیامبر (ص) خودش را: «وَلَقَدْ كَانَتْ فِي رَسُولِ اللَّهِ كَافٍ لِكُلِّ فِي الْأَسْوَةِ... فَتَأْتِي بِبَنِيكَ الْأَطْيَبِ الْأَطْرَفِيَّانِ فِيهِ أَسْوَةٌ... لِمَنْ تَأْتِي وَعِزَّةٌ لِمَنْ تَعَزَّى وَأَحَبُّ الْعِبَادِ إِلَى اللَّهِ الْمُتَأْتِي بِنَبِيِّهِ وَالْمُقْتَصِلُ لِآثَرِهِ» بی‌گمان در پیامبر خدا برای شما الگوی کافی هست. پس به پیامبر پاک پاکیزه‌ات تأسی کن که بدون شک او نمونه‌ای است نیکو برای کسی که به دنبال الگو باشد و انتسابی است عالی برای کسی که به او منتسب شود و محبوب‌ترین نزد خدا کسی است که پیامبرش را پیروی کند و پا جای پای او بگذارد.

در خطبه ۱۹۲ امیرمؤمنان (ع) نکته‌ای را درباره اخلاق پیامبر اکرم (ص) بیان می‌کند: به محض اینکه پیامبر از شیر گرفته شد، خداوند به بزرگ‌ترین فرشته‌اش مسؤولیت داد کرامت‌های اخلاقی و همه نیکویی‌های اخلاق جهان را شب و روز به وی آموزش دهد. و من مثل سایه پیامبر (ص) را دنبال کردم، مانند بچه شتری که مادرش را دنبال می‌کند. هر روز پرچمی از اخلاق خود را برای من می‌افراشت و مرا امر می‌کرد که از او پیروی کنم. می‌توانیم استنباط کنیم که الگوی مناسب پیامبر (ص) و اوصیای او هستند. امیرمؤمنان در خطبه ۸۷ هم این‌گونه خودش را به ما معرفی می‌کند: «وَأَلَيْسَتْكُمْ الْعَاقِبَةُ... مِنْ عَدْلِي وَفَرَشْتِكُمُ الْمَعْرُوفُ مِنْ قَوْلِي وَفِعْلِي وَأَرْيَتُكُمْ كَرَامَةَ الْأَخْلَاقِ مِنْ نَفْسِي». از عدالت خود، لباس عافیت بر تن شما پوشانیدم. و توسط گفتار و رفتارم نیکی را برای شما گسترانیدم و کرامت‌های اخلاقی در زندگی را از جانب خودم نشانتان دادم.

پس در اخلاق، سخن و عمل در کنار هم است. امیرمؤمنان (ع) می‌خواهد بگوید مدلی که من پیاده کردم یک مدل کاملاً اخلاقی است. یعنی حکومت تابع اخلاق شده؛ اقتصاد تابع اخلاق شده. همه چیز تابع اخلاق شده است. در این صورت، زندگی فرد انسانی می‌شود. اگر چنین اتفاقی نیفتد، به نظر نمی‌رسد چیزی اصلاح شود. آنچه از ظلم و ستم می‌بینیم، به دلیل فقدان اخلاق است یا اینکه اخلاق تابع چیزهای دیگری شده است؛ تابع سیاست شده است، اخلاق تابع اقتصاد شده است. □



از نگاه

امیرمؤمنان (ع)

ارزش یک

عمل به اخلاقی

بودنش است

نه زیادی آن.

در حکمت ۹۵

می‌بینیم «لا

يَقْبَلُ عَمَلٌ مَعَ

التَّقْوَى» هیچ

عملی با پروا داری

کم محسوب

نمی‌شود. «و كَيْفَ

يَقْبَلُ مَا يَتَقَبَّلُ؟»

و چگونه کم

به حساب آید

چیزی که نزد خدا

پذیرفته می‌شود؟

که این از مسائل محوری در نهج البلاغه است. «وَالْأَخْذُ بِالْفَضْلِ» و به فضیلت آراسته بودن. آنهایی که در گذشته اخلاق را تعریف کرده‌اند تنها به این مورد پرداخته‌اند. «و الْكَفِّ عَنِ الْبَغْيِ» ستمگری را پس زدن. از خود و از دیگران. تن به ستم ندهد و ستمگری نکند. از ستم بازایستد.

«وَ الْإِغْظَامُ لِلْقَتْلِ» بزرگ شمردن قتل. این مورد مانند یک خط قرمز می‌ماند و هیچ‌کس نباید به سمتش برود. اگر خون یک بی‌گناه ریخته شود، گویی خون همه جامعه ریخته شده است. امیرمؤمنان (ع) در نامه ۵۳ می‌فرماید: خداوند نسبت به هیچ چیز این‌گونه خشم نمی‌گیرد. هیچ چیز مثل آن، دولت‌ها و حکومت‌ها را به سمت هلاک نمی‌برد. «و الْإِنصَافُ لِلْخُلُقِ» و داد مردمان را دادن. با انصاف رفتار کردن.

«و الْكِبْرِيَاءُ لِلْعِيْظِ» و خشم را فرو خوردن. جامعه‌ای که دل‌های مردمان آن پراز کینه و دشمنی و خشم نسبت به یکدیگر است، اخلاقی نیست. «و اجْتِنَابُ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ» و اجتناب از تباهی کردن روی زمین. امیرمؤمنان (ع) نمی‌خواهد محورهای اخلاق را به این موارد حصر کند. بلکه تعدادی از مهم‌ترین آنها را بیان می‌کند تا جهت‌گیری مشخص شود.

### اهمیت اخلاق

اما اهمیت اخلاق در نگاه امام (ع) چگونه است؟ در خطبه ۱۱۳ جمله‌ای از ایشان وارد شده است که «لَا قَرِيبَ كُحْسَنِ الْخُلُقِ». در خطبه ۱۷۶ عبارتی هست که امام (ع) می‌فرماید نسبت به اخلاق حساس باشید: «ایا کم و تهزيع الأخلاق و تصريفها» به نظر این‌طور می‌آید که اگر اخلاق زیرپا گذاشته شود هیچ چیز سالم نمی‌ماند، نه اعتقادات، نه زندگی، نه سیاست، نه اجتماع و نه هیچ ارزش دیگری.

ایشان در حکمت ۳۸ می‌فرماید: «وَأَكْرَمُ الْحَسَبِ حُسْنُ الْخُلُقِ». حسب به معنای شرافت قابل محاسبه است. گرامی‌ترین شرافت قابل محاسبه، اخلاق نیکوست. آنچه اعتبار دارد اخلاق است. انسان‌ها بر اساس آن به حساب می‌آیند. «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقِيكُمْ» قرآن همه ارزش‌ها را به تقوی (پروا داری) داده است. در کلمات امیرمؤمنان (ع) هست که: «التَّقْوَى رَيْسُ الْأَخْلَاقِ» پروا داری رئیس اخلاق است. نگاه کنید جامعه چه قدر پروادار است. چه قدر حریم نکه می‌دارد رعایت حقوق می‌کند. ملاک جامعه سالم همین است.

در حکمت ۲۲۹ حضرت بیان می‌دارند که «كَفَى بِالْقَنَاغَةِ مُلْكًا» قناعت برای دولتمندی کافی است. «و بِحُسْنِ الْخُلُقِ نَعِيمًا» کسی که اخلاق دارد همه نعمت‌ها را دارد. اگر در جامعه‌ای اخلاق حاکم باشد در پرتوی او می‌توان به همه جا رسید. در خطبه ۲۸ می‌خوانیم «إِنَّ أَوْفَ مَا أَحَافَ عَلَيْكُمْ إِتْنَانُ: إِيْتَابُ الْهَوَى وَ طَوْلُ الْأَمَلِ» من از دو چیز بر شما می‌ترسم: پیروی از هوا و آرزوی دواز. هر دوی اینها از جنس بی‌اخلاقی هستند. در شرح نهج البلاغه ابن‌ابی‌الحدید، از امیرمؤمنان (ع) آمده است: «عَدَمُ الْأَدَبِ سَبَبُ كُلِّ شَيْءٍ فَقْدَانُ آدَبِ (اخلاق) علت همه شرور است.

### تقوای الهی

تقوا، که در نگاه امام (ع) عبارت است از: «نیروی معنوی و روحی که بر اثر ممارست و تمرین پدید می‌آید و به نوبه خود آثار و لوازم و نتایج دارد که از آن جمله، پرهیز از گناه و سهل و آسان شدن آن است.» تقوا با ارزش‌ترین سرمایه و امتیاز فرد و جامعه اسلامی است که در سایه آن تمام مشکلات و مفاسد حل خواهد گشت.

سرآغاز تمام بدی‌ها و مشکلات و مفاسد فردی و اجتماعی، زمانی است که این سرمایه گران‌مایه در جامعه و افراد آن کم رنگ شده و یا رخت بریندد. امام می‌فرماید: «... تقوا پیشه کنید که رشته‌ای است استوار، دستگیره‌ای است محکم و قلّه آن پناهگاهی است مطمئن.»

و نیز می‌فرماید: «ای بندگان خدا! بدانید که تقوا قلعه‌ای محکم و نیرومند است، اما بدکاری و گناه، حصار است و بی‌دفاعی که اهلش را از بدی باز نمی‌دارد و کسی که به آن پناهنده شود، نگه‌داریش نمی‌کند. آگاه باشید! با تقوا می‌توان زهر گناهان را از بین برد و با یقین به برترین درجه مقصود رسید.»

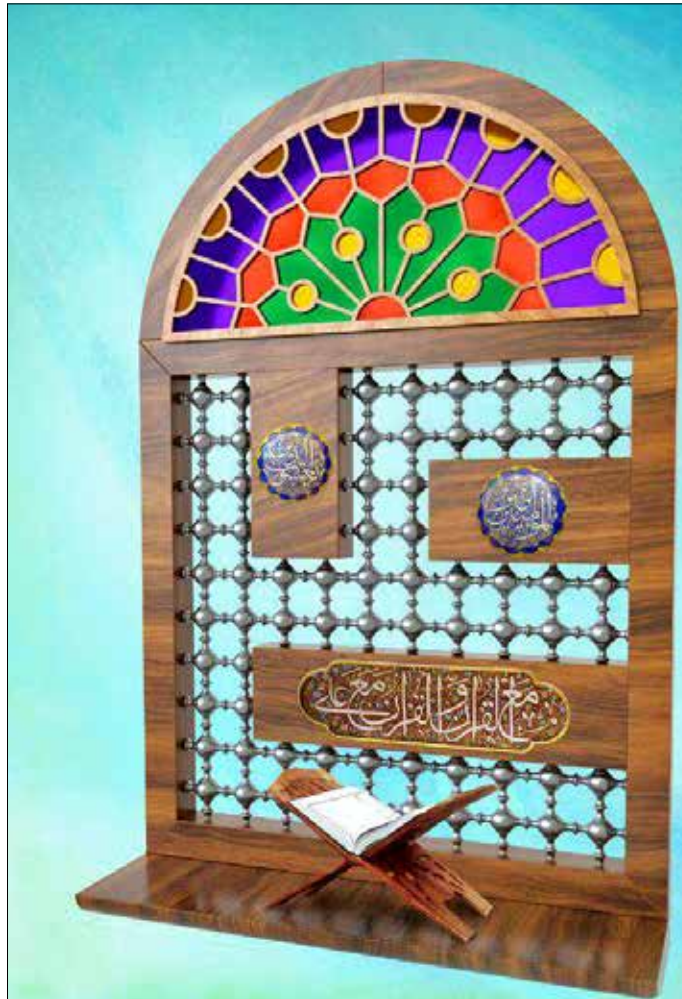
### عبادت خدا

بالاترین امتیاز و گرانمایه‌ترین سرمایه و مطمئن‌ترین پناهگاه در مقابل مفاسد و گناهان «تقوا» است و آن نیز در سایه عبادت خدا حاصل می‌گردد. عبادت که حقیقت آن ذکر و یاد خدا و چشم‌پوشی از غیر اوست تا به آن اندازه ارزشمند است که خداوند هدف از خلقت جن و انس را عبادت آنان معرفی نموده است.

کلمات و خطبه‌های امیرالمؤمنین علی (ع) مآمال از سفارش به عبادت خدا و بیان اهمیت ذکر آثار و نتایج اعمال عبادی می‌باشد.

امام (ع) همواره یارانش را به «نماز» سفارش می‌نمود: «نماز را به خوبی مراعات کنید و محافظت آن را بر عهده بگیرید. زیاد به آن توجه کنید و فراوان نماز بخوانید و به وسیله آن به خدا تقرب جوید؛ زیرا نماز به عنوان فریضه واجب در اوقات مختلف شبانه روز به مؤمنان مقرر شده است. مگر به پاسخ‌دوختیان در برابر این پرسش که چه چیز شما را به دوزخ کشانیده است؟ گوش‌فرا نداده‌اید که می‌گویند: ما از نمازگزاران نبودیم... نمازگناهان را همچون برگ‌های پاییزی می‌ریزد و غل و زنجیرهای معاصی را از گردن‌ها می‌گشاید...»

امیرالمؤمنین علی (ع) با ترسیم شب‌زنده‌داری‌ها، خوف و خشیت‌ها، شوق و لذت‌ها، سوز و گدازها و تلاوت قرآن‌های عبادت‌کنندگان واقعی و عنایت‌های غیبی که در پرتو عبادت و مراقبه و جهاد نفس‌نصبیشان می‌گردد و با ذکر لذت‌های واقعی و بی‌نظیری که در سایه عبادت به آنان دست می‌دهد، یاران خود را به عبادت خدا تشویق می‌نمود و می‌فرمود: «(پرهیزگاران) در شب همواره برپا ایستاده‌اند، قرآن را شمرده و با تدبیر تلاوت می‌کنند، با آن جان خویش را محزون می‌سازند و داروی درد خود را از آن



اصلاحات اخلاقی امیرالمؤمنین (ع) چه بود؟

## رستگاری در پناه تقوا

محمد حسن عبداللہی

« امیرالمؤمنین علی (ع) در طول دوران حکومت، در ضمن کلمات و خطبه‌های خود که مآمال از مسائل اخلاقی و مطالب بلند عرفانی و سفارش به تقوای الهی است، توده‌های مردم را به سوی رشد و تعالی ترغیب می‌نمود. حجم گسترده این گونه مطالب در کلمات آن حضرت نشانگر اصرار و توجه خاص امام (ع) به مسائل اخلاقی و رشد معنویات در جامعه است. مجموعه خطبه‌ها و کلمات آن حضرت، نه تنها برای مردمان دوران حکومت علوی، بلکه برای تمامی نسل‌های خداجوی بشری، بهترین منشور «انسان‌سازی» و «عرفان و حماسه» است. در اینجا با نگاهی کوتاه و گذرا جلوه‌هایی از مسائل معنوی و اخلاقی این مجموعه را بیان می‌نماییم.

هلاک می‌کند، آنگاه که به حد اعلا برسد و به آرزوی دنیا پرستان جامه عمل بپوشاند و از آن راضی گردند، بیش از آن چه در قرآن ذکر شده، نخواهد بود که؛ زندگی همچون آبی می‌ماند که از آسمان فرو می‌فرستیم و به وسیله آن گیاهان فراوان و سر به هم داده و درهم پیچیده به وجود می‌آید. چیزی نمی‌گذرد که خشک می‌شوند و با دها آنها را پراکنده می‌سازند و خداوند بر همه چیز قادر است.»

#### ۱ یاد مرگ

یاد مرگ در نگاه شخص موحد حرکت زا و نیرو آفرین می‌باشد. سفارش‌ها و تذکرات فراوان و دائمی امیرالمؤمنین (ع) در مورد یاد مرگ و روز قیامت از همین روست: «آگاه باشید! که فاصله نگاه‌های مرگ به شما کوتاه و نزدیک است. و گویا مرگ چنگال‌هایش را در جان شما فرو برده، کردارهای بد، مشکلات زندگی و کژی‌ها و ناروایی‌ها (شما را غافلگیر ساخته مرگ را از شما پنهان داشته‌اند)، بنابراین علائق و وابستگی‌های دنیا را از خویش کم کنید و کمر خویش را با توشه تقوا محکم ببندید.»

امام (ع) در کلامی دیگر می‌فرماید: «... مرگ، از بین برنده لذات شماسست و مکدر کننده تمایلات و فاصله افکن میان شما و اهدافتان، دیدار کننده‌ای است دوست نداشتنی! پس با جدیت و کوشش (به انجام اعمال نیک) بپردازید، برای این سفر مهیا و آماده شوید و زاد و توشه از این منزل، فراوان برگزید؛ دنیا شما را مغرور نسازد... از زرق و برق دنیا بر حذر باشید که غدار است و مکار...»

#### ۱ سفارش به توبه

توبه نقش تربیتی بسیاری در جامعه اسلامی دارد و راه اصلاح افراد و جامعه را هموار می‌سازد و همیشه مورد توجه مصلحان واقعی بوده است.

امیرالمؤمنین علی (ع) در این باره خطاب به یاران خود می‌فرماید: «حال که در متن زندگی و حیات هستید، به عمل بپردازید، پرونده‌ها باز؛ بساط توبه گسترده، فراریان از اطاعت خدا به سوی آن خوانده می‌شوند، بدکاران امید بازگشت و پاک شدن دارند، پیش از آنکه چراغ عمل خاموش گردد، مهلت قطع شود، اجل پایان گیرد و در توبه بسته شود و فرشتگان به آسمان روند (سخت بکوشید و فرصت را غنیمت بشمرید).»

امام (ع) در کلامی دیگر می‌فرماید: «تعجب می‌کنم از کسی که نومید می‌شود، در حالی که استغفار با اوست.»

امام باقر (ع) از جدش امیرالمؤمنین (ع) چنین نقل می‌کند که فرمود: «در روی زمین دو امان و وسیله نجات از عذاب الهی بود که یکی از آن‌ها برداشته شد. دومی را دریابید و به آن چنگ زنید. اما امانی که برداشته شد، رسول خدا (ص) بود و امانی که باقی مانده، استغفار است. خداوند تعالی می‌فرماید: خداوند آنها را عذاب نمی‌کند تا تو در میان نشان هستی و خداوند آنها را هرگز عذاب نمی‌کند در حالی که استغفار می‌کنند.» □



#### امیرالمؤمنین

علی (ع) در طول

دوران حکومت

خود، به مبارزه

با «دنیا زدگی»

و «رفاه طلبی»

که مسلمانان

بدان دچار شده

بودند، پرداخت

و با بیان جایگاه

واقعی دنیا، آنان

را به زهد و دوری

از دنیا و توجه

به آخرت ترغیب

می‌نمود؛ چرا

که ریشه تمامی

مفاسد و گناهان

حب دنیا است

می‌گیرند. هرگاه به آیه‌ای برخورد کنند که در آن بیم باشد، گوش‌های دل خویش را برای شنیدن آن باز می‌کنند و صدای ناله و به هم خوردن زبانه‌های آتش جهنم با آن وضع مهیب در درون گوششان طنین انداز است. آنها در پیشگاه خدا به رکوع می‌روند و جبین و دست و پا و زانوهارا به هنگام سجده بر خاک می‌سایند و از آزادی خویش را از آتش جهنم درخواست می‌کنند.»

#### ۱ جهاد با نفس

تبعیت از خواسته‌های دل، سرّ تمامی مفاسد و آلودگی‌هاست و از همین روست که امیرالمؤمنین (ع) به منظور دستیابی به اصلاحات اخلاقی جامعه، همگی را به مبارزه با نفس فرامی‌خواند و به آن تأکید می‌ورزد: «آگاه باشید! هیچ طاعتی نیست جز این که طبع انسان از انجام آن ناراحت است و هیچ کدام از گناهان و معاصی یافت نمی‌شود، جز اینکه با تمایلات و غرائز حیوانی انسان سازگار است! بنابراین رحمت خداوند بر کسی باد که از شهواتش خودداری کند و هوس‌های سرکش نفس را ریشه کن سازد؛ زیرا مشکل‌ترین کار جلوگیری از همین نفس سرکش است که همیشه میل به معصیت و گناه دارد.»

«انسان باید نفس سرکش را رام کند و افسار آن را در اختیار گیرد و آن را از طغیان نگاه دارد و از همین راه او را از نافرمانی به اطاعت خداوند بکشانند.»

امیرالمؤمنین علی (ع) در عهدنامه خود به مالک اشتراو را چنین توصیه می‌نماید: «... و نیز به او فرمان می‌دهد که خواسته‌های نابجای خود را در هم شکنند. و به هنگام وسوسه‌های نفس، خویش را از آتش داری را پیش گیرد؛ زیرا که «نفس اماره» همواره انسان را به بدی وادار می‌کند، مگر آنکه رحمت الهی شامل حال او شود.»

#### ۱ نهی از دنیا زدگی

امیرالمؤمنین علی (ع) در طول دوران حکومت خود، به مبارزه با «دنیا زدگی» و «رفاه طلبی» که مسلمانان بدان دچار شده بودند، پرداخت و با بیان جایگاه واقعی دنیا، آنان را به زهد و دوری از دنیا و توجه به آخرت ترغیب می‌نمود؛ چرا که ریشه تمامی مفاسد و گناهان حب دنیا است. در اینجا از میان انبوه کلمات گهربار آن حضرت، تنها به ذکر قسمتی‌هایی از یک خطبه طولانی آن امام که در آن واقعیت «دنیا» را بیان نموده‌اند، اکتفا می‌کنیم: «اما بعد شما را از دنیا بر حذر می‌دارم؛ زیرا دنیا ظاهرش شیرین و با طراوت است. در لایه‌ای شهوات قرار گرفته و به خاطر نقد بودنش جلب توجه می‌کند، با این که مواهب آن کم و ناچیز است، دل‌ها را به خود می‌کشاند، آرزوهای دنیا پرستان را در خود جمع کرده و خود را بدان آراسته، زیور غرور را به خود پوشیده است، شادمانی و نعمت آن پایدار نیست، از دردها و مشکلات آن ایمن نتوان بود، سخت مغرور کننده و زینبار است، متغییر است و زوال پذیر، فناپذیر و نابودشدنی است؛ پیوسته کسان را می‌خورد و

گفتگو با دکتر حمیدزاده درباره منش اخلاقی امیرالمومنین (ع)<sup>(۱)</sup>

## پاسداشت کرامت انسانی اساس رفتار اخلاقی حضرت علی (ع)<sup>(۲)</sup> بود



« سیره رفتاری و عملی  
امام علی (ع) در تمام  
برهه‌های زمان مثال زدنی و  
الگوگیری از آن از جمله  
نیازهای امروز مسلمانان  
است. یکی از مواردی که نیاز

آن امروز در جامعه ایران به وفور قابل لمس و درک  
است، الگوگیری از رفتار و نحوه برخورد امام علی (ع) با  
اطرافیان است. **ایشان با عامه مردم چه نوع رفتاری  
داشتند و چه اصول و چارچوبی را در رفتار خود همواره  
مد نظر قرار می‌دادند؟**

اولاً باید عرض کنم که شخصیت علی (ع) یک شخصیت  
جامع الاطراف بود و در واقع گستره زندگی آن حضرت در هر  
جهتی چه از نظر، نظری و چه به اعتبار عملی، درس زنده و  
زندگی بخشی برای نوع بشر است و اگر واقعاً کسی بخواهد  
در دریای پر موج ارزش‌های وجودی امیرالمؤمنین شناور  
شود، گوهرهای بسیار پربهایی می‌تواند به دست بیاورد و  
به دیگران عرضه کند لذا سوالی که مطرح کردید در واقع  
در یک بُعد از ابعاد رفتاری آن حضرت یا یک بخشی از سیره  
اخلاقی آن حضرت در تعامل با مردم است؛ امیرالمؤمنین  
انسان را انسان می‌دید و به نوع انسان‌ها نگاه احترام‌آمیز  
داشت و به همین دلیل در نگاه آن حضرت هرگز یک  
مرزبندی که نهایتاً به قطبی‌گری در جامعه منجر شود،  
مشاهده نمی‌شد.

مصریادگار فراعنه است و در نتیجه اوصاف و خصلت‌هایی  
از فرعونیان را با خود داشت، تکبر، غرور، منیت، حق‌ستیزی  
و امثال اینها که در مجموعه فرهنگ مصر در طول سالیان  
متمادای وجود داشت ولی امیرالمؤمنین وقتی مالک اشتر  
را به مصر اعزام می‌کند خطاب به مالک، می‌فرماید: «وَ  
أَشْعِرْ قَلْبَكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ وَ الْمَحَبَّةَ لَهُمْ وَ اللَّطْفَ بِهِمْ»  
علی (ع) از دو کلمه استفاده می‌کند، الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ وَ الْمَحَبَّةَ  
رحمت، محبت و مودت؛ این سه کلمه زیباترین کلماتی  
هستند که می‌توانند در تعامل بین انسان‌ها وجود داشته  
باشند. فرض کنید به کسی که عازم مصر است و می‌رود که  
فرمانروای مصر شود، می‌فرماید: با مردم که در مقابل شما از  
هر گروه، جمعیت، فکر، ایده، اندیشه و فلسفه‌ای هستند،  
رحمت، محبت و مودت داشته باش؛ یعنی به تناسب افراد،  
اشخاص و شئون آنها باید از رحمت، مودت و محبت  
استفاده کنیم. این نگاه سیاسی امیرالمؤمنین در عرصه  
حکومت است که واقعاً می‌تواند یک تصویر الهی و انسانی  
بس بلندی از رفتار کریمانه آن حضرت، نسبت به نوع انسان  
را نشان دهد و جالب‌تر اینکه علی (ع) در ادامه صحبت خود  
می‌فرماید: «فَأَيُّهُمْ صَنَفَانِ: إِمَّا أَحْ لَكَ فِي الدِّينِ وَ إِمَّا تَنْظِيْرُ  
لَكَ فِي الْخَلْقِ؛ مردم از این دو دست بیرون نیستند، با مؤمن  
هستند با مؤمن نیستند، با دعوت توحیدی را بپذیرفتند یا  
نپذیرفتند با هم فکر و هم خط شما در دینداری هستند یا هم  
فکر و هم خط شما نیستند.»



حجت الاسلام و المسلمین دکتر اکبر حمیدزاده، استاد حوزه و دانشگاه و  
نویسنده شرح نهج البلاغه می‌گوید: علی (ع) اخلاق مصلحت‌اندیشانه  
نداشت بلکه اخلاق او برگرفته از ایمان، اعتقاد و باوری بود که ریشه در  
و حیانیّت دین داشت لذا شخصیتی که دارای قوام و استحکام است، در امواج  
متزلزل نمی‌شود و استواری شخصیت خود را حفظ می‌کند و علی (ع) همیشه این  
استواری شخصیت خود را داشت لذا در تمام شرایط یک رفتار متعادل عقلانی  
قابل توجهی از آن حضرت دیده شده است. برگزیده گفتگوی «شفقنا» با حجت  
الاسلام و المسلمین حمیدزاده را می‌خوانید ■



فرزند جوان یا نوجوان خود گله مند بود و می گفت به دلیل اینکه اهل تخلف، ایستادگی و عصیان گری است، گاهی او را تنبیه می کنم، امیرالمؤمنین فرمود: «هرگز به خود اجازه ندهید که او را بزنید، اگر خواستید او را تنبیه کنید، با او قهر کنید و اگر قهر هم کردید بعد از مدت کوتاهی کسی واسطه شود و شما را آشتی دهد.»

### این رفتار را در برخورد با مخالفان نیز مدنظر قرار می دادند یا اینکه در برخورد با مخالفان و دشمنان، در اصول اصلی رفتار خود به تغییری قائل بودند؟

شیوه رفتاری امیرالمؤمنین را می توان در رفتار با خوارج دید، وقتی حضرت مشغول تلاوت قرآن بود، آنها شعار علیه علی (ع) می دادند «لَا حُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ» می گفتند، علی (ع) گاهی ساکت می شد تا آنها شعارشان را بدهند چون از آیات قرآن استفاده می کردند و قرآن می گوید: «وقتی قرآن تلاوت می شود، ساکت شوید و گوش دهید.» با چنین رفتاری حضرت آن چنان روش مدارا پیش گرفت که فرمود: «بعد از من خوارج را نکشید، با آنها نجنگید چرا که آنها دنبال حق بودند، اما راه را اشتباه رفتند.» بنابراین اولین نکته ای را که در پاسخ می توانم عرض کنم این است که در سیره و رفتار علی (ع) با مردم اخلاق بر محور رحمت، محبت و مودت شکل گرفته که حاصل آن، پاسداشت کرامت انسانی نوع انسان هاست بدون اینکه یک قاتل شود. اگر در جامعه مرزبندی ایجاد کردیم نه به دو قطبی بلکه به چند قطبی کردن جامعه می انجامد و این به ضرر جامعه و امت اسلامی است. در نهج البلاغه آمده که امیرالمؤمنین حتی افرادی که محکوم به حد شرعی می شدند، مثلاً کسی دزدی می کرد، یا زانی می کرد، علی (ع) ضمن اینکه حکم خدا را جاری می کرد، می گفت که حق و حقوق آنها نباید ضایع شود، یعنی عقاب و محکومیت به اندازه جرم بود و توازنی بین جرم و عقوبت وجود داشت که این عدالت است، اگر کسی خلافی کرد هم وزن خلافش او را تنبیه کند، دیگر آبروی او را نبریم، مالش را از بین نبریم، حیثیت اجتماعی او را خرد نکنیم بلکه به اندازه خطایی که کرده، او را عقوبت کنیم لذا علی (ع) با خوارج همین رفتار را داشت آن چنان که با غیر خوارج همین طور بود، در حقیقت با همگان معتقد به یک رفتار اخلاقی برگرفته از منطق قرآن کریم بود که خطاب به پیامبر می فرماید: قِيمَا رَحِمَهُ مِنَ اللَّهِ لَئِن لَّهُمْ وَلَوْ كُنْتُمْ قَطَا غَلِيظًا الْقَلْبِ؛ اگر علی (ع) می خواست از این اصل محورین اخلاق رفتاری منحرف شود، آن زمان که ابن ملجم را می شناخت و می دانست که ابن ملجم قاتل اوست، در یک شرایط سهل می توانست او را از بین ببرد ولی در همان شرایط او را بر سر سفره خود می نشاند، ضمن اینکه خطاب به ابن ملجم می فرمود: «من دارم می بینم که تو دچار اسارت شیطان می شوی و دست به جنایت بزرگی می زنی» اما کاری به کار او نداشت و می گفت قصاص قبل از جنایت درست نیست و ناعادلانه است، یا زمانی که ابن



سیره و رفتار

علی (ع) با مردم

اخلاق بر محور

رحمت، محبت

و مودت شکل

گرفته که حاصل

آن، پاسداشت

کرامت انسانی

نوع انسان هاست

بدون اینکه یک

مرزبندی برای آنها

قاتل شود. اگر در

جامعه مرزبندی

ایجاد کردیم نه به

دو قطبی بلکه به

چند قطبی کردن

جامعه می انجامد

و این به ضرر

جامعه و امت

اسلامی است

اتفاقاً این دو جریان در جوامع مختلف از جمله جامعه اسلامی وجود دارد، اما مساله مهم نوع برخورد صحیح با هر یک از این گروه هاست، حضرت علی (ع) تأکید می کردند که با این دو جریان چطور باید رفتار کنیم؟

بدیهی است که آن رحمت، محبت و مودتی که امیرالمؤمنین مورد اشاره قرار داد و فرمود: «طرف جانن را از این اوصاف گوهرین انباشته کن» به این خاطر است که در رفتار و کردار افراد و اشخاص با نوع انسان ها مخصوصاً انسان هایی که چشم خود را به یک مراد، مرشد و کانون برتری دوخته اند باید از این سه عنوان استفاده شود، رحمت، محبت و مودت. بنابراین اولین نکته ای را که ما از سیره عملی علی (ع) در رفتار با آنها استفاده می کنیم این است که حضرت قائل به مرزبندی در بین مردم نبود و به همین دلیل تمام اقشار، اصناف، طبقات و حتی آنهایی که علی (ع) را باور نداشتند به سادگی می توانستند با علی بنشینند، حرف بزنند، سوالشان را مطرح کنند و گفتگو داشته باشند؛ آن چنان که تاریخ زندگی آن حضرت یک چنین والایی های اخلاقی را نشان می دهد و جالب این است که در ادامه همین صحبت و سخن علی (ع) هست که می فرمایند: يَفْزُطُ مِنْهُمْ الزَّلُّ وَ تَعْرِضُ لَهُمُ الْعِلَّةُ وَ يُؤْتِي عَالِي أَيْدِيهِمْ فِي الْعَمْدِ وَ الْخَطَا؛ مردم اشتباه می کنند، می لغزند، ممکن است که گاهی پاروی قانون بگذارند؛ وقتی شما فقط منتظر هستید که شلاق بلند کنید و از قوه قهریه استفاده کنید و همه تکیه گاه مدیریتی شما زندان، تبعید، شلاق و تنبیه است، این امر درست نیست و باید توجه داشته باشید که مردمی اشتباه می کنند یا اشتباه نمی کنند و عمداً قانونی را زیر پا می گذارند، فَأَعْطَيْهِمْ مِنْ عَفْوِكَ وَ صَفْحِكَ مِثْلَ الَّذِي تُحِبُّ وَ تَرْضَى أَنْ يُعْطِيكَ اللَّهُ مِنْ عَفْوِهِ وَ صَفْحِهِ؛ این افراد قبل از اینکه شلاق و تیزی دشمن و درفش حتی قانونی تو را ببینند، نیاز به محبت، رحمت و مودت دارند، آن چنان که خود شما وقتی مرتکب اشتباه می شوید از خداوند توقع دارید شما را مورد عفو قرار دهد و از شما بگذرد و خداوند هم می گوید: «حق من مقدم بر غضب من است» آن چنان که در دعاها آمده، «خدایی بر رحمتش مقدم بر غضبش است». بنابراین اصل مسلم در رفتار و تعامل اخلاقی امیرالمؤمنین با مردم بر سه اصل رحمت، محبت و مودت استوار بود و بر همین اساس در عهدنامه است که می فرماید: «اگر کسی مرتکب خلاف شد و از نظر قانونی هم جرم او اثبات شد و قاضی حکمی را برای تنبیه و عقوبت او صادر کرد، به خاطر اینکه مجرمی را به دام انداختی، شادی نکنی و اظهار سرور نداشته باشی که توانستی کسی را شلاق بزنی و زندان ببندازی و عقوبت کنی» آن چنان که در همین عهدنامه مالک است که حضرت می فرماید: «مراقب باش که شتابان تصمیم گیری، حیثیت و کرامات انسانی افراد را نادیده نگیری، بلکه توجه داشته باشی که آنها انسان هستند و با انسان باید رفتار انسانی کرد.» حتی در حدیثی آمده که پدری از

ملجم در زندان فرزندان علی (ع) بود، شیری که برای علی (ع) می‌آوردند، مختصری می‌خورد، باقی آن را به ام‌کلثوم می‌داد و می‌فرمود: «زندانی‌تان فراموش نشود، به زندانی خود از نظر غذا و سایر امکانات رسیدگی کنید که به او سخت نگذرد.» بنابراین علی (ع) اخلاق مصلحت اندیشانه نداشت بلکه اخلاق او برگرفته از ایمان، اعتقاد و باوری بود که ریشه در وحیانیت دین داشت.

امام علی (ع) در بخشی از نامه ۳۱ کتاب شریف نهج البلاغه تأکید فراوانی بر رعایت حد و حدود روابط اجتماعی دارد. **امام در چه مواردی و به چه دلیل حد و حدودی برای روابط اجتماعی قائل شدند و این حد و حدود چه مسائلی را در بر می‌گیرد؟**

در حدیثی آمده است: علی (ع) اگر کسی علناً مرتکب گناه می‌شد، به روی او نمی‌خندید، او را با خنده‌اش به ادامه گناه

اگر کسی می‌خواهد شخصیت متوازن و متعادل علی (ع) را بشناسد و بداند که چگونه علی (ع) مرد اعتدال و عقلانیت بود، به دو مقطع زمانی بنگرد، آن زمانی که علی (ع) منزوی بود و در گوشه‌ای نشسته و به خودش مشغول بود و آن زمان که با خواست و اراده مردم امامت و قدرت و رهبری امت را پذیرفت و در مقام حاکمیت برآمد

و انحراف تشویق نمی‌کرد و می‌فرمود: پیامبر به ما دستور داده که با افراد قانون شکن، اخمو برخورد کنیم. این یک مرحله از اخلاق بود، فرض کنید، افرادی پیش حضرت می‌آمدند که اهل نفاق بودند، علی (ع) عین اینکه با آنها تعامل اخلاقی داشت، سعی می‌کرد در رفتار خودش به آنها نشان دهد که علاقه مند به حیثیت، سرنوشت و عاقبت نیک آنهاست و هرگز به گونه‌ای رفتار نمی‌کرد که حتی کسانی که منافقانه رفتار کردند در آن مجلس آبرویشان برود. شخصی به علی (ع) که در اوج قدرت بود، اهانت و جسارت کرد، حضرت به مسجد برگشت، مردم هم آمدند، اجتماع بزرگی شد، امام بالای منبر رفت و خطبه‌ای ایراد کرد و سپس فرمود: «کجاست کسی که به من اهانت و جسارت کرد؟ اگر بخواهم او را عقوبت می‌کنم. آن فرد سر خود را بلند کرد و گفت یا امیرالمؤمنین اگر هم بخواهی عفو می‌کنی، در حقیقت از علی (ع) عذرخواهی کرد و حضرت از کنارش گذشت.» یا در عبارت دیگری در دیوان منسوب به امیرالمؤمنین آمده که حضرت زمانی به آدم لعین و پستی برخورد کرد که به ایشان فحش داد، اما حضرت صورت خود را برگرداندند و راه خود را ادامه دادند و در حقیقت نشان دادند که آن فرد با ایشان نیست، او مدام فحش خود را ادامه می‌داد و حضرت سعی می‌کرد که گذشت خود را ادامه دهد، گذشت حضرت مثل عودی که روشن شود و فضا را عطر آگین کند، عطر اخلاق و ادب را در آن فضا موج انداخت.

**رفتار امام علی (ع) در زمانی که در قدرت بود با زمانی که در میان مردم بود و به عنوان رهبر معنوی و نه سیاسی قلمداد می‌شد، تفاوتی داشت؟ در این دو برهه با توجه به شرایط و موقعیت‌ها، رفتار حضرت با مردم عادی، خانواده، دوستان و مخالفانش تغییر یافت؟**

ابن‌ابی‌الحدید عبارتی دارد که در شرح خطبه شقشقیه است و می‌فرماید: «اگر کسی می‌خواهد شخصیت متوازن و متعادل علی (ع) را بشناسد و بداند که چگونه علی (ع) مرد اعتدال و عقلانیت بود، به دو مقطع زمانی بنگرد، آن زمانی که علی (ع) منزوی بود و در گوشه‌ای نشسته و به خودش مشغول بود و آن زمان که با خواست و اراده مردم امامت و قدرت و رهبری امت را پذیرفت و در مقام حاکمیت برآمد.» اگر این دو مقطع تاریخی زندگی علی (ع) را با یکدیگر مقایسه کنید، می‌بینید که هیچ تفاوتی در رفتار و کردار علی (ع) وجود نداشت، آنچنان که در رفتار و کردار و سیره عملی ایشان چه زمانی که در حکومت قرار گرفت و چه زمانی که منزوی و گوشه نشین بود، تفاوتی به وجود نیامد، در اخلاق نظری هم علی (ع) اینگونه بود یعنی هیچ تفاوتی بین دوران انزوای علی (ع) با دوران حاکمیت و اقتدار آن حضرت مشاهده نمی‌شود، اصلاً این معنای قوام شخصیت است، یک شخصیتی که دارای قوام و استحکام است، چنین شخصیتی در امواج متزلزل نشود و استواری شخصیت خود را حفظ کند و علی (ع) همیشه این استواری شخصیت خود را داشت لذا در تمام شرایط، یک رفتار متعادل عقلانی قابل توجیهی از آن حضرت در کتاب‌ها منعکس شده است. □



کلام امام موسی صدر  
درباره امیرالمؤمنین

## کوه بلند



علی بن ابی طالب (ع) در کعبه به دنیا آمد و این افتخاری است که هیچ کس جز او بدان نرسیده است ولی او هرگز در زندگی خود به آن نبالید، یعنی هیچ‌گاه در مقام مقایسه یا مباحله یا فخرفروشی نگفت: ای مردم من کسی هستم که در کعبه متولد شدم، ولی شما در خانه‌هایتان متولد شدید. هیچ‌گاه به این امتیاز افتخار نکرد، چرا؟ چون خودش آن را انجام نداده بود و بنا بر این، افتخاری برای او نبود. می‌توان گفت برای مادرش یا برای آن مرحله‌ی زمانی افتخار بود و شاید به دلایل دیگری این اتفاق عنایتی از سوی خداوند بود، ولی علی نقشی در ولادت خود در درون کعبه نداشت، زیرا در این دنیا نبود تا کاری انجام دهد و در راه آن متحمل رنجی شود.

روی این نکته کمی درنگ می‌کنم. می‌دانید که پیامبر (ص) پسری به نام ابراهیم داشت که مادرش ماریه قبطیه بود. پیامبر او را که تنها پسرش بود، بسیار دوست می‌داشت. وقتی ابراهیم از دنیا رفت، پیامبر به شدت گریه می‌کرد. در همان روز خورشید گرفتگی رخ داد. مردم گفتند این حادثه به سبب مرگ ابراهیم است و آسمان و جهان هستی سوگوار ابراهیم‌اند و خورشید برای همدردی با محمد تاریک شده و گرفته است. در آن زمان چه کسی می‌توانست این سخن را انکار کند؟ مردم، همگی، به پیامبر محبت و ایمان داشتند و از این رو، این سخن را پذیرفتند. وقتی پیامبر (ص) این سخن را شنید، برآشت و آن را انکار کرد و فرمود: «إِنَّ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ آتَيْنِ مِنَ آيَاتِ اللَّهِ... لَأَتَنَّكَ سِفَانِ لِمَوْتِ أَحَدٍ وَلَا لِحَيَاتِهِ.» (خورشید و ماه دو نشانه از نشانه‌های خداوندند... و به سبب مرگ کسی یا تولد کسی دستخوش گرفتگی نمی‌شوند.)

دین ما دانش مدار و واقع‌گرایانه است. پیامبر می‌توانست آنان را تأیید کند یا ساکت بماند و بگذارد مردم این مسئله را تصدیق کنند و از این راه، در مردم شور و هیجان ایجاد کند و آنان را به سوی دعوت و رسالت خود جذب کند و به حرکت درآورد ولی پیامبر جز تشویق و انگیزش علمی و واقعی را نمی‌خواهد. نمی‌خواهد از رخداد های تصادفی و خیالات سوء استفاده کند، حتی در راه حق و در راه دین. این نکته بسیار مهم است. گاه انسان

می‌تواند با سوء استفاده از احساسات یا حوادث یا سخنان یا عقاید باطل و مبالغه‌آمیز، هدفی اساسی را به پیش ببرد، ولی اسلام این شیوه را نمی‌پذیرد، زیرا اسلام به دنبال مؤمن بیدار و هوشیار است، نه مؤمن پرشور و پرهیجان که در تفکر خود براوهام تکیه می‌کند. علی بن ابی طالب (ع) هیچ‌گاه نگفت من کسی هستم که در کعبه زاده شده‌ام. ولی در خطبه شششنبه فرمود: «لَقَدْ تَقَمَّصَهَا فَلَانَ وَإِنَّهُ لَيَعْلَمُ أَنَّ مَحَلِّيَ مِنْهَا مَحَلَّ الْقَطْبِ مِنَ الرَّحَى يَنْخَدِرُ عَنِّي السَّيْلُ وَلَا يَزِقِي إِلَيَّ الظَّلِيمُ» (فلانی جامه‌ی خلافت را پوشید و می‌دانست خلافت جز مرا نشاید که آسیاسنگ، تنها گرد استوانه به گردش درآید. [کوه بلند را مانم که] سیلاب از ستیغ من ریزان است و مرغ از پریدن به قله‌ام، گریزان.) این گونه به خود می‌بالید، به چه چیزی می‌بالید؟ به دانش خود. می‌فرمود همه شما می‌دانید که من نسبت به رسول خدا همچون بچه شتر نسبت به مادرش بودم. یعنی امیر مؤمنان به خود می‌بالید و افتخار می‌کرد ولی نه به متولد شدن در کعبه یا اموری که خود در آن نقشی نداشت، بلکه به کارهایی که خود انجام داده بود، افتخار می‌کرد. اینجاست که این آیه قرآن کریم را به یاد می‌آوریم: «لَا تَخْسَبَنَّ الَّذِينَ يَفْرَحُونَ بِمَا آتَوْا وَيُحِبُّونَ أَنْ يُخَمَدُوا بِمَا لَمْ يَفْعَلُوا فَلَا تَخْسَبَنَّ لَهُمْ بِمَقَارَةِ مِنَ الْعَذَابِ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ.» در هر حال، علی (ع) در کعبه به دنیا آمد و این مایه فخر و بزرگی اوست، ولی او به آن افتخار نکرد. او در کودکی در سن هشت سالگی به خانه پیامبر راه یافت و وقتی اسلام نازل شد، ایمان آورد. □

نگاهی به پنج عرصه اخلاق در کلام امیرالمومنین (ع)<sup>(۴)</sup>

# مسلمان واقعی مسلمان اخلاقی است

■ حجت الاسلام والمسلمین حسینعلی رحمتی، استاد فلسفه اخلاق

## ❏ مبانی و مبانی اخلاق

مبانی و مبانی اخلاق، که بیشتر به فلسفه اخلاق مربوط است تا اخلاق هنجاری، عهده دار تبیین اصول بنیادینی است که دیگر عرصه‌های اخلاق بر آن پایه گذاری می‌شود. این مبانی به نوعی جهان بینی اخلاقی شخص را معین می‌کند. موارد زیر را می‌توان از جمله مبانی اخلاقی مطرح شده در نهج البلاغه دانست.

❏ **آدمی دارای کرامت است:** در نهج البلاغه چندین نشان برای کرامت انسان بیان شده است. یکی اینکه خداوند از دم خود در وجود او دمید تا صورت انسان یابد (ص ۴، خطبه ۱) از این رو انسان صبغه‌ای الهی دارد. دیگر این که او مسجود فرشتگان است: «پس [خداوند] فرمود: آدم را سجده کنید ای فرشتگان! فرشتگان به سجده افتادند جز شیطان، که دیده معرفتش از رشک تیره شد و بدبختی براو چیره...» (ص ۵، خطبه ۱)

❏ **انسان، حامل امانت الهی است:** خداوند امانت را بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه داشت و آنان از پذیرش آن سرباز زدند و بر آدمی عرضه کرد و او پذیرفت. (ص ۲۳۴، خطبه ۲۰۰)

❏ **انسان‌ها از نظر سرشت و سرنوشت متفاوت‌اند:** «سرشت مردمان از یکدیگر جداشان ساخته است، و میان‌شان تفرقه انداخته، که ترکیب‌شان از پاره‌ای زمین است که شور یا شیرین است، و خاکی درشت یا نرمین.» (ص ۲۶۵، خطبه ۲۳۴)

❏ **انسان موجودی دارای اراده و اختیار است:** او این امکان را دارد که با بهره‌گیری از قوه عقل و خرد راه را از بی‌راهه باز شناسد: «در این دنیا بدانها [انسان‌ها] فرصت دادند تا از گمراهی به رهند، و راه را بدانها نمودند، تا بی‌راهه نروند. از زندگانی بهره‌گرفتند چندانکه تحصیل رضای خدا را شاید. و آن مایه از خرد یافتند که گردشبهت رازداید.» (ص ۶۱، خطبه ۸۲)

❏ **آدمی در معرض خطا و لغزش است:** «او خداوند از

در منظومه تعلیم و تربیت اسلامی، اخلاق جایگاهی بس ارجمند دارد. بخش قابل توجهی از منابع اسلامی درباره اخلاق است و همچنین نبی گرامی اسلام (ص) و دیگر پیشوایان دینی هر کدام اسوه‌های عملی و تمثیل عینی ارزش‌های اخلاقی هستند. در این میان، امام علی (ع) از جمله چهره‌های شاخص و بارز به شمار می‌آید. کتاب گران سنگ و مجهول القدر نهج البلاغه به عنوان یکی از منابع اندیشه‌های علوی، دیدگاه‌های امام را درباره موضوع‌ها و مباحث مختلف بیان می‌کند. بخش قابل توجهی از آنچه در این کتاب آمده درباره حکمت عملی و اخلاق است. با توجه به اهمیت اخلاق از یک سو و جایگاه شخصیت و اندیشه امام از سوی دیگر، در مکتوب حاضر سعی خواهد شد برخی سویه‌ها و ابعاد دیدگاه‌های اخلاقی آن حضرت در کتاب نهج البلاغه معرفی شود. از آنجا که به نظر می‌رسد تقسیم مباحث مربوط به اخلاق هنجاری و فرائخلاق به پنج قسم مبانی اخلاق، اخلاق الهی، اخلاق فردی، اخلاق اجتماعی و اخلاق محیط زیست کم و بیش می‌تواند همه حوزه‌ها و ساخت‌های اخلاق و فرائخلاق را پوشش دهد در مقاله حاضر نیز بنا بر آن است که این پنج عرصه اخلاقی در نهج البلاغه ردیابی شود و نمونه‌هایی از مباحث مطرح شده در ذیل هر کدام معرفی گردد. در نگارش مقاله حاضر از نهج البلاغه ترجمه مرحوم دکتر سیدجعفر شهیدی استفاده شده است.

## ❏ جایگاه فرادستی اخلاق

بررسی سیره و سلوک امام علی (ع) در مقاطع مختلف زندگی خود و با اقشار مختلف جامعه از دوست و دشمن، نشانگر آن است که در نظام ارزشی آن حضرت، اخلاقی بودن و اخلاقی زیستن بالاترین و مهم‌ترین جایگاه را دارد و مقدم بر هر چیز دیگر است. بنابراین، اخلاق را می‌توان کلیدواژه، یا یکی از کلیدواژه‌های شناخت شخصیت امام دانست. افزون بر آنچه گفته شد، موارد زیر نیز از جمله ادله یا قرائینی دانست که اهمیت اخلاق را در زندگی و اندیشه آن حضرت نشان می‌دهد. امام شاگرد مکتب نبوی و دست پرورده آن است، از این رو اهداف او از اهداف پیامبر (ص) جدا نیست. پیامبر هدف خود را یک هدف اخلاقی تعریف کرد (انی بعثت لاتمم مکارم) پس هدف امام هم غیر از اخلاق نمی‌تواند باشد. امام یک مسلمان است، از این رو رفتار و رفتار و اهداف او در راستای اسلام تعریف می‌شود. هدف بنیادین اسلام رشد و تعالی انسان‌ها به ویژه از منظر اخلاقی است و معیار برتری انسان‌ها از یکدیگر نه به مال و ثروت و مقام که به برخورداری آنها از ارزش‌های اخلاقی است «ان اکرمکم عندالله اتقیکم»، (حجرات ۱۳). بر این مبنا می‌توان گفت که در نزد امام نیز اخلاق جایگاهی والا دارد. از سخنان و سفارش‌های امام به دیگران، به ویژه یاران و کارگزاران خود، به روشنی به دست می‌آید که از نگاه آن حضرت مسلمان واقعی مسلمان اخلاقی است. در این باره به عنوان نمونه می‌توان از نامه به مالک اشتر هنگام انتصاب وی به عنوان حاکم مصر نام برد که پیش از آنکه درباره سیاست سخن بگوید درباره اخلاق به وی سفارش می‌کند. او از مالک می‌خواهد که تقوی را رعایت کرده، از او امر و نواهی خداوند تبعیت کند، خدا را با قلب و دست و زبانش یاری کند، از شهوات دوری نماید و مواظب نفس اماره باشد.



و داشتن نیت های صادق را شرط لازم دفع بلا و نعمت می داند: «اگر مردم هنگامی که بلا بر آنان فرود آید و نعمت ایشان راه زوال ببیند، فریاد خواهند از پروردگار با نیت درست [صادق] و دل هایی از اندوه و بیم سرشار، [خداوند] هر میده را به آنان بازگرداند و هر فاسد را اصلاح و بساز گرداند.» (ص ۱۸۲، خطبه ۱۸۰).

**تعظیم و بزرگداشت خداوند:** «پس خدا را چنان بزرگ دارید که خود بزرگ داشته است...» (ص ۱۹۴، خطبه ۱۸۳).

**در پیش گرفتن تقوای الهی:** «سفارش می کنم شما را به ترس از خدایی که آفرینش را آغاز فرمود، و بازگشتن بدو خواهد بود.» (ص ۲۳۲، خطبه ۱۹۸). سپس از خداوند به خاطر نعمت های او: «او [خدا] را سپاس می گویم بر توفیق طاعت و برکنار داشتن مان از معصیت...» (ص ۲۲۸، خطبه ۱۹۴).

**پرهیز از نافرمانی خداوند:** «آفریده را فرمان بردن نشاید آنجا که نافرمانی آفریننده را لازم آید.» (ص ۳۹۱، کلمه قصار ۱۶۵).

#### ❑ اخلاق و آداب فردی

اخلاق فردی آن دسته از فضایل و رذایل اخلاقی است که صرفاً وابسته به وجود خود عامل اخلاقی است و برای تحقق آن نیاز به دیگران نیست. در نهج البلاغه موارد فراوانی از این دست به چشم می آید که به برخی از آنها اشاره می شود:

**پرهیز از پیروی هوا و هوس و داشتن آرزوهای بلند:** «همانا بر شما از دو چیز بیشتر می ترسم: از خواهش نفس پیروی کردن و آرزوی دراز در سر پروردن؛ که پیروی خواهش نفس، آدمی را از راه حق بازمی دارد؛ و آرزوی دراز، آخرت را به فراموشی می سپارد.» (ص ۴۰، خطبه ۴۳).

**توجه به زهد و پارسایی:** «ای مردم! پارسایی، دامن آرزو در چیدن است، و شکر نعمت حاضر گفتن، و از ناروا پارسایی ورزیدن.» (ص ۵۹، خطبه ۸۱).

**در پیش گرفتن تقوای الهی:** «بندگان خدا! شما



از مجموعه اوامر و نواهی اخلاقی که امام در نهج البلاغه مطرح کرده چنین به دست می آید که از منظروی، هر چند آدمی همواره در معرض وسوسه های

شیطانی قرار دارد اما امکان رشد و تعالی اخلاقی و بازگشت از خطا برای او وجود دارد. در غیر این صورت، معنا نداشت که امام این همه سفارش به انجام فضایل اخلاقی و پرهیز از رذایل اخلاقی داشته باشد.

همچنین طرح بحث توبه از سوی امام (از جمله در ص ۵، خطبه ۱) نشانگر اعتقاد وی به اراده و اختیار انسان و امکان رشد و تعالی معنوی و اخلاقی اوست.

❑ اخلاق و آداب بندگی مقصود آداب و اخلاقی است که یک طرف آن بنده است و طرف دیگر خداوند؛ در واقع اصول اخلاقی است که انسان نسبت به خداوند باید مراعات کند. برخی از اخلاقیات مربوط به بندگی در کلام امام از این قرار است:

**ادای حق طاعت خداوند:** از استشهد امام به آیه کریمه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ» (آل عمران ۱۰۲، ص ۱۱۳، خطبه ۱۱۴) چنین بر می آید که از نگاه وی، انسان به عنوان مخلوق وظیفه دارد که حق خداوند را آن گونه که سزاوار اوست ادا نماید.

**صداقت و عدم تزویر با خداوند:** امام صداقت با خداوند

پیامبران [به زبان وحی پیمان ستد- و هر پیامبران را شنید- که امانت او نگاه دارد و حکم خدا را به دیگران برساند، و این هنگامی بود که بیشتر آفریدگان از فطرت خویش بگردیدند و طومار عهد در نور دیدند، حق او را نشناختند و برابر او خدایانی ساختند. شیطان ها آنان را از خداشناسی به گمراهی کشیدند، و پیوندشان را با پرستش خدا بریدند» (ص ۵، خطبه ۱).

**آدمی از قدرت تمیز حق از باطل برخوردار است:** [خداوند انسان را آفرید] با دانشی که بدان حق را از باطل جدا کردن داند، و مزه ها و بوی ها و رنگ ها و دیگر چیزها را شناختن تواند.» (ص ۵، خطبه ۱).

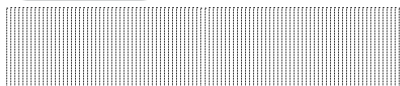
**امکان تربیت اخلاقی انسان وجود دارد:** از مجموعه اوامر و نواهی اخلاقی که امام در نهج البلاغه مطرح کرده چنین به دست می آید که از منظروی، هر چند آدمی همواره در معرض وسوسه های شیطانی قرار دارد اما امکان رشد و تعالی اخلاقی و بازگشت از خطا برای او وجود دارد. در غیر این صورت، معنا نداشت که امام این همه سفارش به انجام فضایل اخلاقی و پرهیز از رذایل اخلاقی داشته باشد. همچنین طرح بحث توبه از سوی امام (از جمله در ص ۵، خطبه ۱) نشانگر اعتقاد وی به اراده و اختیار انسان و امکان رشد و تعالی معنوی و اخلاقی اوست.

#### ❑ اخلاق و آداب بندگی

مقصود آداب و اخلاقی است که یک طرف آن بنده است و طرف دیگر خداوند؛ در واقع اصول اخلاقی است که انسان نسبت به خداوند باید مراعات کند. برخی از اخلاقیات مربوط به بندگی در کلام امام از این قرار است:

**ادای حق طاعت خداوند:** از استشهد امام به آیه کریمه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ» (آل عمران ۱۰۲، ص ۱۱۳، خطبه ۱۱۴) چنین بر می آید که از نگاه وی، انسان به عنوان مخلوق وظیفه دارد که حق خداوند را آن گونه که سزاوار اوست ادا نماید.

**صداقت و عدم تزویر با خداوند:** امام صداقت با خداوند



را وصیت می‌کنم به تقوی و ترس از خدا، که توشه راه است؛ و در معاد - شما را - پناه‌گاه است. توشه‌ای که به منزل رساند، پناه‌گاهی که ایمن گرداند» (ص ۱۱۲، خطبه ۱۱۴).

**ک صبر و بردباری:** «بردباری پرده‌ای است پوشان، و خرد شمشیری است بُران؛ پس نقصان‌های خُلقت را با بردباریت بیوشان، و با خرد خویش هوایت را بمیران» (ص ۴۲۷، کلمه قصار ۴۲۴).

### ۱ اخلاق و آداب اجتماعی

اخلاق اجتماعی آن دسته از اخلاقیات است که تحقق آنها مشروط به وجود دیگران است؛ مواردی چون کمک به دیگران، امانتداری، تکبر و غرور را می‌توان در زمره اخلاق اجتماعی بر شمرده. در نهج البلاغه به موارد فراوانی بر می‌خوریم که امام به فضایل اخلاقی اجتماعی سفارش یا از ردائیل اجتماعی نهی کرده است. در اینجا به عنوان نمونه به چند مورد اشاره می‌شود.

**ک لزوم توجه به اخلاق در حکومتداری:** یکی از بهترین بخش‌های نهج البلاغه که بیانگر دیدگاه‌های امام علی (ع) پیرامون اخلاق حاکمان است، نامه ایشان به مالک اشتر نخعی است. در این نامه ارزشمند وظایف سیاسی - اخلاقی یک حاکم تراز حکومت علوی بیان شده است. در این نامه امام وظیفه مدیران و حاکمان جامعه اسلامی را درباره مواردی از این دست روشن می‌کند: آشتی با دشمن، استمداد از خدا و رسول، نشست و برخاست با دانشمندان، پرهیز از خودپسندی، دوری از خونریزی و منت نهادن بر مردم، عدالت طلبی، رعیت داری، خود را بر دیگران مقدم ندانستن، دقت در انتخاب سرداران و فرماندهان، مشورت کردن با دیگران، و نیکوکاری.

**ک پرهیز از خیانت در امانت:** «مرد مسلمان از خیانت پاک، یکی از دو پادشاه را از خدا چشم می‌دارد؛ یا خدایش نزد خود بخواند، که آن چه نزد خداست برای او بهتر است، یا او را روزی رساند، که آنگاه دارای زن و فرزند، و مال و دین، و شرف و گوهر است» (ص ۲۳، خطبه ۲۳).

**ک کمک به مستمندان:** «اگر یکی از شما خویشاوند خود را درویش بیند، مبادا یاری خویش از او دریغ دارد و از پای بنشیند. [...] کسی که یاری خود را از کسان خویش دریغ دارد، یک دست را از آنان باز داشته، و دست‌هایی را از یاری خویش بداشته» (ص ۲۴، خطبه ۲۴).

**ک پرهیز از دروغ:** «همانا بدترین گفتار، سخن دروغ است.» (ص ۶۶، خطبه ۸۴).

**ک پرهیز از بددلی نسبت به برادر دینی و دفاع از او در برابر دشمنان:** «هر یک از شما که هنگام برخورد با دشمن



امام هنگام دعا برای طلب باران فقط به انسان‌ها توجه ندارد بلکه از خداوند می‌خواهد که به حیوانات نیز رحم نماید: «خدایا! کوه‌های ما کفیده است و زمین ما تیره رنگ گردیده؛ و چارپایانمان تشنه‌اند»

در خود دلآوری دید، و از یکی از برادرانش بددلی، باید برادر خود را از دشمنانش نگاه دارد، به خاطر فضیلت دلیری که بر او دارد. و به دفاع او برآید، آن چنان که خود را می‌پاید.» (ص ۱۳۱، خطبه ۱۲۳)

**ک دوری از تکبر نسبت به دیگران:** «اگر خدا رخصت کبر ورزیدن را به یکی از بندگانش می‌داد، به یقین چنین منتی را بر پیامبران گزیده و دوستانش می‌نهاد، لیکن خدای سبحان بزرگ منشی را بر آنان ناپسند دید و فروتنی‌شان را پسندید.» (ص ۲۱۴، خطبه ۱۹۲).

### ۱ اخلاق زیست محیطی

امروزه به دلایل مختلف مباحث اخلاقی مربوط به محیط زیست در مجامع علمی ایران و دیگر کشورهای جهان مورد توجه قرار گرفته است؛ به گونه‌ای که شاخه‌ای از اخلاق به نام «اخلاق زیست محیطی» تشکیل شده است. در نهج البلاغه نیز مواردی وجود دارد که نشان دهنده توجه امام به اخلاق محیط زیست است (اعم از محیط زیست حیوانی یا گیاهی). در اینجا به عنوان نمونه به چند مورد اشاره می‌شود:

**ک دلسوزی و شفقت نسبت به حیوانات:** امام هنگام دعا برای طلب باران فقط به انسان‌ها توجه ندارد بلکه از خداوند می‌خواهد که به حیوانات نیز رحم نماید: «خدایا! کوه‌های ما کفیده است و زمین ما تیره رنگ گردیده؛ و چارپایانمان تشنه‌اند و در آغل‌های خود سرگردانند و چون زن بچه مرده فریاد کنانند... خدایا رحمت آر بر ناله گوسفندان، و فریاد ماده اشتران. خدایا رحمت آر بر سرگردانی آنان...» (ص ۱۱۴، خطبه ۱۱۵).

**ک درخواست باران برای زنده شدن زمین و گیاه:** «خدایا! بارانی ده؛ زنده کننده، سیراب سازنده، فراگیر و به همه جا رسنده، پاکیزه و بابرکت، گوارا و فراخ نعمت؛ گیاه آن بسیار، شاخه‌هایش به بار، برگ‌هایش تازه و آیدار. تا بنده ناتوانت را بدان توان دهی، و شهرهای مرده‌ات را جان دهی.» (ص ۱۱۴، خطبه ۱۱۵).

**ک تأثیر کارهای زشت بر محرومیت از محیط زیست مناسب:** «خدا بندگان خود را به کیفی کارهای زشت آنان مبتلا سازد به کاهش میوه درختان، و به ناباریدن باران، و بستن گنجینه‌های خیره روی ایشان...» (ص ۱۴۳، خطبه ۱۴۳).

**ک لزوم استفاده صحیح از علوم مربوط به محیط زیست:** وقتی امام قصد جنگ با خوارچ را داشت یکی از یاران گفت با استفاده از علم ستارگان می‌گویم که اگر اینک حرکت کنی به هدف نرسی. امام این سخن وی را نپذیرفت و پس از نکوهش وی گفت: «ای مردم! از اخترشناسی روی بتابید، جز آنچه بدان راه دریا و بیابان را یابید...» (ص ۵۸، خطبه ۸۰).

در اولین مطلب این بخش گفتگویی با کارگردان فیلم «این بیست و سه نفر» را که به یک ماجرای واقعی در دوران دفاع مقدس اشاره دارد، می‌خوانید و سپس گزارشی از فیلم‌ها و سریال‌هایی که به سرداران دفاع مقدس پرداخته‌اند، را از نظر می‌گذرانید. رونمایی از رمانی درباره خاطرات یک طلبه مبلغ، آشنایی با دو کتاب تازه منتشرشده به نام‌های «دختری که رهایش نکردی» و «روز برمی‌خیزد»، نقد و بررسی دو رمان «نقل گیتی» و «روایت دلخواه پسری شبیه سمیر» و در نهایت اشعاری درباره برف زمستانی مطالب بخش فرهنگ و هنر هستند.

« فرهنگ و هنر



جنگ چای بچه‌ها نیست!  
**۲۳ نفر**  
 کارگردان: مهدی جعفری / تهیه‌کننده: مجتبی فرآورده

**خائنی که قهرمان بود!**  
**قاب جاودانگی قهرمانان**  
**چرا کتاب نمی‌خوانیم؟**

سعدالگویمادی مجیدتیکی / رضا لوری / عبدالحمید باغچه‌بان  
 نویسنده: مهدی جعفری / مدیر تصویربرداری: مرتضی لندی / تدوین: صدیق نولایی / موسیقی: آرژا عطیعی / ترانه: سید علی  
 طراح جلد: سیدرضا، عباس عباسی / جلوه‌های بصری: ریخت جنگ / سندهادی اسلامی / جلوه‌های بصری: سیدرضا  
 صدابردار: بهمن اردلان / احمد اردلان / محسن‌نویز / رضا رحمانیان / عکاس



# العظماء لا يسقطون الالباحنة

گفتگو با مهدی جعفری، کارگردان فیلم «بیست و سه نفر»

## خانی که قهرمان بود!

ساناز قنبری



نوجوان‌ها را با هم یکسان کردند و سپس وارد مرحله تمرین‌های اصلی شدیم.

### نگفتید از کجا این بازیگران را پیدا کردید؟

من از ابتدا می‌خواستم که نوجوانان فیلم لهجه داشته باشند. لهجه‌هایی که به واقعیت بیست و سه نفر اصلی نزدیک بود. بنابراین در شهرهایی که زادگاه واقعی همین بچه‌ها بود فراخوان دادیم و پروسه‌ای طی شد که بچه‌ها انتخاب شدند. بنابراین ما این بچه‌ها را از کرمان، سیرجان، مازندران، قشم... انتخاب کردیم و پراکنده‌گی خاص جغرافیایی داشتیم. البته در خلال تمرین‌هایی که داشتیم علاوه بر مستند «بیست و سه نفر» فیلم‌های دیگری هم از آن دوران به بچه‌ها نشان دادیم و به آنها آموزش نظامی دادیم که به نوعی با حال و هوای آن دوران آشنا شوند. این بچه‌ها خروجی درخشانی داشتند که همیشه گفته‌ام اگر صبوری و تحمل این بچه‌ها در تحمل سختی‌ها نبود این خروجی حاصل نمی‌شد.

### برای بازیگر نقش ملاصالح چطور شد که از خودشان برای بازی در فیلم دعوت نکردید؟

منظورنشان شاید این باشد که چرا یک بازیگر ناشناخته را برای نقش ایشان انتخاب کردیم! خب، ماجرا به این برمی‌گردد که قرار بود جهان فیلم راتا جایی که ممکن است به واقعیت نزدیک کنیم و در جاهایی هم البته

ماجرای نوجوان‌های ۱۵ تا ۱۷ ساله‌ای که در میانه‌های جنگ به اسارت گرفته می‌شوند و برای جلوگیری از

سوءاستفاده صدام تصمیم می‌گیرند باعث اسیر بمانند تا به ذلت آزاد شوند، بی‌هیچ تردیدی جزو وقایع مهم دوران دفاع مقدس است. البته از این دست نوجوانان در دوران درخشان دفاع مقدس کم نبوده‌اند؛ از نوجوان ۱۳ ساله‌ای به نام حسین فهمیده که با نارنجک زیرتانک دشمن رفت گرفته تا دختر ۱۷ ساله‌ای که بیش از ۴ ماه در اسارت دشمن ماند و با هم با غرور و افتخار به کشورش برگشت و شد معصومه آباد. «بیست و سه نفر» اما داستانی است که علاوه بر قصه بزرگمردان کوچک با سرگذشت عجیب و باورنکردنی مردی به نام ملاصالح قاری پیوند خورده. مردی که در زمان شاه، جنگ و پس از آن در زندان بوده؛ در ابتدای جنگ خائن و جاسوس دولت عراق به نظر می‌رسیده و امروز دیگر در سال‌خوردگی یک کشور او را به عنوان قهرمان ملی می‌شناسند. فیلم «بیست و سه نفر» روایتگر همین خاطره نه چندان دور از تاریخ جنگ ایران و عراق است که مهدی جعفری، در به تصویر کشیدن آن همت کرده و این روزها روی پرده سینماها قرار دارد. برگزیده گفتگو با مهدی جعفری درباره «بیست و سه نفر» برنده جایزه بهترین فیلم از نگاه ملی در جشنواره فجر گذشته، درباره به تصویر کشیدن این خاطره تلخ و البته غروربرانگیز را در ادامه می‌خوانید.



### این گروه بازیگر نوجوان را از کجا و چطور پیدا کردید؟

وقتی در طول این سال‌ها به ساخت فیلم «بیست و سه نفر» فکر می‌کردم چالش‌های متعددی را پیش روی خودم می‌دیدم که یکی از آنها موضوع بازیگری بود. این که من چطور باید ۲۳ بازیگر نوجوان را پیدا کنم که بتوانم آنها را در حال و هوای آن دوران ببرم. اتفاقی که افتاد این بود که تیم خوبی تشکیل شد. جمشید بهمنی عزیز، به واسطه سال‌ها فعالیت در تئاتر و سینما به عنوان بازیگردان به ما پیوستند که ایشان ابتدا سطح بازی





.....

### خدا را شکر

مستند «بیست

و سه نفر» باعث

شد که سرنوشت

این مرد تغییر

کند. دید مردم به

ایشان تغییر کرد

وشهرت ایشان

ابعادی کشوری

و ملی پیدا کرد.

الان دیگر خیلی‌ها

او را می‌شناسند

و به نظرم چیزی

که او را نجات داد

ایمان و توکلش

به خدا بود. امروز

دیگر شائیه‌ای که

در مورد خیانتشان

وجود داشت از

بین رفته و او یک

قهرمان ملی است

بیست و سه نفر باشد که جای پرداختی جداگانه و مجزا دارد. از سویی دیگر هم نمی‌شده داستان این بیست و سه نفر پرداخت و چیزی از صالح قاری نگفت. چون زندگی صالح قاری به دلیل گره‌ای که با این بیست و سه نفر می‌خورد به چالش‌های بزرگی می‌افتاد. بنابراین تقدیر این افراد را به نوعی کنار هم چیده بود که از هم تفکیک ناپذیر بودند و در نهایت به این نتیجه رسیدم که من الان می‌خواهم داستان بیست و سه نفر را بیان کنم. به همین خاطر صالح قاری می‌شود داستان فرعی و در نتیجه به فرمی که در فیلم دیدید، رسیدم.

### امیدوارم الان دیگر زندگی روی خوبش را به ایشان نشان داده باشد!

خدا را شکر مستند «بیست و سه نفر» باعث شد که سرنوشت این مرد تغییر کند. دید مردم به ایشان تغییر کرد و شهرت ایشان ابعادی کشوری و ملی پیدا کرد. الان دیگر خیلی‌ها او را می‌شناسند و به نظرم چیزی که او را نجات داد ایمان و توکلش به خدا بود. امروز دیگر شائیه‌ای که در مورد خیانتشان وجود داشت از بین رفته و او یک قهرمان ملی است.

### کلاً چه حرفی را می‌خواستید با ساخت فیلم «بیست و سه نفر» بزنید؟

من از ۱۱ سالگی تئاتر و از ۱۴ سالگی سینما کار کردم و بیشتر از خیلی‌های دیگر دغدغه سینما دارم تا حرف. اما به اعتقاد من هیچ فیلمی بدون این که محتوایی به دست مخاطبش بدهد یا روی مخاطب تأثیر بگذارد فیلم کاملی نیست. و هیچ محتوایی بدون این که در قالبی با ساختار درست قرار بگیرد مؤثر واقع نمی‌شود. به عبارت دیگر فرم و محتوا یک رابطه ساختاری و توأمان با یکدیگر دارند که همدیگر را می‌سازند. بنابراین من معتقدم یک فیلمساز نباید راجع به فیلمش زیاد حرف بزند. اگر او خواسته حرفی بزند باید آن را با فیلمش بیان کرده باشد نه با سخنرانی و حرف. فقط در این حد بگویم که قصه «بیست و سه نفر» یکی از آن داستان‌های ملی در تاریخ معاصر ماست که لایه‌های گوناگونی دارد. ذات این داستان به فرهنگ ایرانیاسلامی یک تمدن بزرگ اشاره می‌کند. بی‌انصافی است که چنین داستان‌هایی را زیر پرچم جناح خاصی ببریم. اگر ما معتقدیم که مسائلی که به دوران دفاع مقدس مربوط می‌شوند ذات و خاستگاه درستی داشته‌اند و به اصطلاح پدیده‌هایی ارزشمند به شمار می‌روند، کافی است که در فیلم‌هایمان هم این درستی و ارزش را به درست‌ترین شکل ممکن به تصویر بکشیم. مباحث زیادی در حوزه دفاع مقدس اتفاق افتاده که بعداً هر جناحی خواسته آن را به نفع خودش مصادره کند. در حالیکه این از حقیقت دوران دفاع به دور است. دفاع مقدس متعلق به یک ملت و یک مقطع تاریخی است که اثرات و برکاتش باید برای آیندگان و تاریخ آن ملت بماند و نه یک جناح خاص. □

از تصاویر مستند و آرشویی استفاده کنیم و بر این مینا بازیگران باید نقش‌هایشان را زندگی می‌کردند و نه بازی. به بچه‌ها این مساله را گوشزد کردیم و آنها هم به خوبی از عهده آن برآمدند. می‌ماند یک نقش اصلی دیگر: ملا صالح قاری که طرح‌های مختلفی در میان بود. دوستان پیشنهاد دادند که از یک بازیگر چهره استفاده کنیم که فیلم در گیشه شکست نخورد. ایده درست بود، اما من فکر کردم که ممکن است استفاده از بازیگر چهره جهان واقعی و باور پذیر فیلم را به هم بزند.

### پس با هیچ بازیگر چهره‌ای برای این نقش صحبت نکردید؟

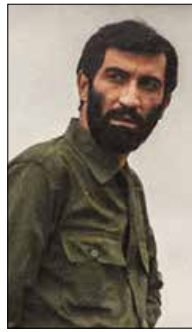
چرا، با تنها بازیگری که راجع به این نقش صحبت کردم آقای پرویز پرستویی بود. به این دلیل که ایشان در جریان زندگی صالح قاری بود، دوستش بود و خود صالح قاری هم دلش می‌خواست اگر قرار است روزی فیلمی از زندگی‌اش ساخته شود پرویز پرستویی نقش‌اش را بازی کند. من هم ابتدا قبول کردم خلاصه این موضوع را با آقای پرستویی مطرح کردیم. ایشان سفری در پیش داشتند و قسمت نشد و من هم گفتم حالا که آقای پرستویی نمی‌توانند سر این کار باشند هیچ بازیگر چهره دیگری را لازم نداریم و بهتر است بازگردیم به ایده استفاده از بازیگران دیده نشده. به هر حال تقدیر ما را برد به سمت آقای سعید آلو عبادی که از دوستان خود بودند و از فعالان و بازیگران تئاتر. وقتی جریان را با او در میان گذاشتیم، هم ایشان و هم ما ریسک کردیم ولی در نهایت اتفاق خوبی افتاد.

### بعد از اتمام فیلم، پرویز پرستویی آن را دید؟

بله، همین چند ماه پیش بود که در جایی بودیم و فیلم را دیدند. ایشان از فیلم خوششان آمده بود و نکته جالبی که گفتند این بود که: «چه اتفاق خوبی افتاد که من در این فیلم بازی نکردم» و من واقعاً خیرالم راحت شد که انتخاب اشتباهی انجام ندهام. زندگی صالح قاری بسیار پرفراز و نشیب است و من شاید ۱۰ تا ۲۰ درصد آن را در این فیلم به تصویر کشیدم.

خب، مساله همینجاست. تماشاگر از جایی که می‌فهمد ملاحظاتی بی طرف است احساس دلسوزی نسبت به او پیدا می‌کند. صالح قاری به نظرم شخصیت پیچیده‌ای دارد و شاید به نوعی کامل‌ترین شخصیت این فیلم است. چرا شما در حالی که می‌توانستید روی این شخصیت بیشتر تمرکز کنید خیلی به جزئیات آن نپرداختید؟

صالح قاری قطعه ۲۴ این داستان است که آن را کامل می‌کند. من ۸ سالگی که بارها و بارها این داستان را بازنویسی کردم به این فکر می‌کردم که تا کجا می‌توانم به داستان این مرد در ماجرای بیست و سه نفر پردازم. داستان زندگی خود صالح قاری شاید جذاب‌تر از زندگی



عباس بابایی / سریال شوق پرواز

بازیگر نقش: شهاب حسینی

عملکرد بازیگر: شهاب حسینی در دهه اخیر هر چه بازی کرده، موفق بوده و از این حیث صاحب یک رکورد است. او برای جان دادن به شخصیت مهمی، چون شهید بابایی، اما کاری سخت داشته که مهمترین بخش آن عبور از پوسته‌ای به نام شهاب حسینی است. این بازیگر باید ابتدا همه ذهنیت‌های پیشین از خود و کاراکترها را پس بزند و بعد به شمایل شهید بابایی جان دهد. شهاب حسینی به خوبی از عهده این کار برآمده و حالا تصور حضور بازیگری دیگر در این نقش محال به نظر می‌رسد. این نقش را شهاب حسینی طوری بازی کرد که خاص و عام آن را تحسین کردند و همچنان اذعان دارند یکی از بهترین نقش‌های کارنامه حسینی با سریال شوق پرواز رقم خورده. این سریال چند موقعیت ویژه در اختیار حسینی قرار داد تا توانایی‌اش را به رخ بکشد. از جمله چالش آمادگی بدنی، نمایش احساسات درونی و ...

کارگردان: زنده یاد یدالله صمدی

رویکرد سریال: خلبان شهید عباس بابایی زندگی پرفراز و نشیبی داشته است؛ از تحصیل در ایران و رفتن به آمریکا برای ادامه تحصیل و بازگشت و جنگ. سازندگان سریال شوق پرواز مواد اولیه کافی برای ساخت اثری درباره زندگی این شهید داشتند و سعی کردند در این سریال ۲۴ قسمتی بخش‌های زیادی از این اتفاقات را روایت کنند.

نتیجه سریال: نقدهایی به ساختار سریال وارد است، اما در نهایت شوق پرواز را باید در زمره آثار موفق زندگینامه‌ای دسته‌بندی کرد. یدالله صمدی اگرچه ریتم کندی برای بیان داستان انتخاب کرده بود، اما در نهایت موفق شد زندگی این شهید را برای مخاطبان گسترده تلویزیون روایت کند و حالا شهید عباس بابایی فقط یک نام نیست بلکه به واسطه یک اثر تصویری، زندگی‌اش برای مردم آشنا است. شهاب حسینی برای ترسیم این شخصیت به خوبی از عهده کارش برآمد و یکی از بازی‌های خوبش را ثبت کرد.

حاج احمد متوسلیان / ایستاده در غبار

بازیگر نقش: هادی حجازی‌فر

عملکرد بازیگر: خود هادی حجازی‌فر هم باور نمی‌کرده که بتواند شبیه حاج احمد متوسلیان شود. این اتفاق،

گزارشی درباره فیلم‌ها و سریال‌هایی که درباره فرماندهان دفاع مقدس ساخته شده است

# قاب جاودانگی قهرمانان

احمد رنجبر

درباره غالب فرماندهان و سرداران جنگ، کتاب‌های متعددی که در قالب خاطره‌نگاری و رمان منتشر شده با استقبال مواجه بوده‌اند اما حکایت تصویر چیز دیگری است. در این گزارش «هفت صبح» درباره چند چهره شاخص جنگ که زندگی‌شان سوژه یک فیلم یا سریال شده است، نوشته است. اینکه هر کدام را چه کسی ساخته، چه کسی نقش را بازی کرده، صاحب چه کیفیتی هستند و ...

مصطفی چمران / چ

بازیگر نقش: فریبرز عرب‌نیا

عملکرد بازیگر: حتماً اختلاف نظرهای ابراهیم حاتمی‌کیا و فریبرز عرب‌نیا در طول فیلمبرداری روی نتیجه کاری تأثیر نده ولی در همین مقدار هم می‌توان شخصیتی که طراحی و اجرا شد را موفق دانست. با این حال در کمتر نوشته منتقدی و نظر مخاطبی دیدیم که از عرب‌نیا تمجید شده باشد. اگر حاشیه‌ها پیش نمی‌آمد حالا با یک بازی به مراتب بهتر مواجه بودیم. ظرفیت نقش شهید چمران به قدری بالا است که بازیگر می‌تواند آن را تبدیل به شاه‌نقش کند و در کارنامه‌اش ماندگار. عرب‌نیا لحظات ناب‌ی از حالات شهید چمران را در بازی‌اش نمایان ساخته ولی این مقدار برای ماندگاری نقش در کارنامه بازیگر کافی نیست.

کارگردان: ابراهیم حاتمی‌کیا

رویکرد فیلم: ابراهیم حاتمی‌کیا در فیلم چ دو روز از زندگی شهید چمران در پناه راقاب گرفته است. او برای پایان دادن به غائله پاوه به این شهرا عزام می‌شود و در فیلم چ منش این فرمانده راقاب می‌گیرد. علاوه بر این فیلم اشاره‌هایی گذرا به احوالات چمران در زندگی شخصی می‌کند.

نتیجه فیلم: بعد از نمایش فیلم این سؤال پیش آمد که آیا ما با شمایل کاملی از شهید مصطفی چمران و زندگی‌اش مواجه هستیم؟ کمی بعد، اما تعبیری از چ روایت شد که حاتمی‌کیا از چمران چریک فاصله گرفته و چمران صلح طلب را تصویر کرده و پیشنهادی به سیاستمداران امروزی داشته و ... به هر حال چه همه زندگی شهید چمران نیست و اگر کسی بخواهد درباره او بیشتر بداند باید به منابع دیگر رجوع کند. حاتمی‌کیا به هدفی که از ارائه چمران صلح طلب داشته به خوبی دست یافته است.



.....

شهادی بزرگی همچون شهید سهیلیان، شهید کشوری، شهید شیرودی و تنی چند از قهرمانان وطن مان در این فیلم دیده می‌شوند. یکی از بخش‌های جالب سریال حمله چندین لشکر از مزدوران عراقی به یکی از پادگان‌های مرز است که خلبانان شجاع هوانیروز به‌رغم فرمان منهدم کردن پادگان خودی به دلیل اینکه این پادگان سالم به دست عراقی‌ها نرسد، جوانمردانه تنها با سه فرزند کبریا با انهدام بیش از ۸۰ تانک عراقی، آن‌ها را وادار به عقب‌نشینی می‌کنند.

**نتیجه سریال:** سیمرغ واسطه‌آشنایی مخاطبان گسترده تلویزیون با بخشی از زندگی شهیدان شیرودی و کشوری شد و همین یعنی سریال موفق بوده. از آن سو بیننده با بخشی از رشادت‌های هوانیروز آشنا شد.

#### محمد جهان‌آرا / سریال کیمیا

**بازیگر نقش:** حامد بهداد

**عملکرد بازیگر:** حامد بهداد در نقش شهید جهان‌آرا عملکردی موفق داشت. او بازیگری حرفه‌ای است و می‌داند چطور یک نقش را ایفا کند، با این حال بازی‌اش به مذاق عده‌ای هم خوش نیامد و به همین خاطر در زمان پخش سریال شاهد واکنش‌های مختلفی بودیم.

**کارگردان:** جواد افشار

**رویکرد سریال:** شهید محمد جهان‌آرا نامی آشنا برای خاص و عام است. او از بزرگ‌مردانی بود که نقش بسیار مهمی در تشکیل سپاه پاسداران خرمشهر ایفا کرد. او پس از تشکیل سپاه خرمشهر، مردانه جنگید و نقش بسزایی در دوران دفاع مقدس داشت.

کیمیا اولین مجموعه تلویزیونی است که با ادای دین خود به شهید محمد جهان‌آرا با ایفای نقش حامد بهداد، سقوط خرمشهر را بیان می‌کند.

به قول تهیه‌کننده سریال: متأسفانه در هیچ یک از فیلم‌ها و سریال‌هایی که مربوط به فیلم‌های حوزه دفاع مقدس می‌شود، تا به حال به شخصیت محمد جهان‌آرا پرداخته نشده است و این در حالی است که نام ایشان با خرمشهر و دفاع مقدس عجین شده بود.

**نتیجه سریال:** کیمیا در زمان پخش مورد استقبال بود، اما حواشی زیادی هم داشت. در بخش مربوط به نمایش تصویر شهید جهان‌آرا، مهم‌ترین واکنش را سید محمد حسین جهان‌آرا، برادر شهید جهان‌آرا داشت. او در گفتگو با خبرگزاری تسنیم از اعتراض خانواده فرمانده سپاه خرمشهر به تصویر ارائه شده از سردار شهید سید محمد جهان‌آرا در سریال کیمیا سخن گفت و آن را تصویری غیرواقعی دانست: تصویری که از محمد در سریال کیمیا به نمایش در آمده، تصویری که انسان بلا تکلیف و مستأصل است در حالی که دیالوگ‌هایی، چون نمی‌دانم چه کار کنیم؟ یا نمی‌توانیم معجزه کنیم متعلق به او نیست و هرگز کسی از زبان محمد چنین سخنانی نشنیده است.

سازندگان سریال هم به این شائبه توضیح دادند و از نیت خیر خود برای ادای دین به شهید جهان‌آرا گفتند. □

محمد حسین  
مه‌دی‌ان ثابت  
کرد که می‌توان  
خارج از کلیشه‌ها  
سراغ قهرمان‌های  
دفاع مقدس  
رفت؛ فیلم  
ایستاده در غبار  
هم ساختاری  
مستندگونه دارد  
و هم قهرمانش را  
سفید سفید نشان  
نمی‌دهد. یعنی  
می‌توان فیلم را  
دید و با داستانش  
همراه شد و از آن  
سو قهرمانی را به  
تماشا نشست که  
در وهله اول یک  
انسان است با  
همه نقاط قوت و  
ضعفی که دارد

اما افتاد و از آن سو حجازی‌فربازی بدون نقیصی ارائه کرد و تحسین خاص و عام را به خود دید. حجازی‌فرد مصاحبه‌ای که با هفت صبح داشت، این‌طور روایت کرد: از آنجایی که شباهتی بین من و حاج احمد متوسلیان وجود نداشت، علاقه‌مند نبودم در این نقش بازی کنم. به کل معجزه گریم را فراموش کرده بودم. از طرف دیگر سال‌ها بود که به خاطر بسیاری از مسائل پیرامون بازیگری در سینما، بیشتر روی کارگردانی و بازیگری در تئاتر تمرکز کرده بودم. احساس می‌کردم که انتخاب بازیگران، ربط آنچنانی به صلاحیت یا توانایی تو در بازی ندارد و از طرف دیگر کارگردانان ما آنچنان حوصله رفتن و دیدن کارهای نوپا، پیدا کردن استعدادها و چهره‌های جدید را ندارند.

**کارگردان:** محمد حسین مه‌دی‌ان

**رویکرد فیلم:** ایستاده در غبار اشاره‌هایی به کودکی و نوجوانی حاج احمد متوسلیان می‌کند و تمرکز اصلی‌اش بر حضور او در جبهه به عنوان فرمانده است.

**نتیجه فیلم:** محمد حسین مه‌دی‌ان ثابت کرد که می‌توان خارج از کلیشه‌ها سراغ قهرمان‌های دفاع مقدس رفت؛ فیلم ایستاده در غبار هم ساختاری مستندگونه دارد و هم قهرمانش را سفید سفید نشان نمی‌دهد.

یعنی می‌توان فیلم را دید و با داستانش همراه شد و از آن سو قهرمانی را به تماشا نشست که در وهله اول یک انسان است با همه نقاط قوت و وضعی که دارد. حاج احمد متوسلیان انسان بزرگی است، اما این بزرگی باعث نمی‌شود که خطای انسانی‌اش نادیده گرفته شود. نکته مهم دیگر درباره فیلم ایستاده در غبار این است که پس از تماشای آن حتی اگر کسی کوچک‌ترین شناختی از حاج احمد متوسلیان نداشته باشد، با او آشنا می‌شود.

#### شیرودی و کشوری / سریال سیمرغ

**بازیگر نقش:** جواد هاشمی نقش شهید کشوری و محمد جوزانی، نقش شهید شیرودی را بازی کرده‌اند.

**عملکرد بازیگر:** جواد هاشمی و محمد جوزانی توانستند شمالی باورپذیر (لااقل برای مخاطبان دهه هفتاد) ایجاد کنند. دوبله هم بر بالارفتن کیفیت کارشان افزود.

**کارگردان:** حسین قاسمی جامی

**رویکرد سریال:** سیمرغ یکی از سریال‌های پربیننده‌ای است که با موضوع زندگی قهرمان‌های دفاع مقدس ساخته شده است و بعداً نسخه‌ای سینمایی از دل آن بیرون کشیده شد. حسین قاسمی جامی در سریال سیمرغ روایتگر شجاعت مردان هوانیروز (علی اکبر شیرودی و احمد کشوری) شد. این سریال شرح عملیات‌هایی است که این دو بر عهده داشتند و نقیصه هم به زندگی‌شان زده می‌شود. لحظات حضور این دو به همراه شهید سهیلیان در عملیات‌های مختلف، اسارت و آزاد شدن او پس از سال‌ها همچنین زمان شهادت‌شان بخش‌هایی از سریال را شکل می‌دهد. این سریال که در همان سال‌ها مورد توجه بسیاری از علاقه‌مندان به ویژه جوانان و نوجوانان قرار گرفته بود، داستان حماسه‌های خلبانان هوانیروز غرب کشور است.



• نویسنده: مهدی کرد فیروز جایی

• تعداد صفحات: ۱۴۰ صفحه

• قیمت: ۲۰,۰۰۰ تومان

دیگری در خطه سرسبز شمال می‌گذرد. او که خود از همان خطه است با قلمی شیوا و روان ماجراهایی جذاب و خواندنی خلق کرده و مخاطب را شیفته خود می‌کند. رمان «ملداش» را می‌توان اولین رمان فقهی دانست.

در این کتاب بیش از ۷ موقعیت فقهی خلق شده و در آن به مسائل شرعی پرداخته است. همانطور که یک مبلغ بیشترین برخوردش با جامعه کوچکی که در آن تبلیغ می‌کند مسائل شرعی است. در این رمان علاوه بر مسائل شرعی موقعیت‌های اعتقادی و اخلاقی هم دیده می‌شود. مبارزه ایلچی مبلغ جوان با خرافات و مسائل دست و پا گیر ازدواج را می‌توان جزو همین موقعیت‌ها دانست. از آنجایی که همسر ایلچی هم همراه اوست محبت، عشق و وفاداری یک طلبه به همسرش را در این رمان به تصویر می‌کشد. می‌توان این رمان را یک سبک زندگی طلبگی دانست و آن را به همه معرفی کرد. رمان ملداش با قلم مهدی کرد فیروز جایی در ۱۴۰ صفحه و با قیمت ۲۰۰۰۰ تومان توسط نشر معارف به چاپ رسید. بخشی از کتاب را می‌خوانیم:

ایلچی با یعقوب چشم در چشم شد. از چشم‌های قرمزش اشک می‌آمد.  
- چشمت چی شده؟  
- داشتم تیمم می‌کردم خاک رفت توی چشمم.  
- چی جوری تیمم کردی؟  
- داشتم خاک رو به دست و صورتم می‌مالیدم، یه لحظه چشمم رو باز کردم خاک رفت توش.  
- یعنی خاک ریختی روی صورتت و مالیدی؟  
- مگه توی تیمم به جای آب خاک نمی‌ریزن؟  
ایلچی چشمانش را گشاد کرد؛ یعنی خاک رو به جای آب ریختی روی صورتت؟ □

رونمایی از رمانی درباره خاطرات یک طلبه مبلغ

## رفیق مردم

◀ مراسم رونمایی از کتاب «ملداش»، نوشته مهدی کرد فیروز جایی، با حضور حجت الاسلام والمسلمین محمدرضا فاضل استرآبادی، تولیت مدرسه فیضیه بابل و نویسنده کتاب و جمعی از مردم در مدرسه فیضیه برگزار شد.

حجت الاسلام والمسلمین فاضل استرآبادی در این مراسم با بیان اینکه رمان «ملداش» دارای ویژگی‌ها و امتیازاتی است، گفت: یکی از ویژگی‌های این کتاب عنوان آن است. کلمه «ملداش» با تناسبی که با متن دارد، خیلی حرف دارد؛ «مل» همان ملاً به معنای نخبه و دانشمند یا همان روحانی است و کلمه «داش» مخفف داداش است. وقتی «مل» با «داش» ترکیب می‌شود، به معنای دانشمندی است که در برخورد با مردم خودمانی و صمیمی و مهربان است. در واقع «ملداش» به معنای روحانی است که با مردم رفیق است. در کتاب حاضر هم ما می‌بینیم که روحانی داستان که اسمش «ایلچی» است، در برخورد با مردم صمیمی و خودمانی است. اساساً باید روحانی اینگونه باشد.

وی به دیگر ویژگی‌های این رمان اشاره و اضافه کرد: دیگر امتیاز و ویژگی این اثر این است که شاید تنها رمانی باشد که یک روحانی مبلغ را از همه جوانب و ابعاد به تصویر می‌کشد. معمولاً مشکلات و مسائل یک مبلغ در روستا برای جامعه قابل تصور نیست؛ از این جهت مخاطب با مطالعه این اثر می‌تواند خود را جای یک مبلغ بگذارد و مصائب و مشکلات او را درک کند. مبلغی که در روستا فعال است، با مردم در ارتباط است، درد و مشکلات آنها را در دسترس مشکلات خود می‌داند، خود را از مردم جدا نمی‌بیند؛ همین مشکلات کار او را سخت می‌کند. به عنوان نمونه، در رمان «ملداش» دختر و پسری را می‌بینیم که به دلیل وجود یک رسم غلط نمی‌توانند سر خانه و زندگی خود بروند. اینجا نقش روحانی روستا پررنگ می‌شود، او از آبروی خود مایه می‌گذارد تا این رسم غلط از بین رود.

حجت الاسلام فاضل توجه نویسنده به یک اقلیم خاص را از دیگر ویژگی‌های «ملداش» عنوان کرد و یادآور شد: این رمان فرهنگ، آداب و رسوم مردم مازندران را به خوبی مکتوب کرده است. نویسنده حتی در این راه از اصطلاحاتی بهره برده که دیگر کمتر شاهد استفاده آن هستیم. او در واقع با این اقدام، به نوعی در ثبت و احیای مجدد این اصطلاحات کوشیده است. از سوی دیگر، استفاده از این اصطلاحات به گونه‌ای نبوده که مخاطب غیر مازندرانی را دچار مشکل کند. طرح جلد کتاب که زیبا و جذاب انتخاب شده نیز از جمله ویژگی‌های این رمان است.

مهدی کرد فیروز جایی، نویسنده «ملداش»، نیز در پایان این جلسه در سخنان کوتاهی به علت نگارش این رمان اشاره کرد و گفت: «ملداش» را نوشتم تا ادای دینی باشد از هزینه‌ای که حوزه برای من انجام داد. تنها شأنی که برای خودم و تمام طلبه‌ها قائل هستم و امروز متأسفانه فراموش شده، تبلیغ است. طلبه امروز می‌خواهد کاره‌ای بشود؛ فیلسوف، جامعه‌شناس، روان‌شناس، زبان‌دان، سیاستمدار، حقوق‌دان و... ولی گویا خجالت می‌کشد که بگوید می‌خواهد مبلغ شود؛ در حالی که اصلی‌ترین کاریک طلبه تبلیغ است و اینها هیچ‌کدام اصالت ندارند.

وی ادامه داد: اصالت برای یک طلبه تبلیغ است، بقیه موارد ابزار هستند که طلبه به تبلیغش برسد. من نمی‌نویسم که نویسنده باشم، من می‌نویسم که مبلغ باشم. امیدوارم که توانسته باشم دین خودم را به درستی ادا کنم.

«ملداش» داستان طلبه جوانی را روایت می‌کند که برای تبلیغ عازم یک روستا در مازندران می‌شود. او به خاطر اینکه جواب یک مسئله شرعی را اشتباه می‌دهد، گرفتار می‌شود و می‌خواهد جبران کند. از سوی دیگر، همسرش را به خاطر بیماری روحی‌اش به همراه آورده تا حال و هوا عوض کند، اما این اتفاقات سبب تشدید مریضی همسرش می‌شود.

مهدی کرد فیروز جایی که پیش از این با کتاب «به هم رسیدن در میانسی» جایزه داستان انقلاب را برده بود، این بار دست به نگارش رمانی جدید زده است. این رمان مثل رمان‌های



## روز برمی خیزد

«روز برمی خیزد» به قلم مصطفی فعله‌گری در حوزه ادبیات انقلاب اسلامی توسط انتشارات به‌نشر به بازار کتاب آمد. مصطفی فعله‌گری در این اثر، داستانی در روزگار حکومت پهلوی را روایت و سرگذشت یک زندانی سیاسی اهل اندیشه را بیان می‌کند که آرزوی نگارش زندگی یکی از زندانیان سیاسی نامدار جهان را در سر دارد و در این جستجو، به ضرورت نوشتن کتابی درباره امام موسی کاظم (ع) می‌رسد. فعله‌گری در این رمان به روایت «روز برمی خیزد» می‌پردازد و عنوان می‌کند: «از گرمای دل و درون مادر به زندان جهان می‌افتیم. روی خشت کهنه و سرخ جهان. برای خشت کهنه و پهناور هم اما زهدان پردردی ما را به درونه پردرد و خون خودش می‌کشد: زندان. در این زندان از ما می‌پرسند چه می‌خواهی از جهان؟! تازیانه، ناخن‌کشی، تف و توهین، دویدن در دالان‌های زنده ماندن با باهای زخم‌پوش.

گاهی آزادمان می‌کنند. از آن زندان به زندان جادارتری که تنهایی و بی‌پناهی و پلشتی و شکنجه‌گران سر کوچک و بازار ترسناک‌ترش کرده‌اند... کار ما این است که بتوانیم زندانی چالاک و تیزو بزی باشیم. تا بلکه یکی دودم و بازدم بیشتر داشته باشیم. ورنه گوش تا گوش زودتر از آنچه که خدا می‌خواهد سرمان را می‌برند... «مرتضی علی» آدم نخست رمان «روز برمی خیزد» یکی از ماست. یکی از همین زندانی‌های تیزو و بز که از زندان تک جای رحم مادر به زندان جهان می‌افتد و از آنجا به زندان سایه خدا به زندان شاه و سپس باز هم به زندان پرامد و شد کوچک و خیابان و بازار. پول پرستان... مرتضی علی تسلیم نمی‌شود اما. می‌رزد. همچون روز در چرخه هجوم شب‌های پرخاکسترو خون...»

این اثر ۱۱۱ صفحه‌ای که در چاپ نخست و با قیمت ۱۶ هزار ریال روانه بازار کتاب شده است، در هفت بند و با قطع رقیعی و شمارگان یک هزار نسخه در دسترس کتاب‌دوستان قرار دارد. در بخشی از این کتاب می‌خوانیم: «... صد هزار انقلاب سیاسی هم اگر بشود تا مردم با دانایی به نیاز عدالت و دادخواهی نرسند، دادخواهی و عدالت بر زندگانی و کار و بار مردم نمی‌تابد... تابنده‌ترین آفتاب دانایی هم آفتاب کتاب است...» □



## خاطرات دهه شصتی‌ها

کتاب «دختری که رهایش نکردی» خاطرات طنزی از دهه شصت است که از سوی انتشارات کتابستان معرفت منتشر و روانه بازار نشر شده است. خاطره‌نویسی با آنکه در ایران قدمت طولانی ندارد اما ویژگی‌های خوبش باعث شده است طی این سال‌ها مورد اقبال نویسندگان بگیرد. بهترین لحظه‌های زندگی را می‌توان از طریق خاطره نویسی ثبت کرد. علاوه بر آن، بسیاری از مسائل مهم اجتماعی هم ضبط می‌شود و برای آیندگان نیز برجای می‌ماند. با این کار فرصتی برای خودمان و دیگران فراهم می‌کنیم تا از تجربه‌های گذشته‌مان به شکل بهتری استفاده کنیم. در کنار این موارد، خاطره‌نویسی حواسمان را قوی‌تر و ذهن و زبانمان را ورزیده‌تر می‌کند.

«دختری که رهایش نکردی» خاطرات طنز لیلیا عباسعلی زاده است. خاطراتی از دهه شصت شمسی از زبان دختری بازیگوش و حساس که هر جا پای گذاشت دردسری را از او پیدا می‌شد! خاطرات دهه شصتی‌ها همیشه برای ما جذاب بوده است. مخصوصاً اگر زبان خودشان بر ایمان تعریف شود. زبان صمیمی، لحن شیرین و طنز کتاب در کنار صداقت نویسنده، فضایی شاد و جذاب خلق کرده است. فضایی که قرار نیست تنها آدم را به خنده بیندازد بلکه ممکن است حتی اشک آدم را هم در بیاورد! «دختری که رهایش نکردی» به تازگی توسط انتشارات کتابستان معرفت در ۹۲ صفحه، در قطع رقیعی و با قیمت ۱۵ هزار تومان روانه بازار کتاب شده است. □



بازخوانی جنگ  
از زبان یک مجاهد عراقی

## نقل گیتی

■ پرستو علی عسگر نجاد

### سفيدخوانی

قلم محمد خسروی راد، شاید به مدد همان ۲۵ تجربه پیشین و شاید به پشتوانه عمری که در راه ادبیات دفاع مقدس گذشته، صیقل خورده و خواناست. زبان و لحن رمان او، بسیار روان و خوش خوان است و بی‌دست‌انداز، مخاطب را با خود همراه می‌کند. جمله‌بندی‌های او یک سر و گردن بالاتر از رمان‌های مشابه‌اند و نشان از وسواس او در انتخاب کلمات دارند. حجم کمتر از ۲۰۰ صفحه‌ای کتاب هم به مدد او آمده تا سخت‌گیرانه، اختصار را رعایت کند. فصل‌ها درست همانجا که باید، تمام می‌شوند؛ چنان که گاه سفیدخوانی‌های پنهانی در پایان فصول برای او که بخواهد بیشتر ببیند، وجود دارد. در عین حال، نویسنده از توصیف‌های خوب و صحنه‌پردازی‌های ظریف غافل نشده است. نمونه موفق این امر، پرداختن به ماجرای پیرمرد و پیرزنی است که پس از اشغال خرمشهر، خانه‌شان را ترک نمی‌کنند. روابط عاشقانه این زوج که پنهان و نحوه مواجهه آنها با زندگی پس از آغاز جنگ و مهم‌تر و ایدئولوژیک‌تر از آن، مرگ، از لحظات درخشان این رمان است؛ چنان که بخش مهمی از مکاتبات سهیل و گیتی را به خود اختصاص داده است. شاید این زوج که تا آخرین نفس در کنار هم و به پای هم و وطن هم می‌مانند، الگویی زیبایی‌مند مقابل چشم زوج جوانی که با اولین اختلاف

آثار و آسیب‌های جنگ به مثابه یک رویداد عظیم با ابعاد مختلف اجتماعی فرهنگی، همواره دست‌مایه‌ای قوی برای خلق آثار هنری به‌ویژه در ساحت ادبیات بوده‌اند. روایت‌های جنگ آنگاه که پارا از دایره روایت صرف و مستندنگاری محض بیرون می‌گذارند و به درگیری‌های ذهنی و چالش‌های روانی افراد حاضر در جنگ می‌پردازند، جنبه داستانی‌تری پیدا می‌کنند. این درست همان چیزی است که امروز، پس از گذر نزدیک به سه دهه از پایان جنگ و تولید هزاران اثر هنری با محتوای جنگ، بیش از هر چیز به آن نیازمندیم؛ درست شبیه چیزی که در «نقل گیتی» اتفاق افتاده است. محمد خسروی راد نام تازه‌ای در عرصه ادبیات دفاع مقدس ایران نیست. او پیش از رمان «نقل گیتی»، ۲۵ مجموعه داستان و مستند و زندگی‌نامه‌نوشت را به رشته تحریر درآورده است که اگر نگوییم همه، قریب به اتفاقشان پیرامون دفاع مقدس‌اند. این نویسنده که پنهانکار مشهدی‌ای، در رمان تازه‌اش، به سراغ ایده درخشانی رفته که به خودی خود، جذاب و تأمل‌برانگیز است: بازخوانی جنگ از زبان یک مجاهد عراقی. کم نبودند عراقی‌های روشن‌ضمیری که در طول هشت سال جنگ ایران و عراق، به ناحق بودن رژیم بعث صدام پی بردند و از آن جدا شدند. اینان چون از شراستخبات و نیروهای امنیتی رژیم صدام در امان نبودند، غالباً به ایران پناه می‌آوردند و بسیاری‌شان برای جبران مافات، به سرگرز زخمندگان ایرانی می‌پیوستند و «مجاهد» نام می‌گرفتند. «سهیل علوی»، شخصیت اول مرد رمان «نقل گیتی» هم یکی از همین مجاهد‌هاست. او حالا، پس از ۱۸ سال زندگی در ایران با دختری مشهدی به نام «گیتی درخشان»، تصمیم گرفته به کشور خودش برگردد و مجاور کربلای معلی شود. همین تصمیم، زندگی مشترک او را به مخاطره انداخته است؛ زیرا همسرش راضی به ترک میهن نیست. سرانجام، این دو تصمیم می‌گیرند هر یک مدتی را در میهن‌شان، به دور از دیگری بگذرانند و در این مدت، طی مکاتباتی به بازخوانی زندگی و عقایدشان بپردازند. این مکاتبات که در فصول مجزا از زبان این دو روایت شده، شالوده اصلی «نقل گیتی» است.

حضور در میان سربازان صدام، به شدت حقیقی و جدا از اغراق و تقدس مآبی تصویر می‌شود. ناباورانه می‌خوانیم که در جلسه‌ای که سران حزب برای تعیین تکلیف وضعیت آن زوج کهنسال ساکن خرمشهر تشکیل داده‌اند، این سهیل است که پیشنهاد کشتن آن دو را می‌دهد! گرچه با تمام قوا تلاش می‌کند این اشتباه را جبران و از وقوع فاجعه جلوگیری کند، اما جو حاکم بر سنگر یعنی‌ها، اثری را که باید بر او می‌گذارد. برای مخاطبی که خطکش به دست منتظر است تا شعارزدگی و کلیشه را در یک اثر دفاع مقدس اندازه بگیرد و عیار صداقت اثر را بسنجد، «نقل

گیتی» کتابی است که به راحتی دم به تله نمی‌دهد! مزیت دیگر کتاب این است که اگرچه گفتگوها در قالب مکالمات مکتوب پستی و الکترونیکی اتفاق افتاده‌اند، اما به همان فرمت به مخاطب عرضه نشده‌اند و به قد و قواره داستان نزدیک‌ترند. پس انتظار مواجه شدن با ساختاری همچون «ازبه» رضا امیرخانی را نداشته باشید! نامه‌ها بی‌سلام و خداحافظی‌اند و بیش از آنکه نامه باشند، روایت‌اند. انگار هر شخصیت حرف خودش را می‌زند و نگاه خودش را به دیگری می‌رساند و می‌رود سراغ نامه بعد. سهیل و گیتی، گاه به حرف‌های هم واکنش نشان می‌دهند، اما این گاه‌ها، بسیار اندک‌اند.

دو صدایی بودن روایت این کتاب هم از دیگر مؤلفه‌های موفقیت آن است. پازل روایت با دو راوی برایمان کامل می‌شود. بخشی از خاطره روز خواستگاری سهیل از گیتی را از پشت پنجره اتاق، از چشم گیتی می‌بینیم و بخشی دیگر را از زبان سهیل می‌خوانیم.

خسروی‌راد کوشیده در شخصیت‌پردازی، تفاوت نگاه زنانه و مردانه را در یاد و آن را در اثرش اعمال کند. نسبتاً هم موفق بوده، اما آنچه از آن غفلت کرده، «لحن» است. لحن گیتی به عنوان یک دختر مرفه مشهدی با لحن سهیل به عنوان یک مجاهد عراقی‌الاصل ساکن ایران هیچ تفاوتی با یکدیگر ندارند. هیچ چنان که همان کلمات و جملاتی که سهیل می‌گوید، می‌توانند به سادگی در دهان گیتی بنشینند. به نظر می‌رسد نویسنده برای رسیدن به تمایز این دو لحن و زیرساخت‌های شخصیت‌ها که این تمایز را میسر می‌کند (ساده‌تر از هر چیز، تفاوت ملیت و زبان این دو)، دقت کافی را لحاظ نکرده و به ساده‌ترین شکل ممکن، «به قول ما مشهدی‌ها» و «در زبان شما ایرانی‌ها»، بسنده کرده است. برای قضاوت نهایی درباره «نقل گیتی» باید تأمل کرد. پیش از انتشار دو جلد دیگر از این سه‌گانه و مشخص شدن سرنوشت شخصیت‌های درمه‌مانده، نمی‌توان به قطعیت سخنی گفت. تا همین جا اما، می‌توان به ذکر این نکته بسنده کرد که این رمان، رمانی بسیار خوش‌خوان، روان و جذاب است که به راحتی مخاطب را به دنبال خودش می‌کشاند و طی مجالی ۱۸۰ صفحه‌ای، او را به روزگاری از جنگ می‌برد که پیش از این، کمتر از آن دیده و خوانده است. □



برای مخاطبی  
که خطکش  
به دست منتظر  
است تا شعارزدگی  
و کلیشه را در  
یک اثر دفاع  
مقدس اندازه  
بگیرد و عیار  
صداقت اثر را  
بسنجد، «نقل  
گیتی» کتابی  
است که به  
راحتی دم به تله  
نمی‌دهد!

جدی در زندگی، تا پله‌های محضر طلاق پیش رفته‌اند. اختصار مذکور، در لحظه هم مزیت کتاب است و هم مضرت آن. گاهی دل‌مان می‌خواهد نویسنده حوصله بیشتری به خرج بدهد و بیشتر و دقیق‌تر بر ایمن بگوید، اما فصل به سرعت تمام می‌شود و ما، گاه با سؤال‌های بی‌جواب، تنها می‌مانیم. در طول رمان، شخصیت دیگری وجود دارد که برخلاف سهیل، یک ایرانی مرزنشین است که در قالب یک عراقی، به رژیم بعث نفوذ کرده است. او رابط و وسیله پیوستن سهیل به سپاه بدر ایران است. ابهامی که نویسنده، تعمداً در شرح زندگی این شخصیت باقی گذاشته، ابهامی که خود سهیل هم چندین بار به آن اشاره می‌کند، ابهامی شیرین است. گرچه پاسخ سؤال‌اتمان را درباره او و «ام آدم»، همسر عراقی‌اش نمی‌گیریم، اما از این بی‌جوابی لذت می‌بریم؛ آن‌گونه که می‌گوییم: «مگر همواره لازم است سایه گره‌گشایی تمام و کمال بررمانی گسترده باشد؟! بگذار گاهی هم از بعضی چیزها، ناگفته و ندانسته رد شویم. مگر زندگی جز این است؟!» اما فارغ از این ابهام بزرگ، با مثال‌های دیگری هم در کتاب روبه‌رو می‌شویم که آنها دیگر اذیتمان می‌کنند! مهم‌ترین آنها هم شخصیتی به نام «احمد» است، دیگر مجاهدی که پس از سال‌ها زندگی در ایران، بی‌اطلاع خانواده‌اش، آنها را رها کرده و به عراق بازگشته است. سرنوشت و پایان این شخصیت در دو سه جمله مهم که ما را تنها به مرگ او می‌رساند، خلاصه شده و نمی‌فهمیم عشق پرشورا او چگونه به چنین سفری خبر بی‌بازگشتی انجامیده است؛ چنانکه خانواده و فرزندان‌ش را در مضیقه‌ای شدید برای گذران زندگی انداخته. چه در حد و اندازه سؤال‌اتی که پیرامون چرایی و چند و چون یک شخصیت همچون احمد در ذهنمان شکل می‌گیرند و چه در قامت عطش جواب‌داده نشده‌ای که برای توصیفات بیشتر و پرداختن بیشتر به روایت‌ها داریم؛ این نقاط کور پس از پایان کتاب در ذهنمان می‌مانند.

نویسنده در مصاحبه‌ای متذکر شده «نقل گیتی» اولین جلد از یک سه‌گانه است و او قصد دارد در دو جلد بعدی، به داستان ام آدم و احمد بیشتر بپردازد. گمان می‌کنم ذکر این نکته در پیشانی‌نوشت کتاب بسیار ضروری بوده و از آن غفلت شده است. به یقین بسیاری از مخاطبان کتاب از این حقیقت بی‌خبرند و بلا تکلیفی برخی از روایت‌ها و شرح برخی از شخصیت‌ها آنها را خواهد آزرده.

## □ شبیه زندگی

نقطه درخشان دیگری که درباره «نقل گیتی» وجود دارد، انتخاب شخصیت‌های آن است. سهیل به عنوان ستوانی که مدتی با سرهنگ‌ها و درجه‌داران حزب بعث زیسته و حتی با آنها همراه شده است، ذره‌بینی جذاب است برای نمایاندن حقیقتی که آن سوی جبهه نبرد، در سنگر عراقی‌ها ناشنیده باقی مانده است. گرچه سهیل بعدتر به سپاه بدر ایران می‌پیوندد و تواب می‌شود، اما در زمان

# روایت دلخواه پسر شبیه سمیر

■ منصوره رضایی



محمد رضا شرفی خبوشان در بیستم مهر ۱۳۵۷ متولد شد. او اکنون کارشناس ارشد و مدرس زبان و ادبیات فارسی است و در کنارش به نویسندگی و شاعری مشغول است. نکته جالب درباره خبوشان پرداختن او به تمام جنبه های ادبی است. وی در کارنامه ادبی خود کتاب غزل، شعر سپید، رمان برای نوجوان و همچنین رمان برای بزرگسال را دارد که اتفاقاً اکثرشان موفق به دریافت جایزه شده اند. یادداشت «جام جم» درباره آخرین اثر شرفی خبوشان به نام «روایت دلخواه پسر شبیه سمیر» را می خوانیم ■

بگذارید به چند وجه متفاوت این رمان اشاره کنیم تا حساب کار دستتان بیاید.

شاید پرنرنگ ترین وجه تمایز روایت دلخواه پسر شبیه سمیر با رمان های دیگر، فضا و روایان متفاوتش باشد. ارواح اموات از ملیت های مختلف در قبرستان وادی السلام نجف جمع شده اند و هر شب یک نفرشان برای ما قصه می گوید! به همین دلیل مدام در زمان و مکان های مختلف رفت و آمد می کنیم و از هنر نویسنده در ایجاد شکست زمان و ایجاد پیوند بین برهه های مختلف تاریخی لذت می بریم.

پیچیدگی روایت دلخواه پسر شبیه سمیر به همین جا ختم نمی شود. راوی اصلی این کتاب، نوجوان شهیدی است که پیکرش با جنازه یک رزمنده عراقی هم سن و هم قد و هم هیكل و در یک کلام، شبیه خودش، جابه جا شده. خلاصه، ارواح ایرانی، عراقی، انگلیسی و... از سراسر جهان و از سراسر تاریخ دور هم نشستند و با کمک هم روایت متفاوتی از انقلاب اسلامی ایران ارائه می دهند.

هر شخصیت، دیده ها و شنیده هایش از حکومت پهلوی و حزب بعث و تاریخ عراق تا امام خمینی (ره) و انقلاب ایران و دفاع مقدس را تعریف می کند. حرف های هر یک از افراد داستان مثل یک تکه پازل است که وقتی کنار هم قرار می گیرند تصویر نسبتاً کاملی را به مخاطب نشان می دهد. این را هم بگویم که در برخی موارد با تعدد راوی و تزامم روایت رویه رو می شویم. یعنی روایت، آن قدر دست به دست می شود که یادمان می رود راوی، چه کسی بود و از کجا به اینجا رسید! پای هر کسی که فکرش را بکنید به داستان باز می شود؛ از صدام تا جلال حزب بعث. از جورج اسمیت تا شیخ شهید. همین تعدد شخصیت ها حضور شهید نوجوان ایرانی - که در واقع شخصیت اصلی داستان است - را کم رنگ کرده؛ به طوری که حتی اگر از اکثر صحنه های داستان حذف کنیم اتفاق خاصی نمی افتد و فقط بهانه روایت از روایان گرفته می شود!

اگر «بی کتابی» شرفی خبوشان را خوانده باشید حتماً زبان کهن و نسبتاً دشوارش یادتان است. با خواندن «روایت دلخواه پسر شبیه سمیر» می فهمید که زبان سخت بی کتابی، شوخی ای بیش نبوده! چند فصل از این کتاب، توسط شخصیت های عراقی روایت می شود که طبیعتاً عرب زبان هستند. نویسنده قصد داشته روایت این افراد را به زبان خودشان بیاورد تا فرم متفاوت و جذابش را به وجود بیاورد، اما اگر مخاطب عربی دان و عربی خوان نباشد در صفحات ابتدایی کتاب متوقف می شود و توی ذوقش می خورد. کاربرد بیش از حد کلمات و جملات و اصطلاحات عربی، مخاطب عربی دان و عربی خوان را هم ملول و دلزده می کند. این چند سطر از صفحات پایانی کتاب را بخوانید تا متوجه منظورم بشوید: «أنا أعلم تماماً مثلیک نجفی که عاش جمیعاً أسلافه فی النجف، حول و حوالی مرقد و ضریح و رواق و زقاق و شارع الصغیر و معبر و طرّق ضیق محلات جدید و قدیم نجف؛ أنا أعلم منازل العمارة و الحویث و المشراق. أنا أعلم محله الجدیده فی جنوب مدینه النجف. أنا أعلم أی حجره، فی سوق الکبیر،

شما را نمی دانم، اما من کتاب خواندنم مناسبتی است. یعنی دوست دارم اگر در ایام خاص و ویژه ای به سرمی بریم کتاب هایی را که با موضوع آن مناسبت نوشته شده اند، بخوانم. از طرف دیگر گونه مورد علاقه من داستان و روایت تاریخی است و تا حالا کتاب های زیادی در این حوزه معرفی کرده ام. حالا حسابش را بکنید که در یک مناسبت خاص تاریخی، من چه حالی دارم. شاید باورش سخت باشد، اما مثل فوتبال دوست ها که منتظر دربی و لالیگا هستند تا دلی از عزا در بیاورند من هم منتظر رسیدن دهه فجر هستم تا بروم سراغ کتاب های تاریخی و داستان و سرگذشت افراد مرتبط با انقلاب را بخوانم.

راستش امسال ناراحت بودم که تقریباً تمام کتاب های داستان و نادرستان انقلابی را خوانده ام و تصمیم داشتم بعضی ها را چند باره بخوانم که به یک کتاب جدید برخورد کنم. کتابی که جلد عجیب و غریبش داد می زد درباره انقلاب است: جلد کتاب، طرح پیراهن یک سرباز است که دور تا دورش دوخته شده (کوک واقعی ها!) رویش محفظه ای پلاستیکی (پلاستیک واقعی ها!) قرار دارد و داخل پلاستیک، عکس سه در چهار امام خمینی وجود دارد (عکس واقعی ها!) بالای جیب هم اسم نویسنده درج شده است: محمد رضا شرفی خبوشان. بعداً می فهمیم که این جیب متعلق به رزمنده ای است که عاشق امام خمینی بوده و به همین دلیل، عکس ایشان را روی قلبش چسبانده است. همین جلد متفاوت، مخاطب را مجاب می کند که کتاب را بخرد و بخواند. فکر نکنید عجایب این کتاب همین جا تمام می شود؛ نه. اسم کتاب هم تعجب برانگیز است: «روایت دلخواه پسر شبیه سمیر» روایت خود سمیر نه ها! روایت پسر شبیه به او!

اگر رمان های قبلی شرفی خبوشان مثل «بی کتابی» و «عاشقی به سبک و نگوگ» را خوانده باشید می دانید که قرار است با اثر متفاوتی رویه رو شوید. کتاب های شرفی خبوشان با داستان متفاوتی دارد یا زبان غیر معمولی دارد یا روایان عجیب و غریبی دارد؛ بالآخره یک هنجارگریزی چشمگیری دارد. روایت دلخواه پسر شبیه سمیر، همه این تفاوت ها را با هم دارد. پس اگر از داستان های پیچیده و درگیرکننده خوشتان می آید حتماً این کتاب را بخوانید، اما اگر اهل خواندن قصه های سرراست و راحت الحلقوم و پیش از خوابی! هستید بی خیال خواندنش بشوید.





تلویزیون، داخل فرودگاه را نشان داد و رفت روی یکی از پرچم‌ها. دایمی اکبر از کنار تلویزیون، با صدای بلند نوشته روی پرچم را خواند؛ «اراده توانای آن رهبر بزرگ، نظام طاغوتی و رژیم سلطنتی را در هم شکسته، نظام توحیدی را جایگزین خواهد نمود»

بلندگو گفت: «خمینی ای امام / خمینی ای امام / خمینی ای امام / خمینی ای امام». امام که دستش به دست خلبان هواپیما بود از پله‌ها پایین آمد. تلویزیون از پهلو امام را نشان می‌داد؛ از خیلی دور... تلویزیون، داخل فرودگاه را نشان داد: «خمینی ای امام / خمینی ای امام / ای مجاهد ای مظهر شرف...» گوینده از بین جمعیتی که دور امام را گرفته بودند، با صدای ضعیفی می‌گفت: «امیدوارم که به ایشان نزدیک بشوم و یک صحبت کوتاهی با ایشان داشته باشم». امام معلوم نبود... صدای گوینده محو شد و جمعیت موج زد و امام ناپدید شد. تلویزیون جمعیت توی سالن را نشان داد. دایمی اکبر گفت: «آقای بهشتی! آقای بهشتی!» و همه گفتند: «هیس! هیس! آقا بهشتی انگشت اشاره‌اش را برده بود بالا و داشت به یک نفر داخل جمعیت چیزی می‌گفت. «لرزد از نام تو پایه ستم / پشت اهریمنان گشته از تو خم...» تلویزیون دوباره جمعیت فشرده را نشان داد و من توانستم نیم‌رخ و عمامه امام را ببینم که باز هم ناپدید شد...» □

خزانه مخفی دارد و قادرم بدون آذن وارد شوم به برانی و داخانی منازل. حوالی بحر نجف را انا اعراف مثل کف دست. من نجف جدید الی کوفه و فرات را به طرف مشرق، اُستطیعُ ان اذهب بعیون مغلقه.»  
خب! حالا متوجه شدید که وقتی از دشواری زبان داستان حرف می‌زنیم چه می‌گوییم! هر قدر این قسمت‌ها برای مخاطب رمان - که مخاطب عام است - پیچیده است در عوض قسمت‌هایی که از زبان سید محسن، یعنی پسری شبیه سمیر و مادر سمیر که فارسی بلد است تعریف می‌شود ساده و روان است. صحنه ورود امام خمینی (ره) به ایران را از زبان محسن بخوانیم: «هواپیما روی زمین نشسته بود. موتور گنده‌اش جلوی پله‌ها را گرفته بود. خیلی آدم پای پله‌ها بودند و آدم‌هایی هم از پله‌ها پایین می‌آمدند. هنوز امام پایین نیامده بود. گوینده گفت: «ما الآن منتظر هستیم که ببینیم در چه مرحله‌ای هستیم.» تلویزیون، داخل فرودگاه را نشان داد و رفت روی یکی از پرچم‌ها. دایمی اکبر از کنار تلویزیون، با صدای بلند نوشته روی پرچم را خواند؛ «اراده توانای آن رهبر بزرگ، نظام طاغوتی و رژیم سلطنتی را در هم شکسته، نظام توحیدی را جایگزین خواهد نمود...» دیدیم امام دارد از پله‌ها پایین می‌آید.

یک صفحه از رمان «روایت دلخواه پسری شبیه سمیر»

## وقتی امام به کربلا رسید؛ باران بارید

از روایت هانی عبدالرسول چند شبی نگذشته بود که ابوسمیر یک بار دیگر شیخ غریق را پیش من آورد؛ یکی از بهترین راویان خوش صحبت وادی السلام؛ یک راوی دوست داشتنی که محدث نبود، اما شبیه محدثانی بود که چند نفرشان را در همین وادی السلام زیارت کرده بودم. شیخ غریق ورامینی مثل آن محدثانی بود که بسیار نوشته‌اند و بسیار خوانده‌اند و بسیار شنیده‌اند و خوب گوش داده‌اند و برای فراگرفتن و جمع‌آوری احادیثی که احوال و گفتار و کردار پیامبر (ص) و ائمه (ع) را روایت می‌کند، به شهرها و ولایات سفر کرده‌اند و کتب اصول حدیث را به دست آورده‌اند و سند جمع کرده‌اند و تاریخ را شخم زده‌اند. شیخ غریق ورامینی سال‌ها پیش در فرات غرق شده بود و تا یکی دو ماه در فرات غوطه خورده بود و عاقبت با تنی سفید و لهیده و عریان، به کناره آمده بود و ساکن وادی السلام شده بود.

تقریباً هر کسی که دنبال روایت‌هایی شبیه روایت دلخواه من می‌گشت، شیخ غریق ورامینی را دیده بود و نقل‌های خود غریق را از غریق یا نقل‌های دیگران را از غریق یا نقل‌های غریق را از یک راوی دیگر شنیده بود.

شیخ غریق، درست چند ساعت بعد از هانی عبدالرسول، موفق شده بود همراه طلبه‌های نجف، سوار بر یک مینی‌بوس به کاظمین برود. طلبه‌ها در کاظمین امام را دیدار کرده بودند و به اتفاق امام به زیارت حرم جوادین رفته بودند و دیده بودند که امام با چه خضوع و خشوعی پس از زیارت حرمین، بر سر قبور متبرک علمایی چون شیخ مفید و خواجه نصیرالدین طوسی و سید مرتضی و سید رضی حاضر شده و فاتحه خوانده و دست‌ها را بالا برده و با صدای بلند برایشان دعا کرده. طلبه‌ها همراه امام شده بودند و از دنبال امام به سامرا رفته بودند. آنجا شیوخ سامرا و طلاب مدرسه میرزای شیرازی از امام استقبال کرده بودند و همه دیده بودند که چطور امام آنجا هم بعد از زیارت حرم، بالای قبر صاحب فتاوی تنباکو ایستاده و دست‌ها را بالا برده و با صدای بلند برایش دعا کرده. طلبه‌ها همراه امام دوباره به کاظمین برمی‌گردند و از پی امام راهی کربلا می‌شوند. طلاب، نرسیده به کربلا، جمعیتی را دیده بودند که تا مصیب - چند فرسخی کربلا - به پیشواز آمده‌اند. آنجا در حسینیه بزرگ مصیب برای امام اشعاری می‌خوانند و خیر مقدم می‌گویند. مردم پذیرایی می‌شوند و همگی راهی کربلا می‌شوند. غریق، یک شب تا سحر را مشغول روایتی فرعی از عزیمت به کربلا بود؛ روایتی که می‌گفت کربلایی‌ها پیش از ورود امام، از بلدی به خواسته‌اند خیابان خاکی مسیر امام را آب بریزند تا گرد و خاک، استقبال کنندگان را اذیت نکند. بلدی محمل نداده است و همه دیده‌اند درست وقت رسیدن امام به کربلا، باران آمده و زمین را تر کرده. □

هفت دلیل برای کتاب نخواندن

# چرا کتاب نمی خوانیم؟

مسعود قانعی مقدم

« به نظر شما آیا راهی برای فراگیرتر کردن مطالعه بین عموم مردم وجود دارد؟ در ادامه، دلایل مردم برای عدم مطالعه و راه حل هایی را برای مطالعه بیشتر ذکر می کنیم.

۱



## ۱. نداشتن زمان کافی

اگر زمان کافی برای خواندن یک رمان کلاسیک (طولانی و حجیم) را ندارید، کتابی تهیه کن که بتوانی آن را همراه خود داشته باشی و آن را جایگزین استفاده از موبایل کنی. در اتاق های انتظار و هنگامی که منتظر اتوبوس هستی اگر نمی توانی از پس کتاب حجیم یا شعری طولانی برآیی، سعی کن داستان ها و شعرهای کوتاه بخوانی. مطالعه برای تغذیه روح توست، باید بخوانی حتی یک جمله کوچک در یک زمان کوتاه.

۲



## ۲. بی پولی

نداشتن پول در عصر فناوری دلیلی برای مطالعه نکردن، نیست. راه های زیادی برای خواندن وجود دارد. دنبال مکان هایی برای خریداری یا تعویض کتاب های دست دوم باش، در آنجا می توان کتاب ها را با قیمتی ارزان تر خریداری کرد و یا کتب خوانده شده و کتبی را که نمی خواهید با سایر کتب تعویض کنید. به کتاب فروشی های دارای تخفیف بالا سر بز. کتاب های ادبیات و کلاسیک را در اینترنت، تبلت و موبایل بخوان، خیلی اوقات این منابع رایگان در دسترس هستند. کتاب هایت را با دوستان عوض کن. همیشه راهی برای خواندن یافت می شود، کافی است تفکر و خلاقیت خود را به کار ببندی.

۳



## ۳. کم تجربگی

بهترین راه برای اینکه یاد بگیرد چطور بخوانید این است که هر چه می یابید بخوانید. با این کار به مرور خواهید یافت که از خواندن چه موضوعاتی بیشتر لذت می برید و شروع به ارتباط برقرار کردن با کتاب ها خواهید کرد. اگر نمی دانید از کجا شروع کنید و یا چه بخوانید می توانید از یک کتابدار، یک کتاب فروش، یک دوست یا یک معلم بپرسید. با کسانی ارتباط برقرار کنید که از خواندن لذت می برند یا عضو انجمن های کتاب خوانی شوید.



# رمان چیست و نویسنده کیست؟

« به گواه کتب مقدس یهودیت، مسیحیت و اسلام، از هزاران سال پیش از میلاد مسیح، انسان با قصه مانوس بوده است. شالوده کتاب های مقدس، بدون استثنا بر قصه استوار است. آنچه درباره آدم، نوح، ابراهیم، اسحاق، اسماعیل، یعقوب، داود، سلیمان، موسی، عیسی و بسیاری دیگر می دانیم، برآمده از قصه هایی است که در کتاب های مقدس روایت شده است. زندگی نوع بشر در طول قرون مختلف، متأثر از قصه بوده است.

## ۱. انسان همچنان قصه ها را دوست دارد

با گذشت میلیون ها سال از خلقت بشر و دگر دگرسی های زیستی و حتی مغزی، انسان همچنان به قصه و داستان معتاد است. خبرها، شایعه ها، سندها، روش های بازاریابی، ایده های جاسوسی، ایده های علمی، بازی ها، ورزش ها، غذاها، نوآوری های فناورانه و... همگی پشتوانه داستانی دارند و بر اساس سناریو شکل می گیرند. در شکل گیری هر کدام از این ها، افراد، واکنش افراد، نتیجه عمل، کنش اولیه، بسترنجام، زمان و رابطه ها نقش دارند؛ درست مثل یک داستان. اگرچه تکنیک ها به روز می شوند تا شیوه های نو برای ارائه قصه در دست داشته باشیم، اما محور قصه است، نه تکنیک. بشر مشتاق است بفهمد یا غافلگیر شود یا حتی گول بخورد، فرقی ندارد چطور.

## ۲. رمان چیست

رمان کاوش در هستی است و به تبع، رمان نویس کاوشگر هستی است. اگر انسان را مهمترین عنصر هستی بدانیم (اشرف مخلوقات و کسی که زمین و آسمان برای او رام شده و کسی که خداوند او را برای خویش پرورده است)، کاوش در مسئله انسان مهمترین رسالت رمان و رمان نویس است. رمان نویس به عنوان یک کاوشگر هستی، در حقیقت به فلسفیدن، اندیشه ورزی و غور در مسئله های انسانی تعلق خاطر دارد و سرگرم همین کار است.

برخلاف ظاهر بینان، حوادث اجتماعی و سیاسی و فرهنگی مسئله های انسانی نیستند، بلکه اینها همه نوعی بازخورد، میوه و نتیجه مسائل انسانی اند. بنابراین، رمان در پی کاوش در عمیق ترین لایه ها است و برای ملموس کردن کاوش خود، از مسائل ملموس و عینی به عنوان نقطه شروع بهره می گیرد. □

۴



### خستگی و تنبلی

اگر جذب کتابی شوید و از خواندنش لذت ببرید، خوابیدن برایتان سخت می‌شود. خواندن یک کتاب خوب هنگامی که مشغول خوردن چای یا قهوه هستید می‌تواند برایتان لذت بخش باشد. زمانی که خسته نیستید، مطالعه کنید. بدانید هنگام صرف نهار و یا صبح بعد از بیدار شدن از خواب، زمان خوبی برای خواندن است. تجربه خوابیدن روی کتاب تجربه وحشتناکی نیست، ممکن است زمانی که با خواندن کتاب به خواب می‌روید، رؤیاهای فوق العاده‌ای ببینید.

۵



### استفاده از چند رسانه‌ای‌ها

اگر ترجیح می‌دهید که تلویزیون و یا فیلم ببینید بهتر است قبل از آن، اگر فیلم بر اساس کتابی ساخته شده، اول کتاب را بخوانید بعد فیلم را تماشا کنید. تعداد معدودی رمان کلاسیک وجود دارد که بر اساس آنها فیلم ساخته شده است. از آن جمله می‌توان به شرلوک هولمز، ماجراهای هاگل بری فین، آوای وحش جک لاندن، آلیس در سرزمین عجایب لویی کارول و جان رونالد رول تالکین اشاره کرد.

۶



### سختی

خواندن همیشه آسان نیست ولی سخت هم نیست. کتاب‌های حجیم انتخاب نکنید. ما به دلایل زیادی کتاب می‌خوانیم، مجبور نیستید صرفاً کتب دانشگاهی را مطالعه کنید. می‌توانید کتاب بخوانید و احساس و تجارب فراموش نشدنی داشته باشید، یا متن کتاب بخندید و یا گریه کنید. جزیره گنج را بخوانید، ماجراهای رابینسون کروزوئه و یا سفرهای گالیور را دنبال کنید و شاد باشید.

۷



### عادت به مطالعه نداریم

کتاب خواندن را به عادت تبدیل کنید، از ابتدا خواندن را به یک هدف و انگیزه تبدیل کنید. خواندن فقط چند دقیقه از روز شمارا می‌گیرد اما به مرور برایتان تبدیل به عادت می‌شود. خواندن برای مدت‌های طولانی‌تر یا خواندن در دفعات بیشتر در یک روز امتحان کنید. اگر از خواندن برای خودتان لذت نمی‌برید، یک کتاب قصه برای فرزندتان بخوانید، در این صورت هدیه فوق العاده‌ای به او دادید، چیزی که او را آماده مدرسه و زندگی می‌کند. یک شعر و یا یک داستان کوتاه را با یک دوست به اشتراک بگذارید. تبدیل کردن کتاب و ادبیات به جزئی از زندگی خیلی سخت نیست، فقط باید از یک جا شروع کنید. □





## معرفی کتابی تربیتی که در هر کتابخانه‌ای لازم است

# صد راه

فاطمه ترکاشوند

همیشه و در همه حال کتاب و کتابخوانی نیکو شمرده شده است اما ذکر این نکته نیز لازم و ضروری است که لزوماً هر کتابی مفید نیست؛ بلکه ممکن است ضرر هم داشته باشد. کتاب‌های بسیاری نوشته می‌شود که اگر خواننده‌ای درباره این کتاب‌ها آگاهی لازم را داشته باشد، آن‌ها را به سرعت خواهد خرید و خواهد خواند؛ اما چون آگاهی خوانندگان کتاب درباره این کتاب‌ها کم است، کمتر سراغ آن‌ها می‌روند. همین‌طور برخی از کتاب‌ها برعکس هستند؛ یعنی اگر خواننده آگاهی لازم در مورد آن کتاب را داشته باشد، به این کتاب نگاه هم نخواهد کرد. اما مسئله وقتی پیچیده می‌شود که در یک کتاب حرف‌های درست و غلط آمیخته شده یا پیام‌های گمراه‌کننده در ظاهر یک داستان، شعر یا کلماتی زیبا به مخاطب عرضه می‌شود. بهتر است قبل از انتخاب کتاب برای مطالعه با کسی که مورد قبول است مشورت کرد یا از وی خواسته شود هماهنگ با موضوع مورد علاقه کتاب‌های مناسب معرفی کند.

آنچه در ادامه آمده معرفی جلد نخست از مجموعه «تربیت با کتاب» است که با عنوان «کتابخانه تربیتی مربی» نام گرفته و ۱۰۰ عنوان از بهترین و سودمندترین کتاب‌های تربیتی برای مربیان و سایر فعالان عرصه تربیت، آموزش و فرهنگ به تفصیل آورده شده است. به این معنا که جزء به جزء کتاب‌های موجود در عرصه تربیت مورد مطالعه قرار گرفته و موضوعات مختلف تربیتی که مورد نیاز فعالان تربیتی است به صورت جداگانه با ذکر منبع در این کتاب ذکر شده است. در این راستا برای نگارش کتاب شناسی توصیفی ۱۰۰ کتاب معرفی و در ۸ گفتار با قالب مقاله پنج پاراگرافی بهره گرفته و تنظیم شده است. به این ترتیب، بخش‌های مختلف به دست آمده ارزیابی هر کتاب، به کوتاه‌ترین شکل با ساختاری منظم و منطقی در اختیار خوانندگان قرار داد.

مربی واقعی انسان کیست؟

«مربی» یکی از عناصر اصلی در میان عناصر و عوامل بیرونی اثرگذار در تربیت انسان‌ها، به

شمار می‌آید؛ عنصری که برای موفقیت در تربیت، نه تنها نیازمند دانش و مهارت است، بلکه ویژگی‌ها، شخصیت، شایستگی و فرهنگش نیز، بر میزان این موفقیت اثرگذار است. اما پرسش این است که مربی باید چه دانش، مهارت و ویژگی‌هایی داشته باشد و شخصیت او باید چگونه باشد؟ در پاسخ به این سوال می‌توان گفت مربی حقیقی باید همه استعداد‌های متربی را شکوفا و بارور سازد و آن‌ها را به راه عبودیت و بندگی هدایت کند؛ چنین کسی، باید از تمام استعداد‌های انسان آگاهی داشته باشد و میدان کار این استعداد‌ها را بشناسد و به قوانینی که در این میدان و بر این استعدادها حاکمند، احاطه داشته باشد. هرچند با این توضیح، مربی حقیقی انسان جز آفریدگار او نمی‌تواند باشد، اما دیگران می‌توانند درس تربیت را از او بگیرند و راه تربیت را از او بیاموزند.

در بخش یکم کتابخانه تربیتی مربی، کتاب‌هایی معرفی شده‌اند که موضوع آن‌ها، تبیین مباحثی از این دست است. در این کتاب‌ها که تحت عنوان «فلسفه تربیت» گنجانده شده‌اند، غیر از مباحث پیش گفته، اشاراتی به دیگر مباحث مطرح در فلسفه تربیت نیز شده؛ مباحثی مانند ساحت‌های تربیت، مراحل تربیت، عوامل و موانع تربیت و روش‌های تربیت.

اهداف میانی کدامند؟

در میان اهداف تربیتی، افزون بر هدف غایی و اهداف کلی، گروه دیگری از اهداف نیز هستند که به کاربرد و عملیات تربیتی نزدیک تر هستند؛ از این رو باید در سطح دیگری غیر از مباحث مرتبط با فلسفه تربیت به آن‌ها پرداخته شود. این گروه از اهداف، «اهداف میانی» نام دارند. در بخش دوم این اثر، به معرفی کتاب‌های نوشته شده برای تبیین اهداف میانی تربیت، اختصاص داده شده است.

رسیدن به اهداف پذیرفته شده در یک نظام تربیتی، نیازمند «روش» است؛ رویه‌ای که چگونگی فرایند تربیتی مورد نظر و شیوه رفتن به سوی اهداف را مشخص می‌کند. با نگاهی به مکاتب و دیدگاه‌های تربیتی مختلف می‌توان دریافت که روش‌های مختلفی برای تربیت انسان وجود دارد، اما برای حرکت به سوی هدف یا اهدافی خاص، تنها یک روش درست و سازگار با مبانی و اصول متناسب با آن اهداف هست. آگاهی خوانندگان از روش‌های گوناگون تربیت و نقد آن‌ها و سپس دستیابی به روش درست تربیت اسلامی، هدف اصلی بخش سوم این کتاب است.

روش درست تربیت اسلامی چیست؟

مربیان حتی اگر روش درست تربیت اسلامی را بشناسند، تا شناخت دقیقی از موضوع و مخاطب تربیت نداشته باشند، راه به جایی نخواهند برد. اینان پیش از هر چیز باید نگاه اسلام به انسان را بشناسند و بدانند که در منابع دینی، برای انسان چه استعدادها و نیازهایی شمرده شده است. مربیان باید ویژگی‌های دوره سنی مخاطب خود را نیز بشناسند؛ از این رو برای خوانندگان این کتاب شناسی توصیفی، لازم

## محبت افراطی

انسان در طول حیات خویش در محیط‌های مختلفی قرار می‌گیرد و هر محیط، نقش متفاوتی در رشد و شکوفایی استعدادهاى او دارد. اجتماع یکی از مهمترین بسترهای تربیت انسان است؛ چرا که به گواهی تاریخ، انسان همواره به صورت اجتماعی زیسته است و حضور او در اجتماع، برای او یک امر ضروری است.

«محبت افراطی» عنوان کتابی با موضوع کمک به تربیت نسل نوجوان است که به قلم مجتبی رضایی، یاسراخوان و محمدهادی قراباغی به تازگی از سوی معاونت پژوهش موسسه مصباح الهدی برای فعالان تربیتی عرصه نوجوانان منتشر شده است. در ادامه بخش‌هایی از آن به جهت معرفی آمده است.

از بایسته‌های زیست اجتماعی انسان، دوستی و انس با دیگران است تا در شادی‌ها کنارش باشند و در غم‌ها و مشکلات روحی و مادی، یاری‌اش کنند. احساس نیاز به همدلی و همراهی با دیگران، افزون بر اینکه یکی از جلوه‌های زندگی اجتماعی به شمار می‌رود، نادبی برخاسته از اعماق وجود انسان است؛ چنانکه انزوای طلبی و گسست پیوندهای دوستی، نوعی بیماری است که اسلام، پیروانش را از آن باز داشته است.

اصل دوستی با مردم امری ضروری است و روایت‌های گوناگونی بر این مطلب تاکید کرده و آن را اساس عقل بعد از ایمان، نصف عقل، سرآغاز عقل و نصف دین دانسته‌اند. البته هرگاه فردی سست‌اراده و تأثیرپذیر باشد و هم‌نشینانش فاسد، کناره‌گیری و عزلت بر معاشرت با چنین دوستانی ترجیح دارد؛ چرا که این معاشرت، سبب می‌شود که انسان از یاد خدا بازماند و به گناه بیفتد.

اگرچه عوامل مختلفی در شکل‌گیری شخصیت انسان موثرند، در این میان، نقش دوست بی‌مانند است. آدمی بخش مهمی از افکار و اوصاف اخلاقی‌اش را، به‌طور ناخودآگاه، از دوستانش می‌گیرد. انتخاب دوست، در همه مراحل زندگی مهم است و در دوره نوجوانی و جوانی مهمتر؛ دشواری‌های ناشی از بلوغ چنان است که بسیاری از روان‌شناسان، خوشبختی یا بدبختی انسان را به این دوره پیوند می‌زنند. یکی از پیچیده‌ترین گرفتاری‌های ویژه نوجوانان و شاید از فراگیرترین آن‌ها در این گروه سنی نیز باشد، «محبت افراطی و وابستگی عاطفی» است.

این کتاب که به دنبال شناساندن راهکارهای بینشی و رفتاری برای مواجهه درست و سازنده با نوجوان گرفتار محبت افراطی است، در چهار بخش سامان یافته است. بخش نخست کتاب که هدف آن «تبیین چستی محبت افراطی» برای خواننده است، دومین بخش کتاب، «چرایی محبت افراطی» نام دارد. که به تبیین «عوامل پیدایش محبت افراطی» و «زمینه‌های پیدایش محبت افراطی» پرداخته است. در بخش سوم کتاب، با توجه به سه عامل اساسی ایجاد محبت افراطی در نوجوان، سه دسته از راهکارهای پیشگیرانه در قالب سه گفتار آورده شده است.

آخرین بخش این اثر، بیانگر «چگونگی درمان محبت افراطی» است. راهکارهای درمانی پیشنهادی در سه دسته کلی معرفی شده‌اند؛ راهکارهای مبتنی بر تقویت اراده نوجوان، راهکارهای مبتنی بر تقویت فضای معنوی نوجوان، راهکارهای مبتنی بر تغییر شرایط روحی و روانی نوجوان و در پایان و در بخش پیوست‌ها نیز سرفصل‌هایی برای دوره‌های آموزشی مختلف درباره این موضوع پیشنهاد شده است. این کتاب در ۱۸ صفحه، قطع رقعی، جلد شومیز و قیمت ۲۰۰۰۰ تومان منتشر شده است. □

است که شناخت قابل قبولی از نوجوان و دوره نوجوانی داشته باشند. افزون بر اینکه مربیان دختران، باید درباره ویژگی‌های خاص این جنس از مخاطب نیز اطلاعاتی داشته باشند. چهارمین بخش کتابخانه مربی، به تأمین نیاز مربیان به مخاطب‌شناسی اختصاص یافته است.

درست است که مربیان برای گام نهادن در مسیر تربیت، نیازمند شناخت اهداف تربیتی به‌عنوان نقطه مطلوب و نیز شناخت مخاطب و تعیین وضعیت موجود هستند، و نیز درست است که بدون داشتن یک روش تربیتی اصیل نباید وارد این عرصه شد، اما حتی اگر همه اینها فراهم باشد، تربیت محقق نخواهد شد. در خلا و انتزاع نمی‌توان مربیان را به سوی اهداف تربیتی حرکت داد، بلکه این فرایند را باید در بستر اجرای «برنامه‌های تربیتی» و انتقال «محتوای مناسب» پیمود. از این رو، در بخش پنجم کتابخانه مربی، از کتاب‌های ارزشمند موجود در زمینه معرفی قالب‌های مناسب برای برنامه‌های تربیتی سخن گفته شده است.

### □ مهارت‌های لازم مربی چیست؟

تنها مربیانی می‌توانند بار سنگین تربیت را درست و سالم به مقصد برسانند که افزون بر آگاهی‌های لازم، مهارت‌هایی نیز داشته باشند. نمی‌توان از مربی انتظار داشت که با در نظر داشتن همه ظرافت‌های تربیتی و در چارچوب روش تربیتی مورد قبول گام بردارد، بدون آنکه مهارت‌های اجرای برنامه‌های تربیتی و انتقال محتواهای مناسب در این چارچوب را فرا گرفته باشد. ششمین بخش این کتاب شناسایی توصیفی، به معرفی کتاب‌هایی پرداخته است که در آن‌ها یکی از مهارت‌های مورد نیاز مربیان آموزش داده شده است.

مربی یکی از عناصر اصلی اثرگذار در تربیت است و هدف اصلی این کتاب، معرفی کتاب‌های مناسب برای تقویت و توانمندسازی مربیان در زمینه بینش‌ها و مهارت‌های مورد نیاز در فرایند تربیت نوجوانان است. با این همه، اینان نباید از دیگر عوامل اثرگذار در فرایند تربیت نوجوان غفلت ورزند و گمان کنند که قرار است همه بار تربیت را خود به تنهایی بردوش گیرند. در بخش هفتم این کتاب، به معرفی منابعی پرداخته شده است که به تبیین جایگاه برخی دیگر از عوامل تربیت و چگونگی تعامل مربی با آن‌ها پرداخته است.

### □ موانع درونی و بیرونی کدامند؟

آخرین بخش این اثر، دربردارنده کتاب‌شناسی توصیفی آثاری است که به تبیین موانع موجود در فرایند تربیت نوجوانان و چگونگی پیشگیری و درمان آن‌ها پرداخته‌اند. هراندازه مربیان و دیگر عوامل تربیت بکوشند و هر قدر هم در انجام وظایف تربیتی خود توانمند باشند، نمی‌توانند بدون توجه به موانع درونی و بیرونی موجود در مسیر تربیت نوجوان به موفقیت‌چندانی دست یابند. از این رو، در این بخش کوشیده شده است تا برای آشنایی مربیان با شش گروه از موانع تربیت، منابعی سودمند و کاربردی معرفی شود.

به این ترتیب، صد کتاب شناسایی شده برای معرفی به مربیان در این کتاب‌شناسی توصیفی، در هشت بخش با محوریت «مؤلف‌های مطرح در فلسفه تعلیم و تربیت» سامان یافتند. □

## برف بازی زیرآفتاب شعر بازخوانی چند شعر زمستانی

# عاشق چگونه با آتش برف می سوزد؟

### ۱ | موسی عصمتی

مثل یک کودک بی حوصله، آدم برفی  
دارد از این همه آدم گله آدم برفی  
مدتی هست که او عاشق خورشید شده است  
عاشق داغ‌ترین مسأله، آدم برفی  
آب می‌گردد از این رابطه نورانی  
شاعر برف و زمستان؛ بله، آدم برفی  
کاش بال و پری از جنس پریدن می‌داشت  
می‌گرفت از همه مان فاصله آدم برفی  
می‌گذشت از ته یک درّه بی نیلوفر  
باد و تاپای پراز آبله، آدم برفی  
دوست دارد که دلش آب شود، چشمه شود  
سر راه عطش قافله، آدم برفی  
دوست دارد بنشیند لب این چشمه سرد  
عصرها دسته‌ای از چلچله، آدم برفی  
عکس خورشید سراپا همه اش قاب شود  
در دل کودک بی حوصله، آدم برفی

### ۱ | نزار قبانی

ای که چون زمستانی  
و من دوست دارم  
دستت را از من بگیر  
برای بالاپوش پشمین‌ات  
از بازی‌های کودکانه ام  
مترس  
همیشه آرزو داشته‌ام  
روی برف، شعر بنویسم  
روی برف، عاشق شوم  
و دریا بم که عاشق  
چگونه با آتش برف  
می سوزد... ❄️

برف نوگویی زمین است  
وقتی به متن پایبند نباشد  
و بخواهد  
به شیوه‌ای دیگر  
و سبکی بهتر بسراید  
و از عشق خود  
به زبانی دیگر بگوید  
برف نگرانم نمی‌کند  
حصار یخ  
رنجم نمی‌دهد  
زیرا پایداری می‌کنم  
گاهی با شعرو  
گاهی با عشق  
که برای گرم شدن  
وسیله‌ی دیگری نیست  
جز آنکه  
دوستت بدارم  
یا برایت  
عاشقانه بسرایم  
من همیشه می‌توانم  
از برف دستانت  
اخگر بگیرم  
و از عقیق لبانت، آتش  
از بلندای لطیف تو  
و از ژرفای سرشارت، شعر

### ۱ | مرتضی امیری اسفندقه

آن جمله سخت ژرف، روشن شده است  
روشن شده واژه، حرف روشن شده است  
کرسی بگذار و دفتر شعربیار  
بنشین که چراغ برف روشن شده است  
\*\*

شاید شد و پیش از آنکه باید آمد  
ها! هیچ بعید نیست، شاید آمد  
از رایحه روح هوا پر شده است  
من منتظرم برف بیاید... آمد!  
\*\*

این گونه بخیل، بی‌گمان زیبا نیست  
زیباست ولی نه! آن چنان زیبا نیست  
داردمه و خورشید و ستاره اما  
تا برف نیارد آسمان زیبا نیست  
\*\*

از نو در آسمان نگا! باز شده است  
ها باز شده است باز، ها! باز شده است  
پرواز سپید برف رامی بینی؟  
انگار پرفرشته‌ها باز شده است  
\*\*

نه مثل تگرگ، ناگهان، رگباری  
نه چون باران، ریز و درشت و جاری  
قربان تو ای برف که در خلوت شب  
با آن همه حرف، بی‌صدا می‌باری

### ۱ | محمدرضا شفیعی کدکنی

ایستاده  
«ابرو  
بادو  
ماه و  
خورشید و  
فلک»، از کار  
زیر این برف شبانگاهی  
بدتر از کژدم،  
می‌گزد سرمای دی ماهی  
کرده موج برکه در یخ برف  
دست و پای خویشتن گم  
زیر صد فرسنگ برف،  
اما  
در عبور است از زمستان دانه گندم.



در ایام الله دهه فجر امسال، فعالیتها و اقدامات بسیاری در حوزه نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر در مجموعه ستاد و نمایندگیهای استانی سراسر کشور صورت گرفت. در این بخش تحت عنوان «هلال فجر» تعدادی از این فعالیتها را در قالب خبر و گزارش می خوانیم.

## « هلال فجر





هلال احمر استان تهران در این جشن مردمی گفت: من به عنوان یکی از خدمتگزاران جمعیت از حضور در جمع صمیمانه شما بسیار خرسندم و احساس شادمانی می‌کنم. در واقع امروز به عنوان یکی از اعضای جمعیت هلال احمر در دریای جمعیت مردم حضور پیدا کرده‌ام و این موضوع برای من باعث افتخار است. یادآور می‌شود حجت الاسلام والمسلمین معزی را در این مراسم، مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت استان تهران و مدیرعامل جمعیت هلال احمر این استان همراهی کردند.

بیانیه نماینده ولی فقیه در هلال احمر به مناسبت دهه فجر یگانه راه سربلندی ایران، مقاومت و ایستادگی است  
نماینده ولی فقیه در هلال احمر، با صدور بیانیه‌ای به مناسبت چهلمین سالگرد پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی تاکید کرد: ایران اسلامی اکنون با رهبری مقتدرانه رهبر معظم انقلاب، زحمات مسئولان کشور و همدلی مردم عزیز در اوج عزت و اقتدار با عبور از دوران پر مشقت مبارزه و جنگ تحمیلی و نیز تحریم‌های ظالمانه قرار دارد و اهداف بلند سعادت و استقلال را دنبال می‌کند. به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر، متن بیانیه حجت الاسلام والمسلمین معزی به این شرح است: «بسم الله الرحمن الرحيم. انتم الاعلون ان کنتم مؤمنین. انقلاب شکوهمند اسلامی ایران که از نشانه‌های وعده صدق الهی در یاری مومنان راستین است در آستانه چهل و یکمین سالگرد پیروزی آزادی بخش و تعالی آفرین خود قرار دارد.

این نهضت به رهبری حکیم فرزانه، فقیه و عارف یگانه حضرت امام خمینی قدس سره الشریف و با مجاهدت مردم مسلمان و عدالت‌خواه ایران بزرگ بر ظلم و استبداد رژیم ستم شاهی پایان داد و نوید بخش زمینه‌سازی تحقق وعده

نماینده ولی فقیه در هلال احمر  
در راهپیمایی یوم الله ۲۲ بهمن:

## ایستادگی مردم ایران نعمت بی بدیل خداوند است

نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر در مسیر راهپیمایی پرشور مردم تهران در ۲۲ بهمن به مناسبت سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران تصریح کرد: حضور پرشور مردم در راهپیمایی ۲۲ بهمن بسیار ارزشمند است و با هیچ کلمه‌ای قابل وصف نیست.

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر، حجت الاسلام والمسلمین معزی در راهپیمایی یوم الله ۲۲ بهمن و در حاشیه بازدید از پایگاه‌های امدادی، در میان مسئولان و امدادگران جمعیت هلال احمر حضور پیدا کرد و گفت: خدماتی که در جشن بزرگ انقلاب به مردم ارائه می‌دهید، نشان دهنده حضور همیشگی و باشکوه شما در کنار ملت است.

حجت الاسلام والمسلمین معزی در ادامه با اشاره به جشن باشکوه انقلاب اسلامی گفت: برگزاری این جشن و حضور همیشگی مردم از برکات انقلاب و نعمت بی بدیلی در کشور ما محسوب می‌شود و در هیچ جای دنیا نظیر ندارد.

نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر افزود: در طول سال‌های گذشته جشن بزرگ انقلاب در هر شرایطی حتی در زیر بمباران دشمن یعنی در جنگ تحمیلی، برگزار شده و نشان از آن دارد که مردم شجاع و غیور، با دل و جرات به میدان وارد شده‌اند.

نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر با تاکید بر حماسه آفرینی ملت بزرگ ایران تصریح کرد: مردم شریف ایران از روز آغاز نهضت به رهبری امام خمینی (ره) که استوار در برابر تمامی مشکلات ایستاد، تا پیروزی و دوران جنگ و تا امروز در سایه هدایت‌های دایمانه مقام معظم رهبری در همه صحنه‌ها حضور داشته و همین پایمردی‌ها باعث اعتلا و اقتدار نظام گردیده است.

حجت الاسلام والمسلمین معزی در ادامه با تقدیر از عملکرد مناسب امدادگران جمعیت





## همراهی ۸۰ امدادگر هلال احمر استان تهران در مراسم دهه فجر

« بالغ بر ۸۰ تن از امدادگران و نجاتگران هلال احمر استان تهران، پوشش امدادی مراسم بزرگداشت ۱۲ بهمن ماه، سالروز ورود تاریخی حضرت امام خمینی (ره) به هموطنانی که در حرم مطهر حضور داشتند خدمت رسانی کردند. هلال احمر استان همچون سنوات گذشته و در سالروز ورود تاریخی امام خمینی (ره) به میهمانانی که در ویژه برنامه بزرگداشت ۱۲ بهمن؛ از فرودگاه مهرآباد تا حرم مطهر امام راحل برگزار شد خدمت رسانی کرد. پوشش امدادی این مراسم با حضور بالغ بر ۸۰ امدادگر و نجاتگر خواهر و برادر جمعیت هلال احمر استان تهران و با به کارگیری ۱۱ دستگاه آمبولانس و خودروی عملیاتی، جهت خدمت رسانی به شرکت کنندگان در این مراسم انجام شد.

### نمایشگاه کتاب در هلال احمر استان تهران

نمایشگاه کتاب به مناسبت ایام الله دهه مبارک فجر در هلال احمر استان تهران برپا شد. به گزارش پایگاه اطلاع رسانی حوزه نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر به نقل از روابط عمومی جمعیت استان تهران، به همت شورای فرهنگی هلال احمر استان و به مناسبت ایام الله دهه مبارک فجر، با حضور مدیر عامل، مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه و جمعی از اعضای شورای معاونان جمعیت هلال احمر استان تهران، نمایشگاه کتاب در هلال احمر استان آغاز به کار کرد. این نمایشگاه به مدت ۱۰ روز در ساختمان ستادی هلال احمر استان تهران برپا بود که علاقه مندان می توانند با ۴۰ درصد تخفیف، کتاب مورد علاقه خود را که بیشتر مربوط به مباحث فرهنگی، مدیریت بحران و... است از این نمایشگاه تهیه کردند. □



انبیاء و اولیاء الهی در برپایی حاکمیت مستضعفان تاریخ گردید. سرمایه اصلی این نهضت اتکا به امر الهی در اقامه عدل و ایمان مردم و جانفشانی آنها در مسیر تحقق این هدف والا بوده است. ایران اسلامی اکنون با رهبری مقتدرانه رهبر معظم انقلاب، زحمات مسئولان کشور و همدلی مردم عزیز در اوج عزت و اقتدار با عبور از دوران پر مشقت مبارزه و جنگ تحمیلی و نیز تحریم های ظالمانه قرار دارد و اهداف بلند سعادت و استقلال را دنبال می کند. استقلال و آزادی ایران دستاورد بزرگ انقلاب اسلامی و حاصل رنج های مردم این سرزمین در پناه باور به وعده یاری خداوند است. این نعمت بی بدیل شایسته پاس داشت و گرمی داشت و لایق قدردانی و ارج نهادن است.

حضور در راهپیمایی مردمی بیست و دوم بهمن ماه گامی بزرگ در استمرار دستاوردهای ایران است. امسال این مراسم با چهلمین روز درگذشت سردار شهید حاج قاسم سلیمانی و همزمانش همزمان گذشته است. این تلاقی معنا دار بر این واقعیت تاکید می کند که یگانه راه عزت و سربلندی ایران همانا مقاومت و ایستادگی است و آنچه آمریکا را شکست خواهد داد و دشمنی او را بی اثر می کند تکیه بر مقاومت است. گرمی باد یاد این شهدای عزیز که کوه های استوار ایمان و جهاد بودند و حصن امن امنیت ایران اسلامی براراده مستحکم آنان تکیه دارد. بار دیگر در این روز بزرگ اوج عظمت ملت شریف ایران به نمایش گذاشته خواهد شد و همدلی و وحدت کلمه ایرانیان را همه جهان به نظاره خواهد نشست. ملت ما با حضور در این اجتماع عظیم بار دیگر صبر و شکر خود را به نمایش خواهد گذاشت.

این حضور ارزشمند مقدمه حضور با اهمیت در انتخابات مجلس شورای اسلامی خواهد بود و طمع ورزان کج اندیش را دلسرد خواهد کرد. همکاران، اعضا و داوطلبان جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران نیز علاوه بر خدمت رسانی به راهپیمایان عزیز در این مراسم باشکوه شرکت خواهند کرد و بر استواری شان در مسیر امام و تبعیت از رهبر معظم انقلاب تاکید خواهند کرد. □



نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر:

## قدرت‌های جهان در مقابل اراده امام خمینی (ره) شکست خوردند

توانست مردم را به خود متکی کند تا بتوانند در برابر قدرت‌های خارجی بایستند.

نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر افزود: عرفان امام در عرصه‌های گوناگون کارکردن تنها برای خدا، به جز خدا چیزی نخواستن، دنبال دنیا خواهی نبودن، ترس به دل راه ندادن، داشتن خضوع و خشوع در برابر ناتوان را به ملت ایران تزریق کرد. سرنوشت همه کشورها و ملت‌ها در دست خود آنهاست تنها باید به خدا توکل کنند و در مسیر خدایی پیش قدم باشند.

حجت الاسلام والمسلمین معزی گفت: امام آرمان خود را بر پایه ایجاد عدل، احسان و حکمت بنیان گذاشت تا پرچم اسلام را به دست امام زمان (عج) بسپارد. این آرمان همچنان وجود دارد و حتی اگر همه عالم در برابر ما بایستند ما پیروز میدان خواهیم بود.

وی با اشاره به حاکمیت امام بر قلب ملت ایران و استقبال پر شور مردم ایران در ۱۱ بهمن ۵۷ از امام خمینی (ره)، افزود: این استقبال جزو بزرگترین استقبال‌های تاریخ ثبت شده است، بدرقه ملت ایران نیز با رهبر خود بی نظیرتر از مراسم استقبال آنها بود.

نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر افزود: پس از رحلت امام خمینی (ره)، خبرگان امت رهبری را انتخاب کردند که سکانداری این حرکت بزرگ را بر عهده بگیرد که تاکنون حدود ۳۰ سال سکان کشتی انقلاب را در دریای پرتلاطم و موج‌بهران‌های بسیار سخت به شایستگی هدایت کرده است.

حجت الاسلام والمسلمین معزی با اشاره به رشادت‌های شهدای جمعیت هلال احمر گفت: افرادی که امروز برای عرض تهنیت اینجا حضور دارند، نماینده جمعیتی هستند که در حوادث مختلف از قبیل سیل، زلزله، حوادث جاده‌ای، کوهستان، دریایی و مکان‌های صعب‌العبور خدمات بی‌منتی را به مردم شریف ایران ارائه داده‌اند. □



نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر گفت: امام خمینی (ره) با توکل به خدا انقلاب اسلامی را در کشوری که زیر سلطه استعمار جهانی و ۲۵۰۰ سال شاهنشاهی بود، ایجاد کرد. در آن زمان استکبار جهانی و کشورهای قدرتمند از رژیم شاهنشاهی حمایت می‌کردند اما در مقابل اراده امام خمینی (ره) به شکست محکوم شدند.

حجت الاسلام والمسلمین معزی در مراسم تجدید میثاق با آرمان‌های بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران که در حضور تولیت آستان مقدس امام خمینی (ره) و شرکت دبیر کل، معاونین، مدیران، کارکنان و اعضای جمعیت هلال احمر برگزار شد، گفت: انقلاب اسلامی حرکت بی‌نظیری در تاریخ انقلاب‌هاست. انقلاب اسلامی ایران در آخرین دهه قرن بیستم میلادی با ایمان به خدا و زنده نگه داشتن آرمان‌های اسلامی، برقراری حکومت اسلامی، عدل و داد در جامعه شکل گرفت.

نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر گفت: امام خمینی (ره) با ایجاد تغییر در ذهن و قلب ملت ایران توانست رژیم شاهنشاهی را تغییر دهد. این سنت الهی است که اگر ملت‌ها در درون خود نتوانند تغییر ایجاد کنند نمی‌توانند سرنوشت خود را تغییر دهند.

حجت الاسلام والمسلمین معزی افزود: استواری و ایمان امام (ره) در رسیدن به هدف، ترس را از دل مردم برد و شجاعت را به جامعه تزریق کرد. امام در مردم روحیه، عزت ایمانی، ایثار و شهادت طلبی را به وجود آورد و ذلت مستعمره بودن را از بین برد، این روحیه مردم شجاع، متعهد و متکی به خود را پیروز کرد.

وی گفت: بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران این روحیه شجاعت، ایثار و گذشت را طی سال‌های متعدد در وجود خود ایجاد کرده بود و توانست عرفان را به منصف اجتماع آورد و

مقاومت تأثیری ندارد و کسی نمی‌تواند حکومت ۲ هزار و ۵۰۰ سال شاهنشاهی را که با نظارت و حمایت آمریکا اعمال قدرت می‌کند تغییر دهد.

نماینده رهبر معظم انقلاب با اشاره به مردمی بودن انقلاب اسلامی ایران افزود: ملت ایران، به رهبری امام خمینی (ره) در مقابل رژیم ایستاد که از حمایت‌های تمام قدرت‌های جهانی برخوردار بود.

حجت‌الاسلام والمسلمین معزی با بیان اینکه رژیم شاهنشاهی تمام حیثیت و عظمت ایرانیان را در اختیار استکبار جهانی قرار داده بود، اظهار کرد: در دهه چهل کارشناسان غربی و شرقی اعتقاد داشتند دین در ایران در حال افول است، اما ملت ایران با پیروزی انقلاب اسلامی نشان می‌دهند که آن‌ها شناخت صحیحی از جامعه ایران اسلامی نداشته‌اند.

وی با اشاره به قیام امام راحل و پیروزی انقلاب اسلامی بیان کرد: همزمان با بهمن ۵۷ تحریم‌های مختلفی علیه ایران آغاز و تاکنون ادامه دارد و در طول ۸ سال جنگ تحمیلی تمام کشورهای شرق و غرب مقابل ایران قرار گرفتند.

وی با اشاره به اینکه دشمن با همه توان و سرمایه خود به میدان آمده است، گفت: امروزه دشمن برای تضعیف باورهای دینی مردم دست به هر کاری می‌زند و از رشد اسلام سخن نمی‌گوید.

حجت‌الاسلام والمسلمین معزی ادامه داد: استکبار جهانی پس از پیروزی انقلاب اسلامی با حمایت از صدام، تقویت گروهک تروریستی منافقین، تشدید تحریم‌ها، صدور قطعنامه علیه ایران از هر توانی برای رویارویی با ایران استفاده کرده‌اند، اما در نهایت جهانیان می‌بینند این ملت ایران است که در برابر استکبار جهانی پیروز شده است.

نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر با دعوت از عموم مردم در راهپیمایی ۲۲ بهمن، حضور آنان را پشتوانه‌ای محکم برای نظام مردمی جمهوری اسلامی دانست و خاطر نشان کرد: این مهم می‌تواند سبب گستراندن حس تعاون و وحدت در جامعه شود.

حجت‌الاسلام والمسلمین معزی در پایان با تقدیر از تلاش‌های همه امدادگران و نجاتگران جمعیت هلال احمر، یاد و خاطره بیش از ۴۵ شهید این نهاد مردمی را گرامی داشت و گفت: حضور این عزیزان در تمامی عرصه‌های خدمت به بشریت بدون هیچ گونه چشم داشتی ستودنی است.

دکتر محمودرضا پیروی، دبیر کل جمعیت هلال احمر، مرتضی سلیمی، رئیس سازمان امداد و نجات، حجت‌الاسلام والمسلمین صادقی مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در سازمان امداد و نجات هلال احمر، معاونین، مدیران و پرسنل جمعیت هلال احمر و سازمان امداد و نجات در این جشن حضور داشتند و در پایان هم از بانوان شاغل در سازمان امداد و نجات و بازنشستگان این سازمان در سال

۹۸ تقدیر شد. □



نماینده ولی فقیه در هلال احمر در جشن پیروزی انقلاب اسلامی در سازمان امداد و نجات:

## انقلاب اسلامی ایران یک جریان ماندگار در طول تاریخ است

« مراسم بزرگداشت چهل و یکمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی با حضور حجت‌الاسلام والمسلمین معزی، در سازمان امداد و نجات جمعیت هلال احمر برگزار شد. به گزارش پایگاه اطلاع رسانی حوزه نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر، حجت‌الاسلام والمسلمین معزی در مراسم بزرگداشت چهل و یک سالگی پیروزی انقلاب اسلامی با گرامی داشت یوم‌الله ۲۲ بهمن، پیروزی انقلاب اسلامی را یک پیروزی بی‌نظیر و بی‌بدیل در طول تاریخ دانست و افزود: انقلاب اسلامی ایران یک حادثه بی‌نظیر است، نباید فراموش کنیم که انقلاب در چه شرایطی به پیروزی رسیده است، ایران کشوری بود که همه قدرت‌های جهان به خود اجازه می‌دادند در آموزش دخالت کنند اما امروزه به برکت پیروزی انقلاب اسلامی کشوری مستقل است. وی در تکمیل سخنان خود ادامه می‌دهد: در آن زمان بسیاری تصور می‌کردند اعتراض و



## تجلیل از جانبازان، ایثارگران و خانواده‌های شهدای هلال احمر آذربایجان شرقی

□ **تجلیل از خانواده‌های شهدای امدادگر شهرستان بناب**

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان آذربایجان شرقی با حضور در منزل شهدای امدادگر شهرستان بناب از خانواده‌های این شهدا تجلیل کرد. به گزارش پایگاه اطلاع رسانی حوزه نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر به نقل از تارنمای اطلاع رسانی جمعیت هلال احمر استان آذربایجان شرقی، حجت الاسلام والمسلمین عبدالحمید واعظی به همراه جمعی از مسئولان محلی شهرستان بناب با حضور در منزل شهیدان بابازاده و علی اصغری که در عملیات‌های امداد رسانی به مجروحان جنگی ۸ سال دفاع مقدس به فیض شهادت نائل آمده بودند دیدار و یاد و خاطره آنها را گرامی داشتند. حجت الاسلام والمسلمین واعظی در این دیدارها ضمن نثار فاتحه به روح این شهیدان تاکید کرد: راه این شهیدان باید توسط نسل امروز ادامه یابد چرا که خون پاک آنان این انقلاب و کشور را بیمه کرده است. وی خاطر نشان کرد: خانواده شهداء عزیزترین انسان‌ها هستند که با صبر و بردباری درس بزرگی به همه مردم این سرزمین داده‌اند. در این دیدار با اهدای لوح سپاس از خانواده شهدا تجلیل گردید. خاطر نشان می‌شود مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر استان همچنین در این روز با امام جمعه شهرستان بناب دیدار و گفتگو کرد.

« طی مراسمی از جانبازان، ایثارگران و خانواده‌های شهدای هلال احمر آذربایجان شرقی تجلیل شد.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی حوزه نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر به نقل از روابط عمومی جمعیت در استان آذربایجان شرقی، در این مراسم دکتر هادی موسوی سرپرست هلال احمر استان با تبریک ایام الله دهه فجر و گرامی داشت یاد و خاطره شهدا گفت: ایثارگران در مقاطع مختلف چه در طول ۸ سال دفاع مقدس و چه بعد از آن وفاداری خود را به اسلام و انقلاب نشان داده‌اند و بهترین سرمایه خویش یعنی جان شیرین را در طبق اخلاص گذاشته و در راه عزت و افتخار میهن اسلامی نثار کرده‌اند.

وی با تاکید بر تقویت روحیه ایثار و ترویج فرهنگ ایثارگری در کشور افزود: بایستی فرهنگ ایثارگری در جامعه تقویت و به مردم شناسانده شود و نسل آینده‌های آینده با این فرهنگ تعالی بخش آشنا شوند.

حجت الاسلام والمسلمین واعظی مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان هم طی سخنانی هدف از تجلیل از جانبازان، ایثارگران و شهدا را الگوسازی برای جامعه و نسل‌های آینده و جوانان دانست و گفت: ترقی هر ملتی در نوع نگرش آن به فرهنگ نهفته است و فرهنگ در بردارنده مجموعه‌ای از الگوهای زندگی است.

وی ادامه داد: در کشور ما شهدا، ایثارگران و جانبازان بهترین الگو برای جوانان بوده و جوانان و نسل آینده می‌توانند با تأثیر پذیری از ایثارگران به پیشرفت و توسعه در کشور دست یابند.

حجت الاسلام والمسلمین واعظی مهمترین آفت سر راه پیشرفت جامعه را تغییر در نوع نگرش‌ها و رنگ باختن ارزش‌ها دانست و گفت: در دنیای امروزی در اثر تبلیغات هدفمند، دشمنان برای جوانان ما اقدام به الگوسازی‌های کذایی می‌کنند و رفته رفته ارزش‌ها به حاشیه رفته و چیزهای غیر ارزشی مانند تشریفات و تجمل‌گرایی و تبعیض جایگزین آن‌ها می‌شوند که بهترین راه مقابله با این نوع فرهنگ سازی‌های غلط، بازگشت به اصول و الگو قرار دادن شهدایی مانند تهرانی مقدم‌ها و سپهبد سلیمانی‌هاست.



### ایران به دنبال عزت بود

همچنین طی مراسمی با حضور سرپرست و کارکنان هلال احمر استان آذربایجان شرقی، ایام الله دهه فجر و یاد و خاطره سردار دل‌ها شهید سلیمانی گرامی داشته شد. به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر به نقل از تارنمای اطلاع‌رسانی این جمعیت در استان آذربایجان شرقی، حجت الاسلام والمسلمین واعظی با تبریک ایام الله دهه فجر و گرامیداشت یاد و خاطره شهید حاج قاسم سلیمانی، به تشریح ماهیت انقلاب اسلامی و علت وقوع آن پرداخت و گفت: انقلاب اسلامی به عنوان بزرگترین پدیده عصر حاضر مهم‌ترین مطالبه مردم ایران بود مردمی که از ظلم، تبعیض، ذلت، خواری و تحقیر خویش در زمان رژیم طاغوت به ستوه آمده و دنبال عزت و سربلندی بودند.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان آذربایجان شرقی ادامه داد: حضرت امام خمینی (ره) در آن زمان خطاب به شاه گفتند: ما می‌گوییم شما غلام حلقه به گوش دیگران نباشید، ما عزت و شرف شما را می‌خواهیم، ما به شماها نصیحت می‌کنیم که شما عزیز باشید، آقا باشید، بزرگ باشید، استقلال را حفظ کنید، تبعیت را دست بردارید، ما با این چیزها مخالفیم.

حجت الاسلام والمسلمین واعظی افزود: قبل از انقلاب استکبار جهانی در رأس آنها آمریکا و انگلیس به مسئولان و مردم کشور ما به دیده حقارت می‌نگریستند اما امروز به برکت نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، کشور ما در تمامی عرصه‌ها به پیشرفت‌های قابل توجهی دست یافته و کشور ما در معادلات جهانی ایفای نقش می‌کند و در سطح خاورمیانه هیچ تصمیمی بدون حضور ایران به نتیجه نمی‌رسد.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر استان، مهم‌ترین عامل پیشرفت و عزت و افتخار کشور را داشتن نعمت ولایت فقیه و رهبری بصیر، آگاه و بلند نظر دانست و افزود: افاق دید امام راحل و مقام معظم رهبری نسبت به جهان اسلام و بشریت و پیشرفت کشور بسیار وسیع بوده و در سایه این بلند نظری‌ها ما شاهد پیشرفت روزافزون کشور در تمامی عرصه‌ها هستیم.

وی با گرامیداشت یاد و خاطره سردار رشید حاج قاسم سلیمانی گفت: سردار سلیمانی پرورش یافته مکتب اسلام و نهضت انقلاب بود که همواره با تبعیت از ولایت فقیه در راستای حفظ مرزهای عقیدتی جانفشانی کردند و حضور اعجاب‌انگیز مردم در مراسم تشییع پیکر پاک و مطهر ایشان، نشان از محبوب القلوب بودن او در سطح دنیا بود و به تعبیر مقام معظم رهبری، شهادت، پاداش سال‌های مجاهدت وی در سنگر توحید بود.

حجت الاسلام والمسلمین واعظی بر لزوم مطالعه و مجهز شدن به اطلاعات به روز راضوری دانست و گفت: دشمنان، امروز جبهه خود را از جنگ نظامی به جنگ فرهنگی تغییر داده‌اند، در این جبهه نیاز به فکر و اندیشه قوی داریم که بتوان از حوادث تحلیل درست داشته باشد. □

## غباروبی و عطارفشانی گلزار شهدا از سوی هلال احمر هرمزگان

« مراسم غبارروبی و عطارفشانی گلزار شهدا با حضور پرسنل جمعیت هلال احمر استان هرمزگان به مناسبت دهه فجر انجام شد.

حجت الاسلام والمسلمین هادی شهبایی مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر هرمزگان در این مراسم گفت: شهدای انقلاب و دفاع مقدس درس آموخته مکتب عاشورا و امام خمینی (ره) هستند و با حضور در جبهه‌ها علیه کفر، جام شهادت را نوشیدند. با گذشت بیش از ۱۴۰ سال از واقعه کربلا شاهد حضور علی اکبرها و قاسم‌ها در طول ۸ سال دفاع مقدس بودیم که از گوهر و جودی خود گذشتند و تمام هستی خود را در طبق اخلاص قرار دادند.

حجت الاسلام والمسلمین شهبایی با تاکید بر ادامه راه شهدا و عمل به وصایای شهیدان عنوان کرد: ما در جوار شهیدانی زندگی می‌کنیم که درس آموخته مکتب اباعبدالله (ع) هستند و این امر افتخار بزرگی به شمار می‌رود.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر هرمزگان با اشاره به شهادت امدادگر ۲۱ ساله هرمزگانی در جنگ تحمیلی خاطر نشان کرد: شهدای ما وابستگی به دنیا نداشتند و فارغ از دنیا زدگی و خواسته‌های دنیوی به مقام والای شهادت دست یافتند. □

## برگزاری جلسه شورای فرهنگی جمعیت هلال احمر هرمزگان

« جلسه شورای فرهنگی، اقامه نماز و امر به معروف و نهی از منکر جمعیت هلال احمر هرمزگان با حضور مدیرعامل، مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه، معاونین و اعضای شورای فرهنگی جمعیت در این استان برگزار شد.

در این جلسه سرکار خانم رفیعی به عنوان دبیر شورای فرهنگی و ذاکری به عنوان دبیر شورای امر به معروف و نهی از منکر منصوب شدند.

برپایی کاروان سلامت، اهدای خون، اجرای طرح غربالگری، برپایی نمایشگاه توانمندی‌های جمعیت هلال احمر، غبارروبی گلزار شهداء، ارائه آموزش‌های ایستگاهی در محل برگزاری نماز جمعه، تکریم از مادران و همسران امدادگران شهید، برگزاری مراسم بزرگداشت اربعین شهید سلیمانی، برگزاری جشن بارویکرد تجلیل از مقام زن و خانواده و حضور پرشور کارکنان و اعضای هلال احمر استان در راهپیمایی ۲۲ بهمن از اهم موضوعات عنوان شده در جلسه شورای فرهنگی در آستانه دهه مبارک فجر بود.

در این جلسه ارائه آموزش احکام و ویژه امدادگران در شعب جمعیت هلال احمر سراسر استان و برگزاری همایش فاطمی نیز مورد تاکید مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر هرمزگان قرار گرفت. □



نماینده ولی فقیه در هلال احمر در جشن انقلاب در موسسه علمی-کاربردی هلال احمر

## مقاومت و ایستادگی رمز پیروزی ملت ایران است

اسلامی دولتمردان آمریکایی با انجام اقداماتی از جمله تحریم، حمایت از صدام در جنگ تحمیلی، حمله به هواپیمای مسافری ایرباس و حمایت از تروریست‌ها در منطقه در تلاش بودند تا انقلاب اسلامی را سرنگون کنند، اما ملت ایران با سلیلی محکم به آنان این توطئه‌ها را خنثی کردند.

حجت الاسلام والمسلمین معزی ادامه داد: آمریکایی‌ها پس از پیروزی انقلاب اسلامی با حمایت از صدام، تقویت گروهک تروریستی منافقین، تشدید تحریم‌ها، صدور قطعنامه علیه ایران از هر توانی برای رویارویی با ایران استفاده کرده‌اند، اما در نهایت جهانیان می‌بینند این ملت ایران است که در برابر استکبار جهانی پیروز شده است.

نماینده رهبر معظم انقلاب با اشاره به آیاتی از قرآن کریم ادامه داد: از نگاه قرآن، آینده از آن انسان مؤمن و صالح است. سرانجام با امر و تقدیر الهی، جهانیان شاهد پیروزی حق بر باطل خواهند بود.

وی در پایان، جمعیت هلال احمر را مکانی برای مهرورزی دانست و افزود: جمعیت هلال احمر با هدف از بین بردن رنج، درد و کرامت دادن به شخصیت و برای برقراری دوستی و پایدار ساختن صلح و سلامت تشکیل شده است.

در پایان این مراسم از خانواده شهدای انقلاب و مدافع حرم تقدیر و قدردانی شد. یادآوری می‌شود در ابتدای مراسم دکتر سلطانی معاون آموزش و پژوهش جمعیت هم ضمن عرض خیر مقدم و تبریک ایام مبارک دهه فجر به ارائه گزارشی از فعالیت‌های این معاونت پرداخت. □

« مراسم بزرگداشت چهل و یکمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی با حضور حجت الاسلام والمسلمین معزی، نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر در موسسه علمی-کاربردی جمعیت هلال احمر برگزار شد.

ایشان در این مراسم ضمن گرامیداشت یوم الله ۲۲ بهمن، سالروز پیروزی انقلاب اسلامی را روز آزادی انسان از بند استبداد نامید و افزود: در این روز، ملت ایران از چنگال استبداد و سلطه مستبدین و دیکتاتور‌ها رهایی یافت.

وی انقلاب اسلامی را روز پیروزی یک ملت با فرهنگ غنی از چنگ جور و استبداد دانست و افزود: یکی از ویژگی‌های انقلاب ما این است که هیچ نیروی خارجی در شکل‌گیری و پیروزی آن نقشی نداشته است. انقلاب اسلامی ایران نمونه‌ای بی‌بدیل است که بدون دخالت نیروهای بیگانه و تنها با پشتکار و همت ملت خود شکل گرفته است.

نماینده رهبر معظم انقلاب در ادامه با اشاره به ظلم و جور حکومت پهلوی، افزود: در آن دوران هیچ فردی نمی‌توانست آزادانه عقیده و اندیشه خود را مطرح کند. مردم تحت سلطه نظام جور و زورگویی بوده‌اند که هیچ حس تعلقی به ایران اسلامی نداشت.

حجت الاسلام والمسلمین معزی در ادامه یکی از دلایل مهم پیروزی ملت ایران را صبر و مقاومت مطرح کرد و افزود: مقاومت و ایستادگی رمز پیروزی ملت ایران است. وی در ادامه با اشاره به هشت سال جنگ تحمیلی و رشادت، ایمان و شجاعت رزمندگان اسلام و خانواده‌های شهدای گرانقدر ادامه داد: صبر و شکیبایی خانواده‌های معظم شهدا برای آحاد مختلف مردم یک الگو و درس بزرگ است که در برابر تمامی توطئه‌های دشمنان علیه این کشور ایستادگی و در تداوم خون مطهر شهدا از آرمان‌های نظام اسلامی و رهبری دفاع کرده‌اند. نماینده رهبر معظم انقلاب در جمعیت هلال احمر با تأکید بر ابعاد بین‌المللی گفتمان انقلاب اسلامی ادامه داد: امروز گفتمان انقلاب اسلامی تنها محدود به سوریه، لبنان و یمن نیست، بلکه این گفتمان فراتر از این محدوده‌های جغرافیایی است. در نتیجه تلاش‌ها و مجاهدت‌های شهیدان گرانقدر از جمله سردار سلیمانی و با نابودی داعش امروز گفتمان مقاومت به قلب اروپا نیز رسیده است.

وی با اشاره به توطئه‌ها و دشمنی آمریکا با مردم ایران، بیان کرد: از ابتدای پیروزی انقلاب



دفتر نمایندگی ولی فقیه  
در جمعیت هلال احمر  
استان خراسان رضوی برگزار کرد

## مسابقه کتابخوانی و میهمانی لاله‌ها

« دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان خراسان رضوی به مناسبت چهل و یکمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی اقدام به برگزاری مسابقه کتابخوانی تحت عنوان دهه فجر سال ۹۸ (سال رونق تولید) نمود. این مسابقه شامل ۴۱ سؤال از دو کتاب «ایران ۲۰» و «بیانیه گام دوم انقلاب» بود و کارکنان جمعیت هلال احمر در استان خراسان رضوی تا ۲۲ بهمن ماه فرصت داشتند پاسخنامه‌ها را به دفتر نمایندگی ولی فقیه تحویل دهند. در پایان به تعداد ۴۱ نفر از شرکت کنندگانی که حائز بیشترین امتیاز بودند، به قید قرعه جوایزی به رسم یادبود اهدا شد.

همچنین به مناسبت ایام الله دهه فجر انقلاب اسلامی، جمعی از مدیران، معاونین و کارکنان جمعیت هلال احمر مشهد مقدس و ستاد استان خراسان رضوی در بهشت رضادر مراسم «میهمانی لاله‌ها» حضور یافتند. در این مراسم معنوی و باشکوه، ضمن گرامیداشت یاد و خاطره شهدای انقلاب، دفاع مقدس و مدافع حرم، قبور مطهر شهدا با شاخه‌های گل، گل افشانی و با گلاب محمدی عطر افشانی شد. □



نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر:

## انقلاب اسلامی ایران ثمره تغییر نگرش‌ها بود

« نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر گفت: با شعار تنها نمی‌توان در یک جامعه تحول ایجاد کرد، انقلاب اسلامی ایران ثمره تغییر نگرش‌ها بود. سرنوشت همه کشورها و ملت‌ها در دست خود آنهاست و تنها باید به خدا توکل کنند و در مسیر خدایی پیش قدم باشند.

حجت الاسلام والمسلمین معزی در مراسمی که به مناسبت چهل و یکمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی در نمازخانه ساختمان صلح برگزار شد، افزود: امام خمینی (ره) نماد توکل، ایثار، شجاعت و صبر بود و همین توکل به خدا و صبر در برابر مشکلات باعث شد، سراسر جهان، انقلاب اسلامی ایران را با نام امام خمینی (ره) بشناسند.

وی با اشاره به رشادت‌های رزمندگان در هشت سال دفاع مقدس گفت: مبارزه هزینه‌براست، ما در ۸ سال دفاع مقدس شهدای زیادی را تقدیم انقلاب کردیم، این مسیر همچنان ادامه دارد. نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر در ادامه سخنان خود افزود: اعضای جمعیت هلال احمر در چهل و یکمین سالگرد انقلاب اسلامی همچنان در عرصه ایثار باقی می‌مانند و تلاش خود را برای تحقق بیانیه گام دوم انجام خواهند داد.

حجت الاسلام والمسلمین معزی با اشاره به تشکیل ستاد دهه فجر در جمعیت هلال احمر، گفت: جمعیت هلال احمر نیز مانند اتحاد ملت ایران با برگزاری برنامه‌های متنوع، دهه فجر را گرمی می‌دارد و امدادگران، نجاتگران و کارمندان ستاد با حضور در حرم بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران با آرمان‌های امام راحل تجدید میثاق می‌کنند.

وی با تأکید بر این موضوع که نهضت امام خمینی (ره) از مهر سال ۱۳۳۱ آغاز شد، افزود: امام خمینی (ره) پس از تصویب «کاپتولاسیون» در شرایطی که حقیقان ایران را در بر گرفته بود به این مسئله اعتراض کرد و در آن شرایط به خارج از ایران تبعید شد.

نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر گفت: در آن زمان بسیاری تصور می‌کردند اعتراض و مقاومت تأثیری ندارد و کسی نمی‌تواند حکومت ۲ هزار و ۵۰۰ سال شاهنشاهی را که با نظارت و حمایت آمریکا اعمال قدرت می‌کند تغییر دهد.

حجت الاسلام والمسلمین معزی افزود: واقعیت‌های تاریخی دوره پهلوی که در خاطرات رجال این دوره منتشر شده است بیانگر شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی آن زمان است نشان می‌دهد حتی افزایش و یا کاهش یک سنت قیمت نفت و هرگونه تغییری در سطح مدیران کشور نیز باید با اجازه آمریکا و انگلیس انجام می‌شد. در دوران انقلاب اسلامی افراد زیادی به انقلاب پیوستند و یا مسیر خود را از انقلاب جدا کردند؛ اما امام خمینی (ره) همیشه امیدواری می‌دادند و قسم یاد کردند که در طول عمر خود تاکنون وحشت به دل راه نداده‌اند و تنها به خدا توکل کرده‌اند.

وی افزود: با ورود امام خمینی (ره) به ایران بزرگترین استقبال تاریخ رقم خورد و جمعیتی میلیونی برای استقبال امام به تهران آمده بود که این نشان دهنده خدایی بودن راه و اهداف او بود. امام خمینی در مقابل رژیم ایستاد که از حمایت‌های آمریکا و انگلیس برخوردار بود. آمریکا در آن زمان ابر قدرتی بود که هنوز ایهت خود را از دست نداده بود. در این شرایط بود که صدای راستین انقلاب در ایران فراگیر شد. □



حجت الاسلام والمسلمین معزی:

## ایران در مسیر پیشرفت محکم‌تر از گذشته قدم خواهد برداشت

پیشرفت در زمینه‌های علمی، اقتصادی و سیاسی به یاری خداوند محکم‌تر از گذشته قدم خواهد برداشت.

وی در بخش دیگر سخنان خود با اشاره به رشادت و قهرمانی‌های رزمندگان در هشت سال دفاع مقدس گفت: مبارزه هزینه‌بر است، ما در هشت سال دفاع مقدس شهدای زیادی را تقدیم انقلاب کردیم، این مسیر همچنان ادامه دارد.

وی در ادامه از شهید قاسم سلیمانی به عنوان قهرمان بزرگ ایران اسلامی یاد کرد و افزود: انقلابی بودن هزینه دارد، سختی دارد. در این راه هوشیاری ملت در برابر رنج‌ها، توطئه‌ها و دسیسه‌ها اهمیت بسیاری دارد.

نماینده رهبر معظم انقلاب در ادامه به مسئله فلسطین و موضوع مقاومت اشاره کرد و افزود: با خیانت بزرگ تاریخ می‌خواهند معامله قرن برپا کنند؛ یقین بدانید معامله قرن با شکست روبرو خواهد شد.

نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر در پایان به اهمیت اتحاد و یکپارچه‌گی در جمعیت هلال احمر نیز اشاره کرد و افزود: جمعیت هلال احمر باید مسیر خود را همچون گذشته در جهت یاری‌رسانی به محرومان ادامه دهد و از هرگونه اختلاف و تفرقه پرهیز کند. در پایان این مراسم از سعید نادری قهرمان پاورلیفتینگ جهان که مدال خود را به خانواده شهدای انقلاب تقدیم کرده بود، تقدیر شد. □

« مراسم بزرگداشت چهل و یکمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی با حضور حجت الاسلام والمسلمین معزی نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر در سالن اجتماعات معاونت توانبخشی برگزار شد.

وی در این مراسم با تبریک ایام خجسته دهه مبارک فجر، پیروزی انقلاب اسلامی را حاصل اراده تمام آحاد ملت ایران دانست و گفت: ملت ایران هرگز فراموش نخواهد کرد روزی را که از جنگ استعمار و استکبار جهانی رهایی یافت. این ملت در طول این سال‌ها نشان داده است که شایستگی این آزادی و رهایی را داشته است.

نماینده رهبر معظم انقلاب در ادامه با اشاره به وابستگی حکومت پهلوی به نظام جنایت‌کار آمریکا افزود: در آن دوران برای جهانیان قابل تصور نبود که ملت ایران این میزان توان را برای برپایی قیام و پیروزی علیه استبداد جهانی داشته باشد.

حجت الاسلام والمسلمین معزی یکی از دلایل مهم این پیروزی را یکپارچگی ملت ایران در راه مبارزه دانست و افزود: در این راه تمام آحاد ملت ایران از جمله دانشگاہیان، بازاریان، روستاییان، شهری‌ها و زنان حاضر بوده‌اند. وی در ادامه به جمله مشهور «من انقلابی‌ام» از بیانات مقام معظم رهبری اشاره کرد و افزود: حقیقت این است در راه پیروزی انقلاب اسلامی همه انقلابی بوده‌اند. در روز تاریخی ۲۲ بهمن آن کاخ ستم شاهنشاهی فرو ریخت، ایران استقلال و آزادی خود را پیدا کرد و مردم ایران با حضور در صحنه، سرنوشت خود را رقم زدند.

نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر در ادامه با اشاره به نقش و رهبری امام خمینی (ره) بیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران گفت: امام (ره) رهبری عارف و خداشناس بود که با هدف اعتلای اسلام و ایران، حکومت اسلامی برپا کرد.

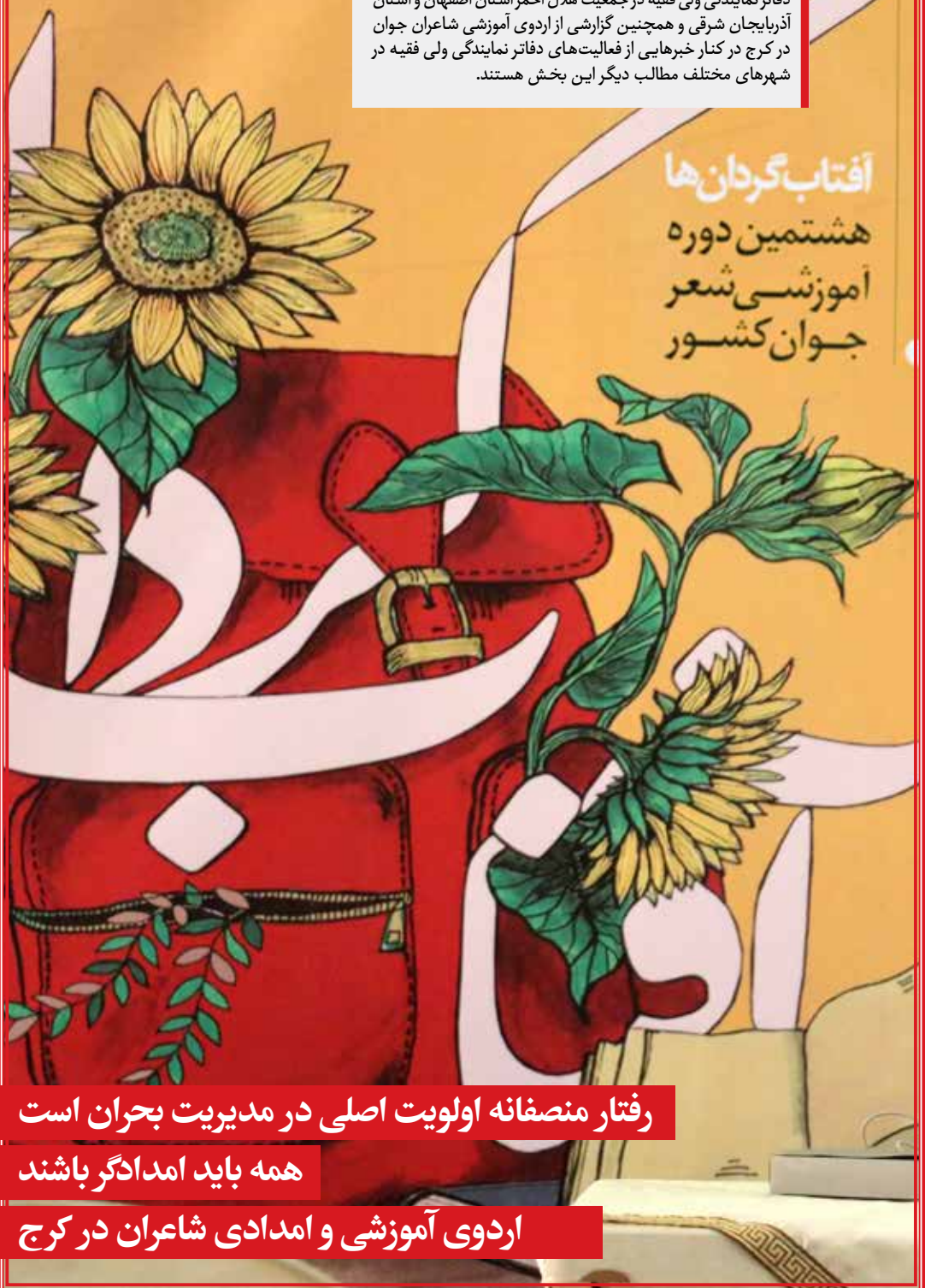
حجت الاسلام والمسلمین معزی با اشاره به اینکه گام دوم انقلاب آغاز شده است، افزود: ملت ایران در چهل و یکمین سالگرد انقلاب اسلامی همچنان در عرصه تلاش و مقاومت باقی می‌ماند و برای تحقق و اجرایی کردن بیانیه گام دوم تلاش خواهند کرد. این ملت در مسیر





در چند ماه گذشته حوزه نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر نشست‌های علمی و تخصصی با موضوعات مرتبط با حوزه امداد و یاریگری برگزار کرده است. در این بخش گزارش نشست‌های «چالش‌های اخلاقی درمانگری در بحران‌ها» و «نجات و یاری‌گری در اندیشه و آثار امام خمینی(ره)» را خواهیم خواند. گفتگو با مسئولان دفاتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان اصفهان و استان آذربایجان شرقی و همچنین گزارشی از اردوی آموزشی شاعران جوان در کرج در کنار خبرهایی از فعالیت‌های دفاتر نمایندگی ولی فقیه در شهرهای مختلف مطالب دیگر این بخش هستند.

## « هلال



**رفتار منصفانه اولویت اصلی در مدیریت بحران است**

**همه باید امدادگر باشند**

**اردوی آموزشی و امدادی شاعران در کرج**

اخلاق عمومی یا همان اخلاق در نگاه عرف، تأکید برای این است که شما باید در هر کنش و رفتاری صادق باشید.»

### ❏ **ضرورت حفظ اخلاق در بلایا**

سخنران نشست چالش‌های اخلاقی درمانگری در بحران‌ها در بخش دیگری از سخنان خود به شباهت‌ها و تفاوت‌های مفاهیم اخلاق در عرصه‌های مختلف پزشکی اشاره دارد و می‌گوید: «در حوزه اخلاق پزشکی چهار اصل شاخص داریم، حوزه‌های دیگر مانند نهضت صلیب سرخ هم اصول اخلاقی خود را دارند؛ یعنی این مفهوم دربرگیری و بسط وسیعی دارد.» او با بیان اینکه اخلاق در بلایا هم یکی از همین حوزه‌های مفهومی است، ادامه می‌دهد: «رعایت اخلاق در بلایا ضرورت بسیاری دارد، دلیل این ضرورت هم روشن است ما در بلایا با شرایط عادی و پایداری روبه‌رو نیستیم.» او در ادامه به ذکر مصداق‌هایی از چالش‌ها و موانع‌های شکل‌گرفته در بحران‌ها می‌پردازد: «تأخیر در امداد رسانی و کمبود منابع تجهیزات از جمله همین موانع و چالش‌ها هستند.»

### ❏ **جامعیت در اخلاق پزشکی**

جامعیت در اخلاق پزشکی موضوع دیگری است که حاجی بر آن تأکید دارد. او با بیان اینکه موضوع اخلاق پزشکی شامل تمام افرادی می‌شود که در حرفه‌های پزشکی، بهداشت و سلامت مشارکت دارند، می‌گوید: «اخلاق پزشکی به دنبال دستورالعملی برای مراقبت از بیماران در جهت منافع گیرندگان خدمت است، مجموعه‌ای از امداد و نجات تا گروه‌های باز توانی و تمام گروه‌ها و اقشار دیگر که در این رشته و زنجیره خدمت حضور دارند و به اصطلاح مخاطبان این موضوع هستند و جزیی از مجموعه مخاطبان اخلاق پزشکی محسوب می‌شوند.»

### ❏ **اصول مدار باشیم**

تعریف اخلاق در عرصه درمانگری در بحران‌ها موضوع دیگری بود که در این نشست به آن اشاره شد، این پژوهشگر اخلاق پزشکی درباره این موضوع می‌گوید: «یاری‌سان باید اصولی را در شرایط بحران رعایت کند، این اصول همان اخلاق پزشکی در بحران‌هاست. فراموش نکنیم ما با افرادی در بحران روبه‌رو هستیم که پیش از این به اصطلاح یک نان‌آور محسوب می‌شدند، در شرایط عادی برخی از این افراد حامی و یاری‌رسان آدم‌های دیگر بوده‌اند.»

### ❏ **چهار اصل، چهار حق**

خود آیینی، سودرسانی، ضرر نرساندن و عدالت چهار اصلی است که در اخلاق پزشکی به آن اشاره می‌شود، موضوعی که سخنران نشست نیز به آن اشاره دارد و در این باره می‌گوید: «شاید عده‌ای بر این چهار اصل مرتبه و اولویت بندی داشته باشند، اما من معتقد به رتبه بندی نیستم، این اصول تقدم و تأخر ندارد؛ به طور مثال بحث استقلال بیمار در کشورهای غربی از اولویت بالایی برخوردار



نشست علمی «چالش‌های اخلاقی درمانگری در بحران‌ها» برپا شد

## مرنج و مرنجان!

❏ **حسام خراسانی**

در نشست علمی- تخصصی «چالش‌های اخلاقی درمانگری در بحران‌ها» با ارائه و سخنرانی علی حاجی، محقق و پژوهشگر اخلاق پزشکی مباحثی مانند نحوه اخلاقی ارائه خدمات به آسیب‌دیدگان و متأثران از بلایا و واکاوی نقش و تأثیرگذاری افراد و سازمان‌های امداد رسان در بحران‌ها بررسی و تحلیل شد. علی حاجی در این نشست ضمن تعریف از اخلاق در حوزه درمانگری به واکاوی «چالش‌های اخلاقی درمانگری در بحران‌ها» پرداخت. این نشست با همکاری حوزه نمایندگی ولی فقیه و معاونت آموزش جمعیت هلال احمر برگزار شد. آنچه در ادامه می‌آید، گزارش «شهروند» از این نشست علمی- تخصصی است. ■

علی حاجی محقق و پژوهشگر اخلاق پزشکی مفهوم اخلاقی پزشکی به مسأله اخلاق مدرن در دوران پس از نسانس اشاره دارد و این چالش را مطرح می‌کند که آیا اخلاق می‌تواند خلل‌های معنوی در این عصر را برطرف کند یا خیر؟ به اعتقاد سخنران اخلاق در دنیای کنونی رنگ و بوی خاصی گرفته و ابعاد آن بسیار گسترده‌تر از گذشته شده است. وی مفهوم اخلاقی پزشکی را نیز از جمله همین مفاهیم می‌داند که ابعاد بسیار وسیع و عمیقی در جهان کنونی دارد. حاجی با اشاره به اخلاق حرفه‌ای و عمومی به بررسی ابعاد متعدد اخلاق پزشکی می‌پردازد: «به طور مثال عرض می‌کنم شما در محل کار موظف به رعایت صداقت هستید، این برگرفته از اخلاق حرفه‌ای است، اما در بعد دیگر اخلاق یعنی

بخش می گوید: « بهره گیری خدمات توسط یاری رسان در بلایا از جمله مصداق ها و موانع دیگر است. فردی که برای یاری رسانی به محل حادثه می رود، بایستی مایحتاج خود را حداقل برای ۴۸ ساعت به همراه داشته باشد. ما به عنوان یاری رسان حق نداریم در دریافت خدمات با آسیب دیدگان شریک بشویم. » او در مورد مسأله تأخیر در روند امداد رسانی نیز می گوید: « در فرآیند زمان ارائه خدمات در امداد رسانی، تنها نبایستی مؤلفه امدادگر را مدنظر قرار داد، امکانات حمل و نقلی ما، جاده، موقعیت جغرافیایی بیمارستان ها از جمله این موارد است که باید مورد توجه قرار بگیرد. »

#### اهمیت آموزش های تخصصی

این پژوهشگر حوزه درمان در ادامه با اشاره به فعالیت مثبت در چندسال اخیر در زمینه مهارت های عمومی و تخصصی در حوزه بلایا می گوید: « اما هنوز یکی دیگر از چالش های ما در زمینه اخلاق پزشکی، آموزش است؛ به طور مثال عرض می کنم ما پس از پاکستان دارای بیشترین قطع نخاعی در زلزله هستیم، چرا؟ این دو پاسخ بیشتر ندارد؛ یا ما نجاتگران خوبی نیستیم یا در پروسه نجات آموزش لازم را ندیده ایم. » تمام دانشجویان مرتبط با این حوزه بایستی آموزش های لازم را در مواقع بحران ببینند. این توصیه سخنران نشست برای حل این معضلات است. او در این باره می گوید: « ما نباید تنها متمرکز به آموزش های عمومی برای داوطلبان باشیم، نیروهای تخصصی نیز باید به طور مداوم آموزش های به روز را دریافت کنند. » رفتار ناصحیح از لحاظ فعالیت مثبت روحی- روانی، انتقاد دیگر علی خاجی در این نشست است.

#### آسیب دیده و یاری رسان در یک قاب

او در این زمینه معتقد است که باید با حفظ کرامت فرد آسیب دیده از هر اظهار نظری که باعث رنجش خاطر او شود، پرهیز کرد. پوشش افراد یاری رسان در بلایا موضوع دیگر اخلاقی است که در این نشست مطرح شد. سخنران این نشست با اشاره به فقر شکل گرفته در مناطق آسیب دیده می گوید: « نباید افراد با پوشش متفاوت و تجمل گونه در حادثه حضور داشته باشند. او در تکمیل سخنان خود در این بخش می گوید: « در مراکز که افراد از لحاظ روحی آسیب دیده اند، اخلاقی نیست که مکرر بخندیم. من این موضوع را درک می کنم که میزان نیرو و کادر درمانی در اورژانس کم است، اما باید حال بیمار و همراه بیمار را نیز مدنظر قرار داد. »

#### اهمیت پیشگیری

در آخرین بخش از نشست علمی- تخصصی « چالش های اخلاقی درمانگری در بحران ها، به مسأله اهمیت پیشگیری پرداخته شد. علی خاجی می گوید: « آماده سازی دو گام دارد؛ پیشگیری و پاسخگویی، به این دو موضوع در کشور باید بیشتر بپردازیم. کشور ما با سوانح بلایای مختلفی روبه روست و باید برنامه ریزی لازم بیشتر و بهتر صورت گیرد. »

سلسله نشست های امداد و اخلاق (نشست چهارم)

چالش های اخلاقی درمانگری در بحران ها

دکتر علی خاجی

محقق و پژوهشگر اخلاق پزشکی

زمان: ۱۵ دی ماه ۹۸

مکان: کنسرت ارمانت، صبح

نشانی: خیابان ولیعصر، پلازا سردارماه، خیابان رشید یاسمی، سالن توانبخشی



هنوز یکی دیگر از چالش های ما در زمینه اخلاق پزشکی، آموزش است؛ به طور مثال عرض می کنم ما پس از پاکستان دارای بیشترین قطع نخاعی در زلزله هستیم، چرا؟ این دو پاسخ بیشتر ندارد؛ یا ما نجاتگران خوبی نیستیم یا در پروسه نجات آموزش لازم را ندیده ایم

است. این اصل یا همان اصل خودآیینی بر استقلال بیمار تأکید دارد. برای ارائه خدمات دارویی- درمانی باید اراده بیمار در نظر گرفته شود، ما نمی توانیم بر خلاف اراده بیمار رفتار کنیم. » عدالت دومین اصلی است که خاجی به آن اشاره دارد. او در تشریح این اصل می گوید: « ساده ترین تعبیر از این اصل این است که برای ارائه خدمات به بیماران تبعیضی قائل نشویم. یکی از نقدهایی که به طرح تحول سلامت وارد بود و پاشنه آشیل این طرح به شمار می آمد، همین بحث عدالت بود. در این طرح پرسیده نشده که به چه قشر و چرا خدمت ارائه می شود؟ منابع از کجا تأمین می شود؟ چه کسی سود می برد؟ و چرا بایستی این طرح انجام شود؟ » سودرسانی نیز یکی از اصول مشخص در چهار اصل اخلاقی پزشکی است. او درباره این اصل نیز می گوید: « سودرسانی مرحله ای پس از مهار آسیب است؛ نگاه و تمرکز ما در بلایا باید اصل ضرر نرساندن باشد و در مرحله بعد سودرسانی. »

#### ضرر رسانی ممنوع!

ضرر نرساندن، چهارمین اصلی است که سخنران به آن اشاره دارد. به اعتقاد علی خاجی با توجه به ماهیت بلایا این اصل مهم ترین اصل اخلاقی است، که باید رعایت شود. این پژوهشگر معتقد است که در بلایا به اشکال و مصادیق مختلف می توان به افراد حادثه دیده آسیب زد. تأخیر در خدمت رسانی، عدم آموزش و مهارت لازم فرد کمک رسان، بحث های روحی- روانی از جمله مواردی است که در این نشست به عنوان چالش های اصل اخلاقی پیش روی درمانگری مطرح شد. او در تکمیل سخنان خود در این



یا به تعبیری خودکارسازی اداری می‌داند و معتقد است مدیر بحران نباید فردی متکی به ابزارها و سیستم‌های مکانیزه باشد. او می‌گوید: «یکی از مسائلی که باید در مدیریت بحران به آن توجه کرد، استحکام روحی و روانی افراد است، این یک اصل است که در فرآیند مدیران بحران، فرد مدیر باید در هر شرایطی محکم رفتار کند.»

#### ❏ رفتار منصفانه

در بخش دیگر نشست علمی-تخصصی «تجربه‌نگاری امدادگری در بحران» به مسأله اهمیت منصف‌گرایی در فرآیند مدیریت بحران پرداخته شد. رستمی «نبود انصاف مداری» را خلل اصلی در مدیریت بحران عنوان می‌کند و می‌افزاید: «براساس آنچه از تجربیات میدانی در حوادث مختلف دریافت کرده‌ام، احساس می‌کنم خلل اصلی در این بخش منصف‌گرایی است.» این کارشناس مدیریت بحران در ادامه به تعریف لغوی اخلاق می‌پردازد: «اخلاق مجموعه اصول و هنجارهای ارزشی است که رفتار انسان با آن داوری و قضاوت می‌شود.» او ادامه می‌دهد: «البته این مفهوم و تعریف رانه در تئوری‌ها که باید در آثار و رفتارهای انسانی یافت و واکاوی کرد، به همین علت است که همواره تاکید شده، اخلاق نیازمند عمل انسان است.»

#### ❏ چند برداشت از مفهوم اخلاق

تفاوت میان بحران‌ها در ایران و کشورهای اروپایی-آمریکایی موضوع دیگری است که در این نشست تخصصی مورد واکاوی قرار گرفت. به اعتقاد سخنران نشست با توجه به تفاوت‌های جغرافیایی و فرهنگی

در نشست «تجربه‌نگاری امدادگری در بحران» عنوان شد

## رفتار منصفانه اولویت اصلی در مدیریت بحران است

نشست علمی-تخصصی «تجربه‌نگاری امدادگری در بحران» با محور اصلی «جایگاه اخلاق در مدیریت بحران» از سوی حوزه نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر برگزار شد. «ظاهر رستمی»، متخصص مدیریت بحران و مدیرعامل شرکت نساجی جمعیت هلال احمر در این نشست به مباحثی همچون موانع اخلاقی در تحقق کنش داوطلبانه، نحوه اخلاقی ارائه خدمات به آسیب‌دیدگان و متأثران از بلایا و واکاوی مؤلفه اخلاق در فرآیند مدیریت بحران در سازمان‌های امداد رسانی پرداخت. همچنین تأثیر حوزه قانون‌گذاری و فرهنگ نیز در تحقق این امر بررسی و تحلیل شد. ظاهر رستمی در این نشست با ذکر پرسشی که منصف‌گرایی یا قانون‌مداری، کدام یک در بحران مقدم‌تر هستند؟ به رابطه میان میدان عملیات و قانون‌گذاری اشاره دارد. ■

به گزارش روابط عمومی شرکت صنایع نساجی هلال ایران، «ظاهر رستمی» در بخش نخست سخنان خود به بررسی چالش‌های اخلاقی در فرآیند مدیریت بحران می‌پردازد. او یکی از چالش‌ها در این عرصه را وابستگی انسان مدرن به سیستم‌های مکانیزه

تعریف کرده است. در فرآیند مدیریت بحران نیز ما چنین تابوهایی داریم که باید رعایت شود.»

❑ **مدیریت منصف‌گرایا مدیری قانون‌مدار؟**

«بحران می‌تواند از ساختار اصلی شروع شود و به صف برسد.» این گزاره آغاز بحث دیگر در این نشست علمی-تخصصی بود. بحث و مسأله‌ای که به این موضوع می‌پردازد که مدیر منصف‌گر بهتر است یا مدیر قانون‌مدار؟ سخنران نخست با انتقاد از برخی قوانین در حوزه مدیریت بحران می‌گوید: «برخی از قوانین از سال ۱۳۴۱ تاکنون اصلاح نشده است، مجلس باید به عنوان نهاد قانون‌گذار در این مسأله ورود داشته باشد.» او در بخش دیگر از سخنان خود به استقلال یک مدیر بحران اشاره دارد و ادامه می‌دهد: «بسیاری از برنامه‌ریزی‌ها باید در حین عملیات صورت گیرد، یعنی افراد نباید قدرت و اختیارات خود را محدود کنند؛ منصف‌گرایی اولویت اصلی ما در مدیریت بحران است.»

❑ **زمان طلایی راز دست‌ندیم**

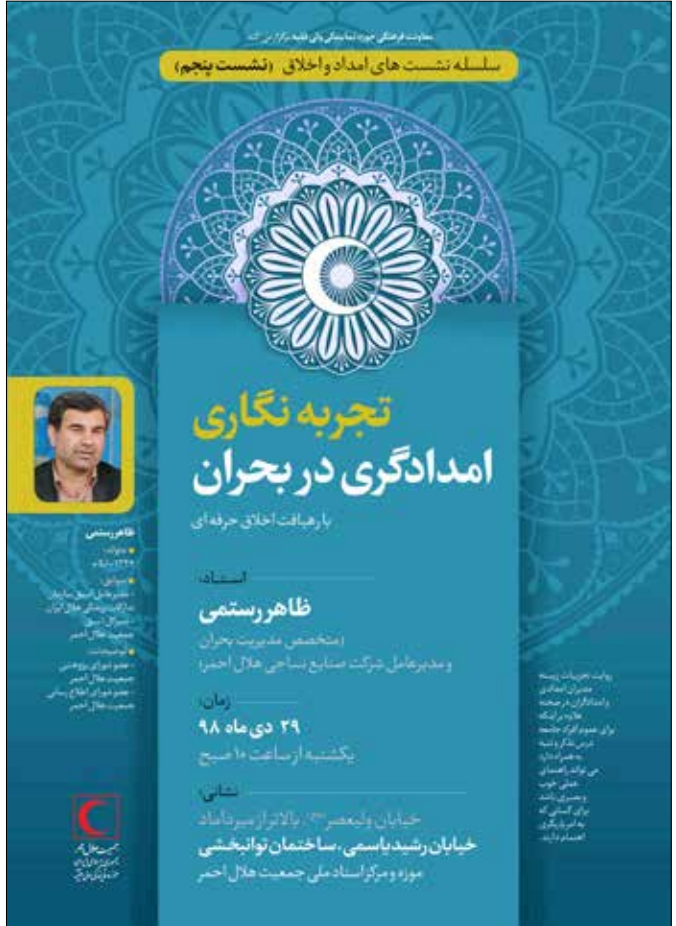
امدادرسانی در زمان طلایی یکی دیگر از موضوع‌های مطرح شده در این نشست علمی-تخصصی است. رستمی در این مورد به سیل ۱۳۸۹ در پاکستان اشاره می‌کند: «در ۲۰ روز نخست در زلزله پاکستان، ما دو مرتبه بازدید هوایی از شهر کراچی پاکستان داشتیم؛ وضع اسفناک بود.» او در تکمیل بخشی از سخنان خود به دیدار بار رئیس جمعیت پاکستان اشاره کرد و گفت: «چرایی این اسفناک بودن را پس از ۲۰ روز فهمیدم، زمانی که با مسئولان هلال احمر پاکستان دیدار کردم و متوجه شدم تا آن زمان آنها بازدیدی از میزان خسارت نداشتند و زمان راز دست داده بودند.»

❑ **چند پرسش انتقادی**

منش مهربانی، دوری از نگاه اقتصادی و سودمحوری از جمله نکات دیگری است که در این نشست به آن پرداخته شد. مردم؛ سرمایه اجتماعی، تعبیر دیگری است که سخنران به آن اشاره می‌کند و به انتقاد از برخی بی‌اخلاقی‌ها در کشور می‌پردازد. او در این بخش پرسش‌های گلابه‌آمیز را مطرح می‌کند. چرا ساختمانی که سال ۹۵ ساخته شد، چند ماه بعد ریزش داشت؟ مگر نظام مهندسی مالگویی اخلاقی ندارد؟ چرا باید بیمارستان در حادثه آسیب ببیند؟ به نگاه سخنران علت این پرسش‌ها شبیخون‌های اخلاقی است که جامعه ما بآنان درگیر شده است.

❑ **فریاد: آزاد**

اخلاق جنبه ظاهری و باطنی دارد. این تقسیم‌بندی دیگری است که رستمی به آن اشاره دارد. او با بیان اینکه فرآیند مدیریت بحران باید دارای جنبه‌های باطنی اخلاق باشد، ادامه می‌دهد: «فرد حادثه‌دیده نباید لکنت زبان داشته باشد و باید جرأت حرف زدن و مطالبه‌گری داشته باشد، این جرأت را یاری‌رسان به او می‌دهد.» او در ادامه



مردم؛ سرمایه اجتماعی، تعبیر دیگری است که سخنران به آن اشاره می‌کند و به انتقاد از برخی بی‌اخلاقی‌ها در کشور می‌پردازد و پرسش‌های گلابه‌آمیز را مطرح می‌کند. چرا ساختمانی که سال ۹۵ ساخته شد، چند ماه بعد ریزش داشت؟ مگر نظام مهندسی مالگویی اخلاقی ندارد؟

نحوه مدیریت بحران در کشور نیز باید متفاوت با پروتکل‌ها و قوانین تعریف شده در این کشورها باشد. او با اشاره به اهمیت بررسی تجربیات میدانی همسو با مباحث آکادمیک می‌گوید: «به تجربه نگاری‌های میدانی در کشور ما کمتر توجه شده است.» رستمی درباره تفاوت میان برخی از مفاهیم اخلاقی توضیح می‌دهد: «ما پشتیبان دینی و فرهنگی بسیار غنی در حوزه اخلاق داریم، قرآن کریم یکی از گوهر بارترین منابع در زمینه اخلاق است، اما متأسفانه این منابع را تبدیل به تکنیک‌ها و متدهای اخلاقی نکرده‌ایم.»

❑ **پایبندی به حقوق شهروندی**

بخش دیگر سخنران رستمی با اشاره به این جمله گاندی آغاز شد: «آنچه ما را به ناپودی خواهد کشاند از این قرار است؛ سیاست بدون شرافت، لذت بدون وجدان، علم بدون شخصیت و تجارت بدون اخلاق.» او در ادامه پایبندی به حقوق شهروندی را مؤلفه دیگر اخلاق امدادگری عنوان و بیان می‌کند: «اصل مهم در امدادگری ساده‌زیستی و منصف‌گرایی در برابر افراد حادثه‌دیده است. امدادگر باید به علم اخلاق آگاه باشد، حاشیه ما را از اخلاق دور می‌کند، نباید درگیر حاشیه‌سازی شویم.» او در ادامه اخلاق را به دو بخش اخلاق عمومی و حرفه‌ای تقسیم می‌کند و می‌گوید: «اخلاق حرفه‌ای مثل اخلاق در صنف پزشکیان، روحانیت، مددکاران و... است.» او در تکمیل سخنران خود در این بخش می‌افزاید: «به طور مثال عرض می‌کنم، یک روحانی به خود اجازه نمی‌دهد رفتاری خلاف عرف داشته باشد. چرا؟ چون برای خود تابوهایی اخلاقی

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه  
در هلال احمر کرمانشاه:

## برنامه ریزی برای قشر جوان محور برنامه های ما است

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر استان کرمانشاه از برنامه ریزی مدون برای اجرای برنامه های فرهنگی هلال احمر استان و همچنین برگزاری کلاس های آموزش های امداد و کمک های اولیه برای همه مدارس و حوزه های علمیه استان خبر داد.



حجت الاسلام والمسلمین حسن آبادی در گفتگو با پایگاه اطلاع رسانی حوزه نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر استان کرمانشاه با تأکید بر پررنگ بودن فعالیت های فرهنگی جمعیت هلال احمر استان کرمانشاه در طول سال و حضوری مؤثر در مناسبات فرهنگی استان، این نهاد خیریه را شاخص سایر دستگاه های اجرایی در این خصوص دانست و گفت: این مسئله همواره از سوی مسئولین استان عنوان و تأکید شده است.

افتتاح یادمان دفاع مقدس و اطاق شهدا اولین مبحثی بود که مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر کرمانشاه به آن اشاره کرد و گفت: این اتاق علاوه بر آنکه به حفظ و نگهداری اسناد و مدارک شهیدان امدادگرایان استان می پردازد، فرصتی برای بازخوانی شیوه و سبک زندگی آنان از سوی جوانان عضو این نهاد مردمی نیز فراهم می کند.

حجت الاسلام والمسلمین حسن آبادی ترویج و تقویت فرهنگ کتابخوانی را به عنوان دومین نکته فعالیت های فرهنگی دفتر نمایندگی عنوان کرد و افزود: به منظور صرفه جویی در هزینه های خرید و چاپ کتاب و همچنین تغییر نگرش جامعه در نحوه مطالعه افراد که اکنون بیشتر الکترونیکی شده است، ما مسابقات کتابخوانی به منظور ترویج اهمیت مطالعه را به صورت الکترونیکی در هلال احمر استان انجام می دهیم.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در استان کرمانشاه با اشاره به فعالیت ۲ ساله خود در این حوزه به وجود ۱۵ شعبه هلال احمر در استان کرمانشاه اشاره کرد و افزود: تا سال ۹۶ تنها یک نماز جماعت در ستاد برگزار می شد، اما در طول دو سال فعالیت مستمر، این تعداد اکنون بارشده برابری به برپایی ۱۰ نماز جماعت در شعب سراسر استان افزایش یافته است.

وی همچنین به راه اندازی ۱۰ کانون طلاب هلال احمر در مدارس حوزه علمیه استان اشاره کرد. حجت الاسلام والمسلمین حسن آبادی یکی دیگر از راهکارهای پیگیری و روان سازی فعالیت های فرهنگی در سطح شعب استان را انتخاب رابطین فرهنگی مشخص در شعبه هلال احمر دانست و گفت: این رابطین با هماهنگی ائمه جماعات نقش مؤثری در اجرای برنامه های متنوع فرهنگی دارند. مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر کرمانشاه شرکت اعضای هلال احمر در کلاس های درس اخلاق ائمه جمعه شهرستان ها را از جمله فعالیت های برنامه ریزی شده از سوی رابطین فرهنگی و ائمه جماعات شعب دانست و افزود:

یکی از راهکارها را در این زمینه تکریم فرد آسیب دیده عنوان می کند: «ببینید بحث کرامت چه میزان در اسلام تأکید شده، یک موضوع و مسأله پراهمیت است که بارها به آن تأکید شده است. این مصداق به حدی در مبانی فرهنگی ما غنی است که کشورهای دیگر از این موارد فرهنگی در حوزه اخلاقی بهره مند شده اند.»

### مدیر بحران، مدیر ریسک پذیر

ریسک پذیری مدیر مسأله دیگری است که در این نشست به آن پرداخته شد. او در این باره با اشاره به تجربه ای میدانی می گوید: «ترس باید در وجود امدادگر نباشد، در یکی از حادثه ها، شرایط بالگرد مساعد نبود، اما روستایی سه روز بود که گرفتار حادثه شده بود و نیروهای عملیاتی نتوانسته بودند وارد میدان عملیات شوند، در اینجا باید خط هوایی با شهامت وارد عمل می شد.»

اهمیت آموزش یکی دیگر از موضوعاتی است که در این نشست به آن اشاره شد. مسأله شباهت های یک بیمار قندخون با یک بیمار گرفتار فشارخون نکته ای است که سخنران به آن اشاره دارد. او در این باره می گوید: «آموزش های کمک های اولیه باید فراگیر شود، صحیح نیست که در جمعی افراد نتوانند تشخیص دهند فردی دچار افت قند خون شده یا فشار خون.» در ادامه این نشست روایت تجربیات زیسته مدیران امدادی و امدادگران در صحنه مطرح، بررسی و تحلیل خواهد شد. این روایت ها با رهیافت اخلاق حرفه ای علاوه بر اینکه برای عموم افراد جامعه درس تذکر و تنبیه به همراه خواهد داشت، می تواند راهنمای عملی خوب و بصیری باشد برای کسانی که به امریاریگری اهتمام دارند.

### یک الگوی اخلاقی

اهمیت الگوسازی در حوزه اخلاق امدادگری موضوع دیگری است که در نشست علمی-تخصصی تجربه نگاری امدادگری در بحران به آن اشاره شد. رستمی در این بخش به بیان ویژگی های اخلاقی مرحوم بیژن دفتری (پدر امداد و نجات ایران) می پردازد و بیان می کند: «به طور مثال عرض می کنم، مرحوم دفتری همیشه تأکید می کرد که امدادگر باید در بحران جیره و آذوقه غذایی یک هفته ای خود را به همراه داشته باشد.» او در تکمیل صحبت های خود در این بخش افزود: «نکته ای که آقای دفتری بر آن تأکید دارد، همان بحث تاب آوری امدادگران است؛ فردیاری رسان باید بداند چه میزان مشکلات ممکن است در فرایند مدیریت بحران بر او تحمیل شود، نباید این مشکلات او را به هم بریزد و از پیش باید برای آن برنامه ریزی کند.» او در ادامه به ذکر مصداق هایی چون اهمیت مهیا بودن تجهیزات امدادگر در فرایند مدیریت امداد اشاره می کند: «این یک مصداق ساده است، نجاتگر باید همیشه به مسأله سوخت خودرو خود فکر کند، شاید در موقعیت بحرانی شرایط لازم فراهم نباشد.» □



نماینده ولی فقیه در هلال احمر  
در دیدار با خانواده شهید زمانی نیا تاکید کرد

## روحیه مقاومت در نسل جوان ما زنده و پویا است

نماینده رهبر معظم انقلاب در جمعیت هلال احمر با خانواده شهید وحید زمانی نیا از هم‌زمان شهید قاسم سلیمانی دیدار کرد.

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر در چهل و یکمین سالروز پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی، نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر به همراه مشاور رئیس جمعیت هلال احمر در امور ایثارگران، مشاور و مدیرکل حوزه نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر و مدیرعامل جمعیت هلال احمر استان تهران با خانواده شهید وحید زمانی نیا دیدار کرد.

حجت الاسلام والمسلمین معزی با حضور در منزل خانواده شهید وحید زمانی نیا از شهدای مقاومت، روحیه این خانواده شهید را ارزشمند توصیف کرد و گفت: این روحیه نشان می‌دهد که شهید زمانی نیا در یک خانواده متدین، انقلابی و با بصیرت رشد داشته است.

ایشان با بیان اینکه شهیدان مدافع حرم، با درکی صحیح و هدفی خطیر در برابر صهیونیسم بین‌المللی ایستاده‌اند، افزود: شهادت وحید زمانی نیا بیانگر این مهم است که انقلابی‌گری و روحیه مقاومت در نسل جوان ما همچنان زنده و پویا است.

نماینده رهبر معظم انقلاب با تاکید بر اینکه یاد و خاطره آن شهید والا مقام همواره در ذهن‌ها خواهد ماند، افزود: من خوشحالم که در عصر و دورانی زندگی می‌کنم که جوانانی اینچنین متدین و شجاع دارد.

نماینده رهبر معظم انقلاب با اشاره به اینکه جامعه بسیجی کشور امروز در عرصه‌های علمی و فناوری به بهترین شکل درخشیده است، تصریح کرد: از همان روزهای ابتدایی انقلاب تا امروز جوانان مؤمن و انقلابی کشور همچون ۴۱ سال گذشته در فعالیت‌های جهادگونه و عرصه‌های مختلف در جهت عمران و آبادانی کشور، حضوری فعال داشته‌اند.

شهید وحید زمانی نیا متولد سال ۱۳۷۱ و ساکن خیابان ۲۴ متری شهرری بود که به تازگی متأهل شده بود. این شهید بزرگوار پس از اتمام تحصیلات خود در دانشگاه افسری به عضویت سپاه پاسداران درآمد و از سال ۹۲ به مدت سه سال در جبهه سوریه علیه داعشی‌ها و تکفیری‌ها مبارزه کرد. در این دیدار صمیمانه، پدر، مادر، همسر و برادران شهید و وحید زمانی نیا نیز به بیان ویژگی‌ها و خاطره‌هایی از این شهید بزرگوار پرداختند. □

همچنین با توجه به انتشار بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی از سوی مقام معظم رهبری (مدظله العالی) و لزوم اجرای منویات معظم له در جهت پیشبرد اهداف نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، شرایطی برای تبیین و بازخوانی آموزشی این بیانیه ویژه اعضای هلال احمر با همکاری سپاه پاسداران انقلاب اسلامی استان فراهم شده است. وی در ادامه توضیحات خود در خصوص فعالیت‌های فرهنگی دفتر، به همکاری و همراهی اعضای کانون‌های طلاب در برپایی ایستگاه‌های صلواتی و سلامت اشاره کرد و گفت: در همه برنامه‌های میدانی که از سوی هلال احمر استان برگزار می‌شود اعضای طلاب هلال احمر نیز حضور چشمگیر داشته‌اند لیکن باید برای تقویت این مهم بیش از پیش تلاش کنیم.

اتحاد، همدلی و برنامه‌ریزی برای قشر جوان از تاکیداتی بود که مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر کرمانشاه در این مصاحبه به آن اشاره کرد و گفت: در کرمانشاه با همکاری و همراهی همه معاونت‌ها و حوزه‌ها، امروز شاهد فعالیت‌های دائمی دارالقرآن جمعیت هلال احمر این استان نیز به عنوان دیگر برنامه فرهنگی دینی هستیم.

مبحث بعدی این گفتگوی صمیمی اهمیت نقش آموزش در پیشبرد فعالیت‌ها بود. حجت الاسلام والمسلمین حسن آبادی که خود شدیداً به آموزش اعتقاد دارد در این زمینه می‌گوید که تمامی دوره‌های آموزشی را شرکت می‌کند و با پایه پای امدادگران و نجاتگران به فراگیری مباحث امدادی می‌پردازد.

وی به برپایی دوره‌های مقدماتی امداد و کمک‌های اولیه در کلیه مدارس و حوزه‌های علمیه استان اشاره کرد و گفت: این دوره‌ها می‌توانند آمادگی طلاب برای حضور در عرصه‌های خدمت به هم‌نوع را افزایش دهد.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر استان کرمانشاه در همین زمینه حضور اعضا در اردوهای فرهنگی و همایش‌ها را لازم و ضروری دانست و تصریح کرد: این مهم سبب افزایش کارایی و انگیزه در اعضا می‌شود.

حضور در جمع امدادگران و نجاتگران هلال احمر استان از دیگر مواردی بود که حجت الاسلام والمسلمین حسن آبادی در این گفتگو به آن اشاره کرد تا زمینه پیگیری حضوری امورات و مشکلات امدادگران و نجاتگران و حضور در جمع صمیمانه آنان فراهم گردد.

وی در پایان در پاسخ به سوالی مبنی بر اینکه آیا برای حضور فرهنگی در فضای مجازی نیز برنامه دارید، به بیان مقام معظم رهبری در اهمیت این فضای رسانه‌ای اشاره کرد که فرمودند اگر من رهبر نبودم قطعاً مسئولیت فضای مجازی را به عهده می‌گرفتم و ادامه داد: بنابراین باید در این زمینه علاوه بر حضوری مؤثر، کارآمد و هدفمند تلاش کنیم تا از این فضا که غالباً از سوی دشمنان تهدیدی برای جامعه امروز کشور است، فرصتی برای تربیت صحیح نسل جدید بسازیم. □

پرداخته شده است، اما یاری‌گری و دست‌گیری در سیره امام موضوعی است که کمتر درباره آن بحث شده است. امروز ضرورت دارد سیره امام (ره) را در چارچوب صلح‌جویی بررسی و تحلیل کنیم. «از نگاه سخنران، امام خمینی (ره) شخصیت ممتاز تاریخی است که بررسی نگاه او از منظر دیگرخواهی و یاری‌گری می‌تواند به انقلابی فکری در جمعیت هلال احمر منجر شود.»

### همه باید امدادگر باشند

این پژوهشگر اندیشه‌های سیاسی عنوان و محور بحث خود را بررسی یاری‌گری و امداد در سنت و سیره عارفی سیاستمدار عنوان می‌کند. او این بررسی را در دو بُعد گفتارهای بدیهی و گفتارهای تازه و نوامام (ره) ادامه می‌دهد. به اعتقاد سخنران، برخی از گفتارهای امام (ره) در مسأله یاری‌گری گفتارهایی بدیهی است که بیشتر جنبه تذکر دارد. منصورنژاد در تکمیل این موضوع به یک مصداق از گفتار امام (ره) اشاره می‌کند: «اینکه امام می‌گوید همه باید امدادگر باشند»، ظاهری بدیهی دارد. از نگاه امام (ره) امداد عام است و این موضوع به ظاهر امری بدیهی است، اما همین امر بدیهی در جامعه ما فراموش شده است. از نگاه این پژوهشگر سیاسی، به صورت کلی افراد معتقدند همه باید امدادگر باشند، اما در میدان عمل این موضوع را رد می‌کنند. او همین تناقض در عمل و گفتار را نشانه‌ای بر ضرورت بازخوانی اندیشه امام (ره) می‌داند.

او در تکمیل صحبت‌های خود در این بخش می‌گوید: «وقتی در میدان عمل می‌گوییم فلان مجموعه نباید ورود کند، در واقع خلاف اندیشه امام (ره) رفتار کرده‌ایم.»

### اتاق فکر

او در ادامه به ضرورت ورود جدی جمعیت هلال احمر به شناخت اندیشه امام (ره) در مسأله یاری‌گری اشاره می‌کند و می‌افزاید: «هلال احمر باید جدی به این مسأله ورود کند. اتاق فکری در جمعیت هلال احمر تشکیل شود و به این مسأله بپردازد که چگونه می‌توانیم همه افراد جامعه را با امداد درگیر کنیم. اگر سیل آمد، تنها ورزشکار یاری‌رسان علی‌دایی نباشد؛ همه ورزشکاران به میدان بیایند. با فلان مجموعه با قوه قهریه برخورد نکنیم، به یاری‌رسان مدال بدهیم، کاری کنیم تمام انجمن‌های خیریه و هیأت‌های مذهبی هم سوبای جمعیت هلال احمر در بحران مشارکت کنند و نگران مشارکت دیگران نباشیم.» این گزاره بخش دیگری از سخنان منصورنژاد در تکمیل موضوع عام بودن امدادگری است.

### رابطه عرفان و امداد

این مدرس دانشگاه در ادامه به موضوع عرفان در اندیشه امام خمینی (ره) اشاره و این چالش را مطرح می‌کند که آیا تنها فراهم بودن امکانات مادی در فرآیند امداد رسانی کافی است؟ او در این زمینه می‌گوید: «اگر در حادثه‌ای تمام تجهیزات و نیروی انسانی به نحو احسن فراهم شود، آیا



### گزارش نشست تخصصی

«نجات و یاری‌گری در اندیشه و آثار امام خمینی (ره)»

## همه باید امدادگر باشند

نشست علمی-تخصصی «نجات و یاری‌گری در اندیشه و آثار امام خمینی (ره)» با محور اصلی «بررسی جایگاه اخلاق در امدادگری» به همت معاونت فرهنگی و امور آموزشی و پژوهشی حوزه نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر برگزار شد. به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر به نقل از روزنامه شهروند، در این نشست حجت‌الاسلام والمسلمین محمدرضا زائری، پژوهشگر دین و رسانه و محمد منصورنژاد، پژوهشگر اندیشه‌های سیاسی به بررسی و تحلیل یاری‌گری در سیره و اندیشه امام خمینی (ره) پرداختند. نحوه مواجهه من با دیگری و تبیین و توجیه کرامت از نگاه امام خمینی (ره) از دیگر موضوعاتی است که با تکیه بر سیره و اندیشه امام خمینی (ره) در این نشست واکاوی شد. آنچه در ادامه می‌آید، گزارش این نشست علمی-تخصصی است. ■

محمد منصورنژاد، پژوهشگر اندیشه‌های سیاسی و مدرس دانشگاه در این نشست سخنان خود را با واکاوی ابعاد عرفانی امام خمینی (ره) آغاز کرد. به تعبیر این سخنران، امام عارفی سیاستمدار است. این پژوهشگر سیاسی ضمن اشاره به ابعاد دیگر سیره امام همچون ولایت، رهبری و سیاستمداری، بُعد عرفانی امام را بُعدی مغفول مانده در حوزه تحلیل سیره‌های امام می‌داند، بُعدی که به اعتقاد سخنران کمتر به آن پرداخته شده است. او در این زمینه می‌گوید: «در طول این سال‌ها به ابعاد حماسی سیره امام (ره) بسیار



خمینی (ره) بیش از آن که سیاستمدار باشد، چهره‌ای عرفانی است. شرح حدیث جنود عقل و جهل، حاشیه بر اسفار و تعلیقه علی الفوائد الرضویه از جمله کتاب‌های عرفانی منتشر شده از امام (ره) است که سخنران به آنها اشاره دارد. بیشتر کتب امام (ره) در دوران جوانی این شخصیت برجسته نوشته شده است. او این مسأله را نشانه تسلط امام (ره) به علم عرفان می‌داند.

اول همسایه

حجت الاسلام و المسلمین محمدرضا زائری، دومین سخنران این نشست بود. او سخنان خود را با اشاره به سیره ائمه اطهار در دیگر خواهی آغاز و به حدیث حضرت زهرا (س) اشاره کرد که می‌فرماید: «اول همسایه، سپس خانه خود». وی معتقد است اندیشه امام (ره) برگرفته از سیره معصومین (ع) است و این اندیشه را باید در همان چارچوب بررسی کرد. او در ادامه یکی از مهم‌ترین بحث‌ها را در دنیا چالش من و دیگری می‌داند و این پرسش را مطرح می‌کند که نسبت من با دیگری چیست؟ او به یکی از شعرهای مشهور نهضت صلیب سرخ نیز اشاره می‌کند: «تراژدی زمانی رخ می‌دهد که من به دیگری بی‌اعتنا شوم». به اعتقاد زائری، این مسأله در پیشینه اسلامی ما دارای معارفی غنی است. زائری در این زمینه می‌گوید: «دیگری نه تنها در اندیشه اسلامی و سیره معصومین (ع) دارای سهم است، بلکه دیگری بالاتر از من است. افطار نمی‌خورد تا مسکین و اسیر را طعام دهد.» به اعتقاد سخنران، امام خمینی (ره) تربیت شده چنین مکتبی است.

به روز بودن اندیشه امام (ره)

حجت الاسلام و المسلمین زائری معتقد است یکی از ویژگی‌های برجسته امام (ره) به روز بودن اندیشه این بزرگوار است. او در این زمینه می‌گوید: «اگر بخواهیم امام (ره) را تشبیه کنیم از این منظر می‌توانیم بگوییم امام (ره) نقش کاتالیزور را داشته، همه مفاهیم را هضم و دوباره با زبان امروزی و نیاز مخاطب بازخوانی کرده است.» در ادامه سخنران به بخش‌هایی از صحیفه امام خمینی (ره) اشاره دارد. امام خمینی (ره) در دیدار با برخی از فعالان حوزه درمان در جنگ تحمیلی می‌فرماید: «همین اعمالی که شما انجام دادید ارزشش را ما نمی‌توانیم تعیین کنیم. در یک میدان جنگی که دارد گلوله غرش می‌کند و دشمن با تانک و توپ حمله کرده است، برای نجات دادن یک انسان کسی خودش را به خطر بیندازد و برود نجات بدهد او را! ارزش این کار را در اینجا نمی‌توانیم ما تعیین کنیم که چقدر ارزش دارد. قضیه نجات یک آدم نیست. قضیه آن حال روحی است که این آدم دارد و با آن حال روحی می‌رود و این اقدام را می‌کند. این عمل شما ارزش دارد پیش خدا و این عمل را ادامه بدهید.» به اعتقاد زائری، این برداشت از نجات، نگاهی متعالی و متفاوت است که کمتر به آن پرداخته شده است؛ اندیشه‌ای که معتقد است فعل نجات دارای ارزش است و حال روحی

سلسله نشست‌های امداد و اخلاق (نشست ششم)

نجات و یاری‌گری  
در اندیشه و آثار  
امام خمینی (ره)

محمدرضا زائری

دکتر محمد منصور نژاد  
پژوهشگر

حجت الاسلام محمدرضا زائری  
اگرایی دین و رسالت

زمان:  
۶ بهمن ماه ۹۸  
یکشنبه ۱۰ ساعت ۱۰ صبح

نشانی:  
خیابان ولیعصر، فتح، بالاتر از میدان امام  
خیابان رشید یاسمی، ساختمان توانبخشی  
موزه و مرکز اسناد ملی جمعیت هلال احمر



هر که در این بزم مقرب‌تر است، جام بلا بیشترش می‌دهند!

منصوری نژاد در موضوع عرفان و امداد با اشاره به این بیت، به اهمیت مسأله صبر در آموزه‌های دینی اشاره می‌کند و معتقد است: «در آموزه‌های دینی ما نقش صبر، تحمل و توکل بسیار مهم است؛ موضوعات و مصداق‌هایی که در فرآیند امداد نیز باید مد نظر قرار گیرد.» البته سخنران این مسأله را هم مطرح می‌کند که پرداختن او به عرفان در امداد را مبدا برخی توجیهی کنند برای فراموش کردن نقش و خطاهای انسانی مسئولان. او در این زمینه می‌گوید: «نمی‌خواهم پشت عرفان، کاستی را پنهان کنم. کم‌کاری‌ها باید بررسی شود.»

اهمیت صبر در آموزه‌های دینی

«هر که در این بزم مقرب‌تر است، جام بلا بیشترش می‌دهند!» سخنران منصوری نژاد در موضوع عرفان و امداد با بیان این بیت عرفانی ادامه می‌یابد. او با اشاره به این بیت، به اهمیت مسأله صبر در آموزه‌های دینی اشاره می‌کند و معتقد است: «در آموزه‌های دینی ما نقش صبر، تحمل و توکل بسیار مهم است؛ موضوعات و مصداق‌هایی که در فرآیند امداد نیز باید مد نظر قرار گیرد.» البته سخنران این مسأله را هم مطرح می‌کند که پرداختن او به عرفان در امداد را مبدا برخی توجیهی کنند برای فراموش کردن نقش و خطاهای انسانی مسئولان. او در این زمینه می‌گوید: «نمی‌خواهم پشت عرفان، کاستی را پنهان کنم. کم‌کاری‌ها باید بررسی شود.»

«امام»، عارفی کامل

به اعتقاد سخنران، بهترین معلمان برای پرداختن به مسأله اخلاق در امدادگری اهل عرفان هستند. امام

انسان را خوب می‌کند.

۱ احساس مسئولیت نسبت به دیگری

حجت الاسلام والمسلمین زائری در ادامه صحبت‌های خود به بازخوانی سخنان امام (ره) می‌پردازد: «امام (ره) در همان دیدار می‌فرماید: شغل شما یک شغل شریفی است و پرازش. تماس لمسی شما دارید با آن برادرهای گرفتار؛ توجه کنید که خوب انجام بدهید. با آنها خوب رفتار کنید. یک نفری که الان گرفتار است و مثلاً زیر اتومبیل رفته است یا زخم خورده است یا زلزله دیده است یا چه؛ این آنقدری که احتیاج به مداوا دارد بیشتر احتیاج به لطف دارد. این کسی که می‌رود او را نجات می‌دهد، پرستاری می‌کند، می‌آورد، طبییی که او را می‌بیند، آنقدری که این آدم الان احتیاج دارد که به او لطف کنند، ترحم کنند، خوب رفتار کنند، بیشتر از آن اندازه‌ای است که مداوا کنند. این یک لطف روحی است و آن یک گرفتاری جسمی. خیلی باید توجه داشته باشید به اینکه با اینهایی که سرو کار دارید و اینها گرفتار هستند، با اینها طوری رفتار کنید که این گرفتاری‌هایشان سبک بشود. وقتی با آنها رفتار خوب باشد، مثل یک پدری که اولادش را می‌خواهد نجات بدهد، این مادری که بچه‌اش گرفتاری دارد و می‌خواهد نجاتش بدهد، آنقدری که الطاف این مادر او را آرام می‌کند، مداوا آنقدر در او تأثیر ندارد، این الان احتیاج به این دارد که روحش آرام بشود.» به اعتقاد زائری، سرمنشأ چنین نگاهی احساس مسئولیت در قبال دیگری است؛ نکته‌ای که در اندیشه امام (ره) و پیشینه دینی دارای ابعاد بسیاری است. از نگاه امام (ره) همان قدر که جهاد یک رزمنده در میدان جنگ اهمیت دارد، مسئولیت امدادگری یک پرستار هم دارای ارزش است. به تعبیر امام (ره) این امدادسانی بال دوم جهاد است.

۱ فرامرزی بودن اندیشه امام (ره)

یکی دیگر از ویژگی‌های اندیشه امام (ره) دریاری‌گری از نگاه سخنران، توسعه جغرافیایی این مسأله و موضوع فرامرزی بودن اندیشه اوست و او این نگاه را مترادف با یکی از اهداف نهضت صلیب سرخ می‌داند. حجت الاسلام والمسلمین زائری در تکمیل سخنان خود در این بخش نیز به بازخوانی بخشی از صحیفه امام (ره) می‌پردازد که می‌فرماید: در اسلام مابین اقشار ملت‌ها هیچ فرق نیست. در اسلام حقوق همه ملت‌ها مراعات شده است؛ حقوق مسیحیین مراعات شده است؛ حقوق یهود و زرتشتیین مراعات شده است؛ تمام افراد عالم را بشر می‌داند و حق بشری برای آنها قائل است؛ تمام عالم را به نظر محبت نگاه می‌کند؛ می‌خواهد عالم مستضعفین نجات پیدا کنند، می‌خواهد تمام عالم روحانی بشوند، تمام عالم به عالم قدس نزدیک بشوند. اسلام برای نجات مردم بشر آمده است که از این علایق جسمانی آنها را رها کند و به روحیات برسد.» □

دیدار نماینده ولی فقیه

در جمعیت هلال احمر با امدادگر جانباز

# صبوری و ایثار از صفات بارز هلال احمری‌هاست

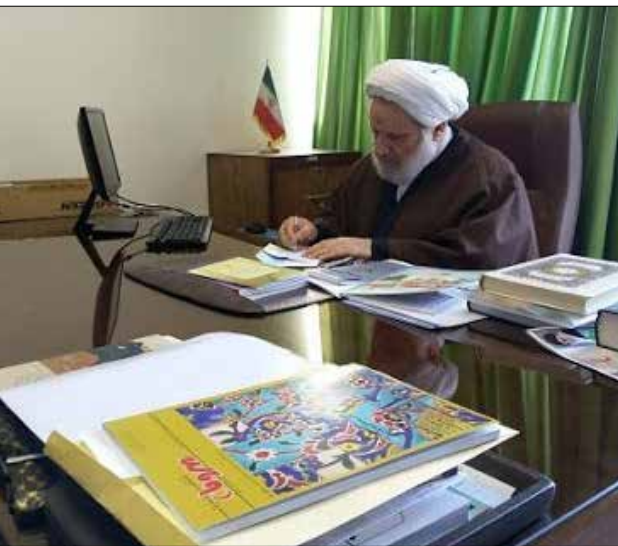
نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر با امدادگر جانباز، «سید محمد موسوی فیروز» دیدار و گفتگو کرد و یاد و خاطره همه مجاهدان و ایثارگران ایرانی اسلامی را گرامی داشت. حجت الاسلام والمسلمین معزی در این دیدار با اشاره به اهمیت فرهنگ‌سازی در عرصه دفاع مقدس، گفت: وجود چنین نیروهایی در جمعیت هلال احمر الگویی برای سایر کارکنان این نهاد مردمی است. فرهنگ مجاهدت در راه خدا، ایستادگی در برابر ظلم و فداکاری برای پاسداری از میهن اسلامی مهمترین درس‌هایی است که می‌توان از این مکتب گرفت. خانواده شهداء و جانبازان در نزد مردم عزیزترین انسان‌ها هستند که با صبر و بردباری درس بزرگی به همه مردم این سرزمین داده‌اند. وی با تأکید بر نقش سازنده امدادگران در جنگ تحمیلی و تأثیر این حضور بر انگیزه و قوت قلب سایر رزمندگان، نهادینه کردن مهربانی، فداکاری، از خودگذشتگی، کمک به هم نوع را از مهمترین درس‌های دفاع مقدس دانست.

حجت الاسلام والمسلمین معزی شهیدان را افتخار آفرینان و موجب افتخار ایران اسلامی برشمرد و خاطر نشان کرد: امروز باید کوشید تا فداکاری‌های آنان در هر حوزه و عرصه‌ای از خدمت، نسل به نسل منتقل شده و مورد غفلت واقع نشود. جانبازان با حضور خود در میادین خطر و آماده بودن برای شهادت، در واقع با خداوند معامله کرده‌اند. وی با اشاره حیطه فعالیت و تخصص این جانباز جنگ تحمیلی گفت: جمعیت هلال احمر در عرصه‌های مختلف فعالیت دارد، اما امداد و نجات، سرلوحه فعالیت‌ها در جمعیت هلال احمر است. مردم جمعیت هلال احمر را در سیل‌ها و زلزله‌ها می‌شناسند. وی در بخش بعدی سخنان خود صبوری، از خودگذشتگی و ایثارگری را از جمله صفات بارز امدادگران و کارکنان جمعیت هلال احمر دانست.

نماینده رهبر معظم انقلاب در بخش دیگر سخنان خود با تقدیر از جانفشانی‌ها و ایثارگری‌های جانبازان در هشت سال دفاع مقدس، عزت و قدرت جهانی و بین‌المللی، آسایش در زندگی اجتماعی و امنیت موجود در کشور را برگرفته از عنصر ایمان و اعتقاد دانست و خاطر نشان کرد: آنچه توانست این معیارها و شاخص‌های اصلی یک جامعه را در کشور به وجود آورد، رشادت‌ها و دلوری‌های شهیدان و جانبازان بوده است.

توجه به پیشکسوتان و لزوم تکریم و بهره‌گیری از تجارب آنها بخش پایانی سخنان حجت الاسلام والمسلمین معزی بود. وی با تأکید بر این که پیشکسوتان، نیروی فعال کشور بوده‌اند که برای رسیدن نظام مقدس جمهوری اسلامی به اهداف خود تلاش کرده و بسیاری از آنها عمر و جوانی خود را صرف کار کرده‌اند، خاطر نشان کرد: همواره باید قردان این تلاش در دوران عمر آنان باشیم.

در ادامه سید محمد موسوی فیروز که خود نیز عضو جمعیت هلال احمر است به بیان خاطراتی از دوران دفاع مقدس پرداخت. امدادگر جانباز سید محمد موسوی فیروز متولد ۱۳۴۹ در سال ۱۳۶۶ در کوه‌های سلیمانیه عراق مجروح و در منطقه کله قندی عراق شیمیایی شده است. بر اساس گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی جمعیت هلال احمر، مرتضی سلیمی رئیس سازمان امداد و نجات، عبدالمجید معزی مشاور و مدیر کل حوزه نمایندگی ولی فقیه، حجت الاسلام والمسلمین صادقی مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در سازمان امداد و نجات، دکتر محمدرضا پورساداتی مشاور رئیس جمعیت در امور ایثارگران در این دیدار حجت الاسلام والمسلمین معزی؛ نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر را همراهی کردند. □



حجت الاسلام والمسلمین واعظی:

## ۵۲۰ طلبه عضو هلال احمر استان آذربایجان شرقی هستند

حجت الاسلام والمسلمین واعظی در ادامه به تبیین فعالیت‌های رابطین فرهنگی پرداخت و افزود: از هر معاونت و شعبه یک رابط فرهنگی به دفتر نمایندگی ولی فقیه معرفی شده که تاکنون تعاملات بسیار خوبی به وجود آمده است.

وی با تأکید بر اینکه رابطین فرهنگی نقش موثری در برگزاری برنامه‌های فرهنگی دارند گفت: همکاری رابطین فرهنگی، ائمه جماعات و حوزه‌های مختلف شعب در این استان سبب شده است تا پیشرفت چشمگیری در برنامه‌های فرهنگی استان داشته باشیم.

وی یکی دیگر از فعالیت‌های دفتر نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر استان را ارتباط مؤثر با نجاتگران و امدادگران این نهاد خیریه دانست و افزود: به عقیده من یکی از بهترین برنامه‌های فرهنگی دفتر نمایندگی در استان‌ها دیدار با جوانان و امدادگرانی است که در پایگاه‌های امداد و نجات بین شهری مشغول فعالیت و کمک به هم نوع هستند.

حجت الاسلام والمسلمین واعظی ادامه داد: من شخصاً چندین نوبت با حضور در پایگاه‌های امداد و نجات بین شهری یک روز کامل در کنار امدادگران و نجاتگران حضور داشته‌ام و از نزدیک مسائل و مشکلات آنان را شنیده و برای رفع آنها پیگیری کرده‌ام.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر آذربایجان شرقی با تأکید بر بهره‌گیری از فضای مجازی به منظور اشاعه مباحث و موضوعات فرهنگی و همچنین ترویج فرهنگ بشردوستی تصریح کرد: برای حضور در فضای مجازی باید همواره توجه داشته و در برنامه‌ها نیز انجام کامل محتوای تولید شده لازم و ضروری است.

وی در پایان بار دیگر همدلی و اتحاد را لازمه پیشرفت جمعی و گروهی در نهادهای مردمی همچون هلال احمر دانست و برگزاری نماز جماعت در شعب استان‌ها را یکی از راهکارهای مناسب برای انجام و شکل‌گیری این مهم اعلام کرد. □

« حدود یک سال است که حجت الاسلام والمسلمین واعظی، مسئولیت دفتر نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر استان آذربایجان شرقی را به عهده گرفته است. پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر در گفتگویی صمیمی، اهم فعالیت‌های این مجموعه را از زبان وی جویا شده است.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر آذربایجان شرقی در آغاز این مصاحبه با اشاره به اهمیت دفتر نمایندگی در سطح استان‌های کشور، تعامل سازنده و همسو به منظور پیشبرد اهداف بشردوستانه و عام‌المنفعه جمعیت هلال احمر را از مهم‌ترین اولویت‌های کاری خود عنوان کرد و گفت: ارتباط قوی با بدنه جمعیت، امدادگران و نجاتگران، جوانان، کارکنان و معاونت‌های مختلف سبب شده است تا در اجرای برنامه‌های فرهنگی امدادی تا حدود زیادی توفیق و پیشرفت داشته باشیم.

حجت الاسلام والمسلمین واعظی در همین زمینه ادامه داد: تعامل و ارتباط مؤثر در انجام امور و فراهم کردن شرایط ایده‌آل برای فعالیت‌های مختلف به گونه‌ای که مسائل فرهنگی در این برنامه‌ها دیده شود نیز در دستور کار قرار گرفته است.

وی افزود: به همین منظور از سوی دفتر نمایندگی ولی فقیه به روسای شعب جمعیت هلال احمر استان آذربایجان شرقی اختیار داده شده است تا با ارتباط مستمر با ائمه جمعه و همچنین حوزه‌های علمیه شرایطی ایده‌آل برای اشاعه فرهنگ نوع دوستی و ترویج اهداف خیرخواهانه هلال احمر ایجاد کنند.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان آذربایجان شرقی به برگزاری جلسات مشترک با حوزه‌ها و مدارس علمیه استان اشاره کرد و گفت: در سال ۹۷ این استان تنها ۴ کانون طلاب داشته که اکنون در پایان سال ۹۸ این تعداد به ۱۶ کانون افزایش پیدا کرده است.

حجت الاسلام والمسلمین واعظی رشد ۴ برابری تعداد کانون‌های طلاب این استان را حاصل تعامل سازنده دانست و تصریح کرد: برنامه‌های متنوع امدادی، مانورها و دوره‌های کمک‌های اولیه و ویژه اعضای این کانون‌ها به صورت مستمر در حال برگزاری است.

وی با اشاره به اینکه بیش از ۲۵ طلبه، عضو کانون طلاب هلال احمر آذربایجان شرقی هستند خاطر نشان کرد: برخی از این افراد با گذراندن دوره‌های تکمیلی در هلال احمر، اکنون به عنوان یک نجاتگر ماهر و حرفه‌ای با همان لباس طلبگی به همراه سایر نجاتگران، در پایگاه‌های امداد و نجات بین شهری به ارائه خدمات امدادی و داوطلبانه به نیازمندان می‌پردازند.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر آذربایجان شرقی به وجود ۳۱ شهرستان در این استان اشاره کرد و گفت: در حال حاضر در ۶ شعبه شهرستان نماز جماعت برگزار می‌شود که پیش از این تنها ۲ شعبه از فیوضات آن بهره‌مند بوده است.



از سوی دفتر نمایندگی ولی فقیه  
در هلال احمر آذربایجان شرقی برگزار شد

## برپایی جلسات قرائت و تفسیر قرآن

« جلسات قرائت و تفسیر قرآن مجید با حضور کارکنان هلال احمر آذربایجان شرقی در نمازخانه این جمعیت برگزار می‌گردد. به گزارش پایگاه اطلاع رسانی حوزه نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر به نقل از روابط عمومی این جمعیت در آذربایجان شرقی، در راستای نشر و ترویج فرهنگ نورانی قرآن در میان کارکنان و بهره‌مندی از دستورات قرآنی در محل کار، هر روز یک صفحه از قرآن کریم در بین نماز ظهر و عصر قرائت و جلسات تفسیر هر هفته ۳ روز توسط دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان و شورای فرهنگی برگزار می‌گردد. در این جلسات کارکنان علاوه بر فراگیری روخوانی و ترتیل قرآن، تفاسیر آیات و مباحث دینی توسط حجت الاسلام والمسلمین واعظی مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان نیز ارائه می‌گردد. □

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه  
در هلال احمر آذربایجان شرقی

## هدف کاروان‌های سلامت، کاهش آلام دردمندان است

« هدف اعزام کاروان‌های سلامت به مناطق کم‌برخوردار روستایی، رساندن پیام کاهش آلام و تسکین درد دردمندان است.



مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر آذربایجان شرقی در بازدید از روند ارائه خدمات درمانی و دارویی رایگان توسط کاروان سلامت و حمایت هلال احمر در دهستان قره‌چای بخش تیمکه داش شهرستان بستان آباد گفت: جمعیت هلال احمر استان به مناسبت چهل و یکمین سالگرد پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی ایران در راستای کمک به محرومیت زدایی و رساندن خدمات حمایتی و سلامتی خود به مناطق دور دست و روستاهای صعب‌العبور در فصل زمستان، اقدام به برگزاری کاروان سلامتی و حمایتی نموده است.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی حوزه نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر به نقل از تارنمای اطلاع رسانی جمعیت در استان آذربایجان شرقی، حجت الاسلام والمسلمین واعظی افزود: این اقدام با مشارکت معاونت‌های بهداشت و درمان، جوانان و داوطلبان با همراهی پزشکان متخصص، عمومی، پرستاران، روانشناسان، ماماها، کارشناسان مجرب توانبخشی، تیم‌های سحر جوانان و اعضای داوطلب با اهدای دارو، لوازم التحریر، بسته‌های حمایتی، البسه، اسباب بازی رایگان برای دانش‌آموزان، کودکان و جامعه هدف در دهستان قره‌چای و روستاهای اطراف در شهرستان بستان آباد به انجام رسیده است.

وی با تجلیل از زحمات نیروهای داوطلب در برگزاری پروژه‌های حمایتی جمعیت هلال احمر از اقبال کم‌برخوردار، حضور مؤثر نیروهای هلال احمر در مناطق دور دست و کم‌برخوردار جامعه را مایه خوشحالی و رضایت آنها از نهاد مردمی هلال احمر دانست و افزود: هدف از اعزام کاروان‌های سلامت به مناطق کم‌برخوردار روستایی، رساندن پیام کاهش آلام بشری و تسکین درد دردمندان هلال احمر به مردم است. در این بازدید، سرپرست هلال احمر استان، فرماندار شهرستان بستان آباد، معاونین هلال احمر استان و جمعی از مسئولین محلی حضور داشتند. □

## معرفی نفرات برتر مسابقات قرآن و اذان هلال احمر آذربایجان شرقی

« مسابقات قرآن و اذان جمعیت هلال احمر استان آذربایجان شرقی با عنوان «فجر سلیمانی» با شناخت نفرات برتر، به کار خود پایان داد.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی حوزه نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر به نقل از تارنمای اطلاع رسانی جمعیت هلال احمر استان آذربایجان شرقی، با حضور حجت الاسلام والمسلمین واعظی مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه و دکتر هادی موسوی سرپرست جمعیت هلال احمر استان، از برگزیدگان مسابقات قرآن و اذان دهه فجر یاد بود سردار شهید حاج قاسم سلیمانی تجلیل به عمل آمد.

در این دوره از مسابقات که توسط شورای فرهنگی هلال احمر استان همزمان با روز ولادت حضرت زهرا (س) و روز زن در سالن سمعی بصری و نمازخانه هلال احمر در رشته‌های قرائت قرآن (تحقیق و ترتیل) و اذان برگزار شد، در رشته اذان ناصرزکی از شبستر رتبه اول، اسلام قربان سیاهی از ممقان رتبه دوم و جواد شهیدی از ممقان رتبه سوم را کسب کردند.

بر اساس این گزارش همچنین در رشته قرائت قرآن در میان برادران شرکت‌کننده امیر حسین ظهیری از تبریز رتبه اول، مهدی محسنی رتبه دوم، علی ظهیری از تبریز رتبه سوم را کسب کردند و در میان خواهران شرکت‌کننده نیز فهیمه قلی پور از تبریز رتبه اول، مهری سلیمی از عجب شیر رتبه دوم و مونس فروغی از تبریز رتبه سوم را کسب کردند. □

## زیارت مزار شهدای گمنام عون بن علی تبریز

« کارکنان و اعضای جمعیت هلال احمر استان آذربایجان شرقی اقدام به کوهپیمایی و زیارت مزار شهدای گمنام عون بن علی تبریز نمودند. به گزارش پایگاه اطلاع رسانی حوزه نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر به نقل از روابط عمومی جمعیت هلال احمر استان آذربایجان شرقی، در این برنامه، حجت الاسلام و المسلمین واعظی مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان در سخنانی در جوار امام زاده زید و عون بن علی با تبریک ایام الله دهه فجر و چهل و یکمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی گفت: انقلاب اسلامی بزرگترین اتفاقی بود که در قرن معاصر به رهبری و هدایت امام راحل و با برچیدن طومار حکومت ذلت بار طاغوت به پیروزی رسید و عزت و افتخار را به ایران اسلامی ارمغان آورد.

وی با اشاره به ظلم و ستمی که حکومت پهلوی در کشور انجام داد افزود: حکومت پهلوی ثروت های پایه کشور را جهت خوشگذرانی های خود تاراج کردند و به عنوان نوکر سرسپرده آمریکا و انگلیس، عزت و افتخار ایرانی را بر باد دادند اما بعد از انقلاب اسلامی، مردم کشورمان به رهبری امام راحل (ره) و مقام معظم رهبری با بهره گیری از علم و دانش، قله های افتخار را یکی پس از دیگری فتح کردند. مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر استان با اشاره به افق دید بسیار وسیع مقام معظم رهبری در خصوص پیشرفت کشور خاطر نشان کرد: امروز به جرات می توان گفت، افق دید مقام معظم رهبری در مورد جهان قابل مقایسه با هیچکدام از رهبران کشورها نبوده و ملت ما از بابت داشتن نعمت ولایت و رهبری بصیر و آگاه همواره شکرگذار خدا بوده و با همت و تلاش مضاعف راه پیشرفت را طی خواهند نمود.

حجت الاسلام و المسلمین واعظی با اشاره به دست آورد های گسترده انقلاب اسلامی در حوزه های مختلف گفت: امروز نخبگان و پزشکان و متخصصین کشورمان در معادله های جهانی تاثیرگذار بوده و در مسائل جهان اسلام و منطقه نقش ایران انکار ناپذیر است.

دکتر هادی موسوی سرپرست جمعیت هلال احمر استان آذربایجان شرقی هم در این برنامه با تبریک ایام الله دهه فجر و گرامیداشت یاد و خاطره شهدای گمنام مدفون در عون بن علی تبریز و شهید سلیمانی و همزمانش گفت: همه ما مدیون خون مطهر شهدا هستیم و بایستی مسیری را که شهدا با نثار خون خود ترسیم کرده اند ادامه دهیم و از هیچ خدمتی برای مردم عزیز کشورمان فروگذار نباشیم. □



در شورای فرهنگی هلال احمر آذربایجان شرقی تاکید شد

## تجلیل از عملیات های امدادی نجاتگران

« شورای فرهنگی جمعیت هلال احمر استان آذربایجان شرقی با حضور مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه، سرپرست هلال احمر استان و اعضای شورا برگزار شد.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی حوزه نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر به نقل از تارنمای اطلاع رسانی این جمعیت در استان، حجت الاسلام و المسلمین واعظی مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر استان و مسئول شورای فرهنگی با تسلیت ایام فاطمیه و گرامیداشت فرارسیدن ایام الله دهه فجر، بر لزوم گرامیداشت این ایام با اجرای برنامه های متنوع تاکید کرد.

وی با اشاره به اهمیت کار فرهنگی، راز ماندگاری انسان ها در تاریخ و اذهان بشری را در اخلاص و اصلاح نفس دانست و بر لزوم تزکیه نفس با بهره گیری از سیره حضرات معصومین (علیهم السلام) تاکید کرد.

دکتر هادی موسوی سرپرست جمعیت هلال احمر استان نیز در این نشست با گرامیداشت یاد و خاطره سردار شهید سپهد حاج قاسم سلیمانی و گرامیداشت فرارسیدن دهه فجر گفت: دهه فجر از بدو وقوع انقلاب اسلامی برای کشورمان در تمامی سطوح منشأ خیر و برکت بوده و در جمعیت هلال احمر استان نیز به مناسبت این ایام، برنامه ها و پروژه های متعددی اجرا و به بهره برداری رسیده که امسال نیز به مناسبت ایام الله دهه فجر برنامه های فرهنگی، ورزشی و درمانی در سطح استان توسط هلال احمر اجرا خواهد شد.

وی در ادامه بر رونق بخشی فرهنگ نماز در محیط کار و اهتمام به برگزاری نمازهای جماعت و برگزاری مسابقات قرآنی و نهج البلاغه در میان کارکنان و اعضا و امدادگران و نجاتگران پای گاه های امدادی تاکید کرد.

دکتر موسوی در بخشی از سخنان خود از تلاش های بسیار ارزشمند و عملیات های سر نوشت ساز و شبانه روزی نجاتگران جمعیت هلال احمر استان در روزهای سرد زمستان در شهرهای استان و در مناطق روستایی مخصوصاً در امر انتقال مادران باردار روستایی از روستاهای صعب العبور به مراکز درمانی شهری تقدیر و تشکر نمود. □

با همکاری حوزه نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر  
و موسسه شهرستان ادب برگزار شد

# اردوی آموزشی و امدادی شاعران در کرج

سید محمد بهشتی



کهن شعرا را نه کنیم، شعر نخواهند بود». سیار اظهار کرد: «در حالی که تمایز انسان و حیوان در حرف زدن است، این توانایی برای انسان معمولی شده است. انسان در دل این شگفتی یک شگفتی خلق کرده و شعر سروده است. انسان بدون جمال زیبایی و لذت نمی تواند زندگی کند، به همین دلیل انسان به کارآمدی زبان به عنوان وسیله انتقال پیام اکتفا نکرد و با اضافه کردن زیبایی چیزی به نام ادبیات و شعر ساخت». وی سپس به تشریح هر کدام از عناصر دخیل در شعریت یک اثر پرداخت. در ادامه برنامه آموزشی شاعران جوان در دوره هشتم آفتابگردان ها «یوسفعلی میرشکاک» درباره «جایگاه فردوسی در زبان فارسی» گفت: «اهمیت فردوسی در درجه اول این است که بعد از دویا سه نسل زبان فارسی را احیا کرد. حکومت بنی عباس قصد داشت زبان فارسی را در این طرف رود جیحون، یعنی منطقه ایران، از بین ببرد؛ اما موفق نشد».

وی اظهار کرد: «فردوسی دریافت بود که باورهای اسطوره ای نسل در نسل و ورای حکومت ها در ذهن ها وجود دارد؛ فردوسی با استفاده از این باورهای اسطوره ای که در اذهان ایرانی وجود داشت، شاهنامه را سرود تا به انسان ایرانی بگوید تو شأن پابینی نداشتی. شاهنامه را سرود و با احیای هویت ایرانی و پیوند دادنش به زیرساختی که می دانست به تشیع در ایران منجر خواهد شد، هوشمندی خود را نشان داد».

میرشکاک ضمن خواندن اشعاری از شاهنامه تشریح کرد: «وجه دیگر اهمیت شاهنامه پس از احیای زبان فارسی و احیای آیین و رسوم این است که با منظوم کردن اسطوره ها، ولایتمداری و روح تبعیت ایرانی ها را یادآوری کرد، فارغ از اینکه شهریار کیست. این ولایتمداری و تبعیت در ماجرای زندانی شدن اسفندیار و وقتی که در روز آزادی خود زنجیرها را خودش پاره کرد و گفت من اسیر فرمان بودم نه اسیر زنجیر، نشان داده شده است که از این دست ماجراها در شاهنامه بسیار وجود دارد».

وی با اشاره به اینکه فردوسی در زمامداری و حکومت داری

اردوی سه روزه آموزشی و امدادی ویژه شاعران جوان، همزمان با سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی برپا شد. به گزارش پایگاه اطلاع رسانی حوزه نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر، شرکت کنندگان در این اردو با حضور اساتید ادبیات ضمن فراگیری فنون و مهارت های ادبی با مباحثی همچون نهضت جهانی صلیب سرخ و هلال احمر و مفاهیم مدیریت بحران آشنا شدند.

آشنایی با تاریخچه، اصول و اهداف نهضت بین المللی صلیب سرخ و هلال احمر، آشنایی با سوژه های ادبی در حوزه های امدادی و مساله یاریگری، شناخت برخی از مفاهیم مدیریت بحران و مخاطرات و تجربه نگاری از حوادثی همچون سیل و زلزله با محوریت سیل اخیر در فروردین ماه از جمله برنامه های این اردوی سه روزه بود.

این اردو به همت مؤسسه فرهنگی هنری شهرستان ادب و با همکاری حوزه نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر برگزار شد. شاعران جوان و استعداد های تازه شعر کشور پیش از برپایی اردو در فراخوان مربوطه با ارسال شعر شرکت کردند و پس از انجام مصاحبه، بر اساس معیارهای مشخصی انتخاب و برگزیده شدند؛ مطالعات در زمینه شعر، انگیزه و جدیت، توان شعرخوانی، سطح دانش معرفتی و آزمون طبع شعر از جمله مهم ترین معیارها برای حضور در این دوره تخصصی بود.

هدف از برگزاری این دوره های آموزشی، کمک به پویایی شعر جوان، کشف و پرورش استعدادها و زمینه سازی برای رویش نسل جدید شاعران انقلاب اسلامی است. این اردو از بیست و دوم تا بیست و پنجم بهمن ماه ۹۸ در محمدشهر کرج با همکاری جمعیت هلال احمر استان البرز برگزار شد. در ادامه گزارش روز آخر این اردو را به نقل از شهرستان ادب می خوانیم:

شاعران عضو دوره هشتم آفتابگردان ها، سومین روز اردو را با کلاس «عناصر شعر» با تدریس «محمد مهدی سیار» آغاز کردند. سیار در جمع شاعران جوان درباره عناصر شعر گفت: «چون شعر با خلاقیت و نوآوری عجین شده، همواره تعاریف شعر در هر دوره را جا گذاشته است. وقتی از شعر حرف می زنیم، از یک پدیده زبانی که از جنس کلمه است صحبت می کنیم». وی با اشاره به تعاریف مختلف از مفهوم و ماهیت شعر عنوان کرد: «ادبای قرن های میانی می گویند شعر کلامی است موزون، قافیه دار و مخیل. اما اگر قدیم تر برویم، می بینیم ارسطو می گوید شعر ربطی به موزون بودن ندارد و فقط به مخیل بودن ارتباط دارد و منظور هم عاطفه در شعر است. عاطفه ای که موجب تأثیرگذاری عمیق و احساسی در مخاطب می شود».

این شاعر و ترانه سرا افزود: «شعر تلاقی دو امر زبان و زیبایی است. هرگونه تلاش برای زیبا کردن سخن، شعراست. هر جان نوعی زیبایی به وجود آمد، می گویم متن به سمت شاعرانگی حرکت می کند. اما این تعریف کاملی نیست؛ اگر به این زبان و زیبایی شکل و فرم را اضافه کنیم، می توانیم به تعریف دقیق شعر نزدیک شویم. این تعریف امروز کارکرد دارد و امکان دارد در آینده تعریف جدیدتری ارائه شود؛ چنان که اگر شعر سپید و نیمایی را در تعریف



معیشت دانست و اضافه کرد: «مسئله دیگری که برای یک شاعر مهم است، روابط اوست؛ شاعر باید روابطش را با دیگران تنظیم کند و حتماً وقتی را برای تنهایی خود در نظر بگیرد. خلوت و خلایق دوروی یک سکه برای خلق اثر هنری است. دیگر مسئله‌ای که برای زیست شاعر مهم است لطیف کردن باطن است. هنرمندان، مصداق نام لطیف پروردگار هستند. هنرمند یا شاعر کسی است که بنا بر اندیشه‌هایش وجودی گسترده داشته باشد.»

سازمان جمعیت هلال احمر نیز به عنوان یکی از حامیان برگزاری این اردوی آموزشی، در جلسه‌ای فشرده، خلاصه‌ای از آموزش‌های امداد و نجات را برای حاضران ارائه کرد.

### عصر شعر

اما عصر شعر «یاری‌گری» عنوان برنامه بعدی بود که به همت مؤسسه شهرستان ادب و همکاری معاونت فرهنگی کمیته امداد امام خمینی (ره) و نهاد نمایندگی ولایت فقیه در جمعیت هلال احمر برگزار شد. طی این مراسم که اجرای آن به عهده سیدوحید سمنانی به عنوان یکی کارشناسان حاضر در این اردو بود، شاعران جوان و پیشکسوت به خوانش اشعار خود در مضامین یاری‌گرایانه پرداختند.

یوسفعلی میرشکاک، علی محمد مؤدب، حسین هدایتی، رضا شیبانی اصل، محمد مهدی سیار، مبین اردستانی، محمدحسین نجفی، محمدرضا وحیدزاده، میلاد عرفان پور و محمدامین اکبری از جمله شاعرانی بودند که در این زمینه شعر خوانی کردند.

از میان چند تن از شاعران جوان آفتابگردان، پنج تن با اهدای جوایزی مورد تقدیر قرار گرفتند. و اما در آخرین برنامه این روز در چهارمین کارگاه نقد شعر، ناصر فیض و محمدحسین نعمتی اشعارتی چند از شاعران جوان را زیر ذره‌بین نقد بردند.

بهنام کردلو، امین شفیعی، حامد رحمانی، امیرحسین بزرگی، مهدی کبیری، ایمان شعبان، واحسان کوچکی شاعرانی بودند که شعرشان فرصت نقد و بررسی یافت. □



### در یک

تقسیم‌بندی کلی انسان‌ها چند نوع نگاه به جهان دارند؛ نگاه دانشمندان که نگاه دقیق و سنجشگر است. نگاه فیلسوفان که معطوف به کل جهان است و نگاه عارفان که جهان را یک وجود بیشتر نمی‌بینند و آن وجود خداست؛ اما شاعر کسی است که هر چیزی در دنیا را دوست دارد چیز دیگری

بینند

در شاهنامه آموزگاری می‌کند، گفت: «ایرانیان پس از دوران مشروطه، گرفتار تفکری شدند که هر کس برای مستقل بودن باید طرز تفکر خاصی داشته باشند؛ پرداختن فردوسی به وحدت مردم در شاهنامه، می‌تواند یکی از پادزهرهای گسست در بین مردم باشد.»

میرشکاک بینش فردوسی را یک بینش شگرف دانست و گفت: «انسان ایرانی با رجوع به حافظ نمی‌تواند خودش را بشناسد. ما با رجوع به سعدی، با وجه عاطفی خودمان روبه‌رو می‌شویم؛ اما فردوسی تمام وجه انسان ایرانی را نشان می‌دهد. خطری که امروز انسان ایرانی را تهدید می‌کند، بی‌هویتی است با خواندن شاهنامه ایرانی می‌مانیم. فردوسی به باورهای ماعمی می‌دهد و ریشه‌مان را به ژرفای می‌رساند.»

در ادامه برنامه روز سوم اردو، «قریان ولیئی» در میحی درباره «زیستن در جهان شعر» برای شاعران جوان هشتمین دوره آفتابگردان‌ها گفت: «کمتر کسی جهان واقعی را به آن صورتی که هست، می‌بیند. دیدن چهره واقعی جهان آرزوی پیامبران و اولیا بوده است؛ جالب است هر کدام از انسان‌ها جهانی برای خودشان ساخته‌اند و در آن جهان زندگی می‌کنند، برخی نزدیک به واقعیت و برخی دورتر از واقعیت‌ها جهان خود را بنا کرده‌اند.»

این استاد دانشگاه عنوان کرد: «در یک تقسیم‌بندی کلی انسان‌ها چند نوع نگاه به جهان دارند؛ نگاه دانشمندان که نگاه دقیق و سنجشگر است. نگاه فیلسوفان که معطوف به کل جهان است و نگاه عارفان که جهان را یک وجود بیشتر نمی‌بینند و آن وجود خداست؛ اما شاعر کسی است که هر چیزی در دنیا را دوست دارد چیز دیگری ببیند.»

این شاعر با بیان اینکه کار فضای مجازی و رسانه‌ها کشف و خنثی کردن استعداد های هنری است، گفت: «اولین قدم در شاعری خلوت و خواندن است. یکی از بهترین چیزها برای هنرمند توفیق فکر کردن و در مسیر اندیشیدن قرار گرفتن است. هنر باید حداقل خودت را رشد دهد. هنرمندان بر لبه تیغ راه می‌روند.»

ولیئی یکی دیگر از مسائل مربوط به زیست شاعران نحوه

« در پی درگذشت حضرت آیت الله طبرسی، نماینده سابق ولی فقیه در استان مازندران، حجه الاسلام والمسلمین معزی نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر با صدور پیامی ارتحال این عالم را تسلیت گفت. به گزارش پایگاه اطلاع رسانی حوزه نمایندگی ولی فقیه، متن این پیام بدین شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم

انا لله وانا اليه راجعون؛ اذا مات العالم ثلم في الاسلام ثلمه لا يسدها شيء  
خبر درگذشت حضرت آیت الله طبرسی، عالم بزرگوار و همراه همیشگی و دیرین انقلاب اسلامی و نماینده مقام معظم رهبری (مدظله العالی) که سال‌ها مسئولیت امامت جمعه و نمایندگی ولی فقیه در استان مازندران را عهده دار بود موجب تأثر خاطر و اندوه اینجانب و همه علاقه مندان و شاگردان و آحاد مردم شریف استان مازندران گردید. مردی که همواره امید محرومان، نیازمندان و مددخواهان بود و با همین انگیزه سال‌ها نیز مسئولیت دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان را با شور و اشتیاقی تمام برعهده داشت.

لازم است این مصیبت را به خانواده محترم و بازماندگان ایشان و همچنین به همه امدادگران و کارکنان جمعیت هلال احمر استان مازندران و مردم شریف آن استان تسلیت عرض نموده و از خداوند منان برای آن مرحوم علو درجات مسئلت نمایم. □



## پیام تسلیت نماینده ولی فقیه در هلال احمر به مناسبت درگذشت آیت الله طبرسی

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه

در هلال احمر خوزستان خبر داد

## برپایی کانون طلاب در «تاراز»

« مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر



خوزستان، با حضور در پایگاه امداد و نجات از روند امدادسانی همکاران این پایگاه بازدید کرد.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی

حوزه نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر به نقل از تارنامی اطلاع رسانی جمعیت هلال احمر استان خوزستان؛ حجت الاسلام والمسلمین محمد انصاری با حضور در شهرستان اندیکا، ضمن بازدید از فضاهای امدادی این شعبه و پایگاه امداد و نجات تاراز در جمع صمیمی امدادگران و همکاران این پایگاه نقطه نظرات و پیشنهادهای نجاتگران را دریافت و از تلاش‌های آنان در ارائه خدمت به مردم شریف استان تقدیر کرد و بر ایجاد فضای معنوی در منطقه گردشگری تاراز با همکاری و هماهنگی حوزه علمیه اندیکا تاکید کرد.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر خوزستان در ادامه با اشاره به نشست مشترک با رئیس حوزه علمیه شهرستان اندیکا و تبیین جایگاه و شرح وظایف جمعیت هلال احمر، از هماهنگی جهت برپایی کانون‌های طلاب و برگزاری نمازهای جماعت در منطقه تاراز خبر داد. □

نماینده ولی فقیه در استان اصفهان:

## خدمات بزرگ هلال احمر در محرومیت زدایی را منعکس کنید

« مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه و مدیرعامل جمعیت هلال احمر در استان اصفهان با آیت الله مظاهری دیدار کردند.

آیت الله مظاهری در این دیدار با تاکید بر بسترسازی نظام جمهوری اسلامی برای خدمت به مردم، یادآور شد: این سطح از اقدامات و خدمات رسانی جمعیت هلال احمر در



راستای تقویت نظام جمهوری اسلامی است.

وی با اشاره به فرمایشات حضرت امام خمینی (ره) که فرمودند خدمات خود را به مردم برسانید، خواستار اطلاع رسانی و انعکاس خدمات بزرگ جمعیت هلال احمر در محرومیت زدایی و کمک به افراد نیازمند و درگیر بلایای طبیعی شد.

رئیس حوزه علمیه اصفهان با قدردانی و اظهار رضایت از عملکرد جمعیت هلال احمر استان در انجام مأموریت‌های محوله، بر لزوم انعکاس برنامه‌های چشمگیر هلال احمر در جامعه تاکید و فراگیری گسترده انتشار فعالیت‌های خیرخواهانه آن را از وظایف مسئولان و دست اندرکاران رسانه‌ای عنوان کرد. آیت الله مظاهری در ادامه سخنان خود، نعمت و وجود آیت الله مهدوی را در جمعیت هلال احمر استان اصفهان موهبت الهی و برکات حضور وی را توفیق بزرگی دانست. □



## برندگان شماره ۵۰



اسداله دادور، گلستان	۹۱۱۱۷۷۵ **۶
ابراهیم نصیری، خراسان جنوبی	۹۱۵۳۶۲۲ **۱
علی حسام، گلستان	۹۳۷۹۸۶۶ **۸
هادی احسان دوست، فارس	۹۱۷۹۳۲۳ **۷
محسن خرم، مرکزی	۹۱۹۵۶۸۵ **۱
محمد نعمتی، فارس	۹۱۷۲۰۱۳ **۶
امیرعلی رحیمی دولت آباد، یاسوج	۹۱۷۷۴۳۲ **۶
صادق سلمانی، خراسان جنوبی	۹۳۳۷۳۹۸ **۰
منیر ذوالقدر، قزوین	۹۱۲۷۸۴۵ **۸
حمیدرضا احمدی، فارس	۹۱۷۳۳۲۸ **۹
علی قائدی، چهارمحال و بختیاری	۹۱۳۲۸۳۱ **۰
حمیدرضا کرمانی، قم	۹۱۲۷۵۴۳ **۰
نازنین رضایی، فارس	۹۱۷۸۴۶۰ **۰
سعید غیاث آبادی، مرکزی	۹۳۳۲۸۶۵ **۵
سمیه سلاق، گلستان	۹۱۱۹۷۱۵ **۴
میثم داودی، فارس	۹۱۷۳۲۴۸ **۱
سحر حاتمان، کهگیلویه و بویراحمد	۹۱۷۷۴۲۱ **۴
رحمان اسعدی شریانی، تهران	۹۱۹۴۷۸۰ **۴
علیرضا شمس آبادی، خراسان جنوبی	۹۱۵۷۵۵۰ **۶
سجاد برداری، قم	۹۰۳۴۶۰۷ **۳
خدیجه قادری، مرکزی	۹۲۲۴۴۷۸ **۹
مرتضی حقانی، خراسان رضوی	۹۱۵۵۳۳۵ **۹
رضا عسگری، زنجان	۹۱۲۷۴۴۲ **۱
منوچهر شریف زاده، اصفهان	۹۲۱۴۷۲۷ **۶
اکبر زبرد، فارس	۹۱۷۷۰۳۲ **۳
مهرناز ابوالقاسمی، خراسان جنوبی	۹۱۵۵۶۰۶ **۷
مهراب پودش، چهارمحال و بختیاری	۹۱۳۳۸۲۷ **۰
صفر میرزایی، آذربایجان شرقی	۹۱۴۳۱۱۶ **۴
حسن نعمت الهی، فارس	۹۱۷۲۱۵۲ **۱
سید روح الله حبیب پور، کهگیلویه و بویراحمد	۹۱۷۳۴۱۵ **۱
علی مالکی، اصفهان	۹۱۳۳۲۳۴ **۰
زهره کریمی، کرمانشاه	۹۳۳۹۷۵۲ **۷
زهره دهقان قلعه‌چه، خراسان رضوی	۹۳۵۵۲۵۴ **۸
نعمت... قاسمی، یزد	۹۹۱۳۷۰۱ **۸
۱ محمدطاها خسروی، خراسان جنوبی	۹۹۲۱۱۳۸ **۶
شهرام حسینی، چهارمحال و بختیاری	۹۱۰۳۱۲۰ **۱
محمد رضائی، خراسان رضوی	۹۱۵۱۸۳۱ **۲
ساعده رحیمی دولت آباد، یاسوج	۹۳۹۷۱۴۳ **۸
مهرزاد نجفی، فارس	۹۱۷۵۸۲۷ **۹
صدیقه چمن، کهگیلویه و بویراحمد	۹۱۷۷۴۱۱ **۸

## برندگان شماره ۴۹



ابراهیم دانش، خراسان جنوبی	۹۱۵۹۶۴۸ **۰
افسانه غلامی، فارس	۹۱۷۴۳۳۶ **۲
حمیدرضا رحیمی دولت آباد، یاسوج	۹۱۶۴۷۰۴ **۰
سید محمد صالح موسوی فرد، فارس	۹۱۷۳۹۱۲ **۳
ماهرخ دیلمی، کرج	۹۱۲۶۶۳۲ **۳
رحیم جهانشیری، خراسان رضوی	۹۱۵۳۳۳۸ **۶
اسماعیل مرادیان، کهگیلویه و بویراحمد	۹۱۷۷۴۱۰ **۷
پروین آرنر، آذربایجان غربی	۹۱۴۱۴۹۸ **۷
محمد رضا کشتکاری، بوشهر	۹۱۷۹۰۶۳ **۴
نرگس رجائی، خراسان رضوی	۹۳۶۸۲۵۸ **۸
حسین دیده روشن، فارس	۹۳۸۷۶۳۷ **۷
فرانگیز پوریوسفی، کرمان	۹۱۳۳۹۷۹ **۳
نازنین پیرهادی، مرکزی	۹۱۰۰۸۴۹ **۲
معصومه اصفهانی، خراسان رضوی	۹۱۵۵۱۹۴ **۵
محمد رضا علیدوست، مرکزی	۹۱۲۰۹۴۱ **۲
مهدی مسعودزاده، فارس	۹۱۷۸۲۳۵ **۸
مریم رضایی، فارس	۹۳۷۲۹۳۹ **۷
الهام محمودیان، چهارمحال و بختیاری	۹۱۳۳۸۱۳ **۵
حجت هادی، خراسان رضوی	۹۳۰۲۵۷۷ **۹
آرزو موسوی، اردبیل	۹۳۷۳۸۳۶ **۹
حمیدرضا دیندارلو، فارس	۹۳۷۷۷۳۵ **۸
رقیه میرزایی، آذربایجان غربی	۹۲۱۴۳۷۴ **۹
فرشته بتویی، خراسان رضوی	۹۱۵۴۱۴۲ **۲
مهدی هادی، آذربایجان شرقی	۹۱۴۱۰۰۱ **۵
زهرا آسترکی، لرستان	۹۱۶۶۶۹۳ **۶
مرتضی خادم زاده، کرمان	۹۱۳۱۹۹۸ **۶
مهرالسادات نوربخش، چهارمحال و بختیاری	۹۱۳۱۸۳۸ **۷
سهیلا خالدی، فارس	۹۳۶۶۷۲۹ **۲
صفر اکبریور، آذربایجان شرقی	۹۱۴۴۱۳۷ **۶
احسان خلیلی راد، خراسان جنوبی	۹۳۰۸۴۴۰ **۹
میثم یارمحمدی، فارس	۹۳۸۴۹۸۷ **۸
فاطمه افضلی، خراسان رضوی	۹۱۵۸۶۰۳ **۷
سارا سورگی، خراسان جنوبی	۹۰۳۰۵۸۹ **۶
محمد حیدری پور	۹۱۳۱۴۴۲ **۲
مهدی حاتمی بهابادی، یزد	۹۱۳۸۵۷۴ **۵
الهام پورحسینعلی، کرمان	۹۱۳۶۶۱۱ **۲
حلیمه صلاحی، کهگیلویه و بویراحمد	۹۱۷۷۴۱۳ **۰
زهرا حسینی زاده مقدم، خراسان رضوی	۹۱۵۹۰۶۹ **۴
فرحناز افشاریان، خراسان جنوبی	۹۱۵۳۶۳۲ **۵
امیدرضا یآوری، کرمانشاه	۹۱۸۷۵۴۳ **۳



زمان ارسال پیام تا ۲۰ فروردین

## « مسابقه پیامکی مروبا »

علاقه مندان به شرکت در مسابقه پیامکی مهروماه می توانند با مطالعه سؤالات زیر، پاسخ آن را در بخش های مختلف مجله پیدا و به سامانه ۳۰۰۰۴۸۶۶۴۴ ارسال کنند.

پاسخ شما باید یک عدد ۸ رقمی باشد که هر رقم آن گزینه صحیح هر یک از سؤالات است. به طور مثال: در سوال یک، پاسخ شماره ۲ صحیح است و در سوال ۲ گزینه شماره ۴ و در سوال ۳ گزینه شماره ۱ و... عدد گزینه ارسالی شما این خواهد بود: ۲۴۱۰۰۰  
ضمناً همراه عددهای ارسالی، نام و نام خانوادگی خود، نام استان و محل خدمت تان را قید کنید.

به برگزیدگان جوایزی اهدا می شود.



۱۰ بر اساس بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی، بحران محیط زیست حاصل چیست؟  
۱. استفاده نادرست از منابع طبیعی ۲. خودخواهی انسان ۳. طمع قدرت های بزرگ ۴. جهل بشر

۱۱ شخصیت محوری فیلم «بیست و سه نفر» کیست؟  
۱. مهدی جعفری ۲. شهید همت ۳. شهید جهان آرا ۴. ملا صالح قاری

۱۲ هادی حجازی فر در فیلم «ایستاده در غبار» نقش کدام یک از سرداران دفاع مقدس را بازی می کنند؟  
۱. حاج احمد متوسلیان ۲. شهید بابایی ۳. شهید دوران ۴. شهید آبناسان

۱۳ رمان «ملدش» خاطرات کدام یک از شخصیت های زیر را روایت می کند؟  
۱. قاری قرآن ۲. ذاکر اهل بیت ۳. طلبه مبلغ ۴. رزمنده دفاع مقدس

۱۴ حضرت علی (ع) ریشه همه اخلاق های رذیله را چه چیزی می دانند؟  
۱. دنائت ۲. دروغ ۳. حرص ۴. غیبت

۱۵ امیرالمومنین (ع) چه چیزی را عامل «وحشت عقل» می دانند؟  
۱. تعصب ۲. یأس ۳. ریا ۴. تهیدستی

۱۶ این مصرع از کیست؟ «بنشین که چراغ برف روشن شده است»  
۱. شفیعی کدکنی ۲. امیری اسفندقه ۳. موسی بیدج ۴. نزار قبانی

۱۷ موضوع رمان «روایت دلخواه پسری شبیه سمیر» چیست؟  
۱. دفاع مقدس ۲. انقلاب اسلامی ایران ۳. صدر اسلام ۴. کربلا

## ویژگی کرونا

مقایسه ویژگی های کرونا  
آنفلوآنزا و سرماخوردگی



ویژگی ها	کرونا ویروس	آنفلوآنزا	سرماخوردگی
سرعت شروع	تدریجی	ناگهانی	تدریجی
تب	شایع، کمتر از ۴۰ درجه	شایع، بیشتر از ۴۰ درجه	نادر، کمتر از ۴۰ درجه
لرز	نادر، خفیف	شایع، شدید	نادر، با شدت متوسط
سردرد	نادر، ۷٪	خیلی، شایع	نادر
سرفه	شایع، ۶۰٪ خشک	شایع، مرطوب	نادر، خشک
گلودرد	نادر، ۲۰٪	شایع	شایع
درد عضلانی	نسبتاً نادر، ۳۵٪	خیلی شایع	نادر، خفیف
آبریزش بینی	بسیار نادر	نادر	خیلی شایع
احساس گرفتگی بینی	بسیار نادر	نادر	خیلی شایع
عطسه	بسیار نادر	بسیار نادر	خیلی شایع
بی اشتهاپی	نسبتاً شایع ۴۰٪	شایع	نسبتاً شایع
شکم درد	نادر، ۳٪	نادر	خیلی نادر
تهوع و استفراغ	نادر، کمتر از ۱۰٪	نسبتاً شایع، ۲۵٪	خیلی نادر
اسهال	نادر، ۱۰٪	نسبتاً شایع، ۲۵٪	معمولاً عارض نمی شود
تاثیر عوامل زمینه ساز	کاملاً موثر	کاملاً موثر	نه چندان موثر
احساس ناراحتی در قفسه سینه	شایع، شدید	بیشتر و شدت متوسط	نادر و خفیف

مقایسه ویژگی های بیماری کرونا با آنفلوآنزا و سرماخوردگی

